

احادیث مشنوی

مشمول بر مواردیکه مولانا
در مثنوی از احادیث استفاده کرده
با ذکر وجوه روایت و مآخذ آنها

چاپ سوم

- به جمع و تدوین
بدیع الزمان فروزانفر



بها: ۲۸۰ ریال



کتابخانه ملی ایران

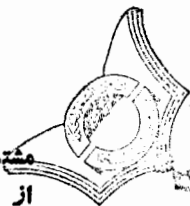
بیان زمان در افر

۱	۱
۳	۵

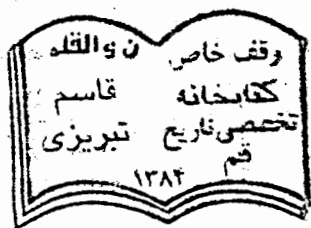
۱۱۰۰
۴۱ ۱ ۶

احادیث معتبره

مشمول بره واردیکه مولانا درمثنوی
از احادیث استفاده کرده است
با ذکر وجوه روایت و مآخذ آنها



قاسم
کتابخانه شخصی آیینان
۱۳۷۶



چاپ سوم

بجمع و تدوین

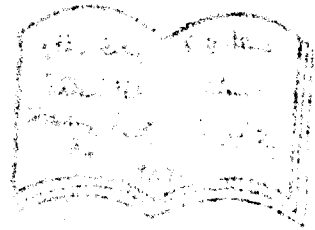


کتابخانه شخصی آیینان
بدیع الزمان فروزانفر

استاد دانشگاه تهران



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۶۱



فروزانقر، بدیع الزمان

احادیث مثنوی

چاپ دوم: ۱۳۴۷

چاپ سوم: ۱۳۶۱

چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران

حق چاپ محفوظ است

تیراژ: ۱۱/۰۰۰ نسخه

بسم الله الرحمن الرحيم

بعدالحمد والصلوة. گذشته از قرآن کریم که نبشته خدای و کلام حضرت عزت است هیچ سخن را آن ارج و قدر و عظمت و نبالت نبوده نیست و مسلمین جهان آنمایه بدان اهتمام نورزیده اند که بحديث رسول (ﷺ) و اخبار معصومین سلام الله علیهم. حفظ و ضبط اقوال حضرت رسول اکرم (ﷺ) هم در زمان حیات مورد اهتمام و توجه صحابه بود و بعضی چون عبدالله بن عمرو بن العاص آنها را بقید کتابت نیز در می آوردند و چون جمال کریم وی روی در تنق غیرت کشید و بصورت در حجاب مکرمت حق مخفی گردید عنایت اصحاب بجمع و تدوین گفتار و آداب و سنن نبوی فزونی گرفت و وسعت مملکت اسلام و احتیاج روزافزون مسلمانان بوضع قوانین و احکام، این عنایت را مضاعف ساخت و شدت ایمان و اخلاص که موجب تأدب و تخلق بآداب و اخلاق نبوی بود و بضرورت مسلمانان را باستقصای بلیغ در جمع سنن و اقوال آن سرچشمه فیاض اخلاق و اوصاف ملکوتی و ادار میگرد، بدین اسباب ضمیمه گشت تا مسلمانان جمع و حفظ حدیث را از اهم وظایف علمی و دینی خود قرار دادند و با شور و شوقی شگفت و عشق و طلبی راستین بجمع و نقل و حفظ و تقیید آن پرداختند چندانکه برای سماع خبر و روایتی تکلف سفرهای دور و دراز را امری سهل گرفتند و مال و عمر عزیز را درین راه مردوار و عاشق آسا در باختند و هنوز قرن اول سپری نشده جمع کثیری از تابعین و ائمه اسلام بوفور روایت و کثرت نقل حدیث شهره و انگشت نما شدند و چون نوبت بتدوین و کتابت علوم رسید نخستین فنی که مطمح نظر و عنایت شد همین فن شریف بود و علمای بزرگ از روی کمال صدق و یکدلی احادیث نبوی را در بطون صحائف و اوراق

ب

ثبت نمودند و بحث در حدیث از جهت مراتب رواة در صدق و امانت و قرب و علو اسناد و صحت نقل و ضعف روايت آغاز گردید و چون اخبار نبوی مستند جمیع فرق اسلامی بود و احتمال بلکه قطع بوضع و جعل روايت در بعضی موارد و از طرف پاره‌یی از فرق و طوائف انکار ناپذیر می نمود دقت و بحث در احوال رواة واجب و لازم آمد و درایه و معرفت رجال فنی جداگانه و مستقل گردید و چنانکه پوشیده نیست فقها و متکلمین و مفسرین و دیگر طبقات علمای اسلام در اثبات و تقریر مطالب و عقاید خود تا جاییکه دسترس داشته‌اند با حدیث استناد جسته‌اند و درین روش کار بدانجا کشیده‌است که بعض اطبا و منجمین و جغرافی نویسان نیز از طریق علمای دین پیروی نموده‌اند و همچنین اصولی که محدثین در تشخیص مراتب روايت از صحیح و سقیم و قوی و ضعیف و درجات رواة از عدل و ثقه و ضعیف الاسناد و ثبت و کذوب و نظائر آنها اتخاذ کرده‌اند در حقیقت مبنای نقد ادبی و لغوی و تاریخی قرار گرفت و بزرگان ادبا و لغویین و مورخین نکات ادبی و نوادر لغت و اخبار و حوادث تاریخی را با ذکر سلسله رواة نقل می نمودند و نظر بآنکه احادیث از جهت فصاحت و بلاغت و حسن ایجاز و اشتمال بر اصول معارف الهی و بشری پس از قرآن کریم بحکم انا افصح من نطق بالضاد و اوثیت جوامع الکلم در زبان عرب بی همتا و نظیر بود ادبا و مترسلین و شعرا برای تحصیل ملکه بلاغت و نیز آرایش گفتار و توشیح و تدییج مکاتیب و رسائل و قصائد و مقطعات خود در حفظ و ایراد احادیث می کوشیدند و اندیشه و رویت کار می بستند و بسیاری از امرا و وزرا که مشوق شعرا و حامی کتاب و نویسندگان بودند خود از رواة حدیث بشمار میرفتند چنانکه از امرا و شهریاران سامانی امیر احمد بن اسد بن سامان (متوفی ۲۵۰) و فرزندان وی ابو ابراهیم اسمعیل بن احمد (متوفی در ماه صفر ۲۹۵) و ابو الحسین نصر بن احمد (متوفی در جمادی الاخره ۲۷۹) و ابو یعقوب اسحق بن احمد (متوفی ۲۱ صفر ۳۰۱) در طبقات رواة ذکر شده‌اند و ابو الفضل محمد بن عبیدالله بلعمی وزیر مشهور سامانیان (متوفی دهم صفر ۳۲۹) روايت حدیث میکرده است و امیر ابراهیم بن ابی عمران سیمجور

ج

و پسر او ابو الحسن (ناصر الدوله) محمد بن ابراهیم از اکابر امرای سامانی و سالار خراسان در عداد رواة حدیث بشمارند و ابوعلی مظفر (یا محمد) بن ابو الحسن (مقتول رجب ۳۸۸) که امیر خراسان بود و دعوی استقلال میکرد راوی حدیث بود و مجلس املاء داشت و ابو عبد الله حاکم بن البیع (متوفی ۴۰۵) از وی سماع داشته است (انساب سمعانی در ذیل کلمه: سامانی و بلعمی و سیمجوری) و همچنین یمین الدوله محمود غزنوی (۳۸۹ - ۴۲۱) در معرفت فقه و حدیث دست داشته و از علوم دینی مطلع بوده است و عتبی در این باره میگوید: فقرأ الكتب وسمع التأویل و تتبع القیاس و الدلیل و عرف الناسخ و المنسوخ و الخبر الصحيح و الموضوع و تلقن من اصول الدین ما لم يستجزمه بعده (تاریخ عتبی در حاشیه منینی طبع مصر صفحه ۲۳۹) و در فقه بر وفق مذهب ابو حنیفه نعمان بن ثابت (متوفی ۱۵۰) کتابی بنام تفرید بدو نسبت میدهند (الجواهر المضية، طبع حیدرآباد، ج ۲، ص ۱۵۷ کشف الظنون طبع آستانه، ج ۱، ص ۲۹۷) و مؤلف الجواهر المضية نام وی را در شمار فقهاء حنفیه آورده و بنقل از شیخ الاسلام مسعود بن شبیه گوید که وی از اعیان فقهاء و در فقه و حدیث صاحب تصنیف بوده است (الجواهر المضية، ج ۲، ص ۱۵۷) و همچنین خوارزمشاه تکش بن ایل ارسلان (متوفی ۵۹۶) فقه را بمذهب ابو حنیفه یاد گرفته بود و در مجلس وی مسائل فقه و اصول مذهب طرح میشد و اهل فن بحث و گفتگو می پرداختند (الجامع المختصر طبع بغداد، ص ۳۵) و غیاث الدین محمد بن سام غوری (متوفی ۵۹۹) از فقه شافعی بی اطلاع نبوده است (همان کتاب، ص ۱۰۵) و هیچ شک نیست که شعراء پارسی گوی نیز غالباً در ضمن تعلم لغت و ادب کتب حدیث را که بهترین نمونه کلام فصیح عربی است خوانده و در حفظ داشته‌اند و از قدیم‌ترین عهد تأثیر مضامین احادیث در شعر پارسی محسوس است چنانکه این قطعه رودکی:

زمانه پندی آزاد وار داد مرا	زمانه را چونکو بنگری همه پند است
بروز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری	بسا کسا که بروز تو آرزومند است

تعبیر است شاعرانه و لطف آمیز از این حدیث :

أَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكُمْ
فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزِدَّوْا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

(احیاء العلوم طبع مصر، ج ۲، ص ۱۵۹ جامع صغیر، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۰۸)

همچنین بیت ذیل :

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است
بی گمان ترجمه گونه‌ی است از این حدیث :

الدُّنْيَا حُلْمٌ . که مأخذ آن در کتاب حاضر صفحه ۸۱ ذکر شده است .
و ظاهراً استاد سمرقند خود نیز از رواة حدیث بشمار میرفته هر چند که
سمعانی در باره وی گفته است : لَمْ أَرَ لَهُ حَدِيثًا مُسْنَدًا . (انساب، در ذیل رودکی)
و تأثیر احادیث در سائر آثار منظوم و منثور قرن چهارم نیز کم و بیش مشهود
میگردد .

از اواخر قرن چهارم که فرهنگ اسلامی انتشار تمام یافت و مدارس در
نقاط مختلف تأسیس شد و دیانت اسلام بر سائر ادیان غالب آمد و مقاومت زردشتیان
در همه بلاد ایران با شکست قطعی و نهایی مواجه گردید و فرهنگ ایرانی بصبغة
اسلامی جلوه‌گری آغاز نهاد و پایه تعلیمات بر اساس ادبیات عربی و مبنای دین
اسلام قرار گرفت بالطبع توجه شعرا و نویسندگان بنقل الفاظ و مضامین حدیث
فزوننی گرفت و کلمات و امثال و حکم پیشینیان در نظم و نثر کمتر می آمد چنانکه
بحسب مقایسه در سخن دقیقی و فردوسی و دیگر شعراء عهد سامانی و اوائل عهد
غزنوی نام زردشت و اوستا و بزرجمهر و حکم وی بیشتر دیده میشود تا در اشعار
عصری و فرخی و منوچهری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم میزیسته‌اند .
و چون حکومت سلجوقی در بلاد ایران مستقر آمد رجال و وزراء آن
دولت در انشاء مدارس اسلامی مسابقت جستند و بهم چشمی یکدیگر برای ترویج

مذهبی که پیرو آن بودند مدارس بنا نهادند و برای رفاه طلاب و مدرسین آن مدارس، املاک و مزارع حاصل خیز وقف کردند تا در نتیجه تحصیل علوم دینی رواج تمام یافت و عده طلاب روی در ازدیاد نهاد و مجالس درس و بحث و نظر گذشته از شهرها دردهات و قصبات رونقی بسزا گرفت و شعرا و نویسندگان که بالضروره در همین مدارس تربیت میشدند سرمایه کافی از علوم دینی و فنون مذهبی بدست می آوردند و از آنجا که گفتار هر گوینده خواه نظم باشد یا نثر ظهور و جلوه مراتب تربیت و تفکر اوست خواه و ناخواه از مبانی دینی متأثر بودند و گفتار خود را باحادیث و اقوال ائمه دین (سلام الله علیهم) آرایش می دادند.

بسط و توسعه و عظم و تذکیر و ظهور و عاظم بزرگ از قبیل محمد و احمد غزالی (متوفی ۵۰۵ و ۵۲۱) و قطب الدین مظفر بن اردشیر عبادی (متوفی ۵۴۷) و ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی (متوفی ۵۹۷) که در وعظ قدرت بی نهایت داشتند و تأثیر کلامشان در مستمعین بیرون از حد وصف بود و اقبال عامه ناس بمجالس وعظ که قطعاً پایه و مایه اصلی آن بحث در آیات و روایات و ذکر نکات و دقائق و حل مشکلات و تأویل آنها بشمار میرفت راه را برای شعرا و گویندگان در اقتباس از قرآن و حدیث هموار ساخت زیرا غالب آن موارد را مردم یا در مدرسه خوانده و یا در مجالس وعظ شنیده بودند و برای آنان حکم مثل داشت و هرگز بگوشها عجب نمی آمد و باصطلاح قرع سمع نمیکرد و این واعظان و مذکران که اغلب از علماء مبرز و مشهور و سخندان و نکته سنج و نادره پرداز بودند اشعار فصیح و گزین بتازی و پارسی از برداشتند و منابر و مجالس خویش را بایات شیوا می آراستند و خود نیز از قریحه شعر و طبع موزون بی نصیب نبودند چنانکه مطالعه احوال آنان بر این معنی دلیل است و محمد عوفی در لباب الالباب (جزو اول) اشعار این طبقه را آورده است و بی هیچ شك و عاظم و مذکران از محفوظات و معلومات دینی خود در نظم و نثر متأثر میشدند و معانی و الفاظ حدیث در شعرشان نمودار میگردد و از طریق دیگر راه را برای نفوذ اخبار

در نظم و شر باز می نمود و با تأمل مختصر در مواعظ سنایی و خاقانی و بعضی قصائد جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی و شیخ سعدی که بر اسلوب و عظمی اسلامی در عبرت از گذشته و بی اعتباری دنیا و خوف از عقاب الیم اخروی پایه گذاری شده است و مقایسه آن با نصایح ابوشکور و شهید و رودکی و فردوسی و ناصر خسرو که بیشتر بر روش حکما در بیان حسن و قبح اخلاق و تحلیل فلسفی آنها مبتنی می باشد میتوان تأثیر و عظمی اسلامی و روش و عظمی را در ادبیات فارسی بدست آورد.

گذشته از اینها تصوف که از قرن دوم هجری از زهد جدا شده و مسلکی بود مبتنی بر عشق و شور و وجد و شوق و بیان اسرار قرآن و حدیث نبوی همواره مورد توجه متفکرین و اصحاب ذوق و روشن بینان و ژرف اندیشگان ایران و دیگر ممالک اسلامی واقع میشد و شعراء باطن بین حکمت اندیش از دیرباز بدین روش گراییده و گرویده بودند و اشعار آتشین جان بخش دل افروز گویندگان صوفی مسلک از قبیل ابوالحسن نوری و شبلی شعله شوق و نایره عشق در دل و جان این طایفه می افکند و چنانکه میدانیم صوفیان بعلل بسیار که اکنون جای بحث در آن نیست سخنان خود را همواره با حدیث و آثار می آراستند و تأیید می نمودند و در شرح رموز و نکات آنها لطف ذوق کار می بستند و باریک اندیشی های عجب میکردند و نکته های لطیف ذوق انگیز شاعرانه در تأویل و بیان آنها می آوردند و از این راه حدیث و خبر را بمذاق هوشمندان ظاهرشکاف حقیقت جوی و نکته یاب نزدیک می ساختند.

شیوع روش صوفیان از قرن سوم و تأسیس خانقاه و بسط و توسعه آن از قرن چهارم و تطبیق اصول معرفت با مبانی حکمت بوسیله ابوعلی سینا و توجیه آن با موازین شرعی و روایات دینی بسعی ابوطالب مکی در « قوت القلوب » و ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی در « صفوة التصوف » و ابو حامد غزالی در « احیاء العلوم » یکباره این مسلک را نفوذ و تأثیری بیش از حد تصور بخشید و هر مستعد صاحب ذوقی را بدان متوجه و منجذب

ساخت و خاصه شعرا را از دربار امرا و سلاطین بحلقه اهل خانقاه در آورد و از مدح و قدح اشخاص و وصف خط و خال و جمال ناپایدار رهایی بخشید و بوصف حقیقت و احوال دل و اسرار نهان و عشق بجمال معشوق باقی سرگرم و مشغول داشت چنانکه از او اسطر قرن پنجم سبکی نو آیین که بزودی پایه شعر فارسی قرار گرفت در وجود آمد و آن روش همانست که آنرا شعر عرفانی و سبک صوفیانه می توان گفت .

با آشنایی شعرا بتصوف راه دیگر از برای نفوذ حدیث و خبر در ادبیات فارسی باز شد و شعراء صوفی مسلک و صوفیان قافیه اندیش که روایات را باتأویلات صوفیانه آموخته و برای هر یک از سنن و رسوم و آداب خانقاهیان خبری صحیح یا ضعیف شنیده و بخاطر سپرده بودند از الفاظ و مضامین خبر پیرایه بی نووزی و دلفریب برپیکر شعر پارسی بستند و عروسان سخن را بدان حلی و حلال آرایش دادند و از این طبقه شاید قدیم ترین کس سنایی غزنوی است که قدرت او در تعبیر و تلفیق مضامین و کلمات و ترکیب آنها با آیات و روایات کم نظیر است و عظمت مقام وی در شاعری و ابداع و حسن سلیقه او در این طریقه (تلفیق حدیث و شعر) راه را برای شعرای واپسین هموار ساخت و خاقانی و نظامی و جمال الدین اصفهانی بتقلید وی بر این اسلوب سخن گفتند و کم و بیش الفاظ و معانی اخبار را در شعر خود آوردند و از میانه سخنوران ایران کسانی که از این هر سه عامل متأثر شده و محدث و مذکر و صوفی بوده اند خبر و روایت در شعر و سخن خویش بیشتر آورده اند از قبیل خواجه عبدالله انصاری و عین القضاة میانجی و شیخ بزرگوار سعدی شیرازی و خداوند گارا اهل معرفت مولانا جلال الدین که کتاب حاضر مشتمل است بر مواردیکه او در مثنوی از احادیث استفاده نموده است .

و سبب تألیف این کتاب آن بود که نگارنده از آنگاه که مثنوی شریف را در مطالعه داشت بهر وقت که در تضاعیف آن بتعبیری از قبیل « در حدیث آمد »

و «گفت پیغمبر، یا» مصطفی فرمود، بر میخورد مایل بود که اصل حدیث را بیرون از تصرفات شاعرانه و دستکاریهای صنعت بدست آورد و ناچار بحواشی و شروح که بر آنها اعتمادی داشت مراجعه میکرد و جوشش درون و طلب باطن را تسکین و آرامشی میداد تا اینکه بتدریج بر عده بی از شروح مثنوی وحاشیه عبداللطیف عباسی موسوم به «لطائف معنوی» دست یافت و از مطالعه و مقایسه آنها متوجه شد که در بعضی موارد هر يك متن خبر را بصورتی نقل کرده و یا آنکه جمله نقل شده را بعضی خبر و دسته‌یی مثل یا از کلمات بزرگان شمرده اند و درین میان عزم کرد و همت بست که فهرستی از مطالب مثنوی که متفرقا در دفاتر ششگانه آمده است ترتیب دهد و فراهم آورد تا بحث در عقاید و افکار مولانا بر اساسی درست و پایه بی استوار میسر گردد و حل مشکلات مثنوی بطرزی بدیع (یعنی بوسیله خود آن و از راه مقایسه مطالب که مکرر شده است) صورت پذیرد و این کار دشوار را که مستلزم دقت و حوصله بسیار است در فروردین ماه ۱۳۲۱ آغاز نهاد و با مطالعه شروح مثنوی و لطائف معنوی و نسخه مثنوی بجمع و مقابله عبداللطیف عباسی (نسخه کتابخانه ملی) فهرستی جامع کلیه مطالب مثنوی مرتب ساخت و این خدمت را بتوفیق خداوند بزرگ و تأیید جانهای پاک در مدت هیجده ماه که آغاز آن فروردین ۱۳۲۱ و انجام آن شهریور ۱۳۲۲ بود و غالب اوقات بدان اشتغال می‌ورزید و وقتی خوش و عیشی روحانی داشت پایان آورد و در نتیجه از احادیث مذکور در مثنوی نیز فهرستی فراهم و مهیا گردانید و زان پس هرگاه در ضمن مطالعه کتب اخبار و حدیث روایتی مناسب آنچه در مثنوی ذکر شده میخواند و می‌یافت آنرا در ذیل شعر و گفته مولانا با ذکر مأخذ مندرج میگردانید تا پس از چندین سال ممارست و مراجعه کتب حدیث، من و مدارك احادیث مثنوی را بطور اغلب بدست آورد و چون بتصحیح کتاب «فیه ما فیه» مشغول شد بار دیگر از آنجهت که بسیاری از احادیث مذکور در آن با مثنوی مشترك است بتتبع و تحقیق پرداخت و بسیاری از کتب حدیث را و از آنجمله صحیح بخاری و مسلم و نوادر الاصول

محمد بن علی حکیم ترمذی و نیز حلیۃ الاولیا و فوت القلوب و احیاء العلوم و فتوحات مکیه (از کتب متصوفه) از ابتدا تا انتها خواند و برای بعض آنها از قبیل حلیۃ الاولیا و احیاء العلوم و فتوحات فهرست جدا گانه آماده نمود و در نتیجه متوجه گردید که مولانا در بسیاری از موارد بمضمون یا لفظ خبری نظر داشته و شارحان و حاشیه نویسان از این معنی غفلت ورزیده اند و از اینرو بخوبی از عهده تفسیر و توجیه گفته آن استاد مطلع و متبحر که روایت حدیث یکی از شعب اطلاعات وی بشمار میرفت بر نیامده اند بدین جهت محصول استنباط و تفحص خود را بر آن فهرست که از احادیث مثنوی گرد آورده بود اضافه کرد که نمره آن تدوین کتابی شد مشتمل بر مواردیکه مولانا در مثنوی از لفظ و معنی احادیث استفاده کرده یا بدانها اشارت گونه‌یی نموده است .

در بهار سال ۱۳۳۳ بموجب تقاضا و درخواست مؤلف، انجمن تألیف و ترجمه و شورای محترم دانشگاه طهران موافقت نمود که کتاب حاضر در جزو سلسله انتشارات دانشگاه بطبع رسد و بی درنگ وسائل چاپ کتاب فراهم گردید و دو فرم از آن بحلیۃ طبع در آمد و امید میرفت که با علاقه تمام و کامل اداره انتشارات دانشگاه این تألیف در مدت اندک و تا پایان سال ۱۳۳۳ بزور طبع در آید و بمطالعه طالبان و عاشقان آثار مولانا زیادت شرفی حاصل کند لیکن در ۲۷ شهریور ماه آن سال نگارنده بسبب تصادفی که اگر حفظ حق و عنایت اولیا، وی نبود تا نیستی و عدم سرمویی بیش فاصله نداشت رنجور و شکسته بال بر بستر ناتوانی افتاد و شرح آن چنانست :

روز شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۳۳ که مؤلف بجهت مراجعه بکتاب و یادداشت‌های خود ازשמیران بشهر آمده بود در سرپیچ خیابان بهار و تحت جمشید تا کسی که در آن نشسته بود، با یکی ازین اتوبوسهای گرافه سیرگستاخ رو (مرسدس بنز) بازخورد و از آسیب و کوب آن، استخوان کتف و پهلوی چپ سخت کوفته شد و ترقوه از سه جا شکست و از زیر پیراهن شکستگیها نمودار گردید و بنده برفور

بوسیلهٔ مسّ ظاهر جلد حادثه را دریافت و بادرست شکسته و تن رنجور بعنایت حق تعالی خویش را بدیرخانهٔ دانشگاه رسانید و از حسن اتفاق و لطف نظر خدای بزرگ که کس هر کس و یار هر ضعیف است دانشمند محترم آقای حسین گل گلاب استاد فاضل دانشگاه طهران آنجا حضور داشت و بی فوت وقت بنده را بیمارستان رسانید و جناب آقای دکتر جهانگیر وثوقی استاد محترم و وظیفه شناس دانشکدهٔ پزشکی بادقت و محبت و مراقبتی که شایستهٔ طبیعی عالم و واقف بشرف طبابت است معاینه کرد و شکستگی را تشخیص نمود و متصدیان دستگاه عکاسی آن بیمارستان نیز باسرع وقت و با کمال دلسوزی از کتف و پهلوی و بازوی آسیب رسیده وی عکس گرفتند و تشخیص بتحقیق پیوست و آن طیب مهربان کاردان بلطف و چربدستی خاص استخوان پاره‌های شکسته را بجای خویش باز برد و دست و کتف را بست و دراین عمل دقیق چنان سرعت کار بست و کارکنان بخش دلسوزی بخرج دادند که از وقت تصادف تا خروج بنده از بیمارستان يك ساعت و نیم یش نکشید و درایام رنجوری نیز مهربانی و شفقت از حد گذرانید و تا باز کردن دست و بهبود استخوان مراقبت باز نگرفت و غمخواری بی اندازه نمود و اگر اهتمام وی (مقرون بعنایات پروردگار) وجود نداشت هیچ پدید نبود که بنده باسر این تألیف کی و چگونه تواند رسید و از این جهت شکر و حق شناسی این جراح والاقدر بر بنده فرض عین است و بحکم این فرض لازم شناخت که در این مقدمه بشرح این حادثه پردازد و وظیفهٔ سپاس و حق شناسی را بادا رساند. فلیسعدالمنطق ان لم یسعدالاحال.

و چون روزی سه یا چهار برآمد و آرامشی در حال پدید گشت و سورت درد فرو کاست اندیشه در تکمیل این تألیف بکار برد و مصلحت در آن دید که بار دیگر ایام را بخواندن و تفحص کتب حدیث مشغول دارد و از شفاخانهٔ کلام رسول و عترت پاکش تسکین آلام خویش را درمان طلبد و بدین نیت اصول کافی و مسند احمد و مستدرک حاکم را (من اولها عن آخرها) مطالعه نمود و آنچه بامضامین

ایات مثنوی مناسب یافت برنج بسیار بر کاغذ پاره‌ها تعلیق کرد و بر موارد کثیر مطلع شد که در فهرست احادیث مثنوی درج نکرده بود و زان پس که روزگار رنجوری و نالانی سپری گردید برای آنکه شاید بکمال مطلوب و استقصای تمامتر نائل آید (از اواسط دفتر اول) مطالعه مثنوی را با مراجعه شرح یوسف بن احمد مولوی و خواجه ایوب و بحر العلوم از سر گرفت و در این نوبت که بتأمل پیش میرفت بارتباط مثنوی با حدیث واقف‌تر شد و مواضع بسیار بر فهرست سابق افزود و برای تکمیل کار و از آن نظر که هیچ اشاره بی فروگذار نشود آنچه شارحان مثنوی آورده بودند در کتاب درج کرد هر چند در صحت منقولات ایشان خاصه آنچه در شرح بحر العلوم بالانفراد آمده است تردیدی قوی داشت ولی همه کس دانند که حدیث دریای بی ساحل و عالم بی منتهی است و با مآخذ اندک و تتبع ناچیزی که ما داریم حکم کردن که این جمله حدیث است و آن دیگر حدیث نیست بگستاخی شبیه‌تر می‌نماید تا بتحقیق درست و عالمانه و چه بسیار مواضع که گمان نمیرفت در کتب حدیث بدست آید و پس از فحص و مراجعه نگارنده بر اسناد و مآخذ آنها اطلاع یافت و دانست که از احادیث صحیحیه بشمار است.

اما ترتیب کتاب چنانست که مؤلف هر یک از ایات مثنوی را که با حدیثی مرتبط یافته درین تألیف آورده و در کنار صفحہ آنرا با شماره و عدد خاص ممتاز گردانیده و در ذیل هر بیت آن حدیث را که بگفته مولانا مرتبط تواند بود مندرج ساخته و هر جا که استفاده و اقتباس از حدیث تکرار شده پس از ذکر بیت، مرجع و مآخذ آن را در اعداد و شماره‌های سابق نشان داده است.

ترتیب ایات بموجب محل ذکر آنها است در دفترهای ششگانه مثنوی و ابتدا از دفتر نخستین کرده و بدفتر ششم پایان داده‌ایم.

اعداد صفحات و سطور که در ذیل هر شعر آمده مطابق است با مثنوی چاپ علاء الدوله.

در خاتمه لازم می‌شمارد که مراتب امتنان بی‌شائبه و بی‌نهایت خود را نخست:

یب

بدانشمند سخندان سخنور جناب آقای حسینعلی راشد و آقای سید محمد باقر سبزواری استادان محترم دانشکده علوم معقول و منقول که در پیدا کردن ما خند بعضی از روایات مساعدت بی دریغ مبذول داشته اند .
و ثانیاً :

بدوست شفیق گرانمایه ودیر فاضل آقای امیرحسین یزدگردی فارغ التحصیل دوره دکتری ادبیات فارسی که فهارس این تألیف راتهبه نموده اند با کمال شرمساری و از روی صدق و اخلاص تمام تقدیم دارد .
پایان رسید مقدمه کتاب «احادیث مشنوی» بخامه این بنده ضعیف بدیع الزمان فروزانفر عفاالله عنه بتاريخ ۲۵ آذرماه ۱۳۳۴ شمسی مطابق دوم جمادی الاولی ۱۳۷۵ هجری قمری در منزل شخصی واقع در خیابان بهار از محلات شمالی طهران .



احادیث مثنوی

۱- ابر برناید پی منع زکات وز زنا افتد و با اندر جهات
(صفحه ۳، سطر ۲۲)

اشاره است بحديث ذیل :

- ۵ مَا حَبَسَ قَوْمٌ الزَّكَاةَ إِلَّا حَبَسَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْفَطْرَ .
ربیع الا برار ، باب الدین وما يتعلق به
وحديث ذیل که مضمون هر دو مصراع در آن مندرج است :
- خَمْسٌ يُخَمَسُ مَا نَقَضَ قَوْمُ الْعَهْدِ إِلَّا سَلَطَ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَمَا حَكَمُوا
بغير ما انزل الله الا فشا فيهم الفقر ولا ظهرت فيهم الفاحشة الا فشا فيهم
الموت و لا طفقوا المكيال الا منعوا النبات واخذوا بالسنين ولا منعوا
۱۰ الزكاة الا حبس عنهم القطر .

جامع صغير طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۵

و بدین عبارت نیز آمده است :

ما منع قوم الزكاة الا ابتلاهم بالسنين .

۱۵ كنوز الحقائق ، طبع هند ص ۱۱۸

۲- آفتاب آمد دلیل آفتاب گردلایت باید از وی رومتاب
(ص ۴، س ۱۶)
ظاهرا مقتبس است از مضمون روایات ذیل :

۵ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَالرُّسُولَ بِالرَّسَالَةِ
وَ اُولَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ .

و سئل امیر المؤمنین علیه السلام بم عرفت ربك فقال بما عرفني نفسه .

اصول کافی ، طبع طهران . ص ۴۱

و همین معنی را شیخ عطار از ابوالحسین نوری (احمد بن محمد متوفی ۲۹۵)
نقل میکند :

۱۰ ابوالحسین نوری را گفتند دلیل چیست بخدای، گفت خدای، گفتند پس حال
عقل چیست گفت عقل عاجزی است و عاجز دلالت نتواند کرد جز بر عاجزی که
مثل او بود .

تذکرة الاولیاء، چاپ لندن ، ج ۲ ، ص ۵۴

۳- لَا تَكْلِفْنِي فَإِنِّي فِي الْفَنَاءِ كَلَّتْ أَفْهَامِي فَلَا أَحْصِي ثَنَاءَ
(ص ۴ س ۲۳)
۱۵ ماخوذ است از حدیث ذیل :

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتَرِهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ
بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ .

۲۰ مسند احمد بن حنبل ، طبع مصر ۱۳۱۳ ، ج ۱ ، ص ۹۶ ، ۱۱۸ ، ۱۵۰ و صحیح مسلم
طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۵۱ و احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ و ج ۴ ، ص ۶۳ و جامع صغیر ،
ج ۱ ، ص ۵۹

۴- گفت پیغمبر هر آنکو سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت
(ص ۵ ، س ۲۵)

احادیث مشنوی

اشاره است بحديث ذیل :

اسْتَعِينُوا عَلَىٰ اِنْجَاحِ الْحَوَائِجِ بِالْكِتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَّحْسُودٌ

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۳۹

و با تبدیل « علی انجاح » به « علی قضاء الحوائج » احیاء العلوم (ج ۳، ص ۱۲۹)
و بصورت ذیل نیز نقل شده است :

۵

استعینوا علی امور کم بالکتمان . کنوز الحقائق ، ص ۱۱
و عبداللطیف عباسی آنرا اشاره میداند بجملة ذیل :

من کتم سرّه حصل امره حاشیه عبداللطیف عباسی بر مشنوی، نسخه کتابخانه ملی
نیز رجوع کنید به اللالی المصنوعة ، تألیف سیوطی ، طبع مصر ج ۲، ص ۸۱

- ۱۰ هـ-اسب تازی بر نشست و شاد تاخت خونهای خویش را خلعت شناخت
ای شده اندر سفر بیا صد رضا خود پیای خویش تا سوء القضا
(ص ۶ ، س ۱۲)

مقتبس است از مضمون جمله ذیل :

- وَرُبَّ سَاعٍ فِي مَا يَضُرُّهُ . از نصایح امیرا المؤمنین علی علیه السلام ،
کتاب المبین تألیف حاج محمد خان کرمانی ، طبع ایران ج ۲ ص ۴۸۱- نقل از نهج البلاغه
۱۵ و مناسب آن جمله ذیل است :

يَقْدَرُ الْمُقَدَّرُونَ وَالْقَضَاءُ يَضْحَكُ .

ربیع الابرار ، باب الطمع والرجاء

- و این قطعه که در (البیان والتبیین) طبع مصر ، ج ۳، ص ۱۱۹ دیده میشود هم
۲۰ اشاره بدین مضمون است :

و کم من آکلة منعت اخاها بلدة ساعة اکلات دهر
و کم من طالب يسعى لشيئ و فيه هلاکة لو کان يدري

دفتر اول

۶ - عشقهایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت رنگی بود
(ص ۶، س ۲۰)
موافق است با مضمون حدیث ذیل :

مَنْ أَحَبَّكَ لَشَيْئٍ مَّا لَكَ عِنْدَ انْقِصَائِهِ .

۵ - که بعضی آنرا از موضوعات شمرده اند - اللؤلؤ المصبوع ، طبع مصر ، ص ۷۵
۷ - می بلرزد عرش از مدح شقی بدگمان گردد ز مدح متقی
(ص ۷، س ۱۰)
ماخوذ است از مضمون این حدیث :

إِذَا مُدِحَ الْفَاسِقُ غَضِبَ الرَّبُّ وَاهْتَزَّ لِذَلِكَ الْعَرْشُ .

۱۰ - جامع صغیر، ج ۱ ، ص ۳۴ و با حذف « لذلك » کنوز الحقائق، ص ۱۰
و نزدیک است بدان روایت ذیل :

إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ إِذَا مُدِحَ الْفَاسِقُ .

احیاء العلوم ، ج ۲ ص ۵۸

۸ - چون بسی ابلیس آدم روی هست پس بهر دستی نشاید داد دست
(ص ۸، س ۲۶) .
۱۵ - اشاره است بمضمون این روایت :

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يُوشِكُ أَنْ يَظْهَرَ فِيكُمْ شَيَاطِينُ
كَانَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ أَوْثَقَهَا فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ مَعَكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَيَقْرَأُونَ
مَعَكُمْ الْقُرْآنَ وَيَجَادِلُونَكُمْ فِي الدِّينِ وَإِنَّهُمْ لَشَيَاطِينُ فِي صُورِ الْإِنْسَانِ .
(اللائی المصنوعة ، ج ۱ ، ص ۲۵۰)

۹ - بهر این بعضی صحابه از رسول ملتمس بودند مگر نفس غول
کوچه آمیزد ز اغراض نهان در عبادتها و در اخلاص جان
(ص ۱۰، س ۱۱)

ظاهراً اشاره باشد بروایت ذیل :

احادیث مشنوی

قَالَ حُذَيْفَةُ كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الْخَيْرِ وَكَانَتْ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ قِيلَ لِمَ فَعَلْتَ ذَلِكَ قَالَ مَنْ أَتَى الشَّرَّ وَقَعَ فِي الْخَيْرِ .

مسند احمد، ج ۵، ص ۳۹۹ و ۳۸۶، ۴۰۳

- ۱۰ - بشنو از اخبار آن صدر صدور لا صلوة تسم الا بالحضور
 (ص ۱۰، ۱۹)
 اشاره است بعبارت ذیل :

لَا صَلَاةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ .

و مضمون آن مطابقت با جدیدی که در احیاء العلوم، ج ۱ ص ۱۱۰ روایت

- ۱۰ شده بدینگونه :

لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى صَلَاةٍ لَا يُحْضِرُ الرَّجُلُ فِيهَا قَلْبَهُ مَعَ بَدَنِهِ .

- ۱۱ - اسب جانهارا کند عاری ز زین سر النوم اخو الموت استاین
 (ص ۱۱، ۱۰)

اشاره است بحديث ذیل :

- ۱۵ النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ وَلَا يَمُوتُ أَهْلُ الْجَنَّةِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۸

وبدینصورت در کنوزالحقائق، ص ۱۴۱ دیده میشود :

النوم اخو الموت و اهل الجنة لا ينامون ولا يموتون .

- ۱۲ - هر که او بنهاد ناخوش سنتی سوی او نفرین رود هر ساعتی
 (ص ۲۰، ۷) ۲۰

مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَلَا يُنْقَصُ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ

دفتر اول

بِهَا بَعْدَهُ كُتِبَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَلَا يَنْقُصُ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ .
صحیح مسلم، ج ۸، ص ۶۱ نیز ج ۳، ص ۸۷
و بدینصورت نیز در جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۶ آمده است :

اعلم یا بلال انه من احیا سنّة من سنّتی قد امیتت بعدی کان له
من الاجر مثل من عمل بها من غیر ان ینقص من اجورهم شیئا و من
ابتدع بدعة ضلالة لا یرضاها الله و رسوله کان علیه مثل اثم من عمل بها
لا ینقص ذلك من اوزار الناس شیئا .

نیز رجوع کنید بفتوحات مکیه، ج ۱، ص ۷۲۰

۱۳- نور غالب ایمن از کسف و غسق در میان اصبعین نور حق
(ص ۲۰، س ۱۵)
اشاره است بحديث ذیل :

إِنَّ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كُلَّهَا بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ كَقَلْبِ
وَاحِدٍ يُصَرِّفُهُ حَيْثُ يَشَاءُ .

صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۱

۱۵ و بدین صورت دیده میشود در احیاء العلوم، ج ۱، ص ۷۶

قلب المؤمن بین اصبعین من اصابع الرحمن ان شاء لا یتبه و
ان شاء لا زاغه .

و بصور مختلف در کنوز الحقائق ص ۹۱ و جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۳، و ج ۲،
ص ۱۵۱ نقل شده است .

۲۰ ۱۴- حق فشاند آن نور را بر جانها مقبلان برداشته دامانها
(ص ۲۰، س ۱۶)

مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ خَلْقَهُ فِي ظُلْمَةٍ فَأَلْقَى عَلَيْهِمْ مِنْ نُورِهِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ

ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى وَمَنْ أَخْطَأَهُ ضَلَّ .

(جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۶ و فتوحات مکیہ، ج ۲، ص ۸۱)

۱۵ - اشک خواهی رحم کن بر اشک بار رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر
(ص ۲۲، ص ۱۱)

مأخوذ است از مضمون حدیث ذیل:

لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ .

صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۵

و بصور ذیل نیز روایت شده است :

عن أبي هريرة أن الأقرع بن حابس ابصر النبي ص يقبل الحسن
ع فقال إن لي عشرة من الولد ما قبلت واحدا منهم فقال رسول الله ص
۱۰ إِنَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ .

مسلم، ج ۷، ص ۷۷

أنا يرحم الله من عباده الرحماء .

مسلم، ج ۳، ص ۳۹، جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۳ و كنوز الحقائق، ص ۳۶

أنا يدخل الجنة من يرجوها و أنا ينجب النار من يخافها
و أنا يرحم الله من يرحم .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۳

أرحم من في الارض يرحمك من في السماء .

(جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۷ و كنوز الحقائق، ص ۱۱)

أرحموا ترحموا و اغفروا يغفر لكم و يل لا قمع القول و يل
۲۰ للمصريين الذين يصرون على ما فعلوا و هم يعملون .
جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۷ و با حذف جمله « و يل لا قمع القول » بیحد در
كنوز الحقائق، ص ۱۱

۱۶ - هست تسبیح بخار آب و غسل مرغ جنت شد ز نفع صدق دل
(ص ۲۳، ۱۱۳)

اشاره است بمضمون این حدیث :

رُويَ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ تَوَلَّيْتُ الدُّنْيَا وَقَلَّتْ
ذَاتُ يَدَيَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَنْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَلَائِكَةِ وَتَسْبِيحِ
الْخَلَائِقِ وَبِهَا يُرْزَقُونَ قَالَ فَقُلْتُ وَمَاذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ
وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ
إِلَى أَنْ تُصَلِّيَ الصُّبْحَ تَأْتِيكَ الدُّنْيَا رَاغِمَةً صَاغِرَةً وَيَخْلُقُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
مِنْ كُلِّ كَلِمَةٍ مَلَكًا يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَكَ ثَوَابُهُ .

احیاء العلوم، ج ۱ ص ۱۱۲

واین حدیث را بشکل ذیل سیوطی در جزو موضوعات آورده است :

قل يا ابن عمر من طلوع الفجر الى صلاة الصبح سبحان الله
وبحمده سبحان الله العظيم و تستغفر الله مائة مرة تأتيك الدنيا راغمة داحرة
ويخلق الله من كل كلمة ملكا يسبح لك ثوابه الى يوم القيامة .

الآلئ المصنوعة، ج ۲، ص ۳۴۱
و حدیث ذیل هم در آن کتاب، ج ۲، ص ۳۴۶ بنظر میرسد که با گفته مولانا

مناسبت است :

من قال لا اله الا الله خلق الله من كل كلمة منها طيرا متقاره من ذهب
وريشه من مرجان .

۲. و در کتاب اللؤلؤ المرصوع آمده :

من صام على صلاة تعظيما لحق خلق الله من ذلك القول ملكا له جناح بالمشرق

والآخر بالمغرب ورجلاه مقرونتان (کذا) في الارض السابعة السفلي وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله له صلّ علي عبدي كما صلّيت علي نبيّي فهو يصلي عليه الي يوم القيامة - لم يوجد بل قال العراقي ما يحكي من ان الله يخلق بسبب الاعمال الحسنة ملكا يسبح ويكون تسبيحه للعامل - باطل موضوع لا اصل له .

• اللؤلؤ المرصوع ، ص ۷۰ و ۸۳ و ۸۹

۱۷ - نفس هر دم از درونم در کمین از همه مردم بتر در مکر و کین (ص ۲۴ ، س ۱۳)

اشاره بحديث ذيل است :

أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ .

۱۰ كنوز الحقائق ، ص ۱۴

و موافق مضمون آن از امير مؤمنان على ع روایت شده است :

لاعدوّ اعدى على المرء من نفسه .

الله الله في الجهاد للانفس فهي اعدى العدو لكم .

مستدرک الوسائل ، طبع طهران ، ج ۲ ، ص ۲۷۰

۱۸ - گوش من لا يلدغ المؤمن شنيذ قول پیغمبر بجان و دل فزید (ص ۲۴ ، س ۱۳)

اشاره است بحديث ذيل :

لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۲۲۷ و بحذف « واحد » جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۲۰۴ و

۲۰ كنوز الحقائق و با لفظ « لا يلسع » كنوز الحقائق ، ص ۱۶۶ .

۱۹ - جمله افتند ای حكيم با خبر الحذر دع ليس يفنى عن قدر (ص ۲۴ ، س ۱۷)

اشاره است بدین روایت :

لَنْ يَنْفَعَ حَذْرٌ مِنْ قَدَرٍ وَلَكِنَّ الدُّعَاءَ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزَلْ

فَعَلَيْكُمْ بِالذُّعَاءِ عِبَادَ اللَّهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۷

و بدینگونه در کنوزالحقائق، ص ۱۶۵ وارد است (لایغنی حذر من قدر .)
و از کلمات امیرالمؤمنین علی ع است :

تذکر قبل الورد الصدر والحذر لایغنی من القدر والصبر من
اسباب الظفر.

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۷۰

۴۰ - گفت پیغمبر با آواز بلند با توکل زانوی اشتر بیند
(ص ۲۴، س ۲۲)

۱۰ مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

اعْقِلْهَا وَتَوَكَّلْ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۶ و احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۹۹ و رساله قشیریّه، ص ۷۶

و تلبیس ابلیس، ص ۲۷۹ .

و با عبارت « قید و توکل » جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۷ و کنوزالحقائق، ص ۹۲.

۱۵ و از سخنان جعفر بن محمد علیه السلام است :

لا تدع طلب الرزق من حله واعقل راحلتك وتوكل .

مستدرک، ج ۲، ص ۴۱۵

۴۱ - ما عیال حضرتیم و شیر خواه گفت الخلق عیال لاله
(ص ۲۵، س ۵)

۲۰ اشاره است بحدیث ذیل :

أَخْلَقُ كُلَّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ فَاحْبَبُهُمْ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۱ و با تفاوت مختصر کنوزالحقائق، ص ۶۲

۴۲ - گفت همین اکنون چه میخواهی بخواه گفت فرما باد را ای جان پناه
که مرا از اینجا بهندستان برد بو که بنده کانظرف شد جان برد
(ص ۲۶، س ۵)

مناسب است با مضمون این روایت :

إِذَا قَضَى اللَّهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ إِلَيْهَا حَاجَةً .

کنوز الحقائق ، ص ۹ و با تفاوتی در صورت - جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۷

إذا اراد الله قبض عبد بارض جعل له فيها حاجة .

و از امیرالمؤمنین علی ع نقل شده است :

ربّ مرتاح الي بلد وهو لا يدري انّ حمامه في ذلك البلد .

۴۳ - این جهان زندان و ما زندانیان حفره کن زندان و خود را و ارهان
(ص ۲۶ ، ص ۲۲)

مأخوذ است از مضمون حدیث ذیل :

۱۰ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۶ و کنوز الحقائق ، ص ۶۴

و با عبارت

الدنيا لا تصفولؤ من كيف وهي سجنه و بلاؤه

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۶

۴۴ - مال را کز بهر دین باشی حمول نعم مال صالح گفت آن رسول
(ص ۲۶ ، ص ۲۳)

اشاره است بحدیث ذیل :

نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ .

۲۰ احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۱۶۲ و حلیۃ الاولیاء ، ج ۱۰ ص ۵ و فتوحات مکیّه ، ج ۲ ص ۲۷۸ و تلبیس ابلیس ، ص ۱۷۸ و کنوز الحقائق ، ص ۱۳۹ و با مختصر تفاوت
ص ۱۷۱

و شبیه بدان روایت ذیل است :

نعم العون على تقوى الله الغني .

مستدرک ، ج ۲ ، ص ۴۱۵ و فصل الخطاب ص ۱۱۰۱

دفتر اول

۴۵ - گفت پیغمبر بکن ای رای زن مشورت که المستشار مؤتمن
(ص ۲۸، س ۲۰)

اشاره بحديث ذیل است :

• الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ •

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۵ و کنوز الحقائق ص ۱۳۷ و در جامع صغیر بدینگونه
هم نقل شده است :

المستشار مؤتمن ان شاء اشاء روان شاء لم یشر .

المستشار مؤتمن فادا استشير فليشر بما هو صانع لنفسه .

۴۶ - عقل چون جبریل گوید احمد ا گریکی گامی زنم سوزد مرا
تو مرا بگذار ز این پس پیش ران حدمن این بود ای سلطان جان

(ص ۲۹، س ۱۲)

مستند آن در ذیل این بیت :

چون گذشت احمد ز سدره و مرصده

و از مقام جبرئیل و از حدش

۱۵ مذکور خواهد گردید .

۴۷ - گفت پیغمبر که رنجوری بلاغ رنج آرد تا بمیرد چون چراغ
(ص ۲۹، س ۱۴)

اشاره است بدین روایت :

لَا تَمَارِضُوا فَتَمْرُضُوا وَلَا تَحْفَرُوا قُبُورَكُمْ فَتَمُوتُوا •

۲۰ کنوز الحقائق، ص ۱۵۶ و در کتاب اللؤلؤ المرصوع، ص ۱۰۰ آمده است که :

لَا تَمَارِضُوا فَتَمْرُضُوا وَلَا تَحْفَرُوا قُبُورَكُمْ فَتَمُوتُوا فَتَدْخُلُوا النَّارَ قَالَ

ابن الربیع لا اصل له .

۴۸ - پس ترا هر لحظه مرك و رجعتی است مصطفی فرمود دنیا ساعتی است
(ص ۳۱، س ۶)

۲۵ اشاره بحديث ذیل است :

احادیث مشنوی

الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَأَجْعَلْهَا طَاعَةً .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع آنرا از احادیث موضوعه شمرده است .

اللؤلؤ المرصوع ، ص ۳۶

- ۴۹ - چون قضا آید نبینی غیر پوست دشنان را بازنشاسی ز دوست
(ص ۳۲ ، س ۱۴)

مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْفَازَ أَمْرٍ سَلَبَ كُلَّ ذِي لُبٍّ لُبَّهُ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۶

و این حدیث بدینصورت هم روایت شده است :

- ۱۰ - إذا أَرَادَ اللَّهُ أَنْفَازَ قَضَائِهِ وَقَدَرَهُ سَلَبَ ذَوِي الْعُقُولِ عَقُولَهُمْ حَتَّى يَنْفِذَ فِيهِمْ قَضَائِهِ وَقَدَرَهُ فَإِذَا مَضَى أَمْرُهُ رَدَّ إِلَيْهِمْ عَقُولَهُمْ وَوَقَعَتِ النَّدَامَةُ .
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۷
إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ مَضَاءَ أَمْرٍ نَزَعَ عُقُولَ الرِّجَالِ حَتَّى يَمُضِيَ أَمْرُهُ فَإِذَا مَضَاهُ رَدَّ إِلَيْهِمْ عَقُولَهُمْ وَوَقَعَتِ النَّدَامَةُ .

- ۱۵ (جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۶)

- ۴۰ - چون قضا آید شود دانش بخواب مه سیه گردد بگيرد آفتاب
(ص ۳۳ ، س ۶)

ماخذ آن در ذیل شماره (۲۹) گذشت .

- ۴۱ - چاه مظلّم گشت ظالم ظالمان این چنین گفتند جمله عالمان
(ص ۳۵ ، س ۱۸)

ظاهراً مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَاتَّقُوا الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَحَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۱۸ و جامع صغیر ، ج ۱ ص ۸ و با تفاوت مختصر - احياء العلوم ،

۲۵

ج ۳ ، ص ۱۷۴

دفتر اول

۴۴ - ای که تو از ظلم چاهی می کنی از برای خویش دامی می تنی
(ص ۳۵ ، س ۱۹)

مأخوذ است از روایت ذیل :

مَنْ حَفَرَ لَا خِيَةَ حُفْرَةً وَقَعَ فِيهَا .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن (ص ۷۹) گوید :

لیس بحديث و معناه صحيح ولا يحق المكر السيئ إلا بأهله .

۴۴ - مؤمن را بنظر بنور الله نبود عیب مؤمن را بمؤمن چون نمود
(ص ۳۶ ، س ۱)

اشاره است بدین حدیث :

اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸

و از مولای متقیان علی علیه السلام روایت کرده اند :

اتَّقُوا ظُنُونِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْحَقَّ عَلَى السَّنْتِهِم .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۳۸۷

۱۵ کان ابوالدرداء يقول المؤمن من ينظر بنور الله من وراء ستر رقيق .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۸

۴۴ - ای شهان کشتیم ما خصم برون ماند زان خصمی بتر در اندرون
(ص ۳۷ ، س ۱۵)

مستفاد است از مضمون این حدیث :

قَدِمْتُ مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ مُجَاهِدَةَ الْعَبْدِ هَوَاهُ .

کنوز الحقائق ، ص ۹۰

قدمتم خیر مقدم و قدمتم من الجهاد الاصغر الى الجهاد الاكبر مجاهدة العبد هواه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸۵

احادیث منثوی

و غزالی آنرا جزو اقوال صحابه شمرده است (احیاء العلوم ج ۲ ، ص ۱۶۵) و باز در مورد دیگر جزو احادیث میآورد (همان کتاب ، ج ۳ ، ص ۶) و در مستدرک این روایت بصورت ذیل نقل شده است :

عن علی ع ان رسول الله صلى الله عليه وآله بعث سرية فلما رجعوا قال مرحبا بكم قضا الجهاد الا صغر وبقي عليهم الجهاد الا كبر فقليل يا رسول الله
وما الجهاد الا كبر قال جهاد النفس .

نروی ان سیدنا رسول الله ص رأى بعض اصحابه منصرفا من بعث كان بعثه وقد انصرف بشعته وغبار سفره وسلاحه يريد منزله فقال ص انصرفت من الجهاد الا صغر الى الجهاد الا كبر فقال له اوجهاد فوق الجهاد بالسيف قال جهاد المرء نفسه .

۱۰

مستدرک ، ج ۲ . ص ۲۷۰
و مضمون آن موافقت با حدیث ذیل که در همان کتاب (ص ۲۷۰) ملاحظه می شود .

قال رسول الله ص افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه .

۳۵ - قد رجعنا من جهاد الا صغرىم با نبى اندر جهاد اكبرىم
(ص ۳۷ ، ص ۲۲)
رجوع كنيد بشماره (۳۴) در همین کتاب .

۳۶ - عالمی را لقمه کرد و در کشید معده اش نعره زنان هل من مزید
حق قدم بروی نهاد از لا مکان آنگاه او ساکن شود در کن فکان
(ص ۳۷ ، ص ۱۸)

۲۰

مأخوذ است از این حدیث :

يُقَالُ لِحَبْنَمَ هَلْ أَمْتَلَاتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ فَيَضَعُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدَمَهُ عَلَيْهَا فَتَقُولُ قَطُّ قَطُّ .

بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۲۴

فَأَمَّا النَّارُ فَلَا تَمْتَلِيْ فَيَضَعُ قَدَمَهُ عَلَيْهَا فَتَقُولُ قَطُّ فَهِنَّالِكَ تَمْتَلِيْ وَ
يَزُوِيْ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ .

مسلم، ج ۸، ص ۱۵۱

عن انس لا تزال جهنم تقول هل من مزيد فيدلي فيها رب العالمين
قدمه فينزوي بعضها الى بعض فتقول قط بعزتك .

ردالدارمی علی بشرالمیسی، طبع مصر، ص ۶۹

۳۷ - سهل شیری دان که صفها بشکند شیر آنست آن که خود را بشکند
(ص ۳۷، س ۲۳)

اشاره است بمضمون حدیث ذیل :

۱۰ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ وَ إِنَّمَا الشَّدِيدُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ
عِنْدَ الْغَضَبِ .

(بخاری، ج ۴، ص ۴۴ مسلم، ج ۸، ص ۳۰ فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۷۱۹ جامع
صغیر، ج ۲، ص ۱۳۴)

انما الصرعة الذي يملك نفسه عند الغضب .

بخاری، ج ۴، ص ۵۱

۱۵

الادلكم على اشدكم املككم لنفسه عند الغضب .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۱۳

و نزدیک بدان از جهت معنی روایت ذیل است :

المجاهد من جاهد نفسه في الله .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۴ با تفاوت مختصر- کنوزالحقائق، ص ۱۳۶

المجاهد من جاهد هواه .

کنوزالحقائق، ص ۱۳۶

و از سلیمان نقل کرده اند که :

احادیث مشنوی

ان الغالب لهواه اشد من الذي يفتح المدينة .

ربيع الا برار ، باب المغاف والورع

۴۸ - کرد خدمت مر عمر را و سلام گفت پیغمبر سلام آنگه کلام (ص ۳۸ ، س ۲۱)

اشاره است بدین حدیث که بصور ذیل نقل میشود :

السَّلامُ قَبْلَ الْكَلَامِ .

السَّلام قبل الكلام ولا تدعوا احداً الى الطعام حتّى يسلم .

السلام قبل السؤال فمن بدأكم بالسؤال قبل السلام فلا تجيبوه .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۲۷ و روایت اول در كنوز الحقائق ، ص ۷۲

۱۰ من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۶۶

۴۹ - چون تو در قرآن حق بگریختی با روان انبیا آمیختی (ص ۴۱ ، س ۱۵)

مضمون آن مناسبت دارد با این حدیث :

۱۵ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا شَافَهُنِي وَ شَافَهُنَّ .

كنوز الحقائق ، ص ۱۳۲

۴۰ - صورتی کان بر وجودت غالبست هم بر آن تصویر حشرت واجبست (ص ۴۵ ، س ۳)

اشاره است بمضمون حدیث ذیل :

۲۰ يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَآمَاتٍ عَلَيْهِ .

مسلم ، ج ۸ ص ۱۰۳

و نظیر آن روایت ذیل است :

انما يبعث الناس على نياتهم .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۱۰۳ كنوز الحقائق ص ۲۶

دفتر اول

کما تعیشون تموتون وکما تموتون تبعثون وکما تبعثون تحشرون . معارف بهاء ولد
۴۹ - جمله عالم زان غیور آمد که حق برد در غیرت بر این عالم سیق
(ص ۴۶ ، ص ۲۸)

مقتبس است از مفاد این حدیث :

۵ اَلتَّجَبُّونَ مِنْ غَيْرَةٍ سَعْدٍ فَوَاللَّهِ لَا نَاْ غَيْرُ مِنْهُ وَاللَّهُ اَغْيَرُ مِنِّي مِنْ اَجَلِ
غَيْرَةِ اللَّهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ .

مسلم ، ج ۴ ، ص ۲۱۱ و احیاء العلوم ج ۲ ، ص ۳۰ و ج ۴ ، ص ۱۱۷ و با تفاوت
مختصر بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۷۰
نیز رجوع کنید به :

۱۰ مسلم ج ۸ ، ص ۱۰۰ - ۱۰۱ و ج ۳ ، ص ۲۷ و حلیه الاولیاء ، ج ۵ ، ص ۴۴ و
رساله کشمیری ، ص ۱۱۵ و فتوحات مکیه ، ج ۲ ، ص ۱۲ و ص ۳۲۳ و ج ۴ ، ص ۶۴۲ .
و این حدیث بصورت ذیل هم روایت میشود :

لا احدا غیر من الله عز و جل فلذلك حرم الفواحش ما ظهر منها
و ما بطن .

۱۵ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۸۱ و با تفاوت اندک - اللآلی المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۶۲
اِنَّ اللهَ تَعَالٰی غِیورٌ یَّحِبُّ الْغِیورَ و ان عمر غیور .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۰

اِنَّ اللهَ غِیورٌ لَا یُحِبُّ اَنْ یَّکُوْنَ فِیْ قَلْبِ الْعَبْدِ اَحَدٌ اِلَّا اللهُ .

ربیع الابرار ، باب الحیاء والسکون

۲۰ ۴۴ - روکه بی یسمع و بی یبصر تویی سر تویی چه جای صاحب سر تویی
(ص ۵۱ ، ص ۸)

اشاره است بحدیث ذیل :

اِنَّ اللهَ تَعَالٰی قَالَ مَنْ عَادَى لِيْ وَلِيًّا فَمَدَّ اَذْنَتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ
اِلَيَّ عَبْدِيْ بِشَيْءٍ اَحَبَّ اِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِيْ يَتَقَرَّبُ اِلَيَّ

بِالتَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبُّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي
يَبْصُرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي لَأُعْطِيَنَّهُ
وَإِنْ أَسْتَعَاذَنِي لَأُعِيذَنَّهُ وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ قَبْضِ
نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ.

جامع صغير، ج ۱، ص ۷۰، ۵

۴۳- چون شدی من کان لله از وله حق قرا باشد که کان الله له
(ص ۵۱، س ۸)

اشاره است باین حدیث :

مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ .

۱۰ کشف الاسرار (انتشارات دانشگاه طهران) ص ۵۶۲ و ۳۷۱

۴۴- مقتبس شو زود چون یابی نجوم گفت پیغمبر که اصحابی نجوم
(ص ۵۱، س ۱۲)

مراد حدیث ذیل است :

أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ فَإِيَّاهُمْ أَقْتَدَيْتُمْ إِهْتَدَيْتُمْ . كنوز الحقائق ، ص ۱۳

۱۵ سألت ربي فيما تختلف فيه اصحابي من بعدى فأوحى اليّ يا محمد ان
اصحابك عندي بمنزلة النجوم في السماء بعضها اضاء من بعض فمن اخذ بشي
مما هم عليه من اختلافهم فهو عندي على هدى .

جامع صغير، ج ۲، ص ۲۸

۴۵- گفت طوبی من رآنی مصطفی والذی یبصر لمن وجهی رأی
(ص ۵۱، س ۱۴) ۲۰

مقصود این حدیث است :

طُوبِي لِمَنْ رَأَانِي وَ لِمَنْ رَأَى مَنْ رَأَانِي .

جامع صغير، ج ۲، ص ۵۴ و با حذف جمله سوم كنوز الحقائق ص ۷۹

طوبی لمن رآنی و آمن بی و طوبی لمن رآنی من رآنی و لمن رآی من رآی من رآنی و آمن بی طوبی لهم و حسن مآب .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۴

۴۶ - گفت پیغمبر که نفحاتهای حق اندر این ایام می آرد سبق (ص ۵۱، س ۲۰)

حدیث ذیل مراد است :

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ لَا فَتَعَرُّضُوا لَهَا .

حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۲۲۱ و ج ۳، ص ۱۶۲ و احیاء العلوم، ج ۱، ص ۱۳۴

و ج ۳، ص ۷ فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۲۴

۱۰ ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات فتعرضوا له لعلہ ان یصیبکم نفحة منها فلا تشقون بعدها ابداً .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۵

اطلبوا الخیر دهرکم کلّه و تعرضوا لנفحات رحمة الله فان لله نفحات من رحمته یصیب بها من یشاء من عباده و سلوا الله تعالی ان یستر عوراتکم و یؤمن روعاتکم .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۳

۴۷ - مصطفی آمد که سازد همدمی کلّینی یا حمیرا کلّینی (ص ۵۲، س ۲)

اشاره است بحدیث معروف :

۲۰ کَلِّمْنِي يَا حَمِيرًا

که در احیاء العلوم، ج ۳، ص ۷۴ بلفظ : کلّینی یا عایشه - نقل شده و در شرح

احیاء العلوم موسوم با تحاف السادة المتقين طبع مصر، ج ۷، ص ۴۳۲ و نیز در طبقات

احادیث مشنوی

الشافعی طبع مصر، ج ۴، ص ۱۶۳ ذکر شده است که سند این روایت بدست نیامده و در کتاب اللؤلؤ المرصوع (ص ۱۰۳) جزو موضوعات شمرده شده است.

۴۸ - جان کمالست و ندای او کمال مصطفی گویان ارحنا یا بلال
(ص ۵۲، س ۹)

اشاره است بدین حدیث:

يَا بَلَّالُ اَرْحِنَا بِالصَّلَاةِ .

مسند احمد، ج ۵، ص ۳۶۴ و ۳۷۱

و با لفظ:

قم یا بلال فارحنا بالصلاة . و نیز:

۱۰ کان يقول يا بلال روحنا . و همچنین:

يا بلال اقم الصلاة ارحنا بها .

در کنوز الحقائق، ص ۹۱ و ۱۰۶ و ۱۶۹ مذکور است.

۴۹ - آن نمک کز وی محمد املح است زان حدیث با نمک او افصح است
(ص ۵۲، س ۱۸)

اشاره است بروایت ذیل:

كَانَ يُوسُفُ حَسَنًا وَلَكِنَّهُ أَمْلَحُ .

بحار الانوار طبع کمپانی، ج ۷، ص ۱۹۰

و چند روایت در مقایسه حسن حضرت رسول (ص) با یوسف در الآلی المصنوعة،

ج ۱، ص ۲۷۳ بنظر میرسد.

۵۰ - گفت پیغمبر ز سرمای بهار تن میپوشانید یاران زینهار

(ص ۵۴، س ۷)

اشاره است بروایت ذیل:

على (ع) تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَ تَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْإِبْدَانِ

دفتر اول

كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ أَوْ لَهُ يُحْرِقُ وَآخِرُهُ يُورِقُ.

شرح نهج البلاغه طبع مصر، ج ۴، ص ۳۰۴ ربیع الابرار، باب الهواء والريح.
 ۵۱ - گفت پیغمبر که دائم بهر پند دو فرشته خوش منادی میکنند
 کای خدایا منفقان را سیردار هر درمشان را عوض ده صد هزار
 ای خدایا همه سگان را درجهان تو مده الا زیان اندر زیان
 (ص ۵۹، س ۱)

مقصود حدیث ذیل است :

مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ
 اعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا وَيَقُولُ الْآخَرُ اللَّهُمَّ اعْطِ مُنْسِكَ تَلْفًا.

بخاری، ج ۱، ص ۱۶۴ مسلم، ج ۳، ص ۸۳ - ۸۵ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۰۶
 و ۳۴۷ و ج ۵، ص ۱۹۷ با اختلاف در صدر روایت و احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۷۶
 و حلیه الاولیاء طبع مصر، ج ۲، ص ۲۳۳، ۲۶۱.

۵۲ - همچنین از پشه گیری تا بفیل شد عیال الله و حق نعم المعیل
 (ص ۶۱، س ۱۰)

۱۵ اشاره است بحديث :

الخلق كلهم عیال الله.

که در ذیل شماره (۲۱) از همین کتاب سند آنرا میتوان دید.

۵۳ - گفت پیغمبر قناعت چیست گنج را تو و امیدانی ز رنج
 (ص ۶۲، س ۲)

۲. اشاره است بحديث ذیل :

الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ وَكَثْرٌ لَا يَفْنَى.

کنوز الحقائق، ص ۹۳

القناعة مال لا ينفد. جامع صغير، ج ۲، ص ۸۸

القناعة كثر لا يفنى. كنوز الحقائق، ص ۹۳

احادیث مشنوی

و این جمله بروفق نقل سیوطی در جامع صغیر بامیر مؤمنان علی علیه السلام نیز نسبت داده شده است .

شرح نهج البلاغة طبع مصر ، ج ۴ ، ص ۳۹۹ و ۵۲۸

۵۴ - گفت ای زن تو زنی یا بوالحزن فقر فخر آمد مرا طهنه مزین
(ص ۶۲ ، س ۱۷)

اشاره بدین حدیث است :

الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ .

۱۰ که صوفیه بدان در کتب خود استناد کرده اند و در سفینه البحار طبع نجف ، ج ۲ ص ۳۷۸ جزو احادیث نبوی ذکر شده و مؤلف اللؤلؤ الرصوع (س ۵۵) بنقل از ابن تیمیه آنرا از موضوعات می شمارد .

۵۵ - فقر فخری از گزافست و مجاز صد هزاران عز پنهانست و ناز
(ص ۶۲ ، س ۲۵)

اشاره بحدیث :

الفقر فخري — است که هم اکنون مستند آن مذکور افتاد .

۱۵ ۵۶ - آنکه دنیا مست گفتش آمدی کلمینسی یا حمیرا می زدی
(ص ۶۴ ، س ۱۸)

اشاره است بحدیث :

کلمینسی یا حمیرا .

که مستند آن در ذیل شماره (۴۷) از این کتاب مذکور است .

۲۰ ۵۷ - گفت پیغمبر که زن بر عاقلان غالب آید سخت و بر صاحب بدلان باز بر زن جاهلان غالب شوند
ز آنکه ایشان تند و بس خیره روند
(ص ۶۴ ، س ۲۴)

دفتر اول

نزدیک بدان مضمون حدیث ذیل است :

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ
وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَنِيْمٌ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۰

و عبارتی که در عنوان ذکر شده و بیت مذکور ترجمه آنست در جزو
احادیث بدست نیامد و شیخ بهایی در مخلاة، طبع مصر، ص ۹۰ این جمله را منسوب
بعاویه نقل کرده که با گفته مولانا مناسبت بیشتر دارد .

هَنّ يَغْلِبُنَ الْكَرَامَ وَيَغْلِبُهُنَّ اللَّثَامُ .

۵۸ - چون قضا آید فرو پوشد بصر
تا نداند عقل ما پا را ز سر
مستند آن در ذیل شماره (۱۹) گذشت .
(ص ۶۵ ، س ۷)

۵۹ - ای بسا شیرین که چون شکر بود
آنگ زیر کتر ببو شناسدش
لیک زهر اندر شکر مضمهر بود
و آن دگر چون بر لب و دندان زدش
(ص ۶۸ ، س ۱۶)

۱۵ ظاهراً مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ لِلَّهِ خَلْقًا يَعْرِفُونَ النَّاسَ بِالتَّوَسُّمِ .

کنوز الحقائق، ص ۳۴

و خواجه ایوب در شرح مثنوی این حدیث را مستند آن شمرده است :

انّ لله عبادا يعرفون الناس بالتّوسّم وله عبادا يعرفون الناس
بالفراسة وله عبادا لهم نور يشون في الناس كما يمشي الارواح في الاجساد
وله عبادا يمشون في الناس كمشي المرض في الاعصاب .

۶۰ - باز در خم او شود تلخ و حرام
در زمان سرگمی زهم الادم
(ص ۶۹ ، س ۲)

احادیث مشنوی

اشاره بدین حدیث است :

نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ.

مسلم ، ج ۶ ، ص ۱۲۵ . مسند احمد ، ج ۳ ، ص ۳۰۱ . جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ .
کنوز الحقائق ، ص ۱۳۹ .
و با تعبیر :

نعم الادم الخلل .

مسلم ، ج ۶ ، ص ۱۲۵

و این مضمون بصورت ذیل هم روایت شده است :

ما افقر من ادم بيت فيه خلّ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۲ . کنوز الحقائق ، ص ۱۱۶ . ۱۰

۶۱ - حسّ را تمییز دانی چون شود آنکه حسّ ینظر بنور الله بود
(ص ۷۰ ، ص ۲۸)

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است :

۶۲ - در وجود تو شوم من منعدم چون محبم حبّ یعمی و یصم
(ص ۷۰ ، ص ۲۰) ۱۵

اشاره بحدیث ذیل است :

حُبُّكَ الشَّيْءُ يَعْمِي وَيُصِمُّ .

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۱۹۴ . احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۲۵ . جامع صغیر ، ج ۱ ،
ص ۱۴۵ . کنوز الحقائق ، ص ۵۶ .

۶۳ - گفت پیغمبر که حق فرموده است من نگنجم هیچ در بالا و پست
در زمین و آسمان و عرش نیز من نگنجم این یقین دان ای عزیز
در دل مؤمن بگنجم ای عجب گرمرا جویی در آن دلها طلب
(ص ۷۰ ، ص ۲۴) ۲۰

مقصود این حدیث است :

لَمْ يَسْعِنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَوَسَعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ اللَّيْنُ الْوَادِعُ.

احیاء العلوم ، ج ۳ ص ۱۲

لا یسعنی ارضی و لا سمائی و یسعنی قلب عبدي المؤمن .

عوارف المعارف سهروردی . حاشیه احیاء العلوم ج ۲ ، ص ۲۵۰

نیز رجوع کنید به :

اتحاف السادة المتقين ، ج ۷ ، ص ۲۳۴ که اقوال محدثین را در صحت و

سقم این روایت نقل کرده است .

۶۴ - زانکه این دمها چه گرنا لایق است رحمت من بر غضب هم سابق است

(ص ۷۱ س ۵)

اشاره بدین حدیث است :

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي .

کنوز الحقائق ، ص ۸۹ مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۴۲ ، ۲۵۸ ، ۳۹۷ مسلم ، ج ۸

ص ۹۵ .

۱۵ ان الله تعالى لما خلق الخلق كتب بيده على نفسه ان رحمتي تغلب

غضبي .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۷۲

كتب ربكم على نفسه بيده قبل ان يخلق الخلق رحمتي سبقت

غضبي .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۸۹

۶۵ - چشم احمد بر ابوبكری زده او زيك تصديق صديق آمده

(ص ۷۱ ، س ۱۷)

مستفاد است از روایت ذیل :

و چون پیغمبر علیه السلام از معراج باز آمد مکیان را خبر داد. ابو جهل شادی کرد که بر دروغ زنی محمد راه یافتیم و گفت یا محمد تا اکنون ما را خبر میدادی که جبرئیل از آسمان بمن می آید و ما ترا استوار نمی داشتیم اکنون عجب تر از این آوردی که میگوی من بآسمان رفتم بشی و باز آمدم ما ترا چگونه استوار داریم و چون پیغمبر را علیه السلام تکذیب کرد بنزدیک ابوبکر صدیق رفت و گفت نه ترا گفتم که این یار تو دروغ زن است گفت چه گفت، گفت میگوید دوش بآسمان رفتم و هفت آسمان بدیدم و باز آمدم ابوبکر صدیق بوجهل را علیه اللعنة متهم داشت و مصطفی را متهم نداشت و گفت هر چه او گوید راست گوید ان کان قال هذا فقد صدق و آنروز نامش صدیق آمد .

۱۰ (باختصار) شرح تعرف طبع لکنهو ، ج ۲ ، ص ۳۵

۶۶ - لوله ها بردار و بردارش زخم گفت غَضُوا عَنْ هُوِ ابصارکم (ص ۷۲ ، س ۶)

مقتبس از این حدیث است :

۱۵ اِضْمِنُوا لِي سِتًّا اَضْمِنَ لَكُمْ الْجَنَّةَ اُصْدُقُوا اِذَا حَدَّثْتُمْ وَ اَوْفُوا اِذَا وَعَدْتُمْ وَ اَدُّوا اِذَا اَتَمَنْتُمْ وَ احْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَ غَضُوا ابْصَارَكُمْ وَ كَفُّوا اَيْدِيَكُمْ .

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۳۲۲ - جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۴۳

۶۷ - ای همه ینظر بنور الله شده از بر حق بهر بخشش آمده (ص ۷۴ ، س ۵)

دفتر اول

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است .

۶۸ - خوی شاهان در رعیت جا کند چرخ اخضر خاک را خضر اکند
(ص ۷۵ ، س ۱۳)

مقتبس است از مضمون این خبر :

۵ النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ .
که :

علی دین ملیکهم .

نیز روایت شده ومؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۹۵) آنرا از موضوعات می شمارد .

۱۰ ۶۹ - شه چو حوضی دان حشم چون لوله ها آب از لوله رود در کوله ها
چونکه آب جمله از حوضی است پاک هر یکی آبی دهد خوش ذوقناک
ور در آن حوض آب شور است و پلید هر یکی لوله همان آرد پدید
(ص ۷۵ ، س ۱۴ پیع)

مأخوذ است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

۱۵ أَلَمَّا كَانَتِ النَّهْرُ الْعَظِيمُ تَسْتَمِدُّ مِنْهُ الْجَدَّ أَوَّلُ فَإِنْ كَانَ عَذْبًا عَذْبَتْ وَإِنْ
كَانَ مِلْحًا مَلَحَتْ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۴۱

مثل الامام کثل عین عظیمه صافیة طيبة الماء یجری منها الی نهر
عظیم فیخوض الناس النهر فیکدرونه و یعود علیهم صفوا العین فان کان

۲۰ الکدر من قبل العین فسد النهر .

ابومسلم خولانی - حلیة الاولیاء ، ج ۲ ، ص ۱۲۶

۷۰ - گنج مخفی بد ز پُری چاک کرد خاک را تابان ترا از افلاک کرد
(ص ۷۶ ، س ۱۵)

مستند آن حدیث قدسی ذیل است :

قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ لِمَ إِذَا خَلَقْتَ الْخَلْقَ قَالَ كُنْتُ كَثْرًا
مُخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ .

منارات السائرین تألیف نجم الدین ابوبکر محمد بن شاهاور اسدی رازی معروف
بدایه (متوفی ۶۵۸) نسخه کتابخانه ملی ملک .

۵

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن چنین گفته است :

حدیث کنت کثرا مخفيا لا اعرف فاحببت ان اعرف فخلقت خلقا و
تعرفت اليهم في عرفون .

قال ابن تيمية ليس من كلام النبي (ص) ولا يعرف له سند صحيح ولا

ضعيف وتبعه الزركشي وابن حجر ولكن معناه صحيح ظاهر وهويين
الصوفية دائر .

اللؤلؤ المرصوع، ص ۶۱

۷۱ - چون در معنی زنی بازت کنند پر فکر ت زن که شهبازت کنند

(ص ۷۶ ، س ۱۹)

۱۵

اشاره است بدین عبارت :

مَنْ قَرَعَ بَابًا وَ لَجَّ وَ لَجَّ .

که بعضی و از جمله مولانا (دفتر سوم ، ص ۳۱۹ ، س ۱۴) آن را حدیث
شمرده اند و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۷۳) گوید که حدیث نیست .

۷۲ - احتماها بردواها سرور است ز آنکه خاریدن فزونی گراست

۲۰

احتمال اصل دوا آمد یقین احتمال کن قوت جانانت بین

(ص ۷۷ ، س ۱۰)

دفتر اول

اشاره است بدین روایت :

الْحِمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ وَالْمَعِدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ وَعَوْدُ بَدَنًا مَا تَعَوَّدَ .

سفينة البحار، ج ۱، ص ۳۴۵

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن میگوید :

قال الزرکشی لا اصل له و انما هو من كلام بعض الاطباء .

اللؤلؤ المرصوع، ص ۷۳

۷۴ - هر که او بی مرشدی در راه شد او زغولان گمره و در چاه شد

گر نباشد سایه پیر ای فضول پس ترا سر گشته دارد بانگ غول

(ص ۷۸، س ۴)

۱۰ قَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْخٌ فَشَيْخُهُ الشَّيْطَانُ .

لطائف معنوی تألیف عبداللطیف بن عبدالله عباسی طبع هند، ص ۶۰

۷۴ - شاوروهَن پس آنگه خالفوا اَنْ مِنْ لَمْ يَعْصَهُنَّ تَأْتَفُ

(ص ۷۸، س ۹)

اشاره است بدین حدیث :

۱۵ شَاوِرُوْهُنَّ وَ خَالِفُوْهُنَّ .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۷۰

و در احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۹ مصدر بلفظ : قیل - نقل شده که مشعر بدانست که

غزالی آنرا حدیث نمی داند .

و در شرح احیاء العلوم موسوم به : اتحاف السادة المتقين . ج ۵، ص ۳۵۶ نسبت

۲۰ آن به پیغمبر (ص) انکار شده و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در ذیل آن روایت

میگوید :

قال السيوطي باطل لا اصل له لكن في معناه حديث اطاعة النساء .

ندامة و حديث هلك الرجال حين اطاعت النساء .

اللؤلؤ والمرصوع ، ص ۴۴

- ۷۵ - گفت پیغمبر علی را کای علی شیر حقی بهلوانی پر دلی
لیک بر شیری مکن هم اعتمید
تو تقرّب جو بعقل و سرخویش
نی چو ایشان بر کمال بر خویش
- ۵ (ص ۷۸ ، ص ۲۴)

يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى خَالِقِهِمْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ فَتَقَرَّبْ إِلَيْهِ
بَأَنْوَاعِ الْعَقْلِ تَسْبِقُهُم بِالذَّرَجَاتِ وَالزُّلِّي عِنْدَ النَّاسِ وَعِنْدَ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ .
حلية الاوليا ، طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۱۸

- ۱۰ اذا تقرب الناس بابواب البر والاعمال الصالحة فتقرب انت بعقلك .
احياء العلوم ، ج ۱ ، ص ۶۴ و با مختصر تفاوت ج ۳ ، ص ۱۳

نیز رجوع کنید به : اتحاف السادة المتقين ، ج ۱ ، ص ۴۶۲

- ۷۶ - این چنین شه را ز لشگر زحمتست
لیک همره شد جماعت رحمتست
- ۱۵ (ص ۸۰ ، ص ۸)
- اشاره بدین حدیث است :
- الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۴

في الجماعة رحمة و في الفرقة عذاب .

کنوز الحقائق ، ص ۸۸

- ۷۷ - کمترین کارش بهر روز این بود
لشگری ز اصلاّب سوی امّهات
کاو سه لشگر را روانه میکند
بهر آن تا در رحم و وید نبات
لشگری ز ارحام سوی خاکدان
تا ز نر و ماده پر گردد جهان
- ۲۰

دفتر اول

لشگری از خاکدان سوی اجل تا ببیند هر کسی حسن عمل
(ص ۸۱ ، س ۱۷ یبعد)
مقتبس است از کلام مولای متقیان علی (ع) :

لِلّهِ تَعَالَى كُلُّ لَحْظَةٍ ثَلَاثَةٌ عَسَا كِرَ فَعَسَا كِرُ يَنْزِلُ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى -
الْأَرْحَامِ وَعَسَا كِرُ يَنْزِلُ مِنَ الْأَرْحَامِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَسَا كِرُ يَنْزِلُ
مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۵۹

۷۸ - هر نبی و هر ولی را مسلکی است لیک تا حق می برد جمله یکیت
(ص ۸۱ ، س ۲۸)

۱۰ - ظاهراً مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

أَنَا أَوَّلِي النَّاسِ بَعِثِي بَنِي مَرْثِمٍ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ قَالُوا كَيْفَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ مِنْ عِلَاتٍ وَأُمَّهُاتُهُمْ شَتَّى وَذِينُهُمْ وَاحِدٌ فَلَيْسَ
بَيْنَنَا نَبِيٌّ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۱۹ و با اختلاف در ترتیب عبارات ص ۴۰۶ ، ۴۳۷ بخاری

۱۵ - ج ۲ ، ص ۱۶۳ مسلم (بطرق و اشکال مختلفه) ج ۷ ، ص ۹۶ قصص الانبياء ثعلبی ،
طبع مصر ، ص ۳۴۱ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۷ .

۷۹ - امت مرحومه زاین روخواندمان آن رسول حق و صادق در بیان
(ص ۸۲ ، س ۲۲)

اشاره بدین حدیث است :

إِنَّ أُمَّتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ إِنَّمَا عَذَابُهَا
فِي الدُّنْيَا الْقَتْلُ وَالْبَلَايِلُ وَالزَّلَازِلُ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۴۰۸

احادیث مشنوی

انّ هذه الامة مرحومة جعل الله عزّ وجلّ عذابها بينها فاذا كان يوم القيامة دفع الى كلّ امرئ منهم رجلاً من اهل الاديان فقال هذا يكون فداؤك من النار .

همان مأخذ ، ص ۴۱۰

۵

امّتي امة مرحومة مغفور لها متاب عليها .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۶۴

۸۰ - گای محبّ عفو از ما عفو کن ای طیب رنج ناسور کهن
(ص ۸۶ ، ص ۵)

مقتبس است از این روایت :

۱۰

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّيْ .

کنوز الحقائق ، ص ۲۰ و ۹۲

۸۱ - گفت پیغمبر بیک صاحب ریا صَلَّ اِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ يَا قَتِيْ
(ص ۸۹ ، ص ۷)

اشاره است بخبر ذیل :

۱۵

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَرَدَّ رَسُولُ اللَّهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ اِرْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَرَجَعَ الرَّجُلُ فَصَلَّى كَمَا كَانَ صَلَّى ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ اِرْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ حَتَّىٰ فَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ .

۲۰

بخاری ، ج ۱ ، ص ۹۱ مسلم ، ج ۲ ، ص ۱۱ ، ۹۴ ، ج ۴ ، ص ۵۹ وبا تفصیل بیشتر

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۳۴۰

دفتر اول

۸۲ - گفت پیغمبر که هست از اتمم که بود هم گوهر و هم همتم
مرمر را زان نور بیند جانسان که من ایشان را همی بینم بدان
(ص ۹۰ ، س ۲۴)

ظاهر اشاره بحديث ذیل است :

وَدِدْتُ أَنَا قَدْ رَأَيْتُنَا إِخْوَانَنَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْنَا بِإِخْوَانِكَ قَالَ بَلَى
أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي الَّذِينَ لَمْ يَأْتُوا بَعْدُ وَ أَنَا فَرَطُهُمْ عَلَيَ الْحَوْضِ فَقَالُوا يَا
رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَعْرِفُ مَنْ لَمْ يَأْتِ مِنْ أُمَّتِكَ بَعْدُ قَالَ أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا
كَانَ لَهُ خَيْلٌ غَرُّ مُحَجَّلَةٌ بَيْنَ ظَهْرَانِي خَيْلٍ بُهُمْ دُهُمٌ أَلَمْ يَكُنْ يَعْرِفُهَا قَالُوا بَلَى
قَالَ فَإِنَّهُمْ يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَرِ الْوُضوءِ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۰۰ ، ۴۰۸ .

و ددت اني لقيت اخواني فقال اصحاب النبي ﷺ او ليس نحن
اخوانك قال انتم اصحابي و لكن اخواني الذين آمنوا بي و لم يروني .

مسند احمد ، ج ۳ ، ص ۱۱۵ تفسير ابوالفتح طبع طهران (چاپ اول) ج ۱ ،
ص ۴۱ و با تفصيل بيشر امالي مفيد ، طبع نجف ، ص ۳۹ - ۴۰ و با اختلافی در تعبير

۱۵ مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۱۰۶ .

من اشد امتي لي حبا ناس يكونون بعدي يود احدهم لورائي باهله

و ماله .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۱۴۵ مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۴۱۷ ، ج ۵ ، ص ۱۵۶ ، ۱۷۰

۸۳ - گفت پیغمبر صباحي زید را كيف اصبحت ای رفيق با وفا

۲۰ برای مستند آن رجوع کنید به :

مآخذ قصص و تمثيلات مشنوی ، انتشارات دانشگاه طهران ، ص ۹۱

۸۴ - الشَّقِيَّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ مِنْ سَمَاتِ اللَّهِ يَعْرِفُ حَالَهُمْ
(ص ۹۲ ، س ۱)

اشاره بدین حدیث است :

الشَّقِيَّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ .

۵ مسلم ، ج ۸ ، ص ۴۵ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۳ .

السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيَّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۳۶ شرح تعرّف ، ج ۲ ، ص ۷۷

۸۵ - او مگر ينظر بنور الله بود کاندرون پوست او راره بود
(ص ۹۲ ، س ۵)

۱۰ مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است :

۸۶ - پس بغیبت نیم ذره حفظ کار به که اندر حاضری زان صد هزار
(ص ۹۴ ، س ۲۵)

ظاهراً مقتبس است از مضمون خبر ذیل :

دَعْوَةُ فِي السِّرِّ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً فِي الْعَلَانِيَةِ .

۱۵ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴ كنوز الحقائق ، ص ۶۳

۸۷ - گفت پیغمبر که اصحابی نجوم رهروان را شمع و شیطان را رجوم
(ص ۹۵ ، س ۸)

اشاره است باین حدیث :

أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ فَبِأَيِّهِمْ أَقْتَدَيْتُمْ أَهْتَدَيْتُمْ .

۲۰ كنوز الحقائق ، ص ۱۳ اللمع لابی نصر السراج ، چاپ لیدن ، ص ۱۲۰

سألت ربِّي فيما تختلف فيه اصحابي من بعدى فأوحى اليَّ يا محمد أنَّ

اصحابك عندي بمنزلة النجوم في السماء بعضها أضوأ من بعض فمن أخذ

بشيءٍ مما هم عليه من اختلافهم فهو عندي على هدى .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۸

دفتر اول

۸۸ - نار خصم آب و فرزندان اوست همچنانکه آب خصم جان اوست
آب آتش را کشد زیرا که او خصم فرزندان آبست و عدو
(ص ۹۵، س ۲۹)

ظاهراً مأخوذ است از مضمون این حدیث :

۵ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ جَعَلَتْ تَمِيدُ فَخَلَقَ الْجِبَالَ فَقَالَ بِهَا عَلَيْهَا (كَذَا)
فَاسْتَقَرَّتْ فَعِجِبَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ شِدَّةِ الْجِبَالِ فَقَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ
شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْجِبَالِ قَالَ نَعَمْ الْحَدِيدُ فَقَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ
أَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ قَالَ نَعَمْ النَّارُ قَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ
مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ الْمَاءُ قَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ
۱۰ قَالَ نَعَمْ الرِّيحُ قَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الرِّيحِ قَالَ نَعَمْ
ابْنُ آدَمَ تَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ يَمِينِهِ يُخَفِّفُهَا عَنْ شِمَالِهِ .

فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۵۹۳

۸۹ - چون ایت عند ربی فاش شد
یطعم و یسقی پی این آش شد
(ص ۹۷، س ۸)

۱۵ اشاره بدین حدیث است :

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْوِصَالِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّكَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ تُوَاصِلُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَيُّكُمْ مِثْلِي إِنْ آيَتِ يُطْعِمَنِي رَبِّي
وَيَسْقِينِي .

بخاری، ج ۴، ص ۱۱۸ مسلم ج ۳، ص ۱۳۳ - ۱۳۴ بوجه متعدده مسند احمد،

۲۰ ج ۲، ص ۲۱، ۲۳، ۱۰۲، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۵۷، ۳۱۵ شرح تعرف،

ج ۱، ص ۳۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۱۵ .

احادیث مشنوی

۹۰- چون تو بای آن مدینه علم را چون شعاعی آفتاب حلم را
باز باش ای باب بر جویای باب تا رسند از تو قشور اندر لباب
(من ۹۷، س ۲۰)

اشاره است بدین حدیث :

۵ اِنَّا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَىٰ بَابِهَا قَنْ اَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ .

جامع صغیر ، ج ۱، ص ۱۰۷ کنوز الحقائق ، ص ۳۸ با حذف ذیل خبر .

۹۱- امت و حدی یکی و صد هزار بازگو ای بنده بازت را شکار
(من ۹۸، س ۸)

مأخوذ است از این حدیث :

۱۰ يُبْعَثُ زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ أُمَّةً وَحْدَهُ .

احیاء العلوم ، ج ۱ ص ۲۰۸

۹۲- تا احب لله آید نام من تا که ابفض لله آید کام من
تا که اعطی لله آید جود من تا که امسک لله آید بود من
بخل من لله عطا لله و بس جمله لله ام نیم من آن کس
۱۵ (من ۹۸، س ۲۱ یعد)

مقتبس است از حدیث ذیل :

مَنْ اَعْطَىٰ لِلّٰهِ وَ مَنَعَ لِلّٰهِ وَ اَحَبَّ لِلّٰهِ وَ اَبْغَضَ لِلّٰهِ وَ اَنْكَحَ لِلّٰهِ فَقَدْ اَسْتَكْمَلَ الْاِيْمَانَ .

مستدرک حاکم چاپ حیدر آباد ، ج ۲ ، ص ۱۶۴

۲۰ و با حذف جمله : و انکح لله .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ نیز رجوع کنید به : اللآلئ المصنوعة ، ج ۱ ، ص ۴۳

۹۳- پست میگویم باندازه عقول عیب نبود این بود کار رسول
(من ۹۸، س ۲۵)

دفتر اول

مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۲۶۷ احیاء العلوم ، ج ۱ ص ۷۴

نیز رجوع کنید به : فیہ ما فیہ انتشارات دانشگاه طهران ، ص ۳۰۶

۹۴ - اندر آگازاد کردت لطف حق زانکه رحمت داشت بر خشمش سبق
(ص ۹۹ ، س ۴)

مستند آن در ذیل شماره (۶۴) مذکور است .

۹۵ - کی بدیدندی عصا و معجزات مصیبت طاعت شد ای قوم عصات
(ص ۹۹ ، س ۹)

۱۰ - مصرع دوم مناسب است با مضمون این حدیث :

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ ذَنْبًا يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ قَالُوا كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
قَالَ يَكُونُ نَضْبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَتُوبُ مِنْهُ .

شرح خواجه ایوب و لطائف معنوی ، ص ۶۴

۹۶ - گفت پیغمبر بگوش چاکرم که برد روزی زگردن این سرم
(ص ۹۹ ، س ۱۸)

مستند آن در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی ، ص ۳۸ ذکر شده است .

نیز رجوع کنید به : مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۲۶۳

۹۷ - من همی گویم برو جف القلم زاین قلم بس سرنگون گردد علم
(ص ۹۹ ، س ۲۱)

۲۰ - اشاره بحدیث ذیل است :

جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ .

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ ، ج ۲ ، ۱۹۷ ، كنوز الحقائق ، ص ۵۵

قال ابو هريرة قال لي النبي ﷺ جفَّ القلم بما انت لاق .

بخاری ، ج ۴ ، ص ۹۲ وبا تفصیل بیشتر ج ۳ ، ص ۱۵۴

احادیث مشنوی

۹۸ - آنکه او تن را بدینسان پی کند حرص میری و خلافت کی کند
(ص ۱۰۱ ، ص ۲۷)

مضمون این بیت و مابعد آن مناسبت با این سخن که از مولای متقیان علی علیه السلام روایت می کنند :

عَجَبًا لِسَعْدٍ وَابْنِ عُمَرَ بْنِ عُمَانَ إِنِّي أَحَارِبُ عَلَى الدُّنْيَا أَفَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحَارِبُ عَلَى الدُّنْيَا فَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَارِبًا لَتَكْسِيرِ الْأَصْنَامِ وَعِبَادَةِ الرَّحْمَنِ فَإِنَّمَا حَارَبْتُ لِدَفْعِ الضَّلَالِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْفُسَادِ أَفِيثْلِي يُزَنُّ بِحُبِّ الدُّنْيَا وَاللَّهِ لَوْ تَمَثَّلَتْ لِي بَشَرًا سِوَا لَضَرْبَتِهَا بِالسَّيْفِ .
شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۶۴

۹۹ - آنکه او از مخزن هفت آسمان چشم دل بر بست گاه امتحان
(ص ۱۰۲ ، ص ۹)

مستند آن در مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (ص ۳۹) ذکر شده است .

۱۰۰ - لا یسع فینا نبی مرسل و الملك و الروح ایضا فاعقلوا
(ص ۱۰۲ ، ص ۱۲)

۱۵ اشاره است بحديث معروف :

لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ .
که صوفیه بدان استناد می کنند و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۶۶) در باره آن گوید :

یذکره الصوفیة کثیرا و لم ار من نبّه علیه و معناه صحیح و فيه

۲۰ ایماء الى مقام الاستغراق باللقاء للعبّر عنه بالحو و الفناء .

۱۰۱ - گفت اگر رانند این را بر زبان يك يهودی خود نماند در جهان
(ص ۱۰۲ ، ص ۲۱)

دفتر اول

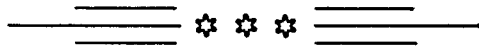
اشاره است بروایت ذیل :

لَوْ تَمَنَّوْهُ يَوْمَ قَالَ لَهُمْ ذَلِكَ مَا بَقِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ يَهُودِيٌّ لَا مَاتَ .
تفسیر طبری، ج ۱، ص ۳۲۰ (طبع مصر)
لو تمّنوا الموت لغصّ كلّ انسان بریقہ فوات مکانہ و لا یبقی
۵ (ما بقی - ظ) علی الارض یهودی .

تفسیر نیشابوری طبع ایران، ج ۱، ص ۱۱۷ - شرح خواجه ایوب، لطائف
معنوی، ص ۶۴ .

۱۰۴- تو نگاریده کف مولیستی آن حقی کرده من نیستی
تقش حق را هم بامر حق شکن برز جاجه دوست سنگ دوست زن
۱۰ (ص ۱۰۳، س ۴)
مستفاد است از مضمون این روایت :

مَنْ هَدَمَ بُلْيَانَ اللَّهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ .
ربیع الا برار ، باب الغزو والقتل، کنوز الحقائق، ص ۱۲۰ با تقدیم و تأخیری
در عبارت .



دفتر دوم

۱۰۳ - خلوت از اغیار باید نی زیار پوسین بهر دی آمد نی بهار
(ص ۱۰۵ ، س ۲۵)

ظاهرا مستفاد است از مضمون حدیث ذیل :

۵ أَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ وَالْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۶ کنوز الحقائق ص ۱۴۹ (بحذف جمله دوم) احیاء العلوم ،

ج ۲ ، ص ۱۲۰ (منسوب به ابوذر) اتحاف السادة المتقين ، ج ۶ ، ص ۲۰۳ که بحث

مفیدی در باره این روایت و انتساب آن بحضرت رسول ﷺ دارد .

۱۰۴ - چونکه مؤمن آینه مؤمن بود روی او ز آلودگی ایمن بود

۱۰ یار آینه است جانرا در حزن بر رخ آینه ای جان دم مزین

(ص ۱۰۵ ، س ۲۷)

اشاره بدین حدیث است :

الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ ، کنوز الحقائق ، ص ۱۳۶

۱۵ المؤمن مرآة المؤمن والمؤمن اخو المؤمن يكف عليه ضيعته ويجوئه

من ورائه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳

المؤمن مرآة اخيه المؤمن .

کنوز الحقائق ، ص ۱۳۶

۲۰ انّ احدكم مرآة اخيه فاذا رأى به اذى فليمطه عنه .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸۶

دفتر دوم

۱۰۵ - خواب بیداریست چون با دانش است

وای بیداری که با نادان نشست

(ص ۱۰۶ ، س ۳)

مقتبس است از مضمون این حدیث :

۵ نَوْمُ الْعَالَمِ عِبَادَةٌ وَ نَفْسُهُ تَسْبِيحٌ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۴۰

نوم علی علم خیر من صلاة علی جهل .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ کنوز الحقائق ، ص ۱۴۰

۱۰۶ - او جمیلت و یحبّ للجمال کی جوان نو گزیند پیر زال

(ص ۱۰۶ ، س ۲۳)

اشاره است بدین حدیث :

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ .

مسلم ، ج ۱ ، ص ۶۵ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۸ مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۲۶

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۱۲ تلخیص ابلیس طبع مصر ، ص ۲۰۱ کنوز الحقائق ، ص ۲۵ .

۱۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَىٰ عَبْدِهِ وَ

يَبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ .

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ سَخِيَ يُحِبُّ السَّخَاءَ نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۸

۱۰۷ - آینه جان نیست الا روی یار روی آن یاری که باشد زان دیار

(ص ۱۰۷ ، س ۴)

مستند آن در شماره (۱۰۴) مذکور گردید .

۱۰۸ - بس دعاهاکان زیانست و هلاک و از کرم می نشنود یزدان پاک

(ص ۱۰۸ ، س ۶)

احادیث مشنوی

مناسبت با گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

وَرَبَّمَا أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَأَجْزَلَ
لِعَطَاءِ الْآمِلِ وَرَبَّمَا سَأَلْتَ شَيْئًا فَلَا تُؤْتَاهُ وَ أُوتِيتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا
وَصُرِفَ مِنْكَ بِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ قَلْبُ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ
أُوتِيْتَهُ .

۵

ربیع الا برار ، باب ذکر الله والدعاء

۱۰۹- تفرقه در روح حیوانی بود نفس واحد روح انسانی بود
(ص ۱۰۹ ، س ۱۴)

مناسبت با حدیث ذیل :

۱۰

الْمُؤْمِنُونَ كَرُجُلٍ وَاحِدٍ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۶

المؤمنون كنفس واحدة .

که بعضی آن را حدیث انگاشته اند . رجوع کنید به : فیہ ما فیہ انتشارات
دانشگاه طهران ، ص ۳۳۵ .

۱۵

۱۱۰- چونکه حق رشّ علیهم نورهُ مفترق هـ- رگز نگردد نور او
(ص ۱۰۹ ، س ۱۴)

مستند آن در ذیل شماره (۱۴) نقل شده است .

۱۱۱- ذکر با او همچو سبزه گلخن است بر سر مبرز گلست و سوسن است
(ص ۱۱۱ ، س ۱۳)

۲۰

مقتبس است از مضمون خبر ذیل :

إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ .

کنوز الحقائق ، ص ۴۳

و شبیه بدان روایت ذیل است :

نعمۃ الجاهل کروضۃ فی مزبلة .

و این خبر در « مجموعه امثال » از شخصی بنام محمد بن محمود که از علما و ادباء عصر خویش بوده و بزبان تازی شعر نیکو میسروده است جزو احادیث نبوی مذکور است و نسخه خطی این کتاب که در روز شنبه ۲۷ رجب سال ۵۷۵ نوشته شده متعلق است بدانشمند محترم آقای جلال همایی استاد فاضل دانشگاه طهران .

۱۱۴ - پس کلام پاک در دل‌های کور می نیاید می رود تا اصل نور (ص ۱۱۲ ، س ۹)

مناسبست با سخن مولای متقیان علی علیه السلام :

۱۰ خُذِ الْحِكْمَةَ اِنِّي كَانَتْ فَاِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلْجَجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ اِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ .

ربیع الا برار ، باب العلم والحكمة، شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۲۷۸

۱۱۴ - چونکه موسی رونق دور تو دید کاندرا او نور تجلّی می دمید (ص ۱۱۳ ، س ۶)

۱۵ مستند آن در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (ص ۴۵) نقل شده است .

۱۱۴ - کنت کنزاً رحمة مخفیة فابتعث امة مهديّة (ص ۱۱۳ ، س ۱۰)

مستند آن در ذیل شماره (۷۰) مذکور است .

۱۱۵ - گفت پیغمبر که در بازارها گای خدا تو منافق را ده خلف وای خدا تو مسمک را ده تلف (ص ۱۱۳ ، س ۲۳)

مستند آن را در ذیل شماره (۵۱) توان دید .

احادیث مشنوی

۱۱۶- طعمه بنموده بما و آن بوده شست آن چنان بنما بما آنرا که هست
(ص ۱۱۵ ، س ۱۵)

مأخوذ است از حدیث ذیل :

اللَّهُمَّ ارِنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ .

۵ شرح خواجه ایوب

و این حدیث را بدین عبارت هنوز در کتب حدیث بدست نیاورده ام و نزدیک بدان روایت ذیل است :

اللَّهُمَّ ارِنِي الدُّنْيَا كَمَا تُرِيهَا صَالِحِي عِبَادِكَ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۸

۱۱۷- همین سگ نفس ترا زنده مخواه کاو عدو جان تست از دیرگاه
(ص ۱۱۵ ، س ۱۸)

مستند آن در ذیل شماره (۱۷) گذشت .

۱۱۸- احتیاطش کرد از سهو و خباط چون قضا آید چه سود از احتیاط
(ص ۱۱۶ ، س ۱۸)

مستند آن در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

۱۱۹- صوفیان درویش بودند و فقیر کا دفعران یکن کفر را یبیر
(ص ۱۱۶ ، س ۱۸)

اشاره است بحدیث :

كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا .

۲۰ کنوز الحقائق ، ص ۹۳

و با ذیل : و کاد الحسدان یغلب القدر - احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۲۹

و با تعبیر : و کاد الحسدان یكون سبق القدر - جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸۸
نیز رجوع کنید به :

اتحاف السادة المتقين ، ج ۸ ، ص ۵۲ که اقوال محدثین را در باره این خبر بتفصیل

نقل نموده است .

۱۴۰ - گفت پیغمبر که دستت هر چه برد بایدش در عاقبت واپس سپرد
(ص ۱۱۷ ، س ۶)

مقصود این حدیث است :

۵ عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذْتَ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۶۰ کنوز الحقائق ، ص ۸۱

۱۴۱ - واللّٰه ار سوراخ موشی در روی مبتلای گـربه چنگـالی شوی
(ص ۱۱۸ ، س ۴)

با مضمون این حدیث مناسبت دارد :

۱۰ لَوْ كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي جُحْرِ ضَبٍّ لَقَبَضَ اللَّهُ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ .

جامع صغیر، ج ۲ ، ص ۱۳۰

و نظیر آن روایت ذیل است که در همان مأخذ نقل شده است :

لو كان المؤمن على قسبة في البحر لقبض الله له من يؤذيه .
و این خبر نیز مفید همان معنی تواند بود :

۱۵ لم يكن مؤمن ولا يكون الى يوم القيامة الا وله جار يؤذيه .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۶

۱۴۲ - صبر از ایمان بیابد سر کله
گفت پیغمبر خداهش ایمان نداد
حيث لا صبر فلا ایمان له
هر کرا نبود صبوری در نهاد
(ص ۱۱۸ ، س ۷)

۲۰ این حدیث مراد است :

مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ لَا إِيْمَانَ لَهُ .

رساله قشیریّه طبع مصر ، ص ۸۵ ، ۸۶

و از امیر مؤمنان علی علیه السلام مأثور است :

و علیکم بالصبر فان الصبر من الايمان كالرأس من الجسد ولا خير

فی جسد لا رأس معه و لا فی ایهان لا صبر معه .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۲۷۹

۱۲۳ - گفت پیغمبر که یزدان مجسمد از پی هر درد درمان آفرید (ص ۱۲۰ ، س ۳)

اشاره است بدین حدیث :

مَا أُنْزِلَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا أُنْزِلَ لَهُ شِفَاءٌ .

بخاری ، ج ۴ ، س ۶ مسلم ، ج ۷ ، س ۱۲۱ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۴۱۳، ۳۷۷، ۴۱۳،

۴۴۳ و ج ۳ ، س ۱۵۶ با اختلاف مختصر .

و این خبر بصور ذیل هم روایت میشود :

۱۰ . لكل داء دواء فاذا اصاب دواء الداء برا باذن الله .

جامع صغیر ، ج ۲ ، س ۱۲۴ کنوز الحقائق ، س ۱۰۹

ان الله تعالى انزل الداء و الدواء و جعل لكل داء دواء فتداووا و لا

تداووا بحرام .

جامع صغیر ، ج ۱ ، س ۶۷

۱۵ . لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار .

جامع صغیر ، ج ۲ ، س ۱۲۴ کنوز الحقائق ، س ۱۰۹

ان الله حيث خلق الداء خلق الدواء فتداووا .

جامع صغیر ، ج ۱ ، س ۶۸

تداووا عباد الله فان الله لم يضع داء الا وضع له دواء غير داء

۲۰ . واحد الهرم .

جامع صغیر ، ج ۱ ، س ۱۲۹

ما من داء الا وله دواء .

احياء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۰۲

۱۲۴ - چشم را ای چاره جو در لامکان هین بنه چون چشم کشته سوی جان
(س ۱۲۰، س ۵)

مستفاد است از مضمون این روایت :

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى أَبِي سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ
بَصَرُهُ فَأَغْمَضَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ
فَقَالَ لَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بَخِيرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَيَّ مَا تَقُولُونَ.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَمْ تَرَوْا الْإِنْسَانَ إِذَا مَاتَ شَخَّصَ بَصَرُهُ قَالُوا
بَلَى قَالَ فَذَلِكَ حِينَ يَتَّبِعُ بَصَرُهُ نَفْسَهُ.

مسلم، ج ۳، س ۳۸-۳۹

۱۰ اذا حضرتم موتاكم فأغمضوا البصر فان البصر يتبع الروح و قولوا
خيرا فانه يؤمن على ما قال اهل الميت .

مسند احمد، ج ۴، س ۱۲۵ جامع صغير، ج ۱، س ۲۳ با تفاوت اندك

ان الروح اذا قبض تبعه البصر .

ان الروح اذا عرج به يشخص البصر .

كنوز الحقائق، س ۲۹ جامع صغير، ج ۱، س ۷۹ ۱۵

۱۲۵ - النبی قدر کب معروريا والنبي قيل سافر ماشيا
(س ۱۲۰، س ۲۹)

اشاره است بروایات ذیل :

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ أَتَى النَّبِيَّ بِفَرَسٍ مُعْرُورٍ فَرَكَبَهُ حِينَ أَنْصَرَفَ
مِنْ جَنَازَةِ ابْنِ الدَّحْدَاحِ وَنَحْنُ نُمَشِّي حَوْلَهُ.

مسلم، ج ۳، س ۶۰

احادیث مشنوی

كَانَ يَزُورُ قُبَاءَ رَاكِبًا وَ مَاشِيًا .

مسند احمد، ج ۲، ص ۵ مسلم، ج ۴، ص ۱۲۷

صلى رسول الله على ابن الدحداح ثم اتي بفرس عري فعقله رجل
فركبه فجعل يتوقص و نحن نتبعه نسعى خلفه .

مسند احمد، ج ۵، ص ۵۹ و با اختلاف مختصر ص ۹۹

كان يركب الحمار عريانا ليس عليه شيئي .

جامع صغير، ج ۲، ص ۱۱۶، كنوز الحقائق، ص ۱۴۰

۱۴۶ - تا نگردي تو گرفتار اگر که اگر آن کردمى يا آن دگر

کز اگر گفتن رسول با وفاق منع کرد و گفت هست آن از نفاق

۱۰ (ص ۱۲۱، ص ۵)

اشاره بحديث ذيل است :

إِيَّاكُمْ وَاللَّوْفَانِ اللَّوَّى يَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۶۶، كنوز الحقائق، ص ۴۳

الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَ فِي

۱۵ كُلِّ خَيْرٍ إِحْرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَ اسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَ لَا تَعْجِزْ وَ إِنْ أَصَابَكَ

شَيْئٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَ كَذَا وَ لَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَ مَا

شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ .

مسلم، ج ۸، ص ۵۶

هیچ اهلیت به از خلق نسکو

۱۴۷ - من ندیدم درجهان جستجو

۲۰ (ص ۱۲۲، ص ۲۳)

مستفاد است از مضمون این روایت :

خَيْرٌ مَا أُعْطِيَ النَّاسُ خُلُقٌ حَسَنٌ .

جامع صغير، ج ۲، ص ۹

و نظیر آن روایات ذیل است :

انَّ النَّاسَ لَمْ يَعْطُوا شَيْئًا خَيْرًا مِنْ خَلْقِ حَسَن .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۸۵

خیر النَّاس احسنهم خُلُقًا .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸

خیر ما اعطى الرَّجل المؤمن خلق حسن و شرّ ما اعطى الرَّجل قلب

سو ، فی صورة حسنة .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۰

۱۴۸ - زانکه هفصد پرده دارد نورحق

پرده‌های نوردان چندین طبق

(ص ۱۲۲ ، ص ۲۹)

اشاره است بروایتی که در باره حجب نورانی و ظلمانی نقل شده و چون

در باره عدد حجب روایات مختلف است همه آنها را در اینجا می آوریم :

لِلّهِ دُونَ الْعَرْشِ سَبْعُونَ حِجَابًا لَوْ دَنَوْنَا مِنْ أَحَدِهَا لَأَحْرَقَتْنا سُبْحَاتُ

۱۵ وَجْهِ رَبِّنا .

نهایه این اثر طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۱۴۱ فائق زمخشری ، طبع حیدر آباد ،

ج ۱ ، ص ۲۸۰ .

إِنَّ لِلّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَظُلْمَةٍ لَوْ كَشَفَهَا لَأَحْتَرَقَتْ سُبْحَاتُ

۲۰ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ .

مرصاد العباد چاپ طهران ۱۳۱۲ شمسی ، ص ۵۷ اشعة اللمعات چاپ ایران ، ض

۷۷ - ۷۸ با این اختلاف :

لَأَحْرَقَتْ سُبْحَاتُ وَجْهِهِ .

إِنَّ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ .

فَعَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْحُجْبِ وَالْحُجْبِ خَمْسَمِائَةً
حِجَابٍ مِنَ الْحِجَابِ إِلَى الْحِجَابِ خَمْسَمِائَةً عَامٍ .
إِنَّ لِلَّهِ سَبْعًا وَسَبْعِينَ حِجَابًا مِنْ نُورٍ لَوْ كَشَفَ عَنْ وَجْهِهِ لَأَخْرَقَتْ
سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا أَذْرَكَهُ بَصَرُهُ وَفِي رِوَايَةٍ سَبْعَمِائَةً حِجَابٍ وَفِي أُخْرَى
سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ .

وافی فیض ، طبع ایران ، ج ۱ ، ص ۸۹

۱۴۹ - آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان
(ص ۱۲۳ ، ص ۱۶)

مستفاد است از مضمون کلام مولای متقیان علی علیه السلام :

تَكَلَّمُوا تُعَرَّفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ يُحْبَوُ تَحْتَ لِسَانِهِ .
شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۴۲۱ ، ۳۱۳

قال الاحنف حنف الرجل محبوه تحت لسانه .

عیون الاخبار طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۳۳۱

۱۳۰ - گفت پیغمبر که هر کس از یقین داند او پاداش خود در یوم دین
که یکی را ده عوض می آیدش هر زمان جویدی دگرگون زایدش
(ص ۱۲۴ ، ص ۱۸)

مقصود روایت ذیل است :

مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ .

که در مجموعه امثال ، جزو احادیث نبوی و در نهج البلاغة منسوب

بمولای متقیان علی علیه السلام ذکر شده است .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۳۰۸

۱۳۱ - صد هزاران پادشاهان و مهان سر فرازانند ز آنسوی جهان
نامشان از رشک حق پنهان بماند هر گدایی نامشان را بر نخواند
(ص ۱۲۵، س ۱۷)

مستفاد است از مضمون حدیث قدسی :

۵ أَوْ لِيَأْنِي تَحْتَ قَبَائِي لَا يَعْرِفُهُمْ غَيْرِي .

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۲۵۶، کشف المحجوب مجبوری طبع لنینگراد، ص ۷۰
۱۳۲ - روح او با روح شه در اصل خویش

پیش از این تن بود هم پیوند و خویش
(ص ۱۲۸، س ۱)

۱۰ مقتبس است از مفاد این حدیث :

الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ فَلَا تَعَارَفَ مِنْهَا اِثْتَلَفَ وَمَا تَنَازَرَ مِنْهَا اِخْتَلَفَ .

مسلم، ج ۸، ص ۴۱، بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۵، ۵۲۷،
جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۲۱، احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۱۱ .

۱۳۳ - هست دست راست اینجا ظنِ راست

۱۵ گاو بداند نیک و بد را کز کجاست

نیزه گردانست ای نیزه که تو

راست می گردی که و گاهی دو تو

(ص ۱۲۹، س ۱۰)

با گفته مولای متقیان علی علیه السلام مناسبت دارد :

۲۰ عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعِزَائِمِ وَحَلِّ الْعُقُودِ وَنَقْضِ الْهَمَمِ .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۵۰

۱۳۴ - مصطفی فرمود از گفت جحیم که بمؤمن لایه گر گردد ز بیم

گویدش بگذر ز من ای شاه زود هین که نورت سوز نارم را ربود

(ص ۱۳۲، س ۵)

۲۵ اشاره است بحدیث ذیل :

تَقُولُ النَّارُ لِلْمُؤْمِنِ جُزْ يَا مُؤْمِنُ فَمَذَاطْفًا نُورُكَ لَهْمِي .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۲

ان المؤمن اذا وضع قدمه على الصراط يقول النار جزيا مؤمن
فقد اطفأ نورك ناري .

شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۷۷

۱۴۵- این سخا شاخست از سرو بهشت

۵ وای اوکز کف چنین شاخی بهشت

(ص ۱۳۲ ، س ۲۵)

مقتبس است از این روایت :

السَّخَاءُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ
أَخَذَ بُغْضٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُضْنُ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْبُخْلُ شَجَرَةٌ مِنْ شَجَرِ النَّارِ
أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ أَخَذَ بُغْضٍ مِنْ أَغْصَانِهَا قَادَهُ ذَلِكَ
۱۰ الْغُضْنُ إِلَى النَّارِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۳۶ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۶۸ شرح نهج البلاغه ،

ج ۴ ، ص ۴۱۴ با اختلاف در تمیز .

۱۴۶- زانکه مخلص در خطر باشد مدام تا ز خود خالص نگردد او تمام

۱۵ (ص ۱۳۳ ، س ۱۷)

اشاره است بجملة :

وَالْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ .

که در شرح خواجه ایوب حدیث نبوی و در اتحاف السادة المتقين ، ج ۹ ،

ص ۲۴۳ منسوب به سهل بن عبدالله تستری ذکر شده است .

۱۴۷- زآب هر آلوده گر پنهان شود الحیاء يمنع الایمان بود

۲۰ (ص ۱۳۴ ، س ۱۹)

در حاشیه عبد اللطیف عباسی بر منتهی (نسخه خطی متعلق بکتابخانه ملی)

و حاشیه‌ی مثنوی چاپ علاء الدوله ذکر شده که : الْحَيَاءُ يَمْنَعُ مِنَ الْإِيمَانِ - حدیث است ولی مأخذ آن بدست نیامد و نزدیک بدان گفته‌ی امیرمؤمنان علی علیه السلام است :

قُرْنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْحَيَّةِ وَالْحَيَاءُ بِالْحِرْمَانِ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۲۵۲

و از عایشه نقل کرده اند :

نِعْمَ النِّسَاءُ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ لَمْ يَمْنَعْنِ الْحَيَاءُ أَنْ يَتَفَقَّهْنَ فِي الدِّينِ .

بخاری ، ج ۱ ، ص ۲۴

و در حدیث آمده است :

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ .

۱۰ مسلم ، ج ۱ ، ص ۴۶ بخاری ، ج ۱ ، ص ۸ - که مضمون آن مخالف است با جمله‌ی که بعنوان حدیث ذکر کرده اند .

۱۴۸ - دوست همچون زر بلاچون آتش است

زر خالص در دل آتش خوش است

(ص ۱۳۶ ، س ۲۰)

۱۵ مستفاد است از حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُجَرِّبُ عَبْدَهُ بِالْبَلَاءِ كَمَا يُجَرِّبُ أَحَدَكُمْ ذَهَبَهُ بِالنَّارِ فَيَنْخَرُجُ مِنَ النَّارِ كَالذَّهَبِ الْبَرِيزِ لَا يَرْبَدُّ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَخْرُجُ أَسْوَدَ نَخْرَقًا .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۲۰۵ اتحاف السادة المتقين ، ج ۹ ، ص ۵۲۳ با ذکر

۲۰ اسناد و وجوه روایت .

و در حاشیه‌ی عبد اللطیف بدین صورت ذکر شده است :

البلاء للولا كما الذهب للذهب .

۱۴۹ - بند گمان خاص علام الغیوب در جهان جان جوایس القلوب
(ص ۱۳۷ ، س ۳)

عبد اللطیف عباسی اشاره میداند بدین عبارت :

اِخْذَرُوهُمْ فَإِنَّهُمْ جَوَائِسُ الْقُلُوبِ .

- که بعقیده او حدیث است و در شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۶۸ این جمله منسوب
است بابو عبدالله انطاکی بصورت ذیل :

قال ابو عبدالله الانطاكي اذا جالستم اهل الصدق فخالسوهم
بالصدق فانهم جواسيس القلوب يدخلون في اسراركم ويخرجون
من هممكم .

۱۴۰ - چونکه ملعون خواند ناقص را رسول

هست در تاویل نقصان عقول

زانکه ناقص تن بود مرحوم رحم

نیست بر مرحوم لایق طعن وزخم

(ص ۱۳۸ ، س ۱۴)

۱۵ اشاره است بدین حدیث :

الْناقصُ ملعونٌ .

شرح خواجه ایوب ، المنهج القوی (شرح یوسف بن احمد بر مشنوی) طبع مصر ،

ج ۲ ، ص ۳۵۲ .

و بیت دوم را یوسف بن احمد اشاره بحدیث ذیل (که در جامع صغیر ، ج ۲ ،

ص ۱۹ نیز نقل شده) گرفته است :

ذَهَابُ الْبَصَرِ مَغْفِرَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ ذَهَابُ السَّمْعِ مَغْفِرَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ مَا

نَقَصَ مِنَ الْجَسَدِ فَعَلِيَ قَدْرَ ذَلِكَ .

۱۴۱ - شیخ کاو بنظر بنورالله شد
از نهایت و از نخست آگاه شد
چشم او بنظر بنورالله شده
پردهای چهل را خارق بده
(ص ۱۳۹، س ۳ و ۱۱)

مستند آن در ذیل شماره (۲۳) گذشت.

۱۴۲ - گویم ای خورشید مقرون شو بماه
هر دو را سازم چو دو ابر سیاه
(ص ۱۴۰، س ۱۲)

مقتبس است از حدیث مفصلی که درباره پایان کار جهان و ظهور علائم قیامت
روایت میکنند و آنچه مرتبط بدین بیت است در اینجا می آوریم :

آنگه آفتاب و ماه را بیارند نور از ایشان بسته بمانند دو جرم سیاه .
تفسیر ابو الفتوح، ج ۲، ص ۳۶۰

۱۴۳ - آفتاب و مه چو دو گاو سیاه
یوغ بر گردن ببندد شان الله
(ص ۱۴۰، س ۱۳)

مستفاد است از این روایت :

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ تُورَانِ عَقِيرَانِ فِي النَّارِ إِنْ شَاءَ أَخْرَجَهُمَا وَإِنْ
شَاءَ تَرَكَهُمَا . ۱۵

جامع صغیر، ج ۲، ص ۴۱ و با حذف ذیل روایت کنوز الحقائق، ص ۷۴
و جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۰ و تفسیر ابو الفتوح، ج ۵، ص ۴۳۴ نیز رجوع کنید به:
اللائلی المصنوعه، ج ۱، ص ۴۶، ۵۶، ۸۴ که این حدیث را جزو موضوعات
آورده است.

۱۴۴ - زانکه حکمت همچو ناقه ضاله است ۲۰

همچو دلّالان شهان را داله است

(ص ۱۴۱، س ۶)

احادیث مشنوی

اشاره است بحديث :

الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا .

که در جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۷ و با حذف ذیل روایت در کنوز الحقائق، ص ۵۸ جزو احادیث نبوی و در نهج البلاغه بدینصورت :

الحكمة ضالة المؤمن فخذ الحكمة و لو من اهل النفاق .
بامیر مؤمنان علی علیه السلام منسوبست .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۷۸

۱۴۵ - چون طلب کردی بجد آمد نظر جد خطا نکند چنین آمد خبر
(ص ۱۴۱، س ۲۱)

مستند آن را در ذیل شماره (۲۱۴) ملاحظه کنید .

۱۴۶ - آنکه گفت انی مرضت لم تعد من شدم رنجور او تنها نشد
(ص ۱۴۲، س ۲۱)

اشاره بدین حدیث است :

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا ابْنَ آدَمَ مَرَضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي
قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَعُودُكَ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي
فُلَانًا مَرِضَ فَلَمْ تَعُدْهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ .

مسلم، ج ۸، ص ۱۳ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۰۴ با اختلاف تعبیر، مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی، ص ۶۷ .

۱۴۷ - آنکه بی یسمع و بی یبصر شده است
در حق آن بنده این هم بیهوده است
(ص ۱۴۲، س ۲۱)

مستند آن در ذیل شماره (۴۲) یاد شده است .

۱۴۸ - تا توانی با منه اندر فراق ابغض الاشياء عندي الطلاق
(ص ۱۴۳، س ۲)

دفتر دوم

اشاره بحديثى است كه بصور ذيل روايت كرده اند :

أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ.

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۴ كنوز الحقائق ، ص ۲ و همچنين با تعبير :

الْبَغْضُ الْحَقُّ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ .

مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ .

مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۱۹۶ جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۴۱

يا معاذ ما خلق الله شيئاً على وجه الارض احب اليه من العتاق ولا خلق شيئاً على وجه الارض ابغض اليه من الطلاق .

شرح خواجه ايوب ، حاشيه عبد اللطيف و حاشيه مشوى چاپ علاء الدوله باكمى

۱۰ تفاوت .

۱۴۹ - من نكردم خلق تا سودى كنم بلکه تا بر بندگان جودى كنم

(س ۱۴۳ ، س ۵)

مقتبس است از مفاد اين روايت :

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ لِيَرْجُوا عَلَيَّ وَلَمْ أَخْلُقْهُمْ

لَا رِبْحَ عَلَيْهِمْ . ۱۵

و بصورت ذيل جزو سخنان امير المؤمنين على عليه السلام نقل شده است :

يقول الله تعالى يا ابن آدم لم اخلقك لاربح عليك انما خلقتك لتربح

على فاتخذني بد لا من كل شيئي .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۶۰

ما درونرا بنگريم و حال را

۲۰ ۱۵۰ - ما برونرا ننگريم و قال را

(س ۱۴۳ ، س ۷)

احادیث مشنوی

مستفاد است از حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ.

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۵ مسلم، ج ۸، ص ۱۱ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۹۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۳ با مختصر تفاوت.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى اجْسَادِكُمْ وَلَا إِلَى صُورِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ.

مسلم، ج ۸، ص ۱۱

۱۵۱ - خون شهیدانرا از آب اولیتر است

این خطا از صد صواب اولیتر است

۱۰ (ص ۱۴۳، س ۱۱)

حکم شرعی است و با مضمون روایت ذیل مناسبت دارد :

زَمَلُوهُمْ بِدِمَائِهِمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْكُمْ كَلِمٌ يُكَلِّمُ فِي اللَّهِ إِلَّا وَهُوَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَذْمِي لَوْنَهُ لَوْنُ الدَّمِ وَرِيحُهُ رِيحُ الْمِسْكِ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۷ نیز رجوع کنید به : فیہ ما فیہ انتشارات دانشگاه طهران، ص ۲۶۲.

۱۵

۱۵۲ - حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِمَكْرٍ وَهَاتِنَا حَفَّتِ النَّيِّرَانُ مِنْ شَهْوَاتِنَا

(ص ۱۴۴، س ۲۵)

اشاره بحدیث ذیل است :

حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِدِ وَحَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ.

مسلم، ج ۸، ص ۱۴۳ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۸۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۲۰ کنوز الحقائق، ص ۵۷ و با لفظ : حجب - جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۵ کنوز الحقائق، ص ۵۶.

۱۵۴ - تخیم مایه آتشت شاخ تر است سوخته آتشت قرین کوثر است

(ص ۱۴۴، س ۲۶)

مستفاد است از مضمون این خبر :

سَيُخْرِجُ نَاسٌ مِّنَ النَّارِ قَدْ احْتَرَقُوا وَكَانُوا مِثْلَ الْحُمَمِ ثُمَّ لَا يَزَالُ أَهْلُ
الْجَنَّةِ يَرُشُونَهُ عَلَيْهِمُ الْمَاءَ حَتَّى يَلْبَتُونَ نَبَاتَ الْغُثَاءِ فِي السَّيْلِ .

مسند احمد، ج ۳، ص ۹۰ و با تفصیل بیشتر، ص ۳۸۴، ۳۴۵

۵ - ۱۵۴ - ز آخرهون مرادش نفس تست کاو بآخر باید و عقلت نخست
(ص ۱۴۵، س ۶)

اشاره است بدین روایت :

أَخْرَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَخْرَهُنَّ اللَّهُ .

کنوز الحقائق، ص ۵

۱۰ - ۱۵۵ - ز آتش این ظالمانت دل کباب از توجمله اهد قومی بد خطاب
(ص ۱۴۵، س ۱۳)

اشاره بروایت ذیل است :

اللَّهُمَّ اهدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ .

احیاء العلوم، ج ۳، ص ۲۰۱ شرح تعرف، ج ۳، ص ۱۲۶

۱۵ و با تعبیر : رب اغفر لقومی فانهم لا يعلمون .

مسلم، ج ۵، ص ۱۷۶ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۰، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۵۶
احیاء العلوم، ج ۱ ص ۲۱۹ با مختصر اختلاف .

۱۵۶ - گفت پیغمبر عداوت از خرد بهتر از مهری که جاهل پرورد
(ص ۱۴۵، س ۱۷)

۲۰ ظاهراً اشاره است بدین سخن که بمولای متقیان علی علیه السلام نسبت
داده اند :

يَا بَنِي إِيلَآكَ وَ مُصَادَقَةُ الْآحَقِّ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۵۹

احادیث مشنوی

و در عیون الاخبار طبع مصر، ج ۲، ص ۳۹ این عبارت با مختصر اختلاف بعمر بن الخطاب منسوبست.

و در اللؤلؤ المرصوع، ص ۵۰ ملاحظه میشود:

العدو العاقل ولا الصديق الجاهل رواه وكيع عن سفیان.

عداوة العاقل ولا صحبة المجنون - ليس بحديث.

۱۵۷ - مصطفی گوید اگر گویم براست شرح آن دشمن که در جان شماست

زهرهای پر دلان برهم درد نی رود ره نی غم کاری خورد

نی دلش را تاب ماند در نیاز نی تنش را قوت صوم و نماز

(ص ۱۶۴، س ۹)

بگفته یوسف بن احمد مولوی (المنهج القوى، ج ۲، ص ۴۲۶) این آیات ۱۰

اشاره بحديث ذیل است که در جامع صغير، ج ۲، ص ۱۲۹ بوجوه مختلف نیز

می توان دید:

لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا وَلَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَخَرَجْتُمْ إِلَى الصُّعَدَاتِ تَجَارُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا تَذَرُونَ تَنْجُونَ أَوْ لَا تَنْجُونَ.

۱۵۸ - مؤمنم ينظر بنور الله شده هان و هان بگریز از این آشکده ۱۵

(ص ۱۴۸، س ۲۰)

مستند آن در ذیل شماره (۳۳) مذکور است.

۱۵۹ - یاد الناس معادن هین بیار معدنی باشد فزون از صد هزار

(ص ۱۵۰، س ۱)

۲۰ اشاره بحديث ذیل است که بصور مختلف روایت کرده اند:

النَّاسُ مَعَادِنٌ تَجِدُونَ خِيَارَهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارَهُمْ فِي الْإِسْلَامِ

إِذَا فَهَوْا.

مستند احمد، ج ۲، ص ۲۵۷ و با اختلاف اندك ص ۲۶۰، ۳۹۱، ۴۳۸، ۴۳۸

النَّاسُ معادن و العرق دَسَّاس و ادب السوء كعرق السوء .
جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ كنوز الحقائق ، ص ۱۴۱

الناس معادن في الخير و الشر .

كنوز الحقائق ، ص ۱۴۱

۵ - ۱۶۰ - از صحابه خواجه یی بیمارشد
و اندران بیماری او چون تارشد
(ص ۱۵۱ ، س ۲۰)
مستند آن در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی انتشارات دانشگاه طهران ،
ص ۶۶ ذکر شده است .

۱۰ - ۱۶۱ - وحی آمد سوی موسی این عتیب
کای طلوع ماه نو دیده ز جیب
مشرق کردم ز نور ایزدی
من حقم رنجور گشتم نامدی
(ص ۱۵۲ ، س ۱)

مستند آن در ذیل شماره (۱۴۶) و نیز در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی
انتشارات دانشگاه طهران ، ص ۶۷ مذکور است .

۱۵ - ۱۶۲ - کعبه هرچندی که خانه برآوست
خلقت من نیز خانه سرآوست
(ص ۱۵۴ ، س ۱۰)

اشاره است بحديث :

الْإِنْسَانُ سِرِّي وَ أَنَا سِرُّهُ .

حاشیه عبد اللطیف وحاشیه مثنوی چاپ علاء الدوله

و ممکنست اشاره باشد بدین روایت :

۲۰ - الْقَلْبُ بَيْتُ الرَّبِّ .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۷۵) آن را از موضوعات می شمارد .

۱۶۳ - چون مرادیدی خدا را دیده یی
گرد کعبه صدق بر گردیده یی
(ص ۱۵۴ ، س ۱۱)

احادیث مشنوی

مستفاد است از مضمون این حدیث :

مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ.

بخاری، ج ۴، ص ۱۳۵ مسلم، ج ۷، ص ۵۴ کنوزالحقائق ص ۱۲۵

من رآني فقد رأى الحق فان الشيطان لا يترأياي .

۵

جامع صغير، ج ۲، ص ۱۷۰

۱۶۴ - کاله حکمت که هم کرده دلست پیش اهل دل یقین آن حاصلست
(ص ۱۵۷، س ۴)

مستند آن را در ذیل شماره (۱۴۴) ملاحظه کنید .

۱۶۵ - از دو پاره پیه آن نور روان موج نورش میرود تا آسمان

۱۰

(ص ۱۵۸، س ۲۰)

مستفاد است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

اعْجَبُوا لِذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرْمٍ .

شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۴۴

و در ربیع الا برار، باب ذکر الله والدعاء بدین صورت باین سَمَاءَ نسبت داده

۱۵

شده است :

تبارك من خلقك فجعلك تنظر بشحم و تسمع بعظم و تنطق بلحم .

۱۶۶ - مؤمنان در حشر گویند ای ملک

نی که دوزخ بود راه مشترک

ما ندیدیم اندر این ره دود و نار

پس کجا بود آن گذرگاه دنی

۲۰

کان فلان جا دیده اید اندر گذر

بر شما شد باغ و بستان و درخت

(ص ۱۶۱، س ۷ پیعد)

مؤمن و کافر بر آن یابد گذار

نک بهشت و بارگاه ایمنی

پس ملک گوید که آن روضه خضر

دوزخ آن بود و سیاستگاه سخت

دفتر دوم

مقتبس است از مضمون این خبر :

يَأْتِي أَقْوَامُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ أَلَمْ يَعِدْنَا رَبُّنَا أَنْ تَرِدَ النَّارَ فَيُقَالُ
مَرَرْتُمْ عَلَيْهَا وَهِيَ خَامِدَةٌ.

شرح تعرف، ج ۲، ص ۱۷۷

ه ۱۶۷ - عَجِّلُوا الطَّاعَاتِ قَبْلَ الْفَوْتِ كَقَتِ

مصطفیٰ چون در وحدت را بسفت

(ص ۱۶۲، س ۱۲)

اشاره است بحديث :

عَجِّلُوا الصَّلَاةَ قَبْلَ الْفَوْتِ وَ عَجِّلُوا التَّوْبَةَ قَبْلَ الْمَوْتِ.

المنهج القوى، ج ۲، ص ۵۲۶

قصدم من از خلق احسان بوده است

تا ز شهدم دست آلودی کنند

واز برهنه من قبایی برکنم

(ص ۱۶۲، س ۲۷)

۱۰- ۱۶۸- گفت پیغمبر که حق فرموده است

آفریدم تا ز من سودی کنند

نی برای آنکه من سودی کنم

مستند آن در ذیل شماره (۱۴۹) مذکور افتاد .

من محکم قلب را و نقد را

امتحان نقد و قلبم کرد حق

(ص ۱۶۳، س ۲۴)

۱۵ - ۱۶۹ - گفت ابلیسش گشا این عقد را

امتحان شیر و کلیم کرد حق

مستفاد است از مضمون این روایت :

بُعِثْتُ دَاعِيًا وَمُعَلِّمًا وَلَيْسَ إِلَيَّ مِنَ الْهُدَى شَيْءٌ وَجُعِلَ إِبْلِيسُ

۲۰ مُرَرِّيًا وَلَيْسَ لَهُ مِنَ الضَّلَالَةِ شَيْءٌ.

الآلئ المصنوعة، ج ۱، ص ۲۵۴

نفسك السودا جنت لا تختصم

(ص ۱۶۵، س ۵)

۱۷۰ - حَبَّكَ الْأَشْيَاءُ يُعْمَى وَيُصَمَّ

احادیث مشنوی

مستند آن در ذیل شماره (۶۲) گذشت .

۱۷۱- گفت پیغمبر نشانی داده است قلب و نیکو را محک بنهاده است
گفته است الکذب ریب فی القلوب باز الصدق طمأنین طروب
(ص ۱۶۵ ، س ۱۵)

اشاره است بحديث ذیل :

۵

دَعْ مَا يَرِيْبُكَ اِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ فَإِنَّ الصِّدْقَ طُمَأْنِينَةٌ وَإِنَّ الْكِذْبَ رِيْبَةٌ.

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۲۰۰ جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۴

۱۷۲- گفت اه چون حکم راند بيدلى در میان آن دو عالم جاهلى
(ص ۱۶۵ ، س ۲۵) ۱۰

مقتبس است از مفاد این خبر :

الْقَاضِي جَاهِلٌ بَيْنَ عَالَمَيْنِ . شرح خواجه ایوب

۱۷۳- طاعت عامه گناه خاصگان وصلت عامه حجاب خاص دان
(ص ۱۶۷ ، س ۲۶)

مستفاد است از مضمون روایت :

۱۵

حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقْرِئِينَ .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۳۳) آنرا جزو موضوعات آورده و در
اتحاف السادة المتقين ، ج ۸ ، ص ۶۰۸ بابی سعيد خراز نسبت داده شده است .

۱۷۴- لفظ کاید بی دل و جان بر زبان همچو سبزه تون بود ای دوستان
(ص ۱۶۸ ، س ۱۳) ۲۰

مقتبس است از حدیث :

إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ .

که مستند آن در ذیل شماره (۱۱۱) مذکور افتاد .

دفتر دوم

۱۷۵ - راست میفرمود آن بحر کرم من شما را از شما مشفق ترم
(س ۱۶۸ ، س ۲۰)

مقصود روایت ذیل است :

أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ تُوِّفِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَتَرَكَ دِينًا فَعَلِيَّ
قَضَاؤُهُ وَمَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ .

بخاری ، ج ۲ ، ص ۲۷ ج ۴ ، ص ۱۰۶ مسلم ، ج ۵ ، ص ۶۲ مسند احمد ، ج ۲ ،
ص ۳۱۸ ، ۳۳۵ ، ۴۵۳ با وجوه مختلف .

أَنَا أَوَّلُ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ .

مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۱ کنوز الحقائق ، ص ۳۷

۱۰ - ۱۷۶ - من نشسته در کنار آتشی با فروغ و شعله بس ناخوشی
همچو پروانه شما آنسو دوان هر دو دست من شده پروانه ران
(س ۱۶۸ ، س ۲۰)

ناظر است بحديث ذیل :

مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَوْقَدَنَارًا فَجَعَلَ الْجَنَادِبُ وَالْفَرَاشُ يَقَعْنَ
فِيهَا وَهُوَ يَذُبُّ عَنْهَا وَأَنَا أَخَذْتُ بِحُجْزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَأَنْتُمْ تَقْلُتُونَ
مِنْ يَدِي .

مسلم ج ۷ ، ص ۶۳ - ۶۴ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۴۲۴ ج ۲ ، ص ۳۱۲ ، ۲۴۴
بصور مختلف و ربيع الابرار ، باب الدين ، جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

أنكم تهافتون على النار تهافت الفراش و انا أخذ بحجزكم .

احياء العلوم ، ج ۴ ، ص ۷۸

۲۰

۱۷۷ - حکمت قرآن چو ضالّه مؤمنست هر کسی در ضالّه خود موقنست
(س ۱۶۱ ، س ۲۳)

مستند آن را در ذیل شماره (۱۴۴) ملاحظه نمایند .

احادیث مشنوی

۱۷۸ - مؤمن کیس ممیز کو کہ تا باز داند پادشا را از ۳-۴
(ص ۱۷۰ ، س ۱۲)

اشاره بدین حدیث است :

اَلْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۶ مجموعه امثال ۵

۱۷۹ - لفظ در معنی همیشه نارسان زان پیمبر گفت قد کل اللسان
(ص ۱۷۱ ، س ۲۸)

مراد روایت ذیل است :

مَنْ اتَّقَى اللَّهَ كُلَّ لِسَانُهُ وَلَمْ يَشْفِ غِظَةً .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۸ کنوز الحقائق ، ص ۱۲۲ ۱۰

من عرف الله كل لسانه .

شرح خواجه ایوب ، المنهج القوی ، ج ۲ ، ص ۵۸۰

۱۸۰ - این نگر که مبتلا شد جان او در چهی افتاد تا شد پند تو
(ص ۱۷۲ ، س ۲۲)

مبتنی است بر مفاد روایت :

اَلسَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ .

که مستند آن در ذیل شماره (۸۴) مذکور است .

۱۸۱ - آخرین قرنهای پیش از قرون در حدیث است آخرون السابقون
(ص ۱۷۳ ، س ۲)

حدیث ذیل مقصود است :

۲۰

نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيَدَانِهِمْ اَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ

قَبْلِنَا وَ اَوْتَيْنَاهُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْهِمْ فَاخْتَلَفُوا فِيهِ

فَهَدَانَا اللَّهُ لَهُ فَهُمْ لَنَا فِيهِ تَبَعٌ فَأَلْهَوْهُدُ غَدًا وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَدٍ .

بخاری، ج ۱، ص ۳۶ و ص ۱۰۳ و ج ۴، ص ۹۵، ۱۲۱ مسلم، ج ۳، ص ۷-۸
مسند احمد، ج ۱، ص ۲۸۲، ۲۹۶، ج ۲، ص ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۷۳ .

۱۸۲ - بهر این بوقت احمد در عظات دائماً قرّة عینی فی الصلاة

(ص ۱۷۷، س ۱۲)

حَبِّ إِلَيَّ النَّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَجُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ .

مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۸، ۱۹۹ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۵ با تعبیر :

حَبِّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ .

حَبِّ إِلَى مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثُ الطَّيِّبُ وَالنَّسَاءُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ .

احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۱

۱۰

۱۸۳ - گای رهاانده مرا از وصف زشت ای کننده دوزخی را چون بهشت

در یکی پیهی نهی تو روشنی استخوانی را دهی سمع ای غنی

(ص ۱۷۸، س ۱۴)

مستند آن را در ذیل شماره (۱۶۵) ملاحظه کنید .

۱۸۴ - نیست دون القلتین و حوض خرد کش تواند قطره یی از کار برد

(ص ۱۷۸، س ۲۸)

حکم شرعی و مستفاد از این روایت است :

إِذَا بَلَغَ الْمَاءُ قُلَّتَيْنِ لَمْ يَحْمِلِ الْحَبَثَ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۲۱، نهایه ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۷۵

۲. با عبارت : لم يحمل نجساً .

۱۸۵ - گر شود عالم پر از خون مال مال کسی خورد بنده خدا الا حلال

(ص ۱۸۱، س ۱۳)

اشاره بدین روایت است :

لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا دَمًا عَيْطًا لَا يَكُونُ قُوتُ الْمُؤْمِنِ إِلَّا حَلَالًا .

شرح خواجه ایوب

و در احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۶۶ این عبارت با مختصر تفاوت منسوبست به

سهل بن عبدالله تستری .

۵

۱۸۶ - روکه سجده گاه ما را لطف حق پاک گردانید تا هفتم طبق

(ص ۱۸۱ ، ص ۲۱)

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ فَضَّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بَيْتَ

أَعْطَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ نَصَرْتُ بِالرُّعْبِ وَ أَحَلَّتْ لِي الْفِتْنَانُ وَ جُعِلَتْ

لِي الْأَرْضُ طَهُورًا وَ مَسْجِدًا وَ أُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَ خُتِمَ بِي النَّبِيُّونَ . ۱۰

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۷۵ ، مسلم ج ۲ ، ص ۶۳ - ۶۴ بوجوه و صور مختلف

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۰۱ .

جعلت لی الارض مسجدا و طهوراً .

بخاری ، ج ۱ ، ص ۴۶ ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۳ ، کنوز الحقائق ، ص ۵۵

۱۸۷ - در خبر خیر الامور اوساطها مانع آمد ز اعتدال اخلاطها

(ص ۱۸۳ ، ص ۱۸)

اشاره بحديث ذیل است :

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَاطُهَا .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۴۲ کنوز الحقائق ، ص ۶۰ ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۴۶

و با عبارت : خیر الاعمال اوساطها . جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۶۸ ۲۰

۱۸۸ - گفت پیغمبر که عینای تنام لا ینام القلب عن رب الانام

(ص ۱۸۴ ، ص ۱۲)

مقصود این روایت است :

تَنَامُ عَيْنَايَ وَلَا يَنَامُ قَلْبِي .

مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۰، جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۲۱ کنوز الحقائق، ص ۵۲
و با تفاوت اندک بخاری، ج ۲، ص ۱۷۵ .

۵ یا عائشة انَّ عَيْنِي تَنَامَانِ وَلَا يَنَامُ قَلْبِي .

مسلم، ج ۲، ص ۱۶۶ کنوز الحقائق ص ۱۷۰

أَنَا مَعَشَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَنَامُ أَعْيُنُنَا وَلَا تَنَامُ قُلُوبُنَا .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۰

۱۸۹ - پس چو حکمت ضالّه مؤمن بود آن زهر که بشنوی موقن بود
۱۰ (ص ۱۸۵ ، س ۸)

مستند آن در ذیل شماره (۱۴۴) مذکور است .

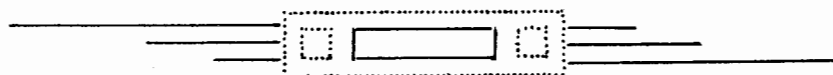
۱۹۰ - مشفقان گردند همچون والده مسلمون را گفتم نفس واحده
(ص ۱۸۸ ، س ۱۳)

مستند آن در ذیل شماره (۱۰۹) نوشته آمد .

۱۵ ۱۹۱ - دو قبیله کاوس و خزرج نام داشت يك ز دیگر جان خون آشام داشت
(ص ۱۸۸ ، س ۲۰)

مستند آن را در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی انتشارات دانشگاه

طهران ، ص ۸۳ می توان دید .



دفتر سوم

۱۹۲ - ای ضیاء الحق حسام الدین یار این سیوم دفتر که سنت شد سه بار
(ص ۱۹۳، س ۱)

ظاهراً مبتنی است بر روایات ذیل :

- ۵ كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى نَفَهُم عَنْهُ وَ إِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ
فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا .

بخاری، ج ۱، ص ۱۹

كان رسول الله (ﷺ) إذا خوطب في شيء ثلاثاً لم يراجع بعد ثلاث
وكان صلى الله عليه وسلم يكرر الكلام ثلاثاً .

احیاء العلوم، ج ۲، ص ۵ ۱۰

كان النبي يعجبه ان يدعو ثلاثاً و يستغفر ثلاثاً .

مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۴، حلیۃ الاولیاء، ج ۴، ص ۳۴۸، کنوز الحقائق، ص ۱۰۵

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۱۸

كان يعيد الكلمة ثلاثاً لتعقل عنه .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۱۸ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۲۷۳ ۱۵

كان اذا دعا دعا ثلاثاً و اذا سأل سأل ثلاثاً .

احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۱۶ مسلم، ج ۵، ص ۱۸۰

كان يوتر بثلاث .

و این حدیث بصور مختلف در کنوز الحقائق، ص ۱۰۷ روایت شده است .

و یوسف بن احمد مولوی بیت مذکور را اشاره میداند بدین روایت :

عن عثمان بن عفان انه دعا بانه فافرج على كفيه ثلاث مرّات
فغسلها ثم ادخل بيمينه في الماء فمضمض واستنشق ثلاثا ثم غسل وجهه
ثلاثا ويديه الى المرفقين ثلاثا ثم مسح برأسه ثم غسل رجله الى الكعبين
ثلاث مرّات ثم قال قال رسول الله (ﷺ) من توضأ نحو وضوئي هذا ثم
صلى ركعتين غفرله ما تقدم من ذنبه .

المنهج القوي، ج ۳، ص ۷

۱۹۴۳ - گفت اطفال مانند این اولیا در غریبی فرد از کار و کیسا
(ص ۱۹۵، ص ۷)

بنظر یوسف بن احمد مولوی و عبد اللطیف عباسی اشاره است بحديث :

الخلق كلهم عيال الله (که مستند آن را در ذیل شماره (۲۱) آورده ایم)
المنهج القوي، ج ۳، ص ۲۰ لطائف معنوی، ص ۱۱۱

و از شبلی نقل کرده اند که :

الصَّوْفِيَّةُ أَطْفَالٌ فِي حِجْرِ الْحَقِّ .

رسالة قشيريّه طبع مصر، ص ۱۲۷

۱۹۴۴ - مال ایشان خون ایشان دان یقین زانکه مال از زور آید در یمین
(ص ۱۹۶، ص ۲۵)

اشاره است بحديثی که بصور ذیل دیده میشود :

حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ .

حلیة الاولیاء، ج ۷، ص ۳۳۴ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۶ کنوز الحقائق،
ص ۵۷ .

ان الله حرّم من المسلم دمه و ماله .

احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۰۵

احادیث مشنوی

قتال المؤمن کفر واکل لحمه من معصية الله و حرمة ماله كحرمة دمه .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۶۳

چون نیابد بوی باطل را زمن

۱۹۵ - آنکه یابد بوی رحمت از یمن

چون نیابد از دهان ما بخور

مصطفی چون بوی برد از راه دور

۵ (ص ۱۹۶ ، ص ۲۷)

اشاره بخبر ذیل است :

أَلَا إِنَّ الْإِيمَانَ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةَ يَمَانِيَّةٌ وَلَاجِدُ نَفْسٍ رَبِّكُمْ مِنْ

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۵۴۱

قَبْلِ الْيَمَنِ .

إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ .

۱۰ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۵۳

تفوح روائح الجنة من قبل قرن .

سفينة البحار ، ج ۱ ، ص ۵۳

حی راهبی خواند از روی نیاز

۱۹۶ - آن بلال صدق در بانگ نماز

(ص ۱۹۷ ، ص ۷)

مأخذ و مستند آن در مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی ص ۸۸ مذکور است . ۱۵

وقت حاجت خواستن اندر دعا

۱۹۷ - بهر این فرمود با موسی خدا

(ص ۱۹۷ ، ص ۱۷)

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی ، ص ۸۹ .

اتق من شر من احسنت اليه

۱۹۸ - گفت حقست این ولی ای سیبویه

۲۰ (ص ۱۹۹ ، ص ۱۲)

اشاره است بگفته مولای متقیان علی علیه السلام :

اتق شر من احسنت اليه .

المنهج القوی ، ج ۳ ، ص ۴۹

ولی در مجمع الامثال میدانی طبع طهران ، ص ۱۳۰ و در «مجموعه امثال»
جزو امثال آمده است .

۱۹۹- حزم آن باشد که ظن بد بری تا گریزی و شوی از بد بری
حزم سوء الظن گفته است آن رسول هر قدم را دام می دان ای فضول
(ص ۱۹۹ ، ص ۱۴)

اشاره است بدین خبر :

الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۵۰ کنوز الحقائق ، ص ۵۸

که در مجمع الامثال (ص ۱۷۵) منسوبست به اکثم بن صیفی .

۱۰- ۲۰۰- چون قضا آید شود تنگ این جهان از قضا حلوا شود رنج دهان
گفت اذا جاء القضا ضاق الفضا تحجب الابصار اذا جاء القضا
چشم بسته میشود وقت قضا تا نبینند چشم که حل چشم را
(ص ۲۰۱ ، ص ۲۷)

مضمون این ابیات مستفاد است از حدیث :

۱۵- إِنْ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ انْفَادَ أَمْرٍ سَلَبَ كُلَّ ذِي لُبٍّ لُبَّهُ .
که مستند آن در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

وجمله : اذا جاء القضا ضاق الفضا - مثلست و در مجمع الامثال میدانی

(ص ۲۷) بدینگونه نقل شده است : اذا حان القضا ضاق الفضا .

۲۰- ۴۰۱- بهر مظلومان همی کنندند چاه در چه افتادند و میگفتند آه
(ص ۲۰۲ ، ص ۶)

مستند آن را در ذیل شماره (۳۲) توان دید .

۴۰۲- آنکه گندم راز خود روزی دهد کی تو کلهات را ضایع نهد
(ص ۲۰۲ ، ص ۲۹)

احادیث مشنوی

اشاره است بحديث قدسی :

فَتَوَكَّلُوا عَلَىَّ وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ مِنِّي .

لطائف معنوی ، ص ۱۱۶

۴۰۴ - گر شود ذرات عالم حيله پیچ با قضای آسمان هیچند هیچ
(ص ۲۰۲ ، س ۱۵)

اشاره بحديثی است که مستند آن در ذیل شماره (۱۹) مذکور گردید .

۴۰۴ - چون قضا بیرون کند از چرخ سر عاقلان گردند جمله کور و کر
(ص ۲۰۲ ، س ۲۶)

مستفاد از حدیثی است که مستند آن در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

۴۰۵ - ده مرو ده مرد را احمق کند عقل را بی نور و بی رونق کند
قول پیغمبر شنو ای مجتبی گور عقل آهد وطن در روستا
(ص ۲۰۵ ، س ۲)

مستفاد است از مضمون روایت ذیل :

لَا تَسْكُنِ الْكُفُورَ فَإِنَّ سَاكِنَ الْكُفُورِ كَسَاكِنِ الْقُبُورِ .

نهایه ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۲۷ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۰۰ و با تفاوت در تعبیر
کنوز الحقائق ، ص ۱۵۳ .

لا تنزلوا الکفور فانها بمنزلة القبور .

کنوز الحقائق ، ص ۱۵۶

اهل الکفور هم اهل القبور .

... فائق ، ج ۲ ، ص ۲۰۵ نهایه ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۲۸

و در حاشیه عبد اللطیف عباسی این حدیث یاد شده است که با تفاوتی در

تعبیر منسوبست بعلى عليه السلام (سفينة البحار ، ج ۱ ، ص ۱۴۶)

عليكم بالمدن و لو جارت و عليكم بالطرق و لو دارت عليكم بالسواد

الاعظم .

۴۰۶- شادمانه سوی صحرا راندند سافرواکی تغنموا بر خواندند
(ص ۲۰۵، س ۱۴)

اشاره است باین حدیث :

سَافِرُوا تَصِحُّوا وَتَغْنَمُوا.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۹ کنوزالحقائق، ص ۷۰

۴۰۷- چون سفالین کوزه‌ها را میخری امتحانی میکنی ای مشتری
میزنی دستی بر آن کوزه چرا تاسناسی از طنین اشکسته را
(ص ۲۱۲، س ۲۳)

مستفاد است از مضمون کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام :

کَمَا تُعْرِفُ أَوَانِي الْفَخَّارِ بِامْتِحَانِهَا بِأَصْوَاتِهَا فَيَعْلَمُ الصَّحِيحُ مِنْهَا
مِنَ الْمَكْسُورِ كَذَلِكَ يُمْتَحَنُ الْإِنْسَانُ بِمَنْطِقِهِ فَيُعْرِفُ مَا عِنْدَهُ.

شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۵۴۸

و در کتاب ربیع الابرار، باب المنطق و ذکر الخطب این عبارت بدینصورت
نقل شده است :

فیلسوف : کما ان الآتية تمتحن باطنانها فيعرف صحيحها من منكسرها
فكذلك الانسان يتعرف حاله بمنطقه.

۴۰۸- آخرون السابقون باش ای ظریف بر شجر سابق بود میوه لطیف
(ص ۲۲۱، س ۱)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۸۱) سند آن ذکر شده است.

۴۰۹- گفت پیغمبر که خسبد چشم من لیک کی خسبد دلم اندر و سن
(ص ۲۲۳، س ۲۷)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۸۸) نقل شده است.

۴۱۰- آنچنان گز نیست در هست آمدی هین بگو چون آمدی مست آمدی
(ص ۲۲۵، س ۱۳)

احادیث منتهی

مقتبس است از مضمون گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

عَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَىٰ وَهُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۰۳ ربیع الا برار ، باب التعجب و ذکر العجائب .
و نظیر آن این گفته هم از مولای متقیانست :

۵ إِنْ لَمْ تَعْلَمْ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ لَمْ تَعْلَمْ إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۷

۴۱ - گفت نکته الرضا بالكفر كفر این پیمبر گفت و گفت اوست مهر
(ص ۲۲۷ ، س ۶)

ظاهراً مقصود روایت ذیل است که در کیمیای سعادت تألیف محمد غزالی

۱۰ می بینیم :

أما رضا دادن بمعصیت چگونه روا بود و از آن نهی آمده است و
گفته که هر که بآن رضا دهد در آن شریک است و گفته اگر بنده یی
را بشرق بکشند و کسی در مغرب بآن رضا دهد در آن شریک است .

۴۱۴ - باز فرمود او که اندر هر قضا مر مسلمان را رضا باید رضا
۱۵ (ص ۲۲۷ ، س ۷)

روایت ذیل مراد است :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَىٰ بِلَائِي فَلَيْتَمَسْ
رَبًّا سِوَايَ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸۰

۲۰ اِنِّى اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَىٰ بِلَائِي وَ
لم يشكر لنعائى فليطلب رباً سوائى . شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۷۰

قال الله تعالى من لم يرض بقضائي و قدري فليتمس رباً غيري .
جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۰ کنوز الحقائق، ص ۸۹

من لم يرض بقضاء الله و يؤمن بقدر الله فليتمس الها غير الله .
جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۰

۲۱۴ - ربع قرآن هر که راه محفوظ بود جلّ فیما از صحابه می شنود
(ص ۲۲۸، س ۱)

ماخوذ است از روایت ذیل :

عَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَكْتُبُ لِلنَّبِيِّ (ﷺ) وَقَدْ كَانَ قَرَأَ الْبَقْرَةَ
وَأَلَّ عِمْرَانَ وَكَانَ الرَّجُلُ إِذَا قَرَأَ الْبَقْرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ جَدَّفَ فِينَا .
مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۰ نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۴۷ فيه ما فيه (انتشارات
دانشگاه طهران) ص ۲۹۶ .

۲۱۴ - هر که چیزی جست بی شك یافت او چون بجدّ اندر طلب بشتافت او
(ص ۲۲۹، س ۱۳)

اشاره است بجملة :

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ . ۱۵

که در مجمع الامثال میدانی (۶۴۰) منسوبست بعامر بن الظرب و در کشف
المحجوب هجویری (ص ۵۴۰) از اقوال ابوالقاسم جنید بغدادی عارف مشهور شمرده
شده است و بعضی آنرا حدیث پنداشته اند .

۲۱۵ - زاین قبل فرمود احمد در مقال در زبان پنهان بود حسن رجال
(ص ۲۳۲، س ۵) ۲۰

مستند آن در ذیل شماره (۱۲۹) ذکر شده است .

۲۱۶ - اختلاف عقلها در اصل بود بر وفاق سنیان باید شنود
(ص ۲۳۲، س ۵)

احادیث مشنوی

ظاهراً مبتنی بر روایت ذیل است :

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) يَقُولُ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَوْمًا رَبَّنَا هَلْ خَلَقْتَ خَلْقًا عَظِيمًا مِنَ الْعَرْشِ قَالَ نَعَمْ الْعَقْلُ قَالُوا وَمَا بَلَغَ قَدْرُهُ قَالَ هِيَ هَاتِ لَا يُحَاطُ بِعِلْمِهِ هَلْ لَكُمْ عِلْمٌ بِعَدَدِ الرِّمَالِ قَالُوا لَا قَالَ ه تَعَالَى فَإِنِّي خَلَقْتُ الْعَقْلَ أَصْنَافًا شَتَّى كَعَدَدِ الرِّمَالِ فَبَيْنَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ حَبَّةً وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ حَبَّتَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ الثَّلَاثَ وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ فَرْقًا وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ وَسْقًا وَمِنْهُمْ مَنْ أُعْطِيَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ .

المنهج القوى، ج ۳، ص ۲۲۰

۴۱۷ - قول پیغمبر قبوله یفرض
ان تمارضتم لدينا تمرضوا ۱۰
(ص ۲۳۳، س ۱۱)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۲۷) سند آنرا نقل کرده ایم .

۴۱۸ - همچنانکه سهل شد مارا حضر
آنچنانکه عاشقی بر سروری
سهل شد هم قوم دیگر را سفر
عاشقت آنخواجه بر آهنگری
میل آنرا در دلش انداختند ۱۵
(ص ۲۳۵، س ۲ پیعد)

مستفاد است از مضمون این خبر :

اعْمَلُوا فِكْلٌ مُيسِرٌ لِمَا خُلِقَ لَهُ .

مسلم، ج ۸، ص ۴۷ جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۳ و با تفصیل بیشتر - بخاری،
ج ۳، ص ۱۳۹ ج ۴، ص ۹۳ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۲، ۸۳، ۱۲۹ . ۲۰

کلّ عامل میسر لعمله .
مسلم، ج ۸، ص ۴۸

دفتر سوم

۴۱۹ - در حدیث آمد که دل همچون پرست

در بیابانی اسیر صرصریست

(ص ۲۳۶ ، س ۴)

این حدیث مراد است :

۵ إِنَّ هَذَا الْقَلْبَ كَرِيْشَةٍ بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ يُقِيمُهَا الرِّيحُ ظَهْرًا لِبَطْنٍ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۴۱۹

مثل القلب کمثل ریشه در ارض فلاة تقليبها الرياح ظهراً لبطن .

احياء العلوم ، ج ۳ ، ص ۳۴

مثل القلب کمثل ریشه بارض فلاة في يوم ریح عاصف تقليبها الرياح

۱۰ ظهر البطن . شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۶۷

أَمَّا سَمِيَ الْقَلْبَ مِنْ تَقْلِبِهِ أَمَّا مِثْلُ الْقَلْبِ مِثْلُ رِيْشَةٍ بِالْفَلَاةِ تَعَلَّقَتْ

في أصل شجرة يقالبها الریح ظهراً لبطن .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۱۰۲ حلیه الاولیاء ، ج ۱ ، ص ۲۶۱ ، ۲۶۳ با تفاوت در تعبیر .

۴۴۰ - در حدیث دیگر آن دل دان چنان

کاب جوشان ز آتش اندر قازغان

(ص ۲۳۶ ، س ۵)

مقصود این حدیث است :

لَقَلْبُ ابْنِ آدَمَ أَشَدُّ انْقِلَابًا مِنَ الْقَدْرِ إِذَا اجْتَمَعَتْ غَلِيًّا .

مسند احمد ، ج ۶ ، ص ۴ ، و با تفاوت مختصر - حلیه الاولیاء ، ج ۱ ، ص ۱۶۵ ،

۲۰ جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ .

لقلب المؤمن اشد تقليباً من القدر في غليانها .

احياء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۵

۴۴۱ - مخلصان هستند دایم در خطر امتحانها هست در راه ای پسر

(ص ۲۳۷ ، س ۲)

احادیث مثنوی

رجوع کنید به : ذیل شماره (۱۳۶) و احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۴۶ و ج ۳ ، ص ۲۹۲ و ج ۴ ، ص ۳۳ که صریحاً آنرا بسهل بن عبدالله تستری نسبت داده است .

۴۴۲ - این جهان وهم است اندر ظنّ مایست

گر رود در خواب دستی باک نیست

۵ (ص ۲۳۸ ، ص ۱۴)

مناسبت با مضمون این روایت :

النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا .

که در زهر الادب طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۶۰ منسوب بحضرت رسول (ﷺ) و در شرح تعرف ، ج ۳ ، ص ۹۸ منسوبست بمولای متقیان علی علیه السلام .

۴۴۳ - این جهانرا که بصورت قائمت گفت پیغمبر که حلم نائمت ۱۰
(ص ۲۳۸ ، ص ۱۶)

مقصود روایت ذیل است :

الدُّنْيَا حُلْمٌ وَ أَهْلُهَا عَلَيْهَا مُجَازُونَ وَ مُعَاقِبُونَ .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴۸

۱۵ و از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت کرده اند :

الدُّنْيَا حُلْمٌ وَ الْآخِرَةُ يَقْظَةٌ وَ نَحْنُ بَيْنَهَا اضْغَاثُ احْلَامٍ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۶۳

عن جابر قال كنت مع النبي (ﷺ) اذ اتاه رجل ابيض الوجه فقال

يا رسول الله ما الدنيا قال عليه السلام حلم النائم فقال كم ما بين الدنيا و

۲۰ الآخرة قال عليه السلام غمضة عين فقال كم القرار فيها قال عليه السلام

قدر التخلف عن القافلة ثم ذهب الرجل فقال عليه السلام هذا جبريل

دفتر سوم

اتاكم يزهّدكم عن الدنيا و يرغبكم في الآخرة .

المنهج القوى ، ج ۳ ، ص ۲۴۲

۴۴۴ - گفت پیغمبر که شیخ رفته پیش چون نبی باشد میان قوم خویش (ص ۲۳۹ ، س ۲۳)

۵ اشاره است بحديثی که بصور ذیل روایت میشود :

الشَّيْخُ فِي بَيْتِهِ كَالنَّبِيِّ فِي قَوْمِهِ .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۴۲ كنوزالحقائق ، ص ۷۴

الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۴۲ كنوزالحقائق ، ص ۷۶

۱۰ الشيخ في قومه كالنبي في أمته .

لطائف معنوی ، ص ۱۳۰

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۴۵) و سیوطی در اللآلی المصنوعة ، ج ۱ ، ص ۱۵۳ این حدیث را جزو موضوعات آورده اند .

۴۴۵ - گفت پیغمبر که روز رستخیز
۱۵ من شفیع عاصیان باشم بجان
کمی گذارم مجرمان را اشک ریز
تا رهانمشان ز اشکنجه گران
عاصیان و اهل کبائر را بجهنم
وارهانم از عتاب نقض عهد
(ص ۲۳۹ ، س ۲۸)

اشاره بدین خبر است :

شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي .

۲۰ مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۶۹ ، جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۳۹ كنوزالحقائق ، ص ۷۳

شفاعتي لاهل الذنوب من امتي و ان زني و ان سرق علی رغم انف

ابي الدرداء .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۳۹ كنوز الحقائق ، ص ۷۳ بحذف ذیل خبر .

احادیث منثوی

۲۴۶ - صالحان اُمّت خود فارغند
از شفاعتِ ای من روزگزند
بلکه ایشانرا شفاعتها بود
گفتشان چون حکم نافذ می‌رود
(ص ۲۳۹ ، س ۲۹)

ظاهراً مبتنی است بر روایات ذیل :

۵ لِيَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَكْثَرُ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ .
مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۷۰

مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَدْخُلُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ الْجَنَّةَ إِلَّا دَخَلُوا أَجْمَعِينَ الْجَنَّةَ
قِيلَ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يَشْفَعُ فِيهِمْ فَيُشَفَّعُ .
سفينة البحار ، ج ۱ ، ص ۷۰۶

۲۴۷ - همچو قرآن که بمعنی هفت توست
خاص را و عام را مطعم در اوست ۱۰
(ص ۲۴۳ ، س ۵)

اشاره بدین حدیث است که در مقدمه هشتم از مقدمات تفسیر صافی دیده میشود :

إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَلِبْطُنُهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ .

و ممکنست که اشاره باشد بروایت ذیل :

۱۵ كَانَ الْكِتَابُ الْأَوَّلُ نُزِّلَ مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ وَنَزَلَ الْقُرْآنُ
مِنْ سَبْعَةِ أَبْوَابٍ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ زَجْرٍ وَآمِرٍ وَحَلَالٍ وَحَرَامٍ وَ مُحْكَمٍ وَ
مُتَشَابِهٍ وَ امْتَالٍ فَاحْلُوا حَلَالَهُ وَحَرِّمُوا حَرَامَهُ وَافْعَلُوا مَا أُمِرْتُمْ بِهِ وَانْتَهُوا
عَمَّا نُهِيتُمْ عَنْهُ وَاعْتَبِرُوا بِأَمْثَالِهِ وَاعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَآمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ وَقُولُوا
آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا .

تفسیر طبری طبع مصر ، ج ۱ ، ص ۲۲ ۲۰

و نزدیک بدان این روایت است :

انزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ أَمْرٍ وَ زَجْرٍ وَ تَرْغِيبٍ وَ تَرْهِيْبٍ وَ جَدَلٍ
وَ قَصَصٍ وَ مَثَلٍ .

همان کتاب ، ص ۲۳

۵ و معنی مصراع دوم مناسبت دارد با مضمون این خبر :

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَادِبَةٌ اللَّهِ فَاقْبَلُوا مِنْ مَادِبَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ .

مستدرك حاكم ، ج ۱ ، ص ۵۵۵

۴۲۸ - گفت پیغمبر شما را ای مهان چون پدر هستم شفیق و مهربان
(ص ۲۴۳ ، ص ۲۷)

۱۰ این روایت مراد است :

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ مِثْلَ الْوَالِدِ .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۴۷

۴۲۹ - جزو از کل قطع شد بیکار شد
عضو از تن قطع شد مردار شد
(ص ۲۴۳ ، ص ۲۸)

۱۵ مقتبس است از حدیث ذیل :

مَا قُطِعَ مِنَ الْبَهِيمَةِ وَ هِيَ حَيَّةٌ فَهِيَ مَيِّتَةٌ .

مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۲۱۸ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۸ و با تفاوت مختصر ص ۱۱۶

كُلُّ شَيْءٍ قُطِعَ مِنَ الْحَيِّ فَهُوَ مَيِّتٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۹۲

۲۰ مَا أُبِينَ مِنَ الْحَيِّ فَهُوَ مَيِّتٌ .

کنوز الحقائق ، ص ۱۱۵

۴۳۰ - و آنکه شناسد توای یزدان جان بر من محجوبشان کن مهربان
(ص ۲۴۴ ، ص ۹)

احادیث مشنوی

ناظر است بمضمون حدیث :

أُولِيَائِي تَحْتَ قَبَائِي لَا يَعْرِفُهُمْ غَيْرِي .
که مستند آن در ذیل شماره (۱۳۱) گذشت .

۴۳۱ - چونکه پایانی ندارد روایتك زانكه لا احصى ثناء ما عليك
(ص ۲۴۵ ، س ۱۸)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۳) یاد کردیم .

۴۳۲ - در تحیات و سلام الصالحین مدح جمله انبیاء آمد عجین
(ص ۲۴۸ ، س ۱۹)

اشاره بروایتی است که در باره تشهد نقل میکنند و هی هده :

۱۰ التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَإِنَّكُمْ إِذَا قُلْتُمُوهَا أَصَابَتْ
كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .

بخاری ، ج ۱ ، ص ۹۹ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۲۹۲ ، ۳۷۶ ، ۳۸۲ ، ۴۰۸ ،
۴۱۳ ، ۴۱۴ ، ۴۲۲ با تفاوت اندك .

۴۳۳ - حق همیگوید چه آوردی مرا اندر این مهلت که دادم مرترا ۱۵
عمر خود را در چه پایان برده بی قوت و قوت در چه فانی کرده بی
گوهر دیده کجا فرسوده بی پنج حس را در کجا پالوده بی
(ص ۲۴۹ ، س ۷ بیعد)

مقتبس است از کلام مولای متقیان علی علیه السلام که جزو احادیث نبوی

۲۰ نیز آمده :

لَا يَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمرِهِ فِيمَ أَقْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَ
أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ وَعَمَّا عَمِلَ فِيمَا عَمِلِم .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۳۲

۴۴۴- بچه بیرون آر از بیضه نماز سر مزن چون مرغ بی تعظیم و ساز
(ص ۲۴۹، س ۲۹)

مستفاد است از این روایت :

نَهَانِي (رَسُولُ اللَّهِ) عَنْ نَقْرَةِ كَنْفَرَةِ الدِّيكِ وَأَقْعَاءِ كَأَقْعَاءِ الْكَلْبِ وَالثِّفَاتِ
كَالثِّفَاتِ الثَّلَبِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۱ و با تفاوت مختصر ص ۲۶۵

نهی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) عن نقرة الغراب وافتراش
السبع و ان یوطن الرجل المكان كما یوطنه البعیر .
مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲۲۹، جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۹۲

۱۰ نیز رجوع کنید به : اللآلئ المصنوعة، ج ۲، ص ۳۷۹، ۳۸۱

۴۴۵- راست فرموده است بامام مصطفی قطب و شاهنشاه و دریای صفا
کا آنچه جاهل دید خواهد عاقبت عاقلان بینند اول مـ رتبت
(ص ۲۵۰، س ۱۱)

مناسب است با گفته امیر مؤمنان علی علیه السلام :

أَوَّلُ رَأْيٍ الْعَاقِلِ آخِرُ رَأْيِ الْجَاهِلِ .

شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۵۴۸

و یوسف بن احمد مولوی آنرا اشاره بدین حدیث می پندارد که در جامع
صغیر، ج ۲، ص ۹۷ می توان دید :

الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَاجِزُ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ
هُوَ آهًا وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْإِمَانِي .

۴۴۶- حزم چنود بدفمانی در جهان دم بدم دیدن بلای ناهان
(ص ۲۵۰، س ۱۷)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۱۹۹) مذکور افتاد .

احادیث منثوی

۴۴۶ - حق همیگوید نظرمان برداست نیست بر صورت که آن آب و گلست
(س ۲۵۱ ، س ۱۴)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۵۰) ذکر کردیم .

۴۴۷ - دل نباشد غیر آن دریای نور دل نظرگاه خدا و آنگاه کور
(س ۲۵۱ ، س ۲۷) ۵

رجوع کنید بذیل شماره (۱۵۰)

۴۴۸ - در قباب حق شدند آن دم همه در کدامین روضه رفتند آن رمه
(س ۲۵۲ ، س ۱۷)

مستفاد است از لفظ و مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۳۱) نوشته

شده است . ۱۰

۴۴۹ - کوری عشقت این کوری من حبّ یعمی و یصمّ است ای حسن
(س ۲۵۴ ، س ۵)

مقتبس است از حدیثی که در ذیل شماره (۶۲) مذکور گردید .

۴۴۰ - خوی دارم در نماز آن التفات معنی قرّة عین فی الصلاة
(س ۲۵۵ ، س ۴) ۱۵

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۸۲) متن و سند آن مذکور است .

۴۴۱ - کژنهم تا راست گردد این جهان حرب خدعه این بودای پهلوان
(س ۲۵۵ ، س ۹)

اشاره بحديث ذیل است : _

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَرْبُ خُدْعَةٌ .
مسلم ، ج ۵ ، س ۱۴۳ ۲۰

كلّ الكذب يكتب على ابن آدم الا ثلاث الرجل يكذب في الحرب
فان الحرب خدعة و الرجل يكذب المرأة فيرضيها و الرجل يكذب بين

الرجلين ليصلح بينهما.

جامع صغير، ج ۲، ص ۹۱ و با تفاوت در عبارت - احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۳۸
و ج ۳، ص ۹۷.

۲۴۲ - ظلم مستور است در اسرار جان می نهد ظالم پیش مردمان
(ص ۲۵۶، ص ۲۲)

مناسب است با مضمون این خبر:

كُلُّ اُمَّتِي مُعَافِيٌّ اِلَّا الْمَجَاهِرَ الَّذِي يَعْمَلُ الْعَمَلَ بِاللَّيْلِ فَيَسْتُرُهُ رَبُّهُ ثُمَّ
يُصِحُّ فَيَقُولُ يَا فُلَانُ اِنِّي عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا فَيَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.
جامع صغير، ج ۲، ص ۹۱

۱۰ - ۲۴۲ نیست حاجت شهره گشتن در گزند بر ضمیر آتشینت واقفند
نفس تو هر دم بر آرد صد شرار که ببینیدم منم ز اصحاب نار
(ص ۲۵۷، ص ۲)

بگفته یوسف بن احمد مولوی مرتبط است بمضمون این خبر که در جامع صغير،
ج ۱، ص ۸۲ می توان دید:

۱۵ - اِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ اِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَ اِنَّمَا تُطْفَأُ
النَّارُ بِالْمَاءِ فَ اِذَا غَضِبَ اَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ.

المنهج القوی، ج ۳، ص ۳۳۲

۲۴۴ - بلکه رزقی از خداوند بهشت بی صداع باغبان بی رنج کشت
(ص ۲۵۹، ص ۲)

۲۰ مبتنی است بر مضمون روایت:

اَيَّتُ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِيَنِي .
که در ذیل شماره (۸۹) سند و وجوه روایت آنرا ذکر نمودیم.

۲۴۵ - محشتم چون عاریت را ملک دید پس بر آن مال دروغین می طپید
خواب می بیند که او راهست مال ترسد از دزدی که بر باید جوال

احادیث مشنوی

چون ز خوابش بر کشاند گوش کش پس ز ترس خویش تسخیر آیدش

(ص ۲۶۱، س ۱۳)

مقتبس است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۲۳) نقل کرده ایم.

۴۴۶ - اصلشان بد بود آن اهل سبا می رمیدندی ز اصحاب لقما

۵ (ص ۲۶۱، س ۲۵)

مأخذ و مستند آن را در کتاب مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران) ص ۱۱۳ ملاحظه کنید.

۴۴۷ - این غلطده دیده را حرمان ماست و این مقلب قلب را سوء القضاست

(ص ۲۶۴، س ۲۶)

۱۰ تعبیر: سوء القضا - مأخوذ است از این حدیث:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) يَسْتَعِذُّ مِنْ هَوْلَاءِ الثَّلَاثِ ذَرْكُ الشَّقَاءِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ.

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶

۴۴۸ - دیده و دل هست بین الاصبغین چون قلم در دست کاتب ای حسین

۱۵ (ص ۲۶۵، س ۴)

رجوع کنید به ذیل شماره (۱۳) که مأخذ این بیت در آنجا نقل شده است.

۴۴۹ - این حروف -حالات از نسخ اوست عزم و فسخت هم ز عزم و فسخت اوست

(ص ۲۶۵، س ۶)

مقتبس است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام که در ذیل شماره (۱۳۳)

۲۰ یاد کردیم.

۴۵۰ - نوح اندر بادیه کشتی بساخت صد مثل گواز پی تسخیر بتاخت

(ص ۲۶۵، س ۲۳)

رجوع کنید به: مأخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۱۵

دفتر سوم

۲۵۱- دیده را نادیده می آرید لیک چشمتانرا واغشاید مرگ نیک
(ص ۲۶۶، س ۲۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۲۲).

۲۵۲- ساخت موسی قدس در باب صغیر تا فرود آرند سر قوم زحیر
(ص ۲۷۱، س ۲۲)

۵

ماخذ آنرا در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه تهران)
بنگرید.

۴۵۳- روی ناشسته نبیند روی حور لاصلاة گفت الا بالطهور
(ص ۲۷۲، س ۲۵)

۱۰ اشاره بروایت ذیل است :

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا طَهْرَ لَهُ.

کنوزالحقائق ، ص ۱۵۸

و خبر ذیل نیز همین معنی را افاده میکند :

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا وُضوءَ لَهُ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۴۰۲

۱۵

۴۵۴- تاجر ترسنده طبع شیشه جان در طلب نی سود دارد نی زیان
(ص ۲۷۴، س ۱۱)

مستفاد است از مضمون این حدیث:

التَّاجِرُ الْجَبَانُ مُخْرُومٌ وَ التَّاجِرُ الْجَسُورُ مَرْزُوقٌ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۳ کنوزالحقائق، ص ۵۳

۲۰

۴۵۵- قوم دیگر سخت پنهان میروند شهرة خلقان ظاهر کی شوند

این همه دارند و چشم هیچکس بر نیفتد بر کیاشان يك نفس

هم کرامتشان هم ایشان در حرم نامشان را نشنوند ابدال هم

(ص ۲۷۴، س ۲۶)

احادیث مشنوی

این آیات در وصف اولیاء مستورین و روی پوشیدگان حضرتست و مبتنی است بر خبر ذیل که در عنوان آیات هم نقل شده است :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَبْرَارَ الْأَتْقِيَاءَ الْأَخْفِيَاءَ الَّذِينَ إِنْ غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا وَإِنْ حَضَرُوا لَمْ يُعْرَفُوا قُلُوبُهُمْ مَصَابِيحُ الْهُدَى يُخْرِجُونَ مِنْ كُلِّ غَبْرَاءٍ مُظْلِمَةً .

مستدرک حاکم ، ج ۱ ، ص ۴ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۹۱ اتحاف السادة المتقين ، ج ۸ ، ص ۲۳۶ .

۴۵۶ - یا نمیدانی کرمهای خدا
کو ترا میخواند این سوکه ییا
(ص ۲۷۴ ، ص ۲۸)

مناسب است با مضمون این روایت :

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا مَعَ عَبْدِي حِينَ يَذْكُرُنِي فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ هُمْ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَإِنْ اقْتَرَبَ إِلَيَّ شَيْئًا اقْتَرَبْتُ إِلَيْهِ ذَرَأًا وَإِنْ اقْتَرَبَ إِلَيَّ ذَرَأًا اقْتَرَبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا فَإِنْ أَتَانِي يَمْسِي أَتَيْتُهُ هَرَوَلَةً .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۵۱ ، ۳۱۶ ، ۴۱۳ ، ۴۳۵ بوجوه مختلف

۱۵ و توان گفت که بیت مذکور ترجمه این آیه است :

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ . (سوره یونس، آیه ۲۵)

۴۵۷ - اندر آن وادی گروهی از عرب خشک شد از قحط باران نشان قُرب
(ص ۲۷۵ ، ص ۲۲)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۲۰ ص ۱۱۷ .

۴۵۸ - هم از آن ده يك زنی از کافران سوی پیغمبر دوان شد ز امتحان
(ص ۲۷۸ ، ص ۱۴)

مأخوذ است از روایت ذیل :

عَنْ خَيْثَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَبْرَةَ أَنَّ أَبَاهُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ ذَهَبَ مَعَ جَدِّهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) مَا اسْمُ ابْنِكَ قَالَ عَزِيزُ فَقَالَ النَّبِيُّ (ﷺ) لَا تَسْمِهِ عَزِيزًا وَلَكِنْ سَمِّهِ عَبْدَ الرَّحْمَنِ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۱۷۸

۵

و این موضع را بر مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی می توان افزود .

۴۵۹- هر دو با شست و بموزه کرد رای موزه را بر بود يك موزه ربای (ص ۲۷۹، س ۱)

رجوع کنید بمآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۰ ص ۱۱۸

۴۶۰- گرم تر شد مردزان منعش که کرد گرم تر گردد همی از منع مرد (ص ۲۷۹، س ۲۶)

مستفاد است از این خبر :

إِنَّ ابْنَ آدَمَ لَحَرِيصٌ عَلَى مَا مُنِعَ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۵ کنوز الحقائق، ص ۳۱

۱۵

۴۶۱- نیست قدرت هر کسی را سازوار عجز بهتر مایه پرهیزگار (ص ۲۸۰، س ۱)

مأخوذ است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

مِنَ الْعِصْمَةِ تَعَذُّرُ الْمَعَاصِي .

۲. و ابن ابی الحدید بعد از نقل این جمله چنین گفته است :

قد وردت هذه الكلمة على صيغ مختلفة : من العصمة ان لا تقدر - وايضا :

من العصمة ان لا تجد - وقد رويت مرفوعة ايضا .

شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۳۹۸

احادیث مشنوی

که از جمله اخیر معلوم میشود که آنرا بحضرت رسول (ﷺ) نیز نسبت داده‌اند.

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۵۰) درباره آن گوید :

العصمة ان لا تجد ونحوه الفقر قيد المجرمين - لم يرد بهذا اللفظ .

و در احیاء العلوم ج ۳، ص ۷۷ و ص ۱۶۴ این عبارت نقل شده و بقائل آن ۵ اشارتی نرفته است .

۴۶۱ - فقر از اینرو فخر آمد جاودان ۲ که بتقوی ماند دست نارسان (ص ۲۸۰ ، س ۱)

اشاره بروایتی است که در ذیل شماره (۵۴) ذکر نمودیم .

۱۰ - و یوسف بن احمد مولوی مصراع دوم را مربوط بدین خبر می‌پندارد :

مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمُ الْغِنَى .

المنهج القوی ، ج ۳ ، ص ۴۳۲

۴۶۲ - اصل ما را حق پی بانگ نماز داد هدیه آدمی را در جهاز (ص ۲۸۱ ، س ۲۰)

۱۵ - اشاره است بدین خبر :

لَا تَسْبُوا الدَّيْكَ فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلَاةِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۹ کنوز الحقائق ، ص ۱۵۳ با تفاوت مختصر

۴۶۳ - عاقل اول بیند آخر را بدل اندر آخر بیند از دانش مقل (ص ۲۸۲ ، س ۱۷)

۲۰ - رجوع کنید بذیل شماره (۲۳۵) .

۴۶۴ - ور نه لایعین رأی چه جای باغ گفت نور غیب را یزدان چراغ (ص ۲۸۳ ، س ۱۶)

اشاره بحديث ذیل است :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَعْدَدْتُ لِعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ مَا لَأَعْيُنُ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ

و لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ .

بخاری، ج ۲، ص ۱۳۹ مسلم، ج ۸، ص ۱۴۳ جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۰

الصَّوْمُ يَدُقُّ الْمَصِيرَ وَيَذْبُلُ اللَّحْمَ وَ يَبْعَدُ مِنَ حَرِّ السَّعِيرِ إِنَّ اللَّهَ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أَذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ لَا يَقَعْدُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّائِمُونَ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۴۹

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أَذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ أَحَدٍ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۱

۲۶۵- چون سجودی یار کوعی مرد کشت شد سجود او در آن عالم بهشت (ص ۲۸۴، س ۲۱)

بگفته یوسف بن احمد مولوی مرتبط است بمضمون این حدیث که در جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۳ نقل شده است :

أَكْثَرُوا مِنْ غِرَاسِ الْجَنَّةِ فَإِنَّهُ عَذِبٌ مَا وَهَّهَا طَيْبٌ تُرَابُهَا فَأَكْثَرُوا مِنْ غِرَاسِهَا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

المنهج القوی، ج ۳، ص ۴۵۰

۲۶۶- چونکه پرید از دهانش حمد حق مرغ جنت ساختش ربّ الفلق (ص ۲۸۴، س ۲۱)

مستفاد از مضمون خبری است که در ذیل شماره (۱۶) مذکور گردید .

۲۶۷- کشتن این نار نبود جز بنور نورك اطفأ نارنا نحن الشکور (ص ۲۸۵، س ۴)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۳۴) می توان دید .

۲۶۸- همچنانکه وسوسه و وحی است هر دو معقولند لیکن فرق هست (ص ۲۸۵، س ۸)

مبتنی است بر حدیث ذیل :

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَمَّةٌ بِابْنِ آدَمَ وَلِلْمَلِكِ لَمَّةٌ فَأَمَّا لَمَّةُ الشَّيْطَانِ فَأَيَّادُ
بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبُ بِالْخَيْرِ وَأَمَّا لَمَّةُ الْمَلِكِ فَأَيَّادُ بِالْخَيْرِ وَتَصْدِيقُ بِالْحَقِّ فَمَنْ
وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ الْآخَرَى فَلْيَتَعَوَّذْ
بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ .

۵

جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۴

۴۶۹- ورنندانی این دو فکرت از گمان لا خلا به گوی و مشتاب و مران
(ص ۲۸۵، س ۱۰)

اشاره است بدین خبر :

۱۰

مَنْ بَايَعْتَ فَقُلْ لَا خِلَافَةَ .

مسلم، ج ۵، ص ۱۱ کنوزالحقائق، ص ۹۱ نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۰۱

۴۷۰ آن یکی یاری پیمبر را بگفت که منم در ییعهها باغبین جفت
(ص ۲۸۵، س ۱۴)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۵

ص ۱۱۸ .

۴۷۱- که تائی هست از یزدان یقین هست تعجیلت ز شیطان لعین
(ص ۲۸۵، س ۱۶)

مقتبس است از این روایت :

اَلتَّائِي مِنَ اللَّهِ وَ الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ .

۲۰ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۲۷، ۲۵ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۳

أَلَا نَاةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ .

جامع صغیر، ج ۱ ص ۱۳۲ کنوزالحقائق، ص ۴۶

۴۷۱- چنگ او کم چون جنین اندر رحم نه مهه گشتم شد این نفلان مهم
(ص ۲۸۶، س ۲۹)

دفتر سوم

مناسب است با مضمون این خبر :

مَا شَبَّهَتْ خُرُوجَ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مِثْلَ خُرُوجِ الصَّيِّ مِنْ ذَلِكَ
الْغَمْرِ وَالظُّلْمَةِ إِلَى رَوْحِ الدُّنْيَا .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۵

۴۷۴ - چون دوم بار آدمی زاده بزاد پای خود بر فرق عاتقها نهاده
(ص ۲۸۷ ، س ۱۴)

مستفاد است از گفته عیسی علیه السلام :

لَنْ يَلِجَ مَلَكَوَتَ السَّمَوَاتِ مَنْ لَمْ يُولَدْ مَرَّتَيْنِ .

لطائف معنوی ، ص ۱۵۱ شرح بحر العلوم طبع هندوستان ، دفتر سوم ، ص ۲۳۴

۴۷۴ - پس چو یهرف گفت چون جای دگر گفت لا یعرفهم غیر ی فذر
انهم تحت قبایی کامنون جز که یزدان نشان نداند ز آزمون
(ص ۲۹۰ ، س ۱)

مراد حدیثی است که آنرا در ذیل شماره (۱۳۱) نقل کرده ایم .

۴۷۵ - پس ز شرح سوز او کم زن نفس ربّ سلّم ربّ سلّم گو و بس
(ص ۲۹۰ ، س ۲۸)

۱۵

مقتبس است از این حدیث :

شِعَارُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ سَلِّمْ .

مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ص ۳۷۵ تفسیر ابوالفتوح ، ج ۳ ، ص ۴۸۶

۴۷۶ - خود نباشد آفتابی را دلیل غیر نور آفتاب مستطیل
(ص ۲۹۲ ، س ۱۵)

۲۰

مناسب مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۲) مذکور شده است .

۴۷۷ - کودکان خندان و دانایان ترش غم جگر را باشد و شادی زشش
(ص ۲۹۱ ، س ۲۶)

احادیث مشنوی

مستفاد است از گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

الْعَقْلُ فِي الْقَلْبِ وَالرَّحْمَةُ فِي الْكَبِدِ وَالتَّنَفُّسُ فِي الرِّئَةِ .

شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۳۱

قال وهب وجعل (الله) عقله (اي الانسان) في دماغه وشرهه في كليته
وغضبه في كبده وصرامته في قلبه ورعبه في رئته وضحكه في طحاله و
حزنه وفرحه في وجهه .

عيون الاخبار طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۶۲

۴۷۸ - بعد ضد رنج آن ضد دگر رو دهد یعنی فاشاد و کړ و فر
(ص ۲۹۲ ، س ۹)

۱۰ مناسب است با مفاد حدیث ذیل :

اِسْتَدِيْ اَزْمَةً تَنْفَرِجِيْ .

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۴۱ كنوز الحقائق ، ص ۱۳ نهاية ابن اثير ، ج ۱ ، ص ۳۰

۴۷۹ - ای خنك آنرا كه ذلت نفسه وای آنكس را كه یردی رفسه
(ص ۲۹۳ ، س ۳)

۱۵ اشاره بدین خبر است :

طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ نَفْسُهُ وَطَابَ كَسْبُهُ وَحَسُنَتْ سَرِيرَتُهُ وَكَرُمَتْ عِلَانِيَتُهُ
وَعَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرُّهُ .

جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۵۴ نیز رجوع کنید به : اللآلئ المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۵۸
که این حدیث را با مختصر تفاوت نقل کرده و از موضوعات شمرده است .

۴۸۰ - مسکن یار است و شهر شاه من پیش عاشق این بود حب الوطن
(ص ۲۹۳ ، س ۱۰)

اشاره است بحديث معروف :

حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ .

سفينة البحار ، ج ۲ ، ص ۶۶۸

دفتر سوم

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع درباره آن گوید :

قال الزرکشی کالسّخاوی لم اقف علیه.

اللؤلؤ المرصوع ، ص ۳۳

۴۸۱- ای که عقلت بر عطار دق کند عقل و عاقل را قضا احمق کند
صدره و مخلص بود از چپ و راست از قضا بسته شود گر ازدهاست
۵ (ص ۲۹۵ ، س ۱۳ ، ۱۴)

مقتبس است از روایتی که در ذیل شماره (۲۹) ذکر نمودیم .

۴۸۲- گفت الدین النصیحه آن رسول آن نصیحت در لغت ضد غلول
(ص ۲۹۷ ، س ۴)

۱۰ مقصود حدیث ذیل است :

الدِّينُ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ .
بخاری ، ج ۱ ، ص ۱۳ مسلم ، ج ۱ ، ص ۵۳ ربيع الاربار ، باب النصیحة والموعة
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۸ با تفاوت مختصر و با حذف ذیل روایت ج ۲ ، ص ۱۷ .

راس الدین النصیحة لله ولدینه و لرسوله و لکتابه و لایمة المسلمین و
للمسلمین عامة . ۱۵

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۹
۴۸۳- گفت پیغمبر سپهدار غیوب لا شجاعه یا فتی قبل الحروب
(ص ۲۹۸ ، س ۲۰)

ظاهرا مقتبس است از این روایت که بلقمان حکیم نسبت می دهند :

لَا تُعْرِفُ ثَلَاثَةٌ إِلَّا عِنْدَ ثَلَاثَةِ الْحَلِيمِ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالشَّجَاعُ عِنْدَ الْحَرْبِ
وَالْآخُ عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ . ۲۰

رسالة قشیریة ، ص ۱۱۱ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۲۳

۴۸۴- در خبر بشنو تو این پند نکو بین جنبیکم لکم اعدی عدو
(ص ۳۰۰ ، س ۴)

احادیث مشنوی

مستند آن حدیثی است که در ذیل شماره (۱۷) ملاحظه توان کرد .

۴۸۵ - گفت پیغمبر که ان فی البیان سحرا و حق گفت آن خوش بهلولان
(ص ۳۰۰ ، س ۱۱)

مقصود حدیث ذیل است :

عَنْ ابْنِ عُمرَ قَالَ قَدِمَ رَجُلَانِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَخَطَبَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) ۵
إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا (أَوْ) إِنَّ بَعْضَ الْبَيَانِ سِحْرٌ .
بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۶۲ ج ۴ ، ص ۱۵

ان طول صلاة الرجل وقصر خطبته مئنة من فقهه فاطيلوا الصلاة
و اقصروا الخطبة و ان من البيان سحرا .

مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۲ جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۹۰ ۱۰

ان من البيان سحرا و ان من الشعر حكما .

مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۲۶۹ و با تفاوت در نقل ص ۲۷۳ ، ۳۰۳ ، ۳۰۹ ، ۴۵۴
ج ۲ ، ص ۱۶ .

ان من البيان سحرا و ان من العلم جهلا و ان من الشعر حكما و
ان من القول عيالا .

۱۵

جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۹۷

۴۸۶ - گفت پیغمبر که جاد فی السلف بالعطية من تيقن بالخلف
(ص ۳۰۱ ، س ۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳۰)

۴۸۷ - کلکم راع نبی چون راعیست خلق مانند رمه او ساعیست
(ص ۳۰۱ ، س ۲۹) ۲۰

اشاره بدین روایت میکند :

أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ

وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ
وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى
مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ .

مسلم، ج ۶، ص ۸ بخاری، ج ۱، ص ۱۰۵، ج ۲، ص ۳۹، ج ۴، ص ۱۴۹
مسند احمد، ج ۲، ص ۵، ۵۴، ۱۱۱، ۱۲۱ جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۴ .

۴۸۸- رحمتش سابق بده است از قهر زان تا ز رحمت گردد اهل امتحان
رحمتش بر قهر زان سابق شده است تا که سرمایه وجود آید بدست
(ص ۳۰۲، س ۱۹)

مستفاد از مضمون خبری است که در ذیل شماره (۶۴) ذکر کردیم .

۴۸۹- حرف قرآن را بدان که ظاهراست زیر ظاهر باطنی هم قاهر است
(ص ۳۰۴، س ۲۹)

مبتنی است بر روایتی که در ذیل شماره (۲۲۷) نقل کرده ایم .

۴۹۰- در کف حق بهر داد و بهر زین قلب مؤمن هست بین الاصبغین
(ص ۳۰۵، س ۲۲)

۱۵ اشاره بر روایتی است که در ذیل شماره (۱۳) مذکور است .

۴۹۱- بانگ دیوان گله بان اشقیاست بانگ سلطان پاسبان اولیاست
(ص ۳۰۷، س ۲۴)

مستفاد است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۶۸) یاد کردیم .

۴۹۴- بل زر مضروب ضرب ایزدی گاو نگردهد گاسد آمد سرمدی
۲۰ آن زری کاین زر از آن زرتاب یافت گوهر و تابندگی و آب یافت
آن زری که دل از او گردد غنی غالب آمد بر قمر در روشنی
(ص ۳۰۸، س ۱۰)

مرتبط است با مضمون این خبر :

لَيْسَ الْغَنِيُّ عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغَنِيَّ غِنَى النَّفْسِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۳۴

احادیث مشنوی

۴۹۴ - ایمنانرا من بترسانم بخلم خائفانرا ترس بردارم ز حلم
(ص ۳۰۸، س ۲۴)

مناسبت دارد با مفاد این روایت :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَجْمَعُ لِعَبْدِي آمِنِينَ وَلَا خَوْفِينَ إِنْ
هُوَ آمِنَنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفُّهُ يَوْمَ أَجْمَعُ عِبَادِي وَإِنْ هُوَ خَافَنِي فِي الدُّنْيَا آمَنَتْهُ
يَوْمَ أَجْمَعُ عِبَادِي.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۳

۴۹۴ - او دلت را بردو صد سودا بیست بیمرادت کرد و پس دل را شکست
چون شکست او بال آن رای نخست چون نشد هستی بال اشکن درست
(ص ۳۱۰، س ۱۳) ۱۰
مستفاد از گفته مولای متقیان علی علیه السلام است که آنرا در ذیل شماره
(۱۳۳) آورده ایم.

۴۹۵ - بیمرادی شد قلاوُز بهشت حَفَّتِ الْجَنَّةُ سَنَوای خوش سرشت
(ص ۳۱۰، س ۲۷)

۱۵ اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۵۲) ذکر کردیم.

۴۹۶ - چون مرا دات همه اشکسته پاست پس کسی باشد که کام او رواست
(ص ۳۱۰، س ۲۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳۳).

۴۹۷ - چون نشان مؤمنان مغلوبیست لیک در اشکست مؤمن خویست
(ص ۳۱۲، س ۲) ۲۰

اشاره است بدین روایت :

الْمُؤْمِنُ يُهْرَبُ مِنَ الدَّالِخِصَامِ كَمَا يَهْرَبُ الْغَنَمُ مِنَ الذِّئْبِ .

شرح خواجه ایوب

۴۹۸ - گفت پیغمبر که معراج مرا نیست از معراج یونس اجتبا
(ص ۳۱۲، س ۲۱) ۲۵

مقصود حدیث ذیل است :

لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ أَنَا خَيْرٌ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى .

حلیة الاولیا، ج ۵، ص ۵۷ و با اختلاف در تعبیر - مسند احمد، ج ۱، ص ۲۰۵، ۲۴۲، ۲۵۴، ۴۴۰، کنوز الحقائق، ص ۱۶۷ .

۴۹۹ - برگ بی برگی همه اقطاع اوست فقر و خواری افتخار است و علوست
(ص ۳۱۲، س ۲۴)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۵۴) آورده ایم .

۳۰۰ - آن محمد خفته و تکیه زده آمده سرگرد او گردان شده
(ص ۳۱۳، س ۴)

۱۰ - ظاهراً اشاره باشد بحدیث : تنام عینای و لا ینام قلبی - که در ذیل شماره (۱۸۸) ذکر شده است .

۳۰۱ - بنگرم سر عالمی ینم نهان آدم و حوا نرسته از جهان
(ص ۳۱۳، س ۱۳)

مستفاد است از مضمون این خبر :

۱۵ - عَنْ رَجُلٍ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى جُعِلَتْ نَبِيًّا قَالَ وَ أَدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۶۶

كنت نبياً و آدم بين الروح والجسد .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۶ کنوز الحقائق، ص ۹۶

۲۰ - اَنِّي عَبْدُ اللَّهِ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ اَنَّ اَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمُنْجَدِلٌ فِي طِينَتِهِ .
مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۶

۳۰۲ - که شما پروانه وار از جهل خویش پیش آتش می کنید این حمله کیش
از در افتادن در آتش با دو دست من همی رانم شما را همچو مست
(ص ۳۱۳، س ۲۰)

احادیث مشنوی

مطابقت با مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۷۶) مذکور افتاد.

۳۰۳ - گفت پیغمبر که هستند از فنون اهل جنت در خصوصتها زبون
(ص ۳۱۴، س ۲)

ظاهراً اشاره باشد بدین حدیث :

۵ . **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَّعَفٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَا بَرَّهْ .**
جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۱۳ نهاییه ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۰

و ممکنست که این روایت مراد باشد :

أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلَّهْ .

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۲۶ جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۲ کنوزالحقائق، ص ۱۷

۱۰ . **دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْبُلَّهْ .**

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۴

۳۰۴ - از کمال حزم و سوء الظن خویش نی ز نقص و بد دلی وضعف کیش
(ص ۳۱۴، س ۲)

اشاره است بحدیث : **الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ** - که در ذیل شماره (۲۹۹) یاد

۱۵ . شده است .

۳۰۵ - زان همی خندم که از زنجیر و غل می کشمتان سوی سروستان و گل
ای عجب کز آتش بی زینهار بسته می آریمتان تا سبزه زار
از سوی دوزخ بزنجیر گران می کشمتان تا بهشت جاودان
(ص ۳۱۴، س ۶)

۲۰ . مقتبس است از مفاد خبر ذیل :-

عَجِبَ رَبُّنَا مِنْ قَوْمٍ يُقَادُونَ إِلَى الْجَنَّةِ فِي السَّلَاسِلِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۰۲، ۴۰۶ جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۷

۳۰۶ - چون کراحت رفت خود آن مرگ نیست

صورت مرگست نقلان کرد نیست

۲۵ (ص ۳۱۵، س ۱)

مستفاد از این روایت است :

يَا أَهْلَ الْخُلُودِ يَا أَهْلَ الْبَقَاءِ إِنَّكُمْ لَمْ تُخْلَقُوا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّمَا تَنْتَعِلُونَ
مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ كَمَا نُقِلْتُمْ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى الْأَرْحَامِ .

الآلِي المصنوعة ، ج ۲ ، ص ۳۵۹

و عبداللطيف عباسی گوید که اشاره باین خبر است :

الا ان اولياء الله لا يموتون بل ينقلون من دار الى دار .

لطائف معنوی ، ص ۱۶۹

۳۰۷- دوست حقست و کسی کش گفت او که تویی آن من و من آن تو
(ص ۳۱۵ ، ص ۲)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۴۳) مذکور شد . ۱۰

۳۰۸- چون برآمد نور ظلمت نیست شد ظلم را ظلمت بود اصل و عضد
(ص ۳۱۵ ، ص ۲۳)

مستفاد از روایتی است که در ذیل شماره (۳۱) یاد شده است .

۳۰۹- تا نلرزد عرش از ناله یتیم تا نگردد از ستم جانی سقیم
(ص ۳۱۵ ، ص ۲۶)

۱۵

مطابق است با مضمون این خبر :

إِذَا بَكَى الْيَتِيمُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ لِبَكَائِهِ .

تفسیر ابوالفتوح ، ج ۵ ، ص ۵۴۸

۳۱۰- حق بمن گفته است هان ای دادور مشنو از خصمی تو بی خصم دگر
تا نیاید هر دو خصم اندر حضور حق نیاید پیش حاکم در ظهور
خصم تنها گر بر آرد صد تقیر هان و هان بی خصم قول او مگیر
(ص ۳۱۶ ، ص ۴)

۲۰

احادیث مشنوی

با مضمون حدیث ذیل مناسبت دارد :

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) إِذَا تَقَدَّمَ إِلَيْكَ خَصْمَانِ فَلَا تَسْمَعْ كَلَامَ الْأَوَّلِ حَتَّى تَسْمَعَ كَلَامَ الْآخِرِ فَسَوْفَ تَرَى كَيْفَ تَقْضِي.

مسند احمد، ج ۱، ص ۹۰ و با مختصر اختلاف ص ۹۶، ۱۱۱، ۱۴۳

- ۴۱۱- سخت پنهانست و پیدا حیرتش جان سلطانان جان در حسرتش
(ص ۳۱۷، س ۲۳)

اشاره است بدین روایت :

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا لَيَسُوءَ بَأْنِيَاءُ لَكِنْ يَغِيْطُهُمُ النَّيُّونَ وَالشَّهْدَاءُ لِقُرْبِهِمْ
وَمَكَانَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

- ۱۰ شرح بحر العلوم طبع هند، دفتر سوم، ص ۳۱۰

- ۴۱۲- غیر هفتاد و دو ملت کیش او تخت شاهان تخته بندی پیش او
(ص ۳۱۷، س ۲۳)

تعبیر : هفتاد و دو ملت - مبتنی است بر روایت ذیل :

افْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى اِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفَرَّقَتِ النَّصَارَى عَلَى
اِثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً.

۱۵

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۷

- ۴۱۳- سایه حق بر سر بنده بود عاقبت جوینده یابنده بود
(ص ۳۱۹، س ۶)

رجوع کنید بنیل شماره (۲۱۴)

- ۴۱۴- گفت پیغمبر که چون کوی دری عاقبت زان در برون آید سری
(ص ۳۱۹، س ۷)

این حدیث مراد است :

مَا دُمْتُ فِي صَلَاةٍ فَأَنْتَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَمَنْ يَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ يُفْتَحْ لَهُ.
حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۱۳۰

دفتر چهارم

۴۱۵- کان لله بوده بی درما مضی تا-- که کان الله له آمد جزا
(ص ۳۲۳ ، س ۴)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۴۳) ذکر شده است .

۴۱۶- انبیا با دشمنان بر می تنند پس ملايك رب سلم می زنند
(ص ۳۲۳ ، س ۱۴)

تعبیر : رَبِّ سَلِّمْ - مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۲۷۵) مذکور
آمد .

۴۱۷- بلك از او کن عاریت چشم و نظر پس بچشم او بروی او نگر
(ص ۳۲۵ ، س ۲) ۱۰

مناسبست با مضمون حدیث : اَعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ - که در ذیل شماره (۲)
مستند آنرا می توان دید .

۴۱۸- تا شوی ایمن زسیری و ملال گفت کان الله له زان ذو الجلال
(ص ۳۲۵ ، س ۲) ۱۵

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۴۳) نوشته آمد .

۴۱۹- چشم او من باشم و دست و دلش تا رهد از مدبریها مقبلش
(ص ۳۲۵ ، س ۳)

مقتبس است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۴۲) گذشت .

۴۲۰- زاین سبب بر انبیا رنج و شکست از همه خلق جهان افزون تراست
(ص ۳۲۵ ، س ۱۷) ۲۰

احادیث مشنوی

مستفاد است از مضمون این روایت :

أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثْلَ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱ کنوز الحقائق، ص ۱۳

- عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثْلَ مِنْ النَّاسِ يُبْتَلَى الرَّجُلُ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ فَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ صَلَاحٌ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ وَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ رِقَّةٌ خُفِّفَ عَنْهُ وَمَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ.
- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۵ حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۳۶۸
جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱ با وجوه مختلف.

۱۰. اشد الناس بلاء الانبياء ثم الصالحون لقد كان احدهم يبتلى بالفقر حتى ما يجد الا العباة يجوبها فيلبسها و يبتلى بالقمل حتي يقتله و لأحدهم كان اشد فرحا بالبلاء من احدكم بالعطاء.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱ حلیۃ الاولیاء، ج ۱، ص ۳۷۰ با مختصر اختلاف.

- عن مصعب بن سعد عن ابيه قال سئل النبي (ﷺ) اى الناس اشد بلاء قال الانبياء ثم الامثل فالامثل فاذا كان الرجل صلب الدين يبتلى الرجل على قدر دينه فمن ثخن دينه ثخن بلاؤه و من ضعف دينه ضعف بلاؤه.
- مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۴۱

اشد الناس في الدنيا بلاء نبي اوصني.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۱

۲۰. ۴۲۱- که بلای دوست تطهیر شماست علم او بالای تدبیر شماست (ص ۳۲۵، ص ۲۰)

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۳۸) نقل نمودیم .

و در شرح بحر العلوم این احادیث در ذیل این بیت نقل شده است :

مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشُّوْكَهَ يُشَاكُّهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ .

۵ (که بدین صورت در جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۲ دیده میشود : ما من مصيبة تصيب المسلم الا كفر الله بها عنه حتى الشوكة يشاكها) .

إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مَا يُكَفِّرُهَا مِنَ الْعَمَلِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَ عَنْهُ .

(که در جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۳۳ نقل شده است)

۱۰ لَا تَسْبَهَا (الحَمَى) فَإِنَّهَا تُنْقِي الذُّنُوبَ كَمَا تُنْقِي النَّارُ حَبَثَ الْحَدِيدِ .
(که در جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۰۰ با تفاوت مختصر آمده)

۴۲۲- گفت عیسی رایکی هشیار سر چیست در هستی ز جمله صعب تر
(ص ۳۲۵ ، س ۲۷)

مستند آن را در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
۱۵ ص ۱۲۹ ملاحظه کنید .

۴۲۳- کی کم از بره کم از بزغاله ام که نباشد حارس از دنباله ام
(ص ۳۲۹ ، س ۳)

با مضمون این روایت مناسب است :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُجِمِّي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ كَمَا يُجِمِّي الرَّاعِيَ الشَّفِيقُ غَنَمَهُ عَنْ
۲۰ مَرَاتِعِ الْهَلَكَةِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۵

احادیث مننوی

۴۲۴ - چون نزد بروی تاررش نور او همه جسمست بی دل چون قشور
ور ز رش نور حق قسمیش داد همچو رسم مصر سرگین مرغ زاد
(ص ۳۳۰ ، س ۲۰)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۴) ذکر نمودیم .

۴۲۵ - من همی دانستم بی امتحان لیک کی باشد خبر همچون عیان
(ص ۳۳۰ ، س ۲۹)

ترجمه خبر ذیل است :

لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمَعَانِيَةِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۳۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۳ مجمع الامثال ، ص ۵۸۹

۴۲۶ - آدما تو نیستی کور از نظر لیک اذا جاء القضاء عمی البصر
(ص ۳۳۱ ، س ۱۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۹) در همین کتاب .

۴۲۷ - لیک آن صدیق حق معجز نخواست

گفت این رو خود نگوید غیر راست

(ص ۳۳۱ ، س ۲۷) ۱۵

مستند آن در ذیل شماره (۶۵) نقل شد .

۴۲۸ - ای ندانسته تو شر و خیر را امتحان خود را کن آنکه غیر را
امتحان خود چو کردی ای فلان فارغ آیی ز امتحان دیگران
(ص ۳۳۲ ، س ۱۳)

ناظر است بمضمون این روایت : ۲۰

طَوِي لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۵۴ کنوز الحقائق ، ص ۷۸

۴۲۹ - چون نماید خانه ها را قاعده مؤمنان مانند نفس واحده
(ص ۳۳۵ ، س ۱)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۱۰۹) ذکر شده است .

۳۳۰ - چرخ پانصدساله راه ای مستعین در اثر نزديك آمد با زمین
سه هزاران سال و پانصدتا زحل دم بدم خاصيتش آرد عمل
(ص ۳۳۷، س ۱۰)

۵ مبتنی است بر روایت ذیل :

عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ كُنَّا جُلُوسًا مَعَ
رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) بِالْبَطْحَاءِ فَهَرَّتْ سَحَابَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) أَتَذَرُونَ مَا
هَذَا فَقُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَقَالَ السَّحَابُ فَقُلْنَا السَّحَابُ فَقَالَ وَالْمُزْنُ فَقُلْنَا
وَالْمُزْنُ فَقَالَ وَالْعَنَانُ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ تَذَرُونَ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
فَقُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ فَقَالَ بَيْنَهُمَا مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ وَبَيْنَ كُلِّ سَمَاءٍ إِلَى
السَّمَاءِ الَّتِي تَلِيهَا مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ وَكَتَفُ كُلِّ سَمَاءٍ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ.
مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ص ۳۷۸

۳۳۱ - مصطفی زاین گفت کادم و انبیا خلف من باشند در زیر لوا
(ص ۳۳۷، س ۲۴)

۱۵ مقصود خبر ذیل است :

أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ وَبِيْدِي لَوْاءِ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ
وَمَا مِنْ نَبِيٍّ آدَمَ فَمِنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لَوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ
وَلَا فَخْرَ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۰۶

۲۰ قال ابو عبد الله (في حديث) ما من بي من ولد آدم الى محمد صلوات
الله عليهم الا وهم تحت لواء محمد (ﷺ) .

سفينة البحار ، ج ۲ ، ص ۵۱۸

احادیث مشنوی

ولد آدم کلهم تحت لوائی يوم القيامة وانا اول من يفتح له باب الجنة .
جامع صغير، ج ۲، ص ۱۹۵

۴۴۲ - بهر این فرموده است آن ذوفنون رمز نحن الآخرون السابقون
(ص ۳۳۷، س ۲۵)

- ۵ اشارتست بحديثی که در ذیل شماره (۱۸۱) مذکور افتاد و نظیر آن روایتی
است منقول در دلائل النبوه از حافظ ابو نعیم اصفهانی طبع حیدرآباد، ج ۱، ص ۶.

كُنْتُ أَوَّلَ النَّبِيِّينَ فِي الْخَلْقِ وَآخِرُهُمْ فِي الْبَعْثِ .

۴۴۳ - گر بصورت من ز آدم زاده ام من بمعنی جد جد افتاده ام
(ص ۳۳۷، س ۲۵)

- ۱۰ ظاهراً اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۳۰۱) ذکر شده است .

۴۴۴ - بهر این فرمود پیغمبر که من همچو کشتی ام بطوفان زمن
ما و اصحابیم چون کشتی نوح هر که دست اندر زند یا بد فتوح
(ص ۳۳۸، س ۷)

مراد روایت ذیل است :

- ۱۵ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ .
مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۲۴۳ حلیة الاولیا، ج ۴، ص ۳۰۶ جامع صغير، ج ۲،
ص ۱۵۴ و با تفاوت مختصر ج ۱، ص ۹۶ .

مثل عترتی کسفینه نوح من ركب فیها نجا .

کنوز الحقائق، ص ۱۱۹

- ۲۰ مثلي کسفینه نوح من ركب فیها نجا و من تخلف عنها غرق .
حاشیة عبداللطیف عباسی

۴۴۵ - تاییدی بوی خلد از یار من چون محمد بوی رحمان از یمن
* (ص ۳۳۸، س ۱۳)

دفتر چهارم

اشاره است بحديث : اجد نفس ربكم من قبل اليمن - كه مستند آن در ذيل شماره (۱۹۵) مذکور است .

۴۳۶ - من نميگويم مرا هديه دهيد ليك گفتيم لايق هديه شويد كه مرا از غيب نادر هديه هاست كه بشر آن را نيارد نيز خواست (ص ۳۳۹ ، س ۳)

مستفاد از مضمون روايتي است كه در ذيل شماره (۲۶۴) ذكر كرديم .

۴۳۷ - اين نظر از دور چون تير است و سم عشقت افزون مي شود صبر تو كم (ص ۳۴۱ ، س ۱)

مقتبس است از مضمون اين خبر :

۱۰ النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللهِ آتَاهُ اللهُ عِزًّا وَجَلَّ إِيمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ .

احياء العلوم ، ج ۱ ، ص ۱۶۸ وج ۳ ، ص ۷۵ اتحاف السادة المتقين ، ج ۴ ص ۲۴۵ .

عن الصادق عليه السلام قال النظر سهم من سهام ابليس مسموم و كم من نظرة اورثت حسرة طويلة .

سفينة البحار ، ج ۲ ، ص ۵۹۶

۴۳۸ - تابدين ملكي كه او داميست ژرف در شكار آيند مرغان شگرف (ص ۳۴۱ ، س ۲)

مناسب است با مضمون اين خبر :

الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ .

احياء العلوم ، ج ۴ ، ص ۱۴ كنوز الحقائق ، ص ۶۴

و سبكي در طبقات الشافعية (ج ۴ ، ص ۱۷۰) اين حديث را جزو احاديث مذكور در احياء العلوم كه سند آنها را نيافته آورده است و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن گويد :

قال السخاوي لم اقف عليه (اي مسندا) مع ايراد الغزالي له في الاحياء . اللؤلؤ المرصوع ، ص ۳۶

احادیث مننوی

۳۳۹- لیک حق بهر ثبات این جهان مهرشان بنهاد بر چشم و دهان
(ص ۳۴۱، س ۲۱)

یوسف بن احمد مولوی آن را مناسب این دو روایت شمرده است :

لَوْ لَا الْحَمَقُ لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا .

۵ جَعَلْتُ مَعْصِيَةَ ابْنِ آدَمَ سَبَبًا لِعِمَارَةِ الْكَوْنِ .

السنج القوى، ج ۴، ص ۹۵

۳۴۰- ای دوصد بلقیس حلمت را زبون گاهد قومی انهم لا يعلمون
(ص ۳۴۴، س ۲۸)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۱۵۵) نقل نمودیم .

۱۰ نیز رجوع کنید به : مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۰، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۵۶ .

۳۴۱- تا پشت آدم اسلافش همه مهتران رزم و بزم و ملحمه
این نسب خود قشر او را بوده است کز شهنشاهان مه پالوده است
(ص ۳۵۱، س ۱۰)

ظاهراً مبتنی بر روایت ذیل است :

۱۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَى مِنْ وَلَدِ اِبْرَاهِيمَ اِسْمَاعِيلَ وَاصْطَفَى مِنْ وَلَدِ اِسْمَاعِيلَ
بَنِي كِنَانَةَ وَاصْطَفَى مِنْ بَنِي كِنَانَةَ قُرَيْشًا وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشِ بَنِي هَاشِمٍ
وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۶۶

۳۴۲- مفر او خود از نسب دور است و پاک نیست جنش از سمک کسی تا سماک
(ص ۳۵۱، س ۱۱) ۲۰

مناسب است با روایت ذیل :

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي إِبْتَدَعَهُ مِنْ نُورِهِ وَاشْتَقَّ مِنْ جَلَالِ عَظَمَتِهِ .
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ خُلِقْتُ

دفتر چهارم

مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَخُلِقَ أَهْلُ بَيْتِي مِنْ نُورِي .

بحار الانوار ، ج ۶ ، باب بدء خلقه و ماجری له

۴۴۴- مرغ مضطر مرده اندر وصل و بین

خوانده یی القلب بین الاصبعین

(ص ۳۵۲ ، س ۳)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۳) ذکر شده است .

۴۴۴- لیک ز این شیرین گیاهی زهرمند ترک کن تا چند روزی می خوراند

(ص ۳۵۲ ، س ۱۳)

اشاره است بحديث ذیل :

۱۰ إِنْ هَذَا الْمَالُ خَضِرُ حُلُوفٍ أَخَذَهُ بِسَخَاوَةِ نَفْسٍ بُورِكَ لَهُ فِيهِ وَمَنْ

أَخَذَهُ بِإِسْرَافٍ نَفْسٍ لَمْ يُبَارَكْ (۱) فِيهِ وَكَانَ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَيَشْبَعُ .

شرح بحر العلوم طبع لکنهو ، دفتر چهارم ، ص ۷۵

۴۴۵- گر نبودی خصم و دشمن در جهان پس بمردی خشم اندر مردمان

دوزخ آن خشمست و خصمی بایدش تا زید ورنه رحیمی بکشدش

(ص ۳۵۲ ، س ۱۵)

۱۵ مطابقت (بگفته بحر العلوم) با این روایت :

يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ لِلْجَنَّةِ أَهْلًا خَلَقَهُمْ وَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَخَلَقَ

لِلنَّارِ أَهْلًا وَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ .

شرح بحر العلوم ، دفتر چهارم ، ص ۷۵

وصف ما از وصف او گیرد سبق

(ص ۳۵۵ ، س ۱۵)

۲۰ ۴۴۶- خلق ما بر صورت خود کرد حق

اشاره است بدین روایت :

إِذَا قَاتَلَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ .

مسلم ، ج ۸ ، ص ۳۲

۲۵ إذا ضرب أحدكم الوجه فإن الله خلق آدم على صورته .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۴۴ ، ۲۵۱ ، ۲۳۴

احادیث مشنوی

خلق الله آدم علي صورته .

بخاری، ج ۴، ص ۵۶ مسلم، ج ۸، ص ۱۴۹ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۵
جامع صغیر، ج ۲، ص ۴ .

لا تقبّحوا الوجه فانّ الله خلق آدم علي صورته .

لا تقبّحوا الوجه فانّ الله خلق علي صورة الرحمن .

۵

کنوز الحقائق، ص ۱۵۴

۳۴۷- چونکه آن خلاق شکر و حمد جوست آدمی را مدح جویی نیز خوست
این پیمبر گفت چون بشنید قدح که چرا فربه شود احمد بمدح
(ص ۳۵۵، س ۱۶ پیعد)

۱۰

اشاره است بروایت ذیل :

لَا أَحَدٌ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ
مَا بَطَنَ وَلَا أَحَدٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ الْمَدْحُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِذَلِكَ مَدَحَ نَفْسَهُ .
مسند احمد، ج ۱، ص ۴۳۶ و نیز ص ۳۸۱، ۴۲۶

عن الاسود بن سريع قال قلت يا رسول الله الا انشدك محامد حمدت بها

۱۵

ربّي تبارك و تعالی قال اما ان ربك عزّ و جلّ يحبّ الحمد .

مسند احمد، ج ۳، ص ۴۳۵

لیس احد احبّ الیه المدح من الله و لا احد اكثر معاذیر من الله .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۳۴

۳۴۸- چون سلیمان نبی شاه اناام ساخت مسجد را و فارغ شد تمام

۲۰ (ص ۳۵۸، س ۴)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشنوی، انتشارات دانشگاه طهران،

ص ۱۳۸ .

۳۴۹- کندن گوری که کمتر پیشه بود کی ز فکر و حیلله و اندیشه بود

(ص ۳۵۸، س ۱۵)

مأخذ و مستند آن در مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، انتشارات دانشگاه
طهران، ص ۱۳۸ مذکور است.

۴۵۰- پس پیوشید اول آن بر جان ما تا کنیم آن کار بر وفق قضا
چون قضا آورد حکم خود پدید چشم و گشت و پشیمانی رسید
(ص ۳۵۹، س ۵)

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۲۹) ذکر نمودیم.

۴۵۱- ای خدای رازدان خوش سخن عیب کار بد ز ما پنهان مکن
(ص ۳۵۹، س ۱۳)

مستند آن در ذیل شماره (۱۱۶) مذکور است.

و یوسف بن احمد مولوی این روایت را نقل میکند:

اَللّٰهُمَّ اَرِنَا الْحَقَّ حَقًّا وَ ارْزُقْنَا اِتِّبَاعَهُ وَ اَرِنَا الْبَاطِلَ بَاطِلًا وَ ارْزُقْنَا
اجْتِنَابَهُ.

المنهج القوی، ج ۴، ص ۱۸۳

۴۵۲- ای خنک آنرا که پیش از مرگ مرد

یعنی او از اصل این رز بوی برد

(ص ۳۶۰، س ۳)

اشاره است بحديث: مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا که صوفیه آنرا نقل میکنند
و مؤلف اللؤلؤ المرصوع بنقل از ابن حجر آن را حدیث نمیشمارد.

اللؤلؤ المرصوع، ص ۹۴

حاسبوا اعمالکم قبل ان تحاسبوا و زنوا انفسکم قبل ان توزنوا و موتوا
قبل ان تموتوا.

المنهج القوی، ج ۴، ص ۳۱۳

۴۵۳- اکثر اهل الجنة البله ای پدر این چنین گفته است سلطان بشر
(ص ۳۶۱، س ۶)

احادیث مشنوی

این حدیث را در ذیل شماره (۳۰۳) آورده ایم .

۳۵۴ - نی تو گفתי قائد اعمی براه صد ثواب و اجر یابد از اله
(ص ۳۶۲ ، س ۱۱)

اشاره است بدین خبر :

۵ مَنْ قَادَ أَعْمَىٰ أَرْبَعِينَ خُطْوَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ .
حلیة الاولیا ، ج ۳ ، ص ۱۵۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۷۶ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۱
من قاد اعمی اربعین خطوة لم تمسه النار .
ربیع الابرار ، باب الامراض والعلل
وسیوطی این حدیث را جزو موضوعات آورده است .

۱۰ اللّٰهُ المصنوعه ، ج ۲ ، ص ۸۸ ، ۳۶۸ .

۳۵۵ - هر که او چل تمام کوری را کشد گشت آمرزیده و یابد رشد
(ص ۳۶۲ ، س ۱۲)

مقتبس است از مضمون این روایت :

۱۵ مَنْ قَادَ أَعْمَىٰ أَرْبَعِينَ خُطْوَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ .
جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۷۶
من قاد مکفوفاً اربعین خطوة غفر له من ذنبه ما تقدم و ما تأخر .
لطائف مشنوی ، ص ۲۰۲ شرح بحر العلوم ، دفتر چهارم ، ص ۹۸

۳۵۶ - هر که گوید کو قیامت ای صنم خویش بنما که قیامت نک منم
در نگر ای سائل محنت زده ز این قیامت صد جهان قائم شده
(ص ۳۶۲ ، س ۱۷) ۲۰

مبتنی است بر دو روایت که اینک نقل میشود :

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ الْأَعْرَابُ إِذَا قَدِمُوا عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) سَأَلُوهُ
عَنِ السَّاعَةِ مَتَى السَّاعَةُ .

مسلم ج ۸ ، ص ۲۰۹

بُعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ (واشار بالسَّابَةِ و الوسطى).

مسلم، ج ۳، ص ۱۱، ج ۸، ص ۲۰۸ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۴،
۱۳۰، ۱۳۱، ۱۹۳ جامع صغير، ج ۱، ص ۱۲۵ كنوز الحقائق، ص ۴۷ حلية الاوليا،
ج ۳، ص ۱۸۹ بخاری، ج ۳، ص ۱۳۷.

بعثت في نسم الساعة .

حلية الاوليا، ج ۴، ص ۱۸۹ تنهايه ابن اثير، ج ۴، ص ۱۴۱

۴۵۷- ورنه باشد اهل این ذکر وقنوت پس جواب الاحمق ای سلطان سکوت
(ص ۳۶۲، س ۱۸)

جملة : جَوَابُ الْاَحْمَقِ سُكُوتٌ .

۱۰. مثلست که در کلام مولای متقیان علی علیه السلام نیز آمده است بدینگونه :

مَا أَرْضِي الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْحِلْمِ وَلَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ
وَلَا عَاقَبَ الْاَحْمَقَ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ .

امالی مفید، طبع نجف، ص ۶۹

۴۵۸- چون جواب احمق آمد خامشی این درازی در سخن چون میکشی
(ص ۳۶۲، س ۲۱)

در ذیل شماره (۳۵۷) هم اکنون مستند آن مذکور شد .

۴۵۹- در حدیث آمد که یزدان مجید خلق عالم را سه گونه آفرید
(ص ۳۶۳، س ۱۶)

روایت ذیل مراد است :

۲۰ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ فَقُلْتُ
الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ فَقَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ :
إِنَّ اللَّهَ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً بِلَا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَغَلَبَ

احادیث مشنوی

عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَأْنِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ
مِنَ الْجَاهِلِينَ .

وسائل الشیعه ، چاپ طهران ، ج ۲ ، ص ۴۴۷

و این حدیث را غزالی با تفاوتی در تعبیر و بی آنکه بکسی نسبت دهد در

احیاء العلوم (ج ۱ ، ص ۱۶۹) آورده و در کلام خود مندرج ساخته است .

۴۶۰ - این چنین سیرست مستثنی ز جنس

کان فزود از اجتهاد جن و انس

این چنین جذیست نی هر جذب عام

که نهادهش فضل احمد و السلام

(ص ۳۶۵ ، س ۴) ۱۰

اشاره است بدین جمله :

جَذْبَةٌ مِنْ جَذَبَاتِ الْحَقِّ تَوَازِي عَمَلِ الثَّقَلَيْنِ .

که خواجه ایوب آنرا مطابق متن حدیث نبوی شمرده و غزالی در احیاء العلوم

(ج ۴ ، ص ۵۶) بدون انتساب بقاضی آورده و جسامی در نفحات الانس آنرا

به ابوالقاسم ابراهیم بن محمد نصرآبادی (متوفی ۳۷۲) نسبت داده است و در اسرار ۱۵

التوحید (چاپ طهران ، ص ۲۴۷) با تعبیر :

كما قال الشيخ - که مؤید گفته جامی است نقل شده است .

۴۶۱ - همچنین دنیا اگر چه خوش شکفت

عیب خود را بانگ زد با جمله گفت

۲۰ اندر این کون و فساد ای اوستاد

آن دغل کون و نصیحت آن فساد

(ص ۳۶۶ ، س ۷)

دفتر چهارم

این اشعار و دنباله آن اقتباس و تفسیر گونه ییست از کلام امیر مؤمنان
علی علیه السلام :

أَيُّهَا الذَّامُّ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا الْمُخْدِعُ بِأَبْطِلِهَا أَتَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذُمُّهَا
أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ أَمْ مَتَى
غَرَّتْكَ أَبْصَارِعِ آبَائِكَ مِنَ الْبَلَى أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَمَاتِكَ تَحْتَ الثَّرَى .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۰۵

۴۶۴- از جهان دو بانگ می آید بضد

تا. کدامین را تو باشی مستعد

آن یکی بانگش نشور اتقیا

و این دگر بانگش فریب اشقیا

۱۰

(ص ۳۶۶ ، س ۲۲)

مناسب است با گفته مولای متقیان علی علیه السلام :

فَمَنْ ذَا يَذُمُّهَا وَقَدْ آذَنْتَ بَيْنَهَا وَنَادَتْ بِفِرَاقِهَا وَنَعَتْ نَفْسَهَا وَ
أَهْلَهَا فَمَثَلَتْ لَهُمْ بِلَانِهَا أَلْبَلَاءَ وَشَوَّقَتْهُمْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ رَاحَتْ
بِعَافِيَةٍ وَابْتَكَّرَتْ بِفَجِيعَةٍ تَرْغِيبًا وَتَرْهِيْبًا .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۳۰۳

۴۶۴- این پذیرفتی بماندی زان دگر که محب از ضد محبوست کر

(ص ۳۶۶ ، س ۲۴)

مقتبس است از مضمون این خبر :

مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ ضَرْتَيْنِ يَقْدِرُ مَا أَرْضَيْتَ أَحَدَهُمَا
أَسْخَطْتَ الْآخَرَى .

شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۱۱ و ج ۳ ، ص ۴۷

احادیث مثنوی

و این سخن را بامیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت داده اند بدینصورت :

انّ الدّنيا و الآخرة عدوّان متفاوتان و سبیلان مختلفان فمن احبّ الدّنيا و تولّاها ابغض الآخرة و عاداها و هما بمنزلة المشرق و المغرب و ماش بينهما كلّما قرب من واحد بعد من الآخر و هما بعد ضرتّان .

۵ شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۲۸۶

و لذلك ضرب علی رضي الله عنه للدّنيا و الآخرة ثلاثة امثلة فقال هما ككفتي الميزان و كالمشرق و المغرب و كالضرتين اذا ارضيت احدهما اسخطت الاخرى .

احياء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴

۱۰ ۴۶۴ - مرگ تن هدیّه است بر اصحاب راز

زر خالص را چه نقصانست گزاز

(ص ۳۶۸ ، س ۱۲)

مستفاد است از مضمون این حدیث :

تُخَفُّهُ الْمُؤْمِنُ الْمَوْتُ .

۱۵ که بدینصورت نیز روایت میشود :

الْمَوْتُ رَيْحَانَةُ الْمُؤْمِنِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۸ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۸ المنهج القوی ، ج ۴ ، ص ۲۳۵ .

۴۶۵ - وانگهان گفته خدا که ننگرم

من بظاهر من بیاطن ناظرم

۲۰ (ص ۳۶۹ ، س ۱۹)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) آورده ایم .

۴۶۶ - گفت بوی بوالعجب آمد بمن

همچنانکه مر نبی را از یمن

دفتر چهارم

که محمد گفت بر دست صبا از یمن می آیدم بوی خدا
از اویس و از قرن بوی عجب مر نبی را مست کرد و پر طرب
(ص ۳۷۲، س ۲۰۱)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۱۹۵) یاد کردیم.

۵ - ۴۶۷ - وحی دل گیرش که منزلگاه اوست

چون خطا باشد چو دل آگاه اوست
(ص ۳۷۲، س ۲۳)

مقتبس از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۶۳) مذکور است و اگر
بجای منزلگاه در بیت بالا (منظرگاه) خوانده شود چنانکه در بعضی نسخ آمده
ناظر خواهد بود بحدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) آورده ایم. ۱۰

۴۶۸ - مؤمنای نظر بنور الله شدی از خطا و سهو بیرون آمدی
(ص ۳۷۲، س ۲۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۳)

۴۶۹ - زانکه جنت از مگاره رسته است رحم قسم عاجزی اشکسته است
(ص ۳۷۲، س ۲۵) ۱۵
اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۵۲) آمده است.

۴۷۰ - بعد از آنت جان احمد لب گزد

جبرئیل از بیم تو واپس خزد

گوید از آیم بقدر يك کمان

من بسوی تو بسوزم در زمان

(ص ۳۷۳، س ۲۰) ۲۰

مستند آن را در ذیل این بیت :

چون گذشت احمد ز سدره و مرصدش و از مقام جبرئیل و از حدش

بتفصیل خواهیم نوشت .

۴۷۱ - همچنین تاج سلیمان میل کرد روز روشن را برای چون لیل کرد
(ص ۳۷۴ ، س ۲)

مستند آن در کتاب مآخذ قصص و تمیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
ص ۱۴۱ نقل شده است .

۴۱۲ - تو هم از بیرون بدی با دیگران
و اندرون بنشسته با نفس گران
خود عدوت اوست قندش می دهی
و از برون تهمت بهر کس می نهی
(ص ۳۷۴ ، س ۱۱) ۱۰

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۱۷) نقل نمودیم .

۴۷۳ - گفت پیغمبر که احمق هر که هست
او عدو ما و غول رهن است
هر که او عاقل بود او جان ماست
روح او و ریح او ریحان ماست
(ص ۳۷۵ ، س ۸) ۱۵

اشاره است باین جمله :

الْأَخْقُ عَدُوِّي وَالْعَاقِلُ صَدِيقِي .

که بگفته یوسف بن احمد مولوی حدیث است (المنهج القوی، ج ۳، ص ۲۷۱)
و از حضرت رضا سلام الله علیه روایت کرده اند :
صديق كل امرئ عقله وعدوه جهله .

اصول کافی ، کتاب العقل والجهل

دعتر چهارم

و این روایت را ماوردی در ادب الدنيا والدین با تعبیر :

وقال بعض الادیاء - نقل کرده است .

منهاج الیقین فی شرح ادب الدنيا و الدین چاپ اسلامبول ، ص ۹

۴۷۴ - عقل دو عقل است اول مکسبی که در آموزی چو در مکتب صبی
از کتاب و اوستاد و فکر و ذکر از معانی و از علوم خوب بکر
عقل دیگر بخشش یزدان بود چشمه آن در میان جان بود
(ص ۳۷۵ ، س ۱۵ یعد)

مناسبت با اشعار ذیل که منسوبست بمولای متقیان علی علیه السلام :

رَأَيْتُ الْعَقْلَ عَقْلَيْنِ فَطَبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ
و لَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ إِذَا لَمْ يَكُ مَطْبُوعٌ
كَمَا لَا يَنْفَعُ الشَّمْسُ وَضَوْءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۳ وافی فیض ، ج ۱ ، ص ۱۸

۴۷۵ - يك سریه می فرستادی رسول بهر جنگ کافر و دفع فضول
(ص ۳۷۶ ، س ۱۳)
رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
ص ۱۴۱ .

۴۷۶ - لاجرم اغلب بلا بر انبیاست که ریاضت دادن خامان بلاست
(ص ۳۷۶ ، س ۲۱)
اشارتست بحدیثی که در ذیل شماره (۳۲۰) مذکور افتاد .

۴۷۷ - خود ملایك نیز نا همتا بدند زاین سبب بر آسمان صف صف شدند
(ص ۳۷۶ ، س ۲۶)

مبتنی است بر مضمون این روایت :

أَطَّتِ السَّمَاءُ وَ حُقَّ لَهَا أَنْ تَبْطُفَ فَمَا فِيهَا مَوْضِعُ شَبْرِ إِلَّا وَفِيهِ مَلَكٌ

احادیث منبوی

قَائِمٌ أَوْ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ وَاضِعٌ جَبْهَتَهُ لِلَّهِ .

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱ وبا مختصر تفاوت حلیه الاولیا، ج ۶، ص ۲۶۹.

و از گفتار مولای متقیان علی علیه السلام است :

- منهم سجود لایر کعون و رکوع لا ینتصبون و صاقون لا یتزایلون
و مسبحون لا یسأمون ... و منهم امناء علی و حیه و السنة الی رسله و
مختلفون بقضائه و امره و منهم الحفظة لعباده و السدنة لآبواب جنانه و
منهم الثابتة فی الارضین السفلی اقدامهم و المارقة من السماء العلیا اعناقهم .
شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۹

۴۷۸ - هم تو گفתי این و گفت تو گوا پیر باید پیر باید پیشوا
(ص ۳۷۷، س ۱۷) ۱۰

مقصود حدیث ذیل است :

کَبُرُوا الْکُبْرَ . که : الْکُبْرُ الْکُبْرُ . هم روایت شده است (ای لیبداً
الا کبر بالکلام)

مسلم، ج ۵، ص ۹۸ - ۹۹ بخاری، ج ۴، ص ۴۷، ۱۵۵ نهایه ابن اثیر،
ج ۴، ص ۴ . ۱۵

۴۷۹ - دست می دادش سخن او بی خبر

که خبر هرزه بود پیش نظر
(ص ۳۷۷، س ۲۵)

مقتبس است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۳۲۵) گذشت .

۴۸۰ - ما که باطن بین جمله کشوریم دل بینیم و بظاهر ننگریم ۲۰
(ص ۳۸۰، س ۱۴)

مناسب است با الفاظ و مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) مذکور افتاد .

دفتر چهارم

۴۸۱- قاضیانی که بظاهر می‌تنند

حکم بر اشکال ظاهر میکنند

چون شهادت گفت و ایمانش نمود

حکم او مؤمن کنند این قوم زود

(ص ۳۸۰، س ۱۴، ۱۵)

حکم شرعی و موافق است با مضمون خبر :

نَحْنُ نَحْكُمُ بِالظَّاهِرِ وَاللَّهُ يَتَوَلَّى السَّرَائِرَ.

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۵۱

و بعضی نیز آنرا حدیث نمی‌شمارند (رجوع کنید بفیہ مافیہ، انتشارات

۱۰ دانشگاه طهران، ص ۳۰۳)

و در روایت دیگر آمده است :

إِنِّي لَمْ أُؤْمَرْ أَنْ أَنْقِبَ عَلَى قُلُوبِ النَّاسِ.

نهایة ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۶۸ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۴

۴۸۲- از دم حب الوطن بگذر مایست

که وطن آنوست جان زین سوی نیست

گر وطن خواهی گذر آنسوی شط

این حدیث راست را کم خوان غلط

(ص ۳۸۱، س ۲۲)

اشاره است بحدیث : حب الوطن من الایمان - که در ذیل شماره (۲۸۰)

۲۰ راجع بدان سخن گفتیم.

۴۸۳- در وضو هر عضو را وردی جدا

آمده است اندر خبر بهر دعا

چونکه استنشاق بینی میکنی

بوی جنت خواه از رب غنی

احادیث مشنوی

چونکه استنجا کنی ورد سخن

این بود که از زیانم پاک کن

(ص ۳۸۱ ، س ۲۳)

مقصود وردهای ذیل است :

- ۵ . اللَّهُمَّ ارْحِنِي رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَارْزُقْنِي مِنْ نَعِيمِهَا وَلَا تُرْخِنِي رَائِحَةَ النَّارِ .
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ
الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ .

المنهج القوی ، ج ۴ ، ص ۳۰۶ - ۳۰۷

نیز رجوع کنید به : احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۹۹ که با اختلاف عبارت اوراد

- ۱۰ مذکوره را در آنجامی توان دید .

۴۸۴ - آن یکی در وقت استنجا بگفت که مرا با بوی جنت دار جفت

(ص ۳۸۲ ، س ۹)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۸۳) .

۴۸۵ - همچنین حب الوطن باشد درست تو وطن بشناس ای خواجه نخست

۱۵ (ص ۳۸۲ ، س ۱۴)

مراد حدیثی است که در ذیل شماره (۲۸۰) نقل کردیم .

۴۸۶ - خواب خرگوش و سنگ اندر پی خطاست

خواب خود در چشم ترسنده کجاست

(ص ۳۸۲ ، س ۱۷)

- ۲۰ استفاد است از مضمون این خبر :

مَا رَأَيْتَ مِثْلَ النَّارِ نَامَ هَارِبُهَا وَلَا مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۴

دفتر چهارم

۴۸۷ - مرگ پیش از مرگ امنست ای فتی
این چنین فرمود ما را مصطفی
فمت موتوا قبلکم من قبل ان
یأتی الموت تموتوا بالفتن

(ص ۳۸۳، س ۱۸)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۳۵۲) نقل شد.

۴۸۸ - شاهرآ باید که باشد خوی رب رحمت او سبق گیرد بر غضب
(ص ۳۸۷، س ۲۶)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۶۴) منقول گردید.

۴۸۹۱ - ورنیاید تیرت از بخشایش است نی پی نا دیدن آرایش است
(ص ۳۸۸، س ۲۰)

مقتبس است از مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَمْلِي لِلظَّالِمِ حَتَّى إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ .

کنوز الحقائق، ص ۲۶ جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۲

۴۹۰ - توبه را از جانب مغرب دری باز باشد تا قیامت بر وری
(ص ۳۸۹، س ۲۹)

اشاره است بحدیث ذیل :

أَنَّ بِالْمَغْرِبِ بَابًا مَفْتُوحًا لِلتَّوْبَةِ مَسِيرَتُهُ سَبْعُونَ سَنَةً لَا يُغْلَقُ حَتَّى تَطْلُعَ
الشَّمْسُ مِنْ نَحْوِهِ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۲۴۰، حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۹، ج ۶، ص ۲۸۵ جامع
صغیر، ج ۲، ص ۷۳ با مختصر تفاوت.

للتوبة باب بالمغرب مسيرة سبعين عاما لا يزال كذلك حتى يأتي بعض
آيات ربك طلوع الشمس من مغربها .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۵

لا تَرَالِ التَّوْبَةَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنَ الْمَغْرَبِ •

مسند احمد، ج ۱، ص ۱۹۲ نیز رجوع کنید به: اللآل المصنوعة، ج ۱، ص ۶۰
ج ۲، ص ۳۷۳.

۴۹۱- هست جنت را ز رحمت هشت در

۵ يك در توبه است ز آن هشت ای پسر
(ص ۳۹۰، س ۱)

مبتنی است بر این خبر:

لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ سَبْعَةٌ مُغْلَقَةٌ وَبَابٌ مَفْتُوحٌ لِلتَّوْبَةِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ

مِنْ نَحْوِهِ •

۱۰ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۳۶۱ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۵

۴۹۴- گفت موسی کاوّلین آن چهار
صحّی باشد تانت را پایدار
(ص ۳۹۰، س ۲۵)

مناسب است با مضمون این روایت:

إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيَوْا فَلَا تَمُوتُوا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا فَلَا تَسْقُمُوا

۱۵ وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشُبُّوا فَلَا تَهْرُمُوا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنَعَمُوا فَلَا تَبْأَسُوا •

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۹، ج ۳، ص ۳۸

۴۹۴- رنگ و بو در پیش ما بس کاسد است

ليك تو پستی سخن کردیم پست

(ص ۳۹۲، س ۷)

۲۰ مقتبس است از مفاد حدیث:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ •

که در ذیل شماره (۹۳) ذکر شد.

۴۹۴ - آنچنان بگشایدت فرّ شباب
که گشود آن مژده بر عکاشه باب
(ص ۳۹۲، س ۱۵)

اشاره بدین روایت است :

رَوَى عَنْ النَّبِيِّ (ﷺ) مِنْ وَجْهِهِ أَنَّهُ قَالَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي
سَبْعُونَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ عُكَّاشَةُ بْنُ مُحْصَنٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْعُ اللَّهَ
أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنْهُمْ فَقَالَ أَنْتَ مِنْهُمْ وَدَعَا لَهُ فَمَامَ رَجُلٌ آخَرُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
أَدْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنْهُمْ فَقَالَ سَبَقَكَ بِهَا عُكَّاشَةُ.

الاستيعاب في معرفة الاصحاب چاپ حیدرآباد، ج ۲، ص ۵۰۸ مسند احمد، ج ۱،
ص ۲۷۱، ۴۰۳، ۴۲۰، ۴۵۴، ج ۲، ص ۳۰۲، ۴۰۰، ۵۰۲ رساله قشیریّه طبع مصر،
ص ۷۶.

۴۹۵ - هر شبی تاروز زاین شوق هدی
او رفیق راه اعلی می زدی
(ص ۳۹۲، س ۲۱)

اشاره است بدین خبر :

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَارْحَمْنِيْ بِالرَّفِيقِ الْاَعْلٰی.

نهایه ابن انیر، ج ۲، ص ۹۳ جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۵

۴۹۶ - گفت هر کس که مرا مژده دهد

چون صفر پای از جهان بیرون نهد

که صفر بگذشت و شد ماه ربیع

مژده ور باشم مر او را و شفیع

(ص ۳۹۲، س ۲۱)

۲۰

مقصود این روایت است :

مَنْ بَشَّرَنِيْ بِخُرُوجِ صَفَرٍ بَشَّرَنِيْ بِالْجَنَّةِ.

احادیث مثنوی

که در کتاب اللؤلؤ المصروع (ص ۷۷) و نیز در رواشح سماویه تألیف میرداماد
رواحدیت موضوعه شمرده شده است .

و بدینصورت :

من بشرنی بخروج آزار بشرته بالجنة .

هم جزو موضوعات آمده است .
اللائی المصنوعه ، ج ۲ ، ص ۱۴۰ ۵

۴۹۷ - گفت عکاشه صفر بگذشت و رفت

گفت که جنت ترا ای شیر زفت

دیگری آمده که بگذشت این صفر

گفت عکاشه ببرد از مژده بر

(ص ۳۹۲ ، س ۲۳) ۱۰

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۳۹۴) ذکر شد و بیگمان از اختلاط

آن حدیث با روایت موضوع :

من بشرنی بخروج صفر - این داستان پدید آمده است و هیچیک از اصحاب

رجال و محدثین چنین مطلبی نقل نکرده اند .

۴۹۸ - غافلی هم حکمتست و نعمتست ۱۵

تا نپرد زود سرمایه ز دست

غافلی هم حکمتست و این عمی

تا بماند لیک تا این حد چرا

(ص ۳۹۳ ، س ۱۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۳۹) ۲۰

۴۹۹ - کان لله دادن آن حبه است تا که کان الله له آید بدست

(ص ۳۹۳ ، س ۱۲)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۴۳) ذکر شد .

۴۰۰ - يك زنی آمد پیش مرتضی گفت شد بر ناودان طفلی مرا

(ص ۳۹۴ ، س ۱۹)

مستند آن را در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۴۷ می توان یافت .

۵ - ۴۰۱ - زانکه دوزخ گوید ای مؤمن تو زود...

بر گذر که نورت آتش را ربود

بگذر ای مؤمن که نورت می کشد

آتشم را چونکه دامن می کشد

(ص ۳۹۵ ، س ۲۲)

۱۰ - مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۱۳۴) مذکور گردید .

۴۰۲ - در حدیث آمد که مؤمن در دعا

چون امان خواهد زد دوزخ از خدا

دوزخ از وی هم امان جوید بجان

که خدایا دور دارم از فلان

(ص ۳۹۵ ، س ۲۴)

۱۵ - مقصود این روایت است :

إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ تَقُولُ النَّارُ اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنْهُ .

المنهج القوی ، ج ۴ ، ص ۳۸۷

۴۰۳ - ای خنک آنرا که ذلت نفسه وای آن کز سرکشی شد چون که او

(ص ۳۹۶ ، س ۲۳)

۲۰ - اشاره است بحديث : طوبی لمن ذل نفسه - که در ذیل شماره ۲۷۹ نقل شد .

۴۰۴ - این فروع است و اصولش آن بود

که ترفع شرکت یسزدان بود

(ص ۳۹۷ ، س ۳)

مقتبس است از مفاد خبر ذیل .

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعِزَّةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا أُلْقِيهِ فِي النَّارِ .

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۸، ۳۷۶، ۴۱۴، ۴۲۷ جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۱
بوجوه مختلف و احیاء العلوم، ج ۱، ص ۳۴ .

قال رسول الله (ﷺ) العزّ ازاره و الکبریاء رداؤه فمن ينازعني عذبتة .

مسلم، ج ۸، ص ۳۴

۴۰۵ - جز عماد الملك نامی از خواص

۱۰ در شفاعت مصطفی و ارانه خاص
(ص ۴۰۲، س ۱۰)

اشاره است بدین خبر و نظائر آن که در باره شفاعت پیغمبر ما (ﷺ) و تفسیر مقام محمود نقل کرده اند :

ثُمَّ يَقُومُ نَبِيُّكُمْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ رَابِعًا فَلَا يَشْفَعُ أَحَدٌ بَعْدَهُ فِيمَا يَشْفَعُ فِيهِ وَهُوَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ .

۱۵ تفسیر طبری، چاپ مصر، ج ۱۵، ص ۹۱

يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ فَيَقُومُ الْمُؤْمِنُونَ حِينَ تُرْفَعُ الْجَنَّةُ فَيَأْتُونَ آدَمَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَيَقُولُونَ يَا أَبَانَا اسْتَفِخْ لَنَا الْجَنَّةَ فَيَقُولُ وَهَلْ أَخْرَجْتُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا خَطِيئَةَ أَبِيكُمْ آدَمَ اعْمِدُوا إِلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ فَيَأْتُونَ إِبْرَاهِيمَ فَيَقُولُ إِبْرَاهِيمُ لَسْتُ بِصَاحِبِ ذَلِكَ إِنَّمَا كُنْتُ خَلِيلًا مِنْ وَرَاءُ وَرَاءُ اعْمِدُوا إِلَى النَّبِيِّ مُوسَى الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ تَكَلِيمًا فَيَأْتُونَ مُوسَى فَيَقُولُ لَسْتُ بِصَاحِبِ

۲۰

دفتر چهارم

ذَٰلِكَ اَعْمِدُوا اِلَى كَلِمَةِ اللّٰهِ وَ رُوْحِهِ عِيسَى قِيْلُ عِيسَى كُنْتُ بِصَاحِبِ ذَٰلِكَ
فَيَا تُونَ مُحَمَّدًا (وَاللهُ سَمِيْعٌ) قِيْلُ قِيْلُ قِيْلُ لَهُ .

مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۸۸

۴۰۶- لی مع الله وقت بود آن دم مرا لا یسع فيه نبی مجتبی
(ص ۴۰۲، س ۲۶)

اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۰۰) آورده ایم.

۴۰۷- گر ببرد او بقره خود سرم شاه بخشد شصت جان دیگرم
(ص ۴۰۲، س ۲۷)

اشاره است بعید ذیل :

۱۰- مَنْ أَحْبَبَنِي قَتَلْتُهُ وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَأَنَا دِيْتُهُ .

المنهج القوی، ج ۴، ص ۳۹۸

۴۰۸- او ادب ناموخت از جبریل راد که پیرسید از خلیل حق مراد
(ص ۴۰۳، س ۱۰)

رجوع کنید به: مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه تهران)

۱۵ ص ۱۴۹ .

۴۰۹- زانکه داند کاین جهان کاشتن هست بهر محشر و برداشتن
(ص ۴۰۳، س ۱۷)

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۳۳۸) مذکور افتاد .

۴۱۰- بهر اظهار است این خلق جهان

تا نماید گنج حکمتها نهان

کنت کنزا گفت مخفیاً شنو

جوهر خود گم مکن اظهار شو

(ص ۴۰۴، س ۱۴)

احادیث منتهی

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۷۰) آوردیم .

۴۱۱ - نوم ما چون شد اخوالموت ای فلان

ز این برادر آن برادر را بدان
(ص ۴۰۵ ، س ۱۴)

اشارتست بحدیثی که در ذیل شماره (۱۱) مذکور گردید .

۴۱۲ - آن چنانکه گفت پیغمبر ز نور

که نشانش آن بود اندر صدور

که تجافی دارد از دار الغرور

هم انابت آرد از دار السرور

(ص ۴۰۵ ، س ۲۴) ۱۰

مقصود روایت ذیل است :

إِذَا دَخَلَ الثُّورُ الْقَلْبَ انْشَرَحَ وَ انْفَسَحَ قِيلَ وَ مَا عَلَامَةُ ذَلِكَ قَالَ
التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْأَسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ
قَبْلَ نُزُولِهِ .

شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۶۳ ، ج ۳ ، ص ۴۶ ، احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۵۸ با
تفاوت مختصر ، اتحاف السادة المتقين ، ج ۱ ، ص ۴۲۴ - ۴۲۵ که بحث مفصلی درباره
سند این روایت نموده است .

۴۱۳ - بهر این فرمود آن شاه نبیه
مصطفی که الولد سرّ ابیه
(ص ۴۰۷ ، س ۱۳)

مقصود این حدیث است :

۲۰
أَلَوْلَ دُسرُ ابیه . که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۹۹) در باره آن چنین
می گوید :

قال السّخاوی کالزّرکشی لا اصل له .

دفتر چهارم

۴۱۴ - گفت صالح را کدا گفتن خطاست

كاو غنى القلب از داد خداست

(ص ۴۰۷ ، س ۲۷)

مقتبس است از مضمون این خبر :

۵ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ . که در ذیل
شماره (۲۹۲) توان دید .

۴۱۵ - گفت رو هر کاو غم دین بر فزید باقی غمها خدا از وی برید

(ص ۴۰۸ ، س ۱)

ناظر است بمضمون این حدیث :

۱۰ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ
لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَةِ الدُّنْيَا هَلَكَ .

مستدرک حاکم ، ج ۲ ، ۴۴۳

۴۱۶ - صید دین کن تا رسد اندر تبع حسن و مال و جاه و بخت منتفع

(ص ۴۰۸ ، س ۳)

۱۵ مستفاد است از حدیث ذیل :

مَنْ نَكَحَ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا وَجَمَالَهَا حُرِمَ جَمَالَهَا وَمَالُهَا وَمَنْ نَكَحَهَا
لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ مَالَهَا وَجَمَالَهَا .

احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۲۶

۴۱۷ - گفت رو من یافتن دارالسرور وارهیدم از چه از دارالغرور

(ص ۴۰۹ ، س ۵)

۲۰

تعبیر : دارالغرور - مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۴۱۲) گذشت .

۴۱۸ - زان نبی دنیات را سحاره خواند کاو بافسون خلق را در چه نشاند

(ص ۴۰۹ ، س ۱۶)

احادیث مثنوی

مقصود حدیث ذیل است :

إِحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴۰ ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۱ و با تفاوت مختصر - ص ۸

- و كان مالك بن دينار يقول اتقوا السحارة فإنها تسحر قلوب العلماء
(يعني الدنيا).

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۴۳ شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۴۰۹

۴۱۹ - رحمت او سابقست از قهر او سابقی خواهی برو سابق بجو
(ص ۴۰۹ ، س ۲۲)

۱۰. اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۶۴) نقل شده است .

۴۲۰ - نى بگفتنت آن سراج امان اين جهان و آن جهان را ضرّتان
(ص ۴۰۹ ، س ۶۴)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۳۶۳) مذکور شد .

- ۴۲۱ - بر مسلمانان نـمی آری تو رحم
۱۵ مؤمنان خویشند و یکتـن شحم ولحم
رنج يك جزوی ز تن رنج همه است
گردم صلحست یا خود ملاحمه است
(ص ۴۱۰ ، س ۲۲)

اشاره بحديث ذیل است که بوجه بسیار روایت میشود :

- ۲۰ مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى .
بخاری ، ج ۴ ، ص ۴۵ مسلم ، ج ۸ ، ص ۲۰ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۵
مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۲۷۰ .

دفتر چهارم

۴۴۳- صلح کن با این پدر عاقلی بهل

تا که فرش زر نماید آب و گل

پس قیامت نقد حال تو بود

پیش تو چرخ و زمین مبدل شود

(ص ۴۱۱ ، س ۱۳-۱۴)

۵

ظاهراً مستفاد است از روایاتی که مفسرین در ذیل آیه شریفه :

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ (سوره ابراهیم آیه ۴۸) نقل کرده اند

مانند حدیث مروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام :

الْأَرْضُ مِنْ فِضَّةٍ وَالْجَنَّةُ مِنْ ذَهَبٍ .

تفسیر طبری ، ج ۱۳ ، ص ۱۵۰ بیضاوی در تفسیر سوره ابراهیم

۱۰

۴۴۳- جمع کن خود را جماعت رحمتست

تا توانم با تو گفتن آنچه هست

(ص ۴۱۲ ، س ۸)

اشاره است بدان حدیث که در ذیل شماره (۷۶) آمده است .

۱۵ ۴۴۴- پس خموشی به دهد او را ثبوت پس جواب احمقان آمد سکوت

(ص ۴۱۲ ، س ۱۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۵۷) .

۴۴۵- همچو پیغمبر ز گفتن وز نثار توبه آرم روز من هفتاد بار

(ص ۴۱۲ ، س ۱۵)

۲. ناظر است بحدیث ذیل :

وَاللّٰهُ إِنِّي لَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً .

بخاری ، ج ۴ ، ص ۶۴ مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۳۴۱ ، ۲۸۲ جامع صغیر ، ج ۲ ،

ص ۱۹۵ با اندک تفاوت .

احادیث مثنوی

إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي حَتَّى اسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً .

نهایه ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۸۰ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۳ مسلم، ج ۸، ص ۷۲
با تعبیر: مائة مرة .

۴۴۶ - راز پنهان با چنین طبل و علم آب جوشان گشته از جَفّ القلم
۵ (ص ۴۱۲، س ۱۶)

مقصود آن حدیث است که در ذیل شماره (۹۷) مندرج ساختیم .

۴۴۷ - گفت آنکه هست خورشید ره او
حرف طویلی هر که ذلت نفسه
ظَلَّ ذَلَّتْ نفسه خوش مضجعیست
۱۰ مستعدان صفا را مهجعی است
(ص ۴۱۳، س ۱۱ - ۱۲)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۷۹)

۴۴۸ - این چنین فرمود آن شاه رسل که منم کشتی در این دریای کلّ
یا کسی کاو در بصیرتهای من شد خلیفه راستین بر جای من
۱۵ (ص ۴۱۴، س ۳)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۳۳۴) مذکور شد .

۴۴۹ - نور در چشم داشت سازد سکن بهر چه سازد پی حب الوطن
(ص ۴۱۵، س ۳)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۲۸۰) ذکر نمودیم .

۴۵۰ - نیست آن بنظر بنور الله عزراف نور ربّانی بود گردون شکاف
(ص ۴۱۵، س ۴)

ناظر است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۳۳) نیز رجوع کنید به: اللّٰهُ
المصنوعه، ج ۲، ص ۳۲۹ .

دفتر چهارم

۴۳۱ - من شنیدم که در آمد قبیطی از عطش اندر وثاق سبطی

(ص ۴۱۶ ، س ۱۰)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۵۲ .

۴۳۲ - زانکه در باغی و در جویی پرد هر که از سر صحف بویی برد

(ص ۴۱۷ ، س ۱)

مناسب است با حدیث عبدالله بن مسعود :

إِذَا قَرَأْتَ آلَ حَمٍ وَقَعْتَ فِي رَوْضَاتِ دِمْنَاتٍ أَتَانَتْ فِيهَا .

دره الغواص، حریری، نهایت ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۰

۴۳۳ - گورها یکسان پیش چشم ما روضه و حفره پیش انبیا

(ص ۴۱۸ ، س ۱۲)

اشاره بحدیث ذیل است :

إِنَّمَا الْقَبْرِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۶۲

۴۳۴ - راست بینی مگر بدی آسان و زب

۱۵

مصطفی کی خواستی آنرا ز رب

گفت بنما جزو جزو از فوق و پست

آنچنانکه پیش تو آن چیز هست

(ص ۴۱۹ ، س ۱۰)

اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۱۶) نقل کردیم .

۲۰

۴۳۵ - چونکه مقصود از وجود اظهار بود

بایدش از پند و اغوا آزمود

(ص ۴۱۹ ، س ۲۴)

احادیث مشنوی

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۷۰) آورده ایم .

۴۴۶ - می نیارد یاد گاین دنیا چو خواب

می فرو پوشد چو اختر را سحاب

(ص ۴۲۰ ، س ۲۶)

اشاره است بحديث : الدنيا كحلٍ النائم - که در ذیل شماره (۲۲۳) نقل کردیم .

۴۴۷ - همچنين دنيا که حلم نائمست خفته پندارد که اين خود قائمست

(ص ۴۲۱ ، س ۱۳)

مقتبس است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۲۳) و یوسف بن احمد مولوی

آن روایت را در شرح این بیت بدینگونه نقل کرده است :

۱۰ رَوَى عَنْ جَابِرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ (ﷺ) إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ أَيْضُ الْوَجْهِ
وَعَلَيْهِ ثِيَابٌ بَيْضٌ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ فَقَالَ مَا الدُّنْيَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الدُّنْيَا كَحُلْمِ النَّائِمِ فَقَالَ فَكَيْفَ
يَكُونُ الرَّجُلُ فِيهَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَشَمِّرًا كَطَالِبِ الْقَافِلَةِ فَقَالَ فَكَمْ الْقَرَارُ فِيهَا
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَقَدْرِ الْمُتَخَلِّفِ عَنِ الْقَافِلَةِ فَقَالَ فَكَمْ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
۱۵ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَمْضَةُ عَيْنٍ .

المنهج القوى ، ج ۴ ، ص ۵۰۱

۴۴۸ - تا بر آید ناهمهان صبح اجل و ا رهد از ظلمت ظن و دغل

(ص ۴۲۱ ، س ۱۴)

مستفاد است از مضمون روایت : الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا - که در ذیل شماره (۲۲۲) مذکور است .

دفتر چهارم

۴۴۹- زاین وصیت کرد ما را مصطفی بحث کم جوید در ذات خدا
(ص ۴۲۲ ، ص ۱۵)

مقصود حدیثی است که بصور ذیل روایت میشود :

تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ فَتَهْلِكُوا .

تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۱ کنوز الحقائق ، ص ۵۲

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَتَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ .

قصص الانبياء ثعلبی طبع مصر ، ص ۱۰ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۱

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ بَيْنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ

۱۰ اِلَى كُرْسِيِّهِ سَبْعَةُ آلَافِ نُوْرٍ وَهُوَ فَوْقَ ذَلِكَ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۱

۴۴۰- هست آن پندار او زیرا براه

صد هزاران پرده آمد تا اله

هر یکی در پرده بی موصول جوست

وهم او آنست کان خود عین اوست

(ص ۴۲۲ ، ص ۱۶)

مستفاد است از مضمون روایت : انَّ لِلَّهِ سَبْعِينَ اَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُوْرٍ وَظُلْمَةٌ - که

در ذیل شماره (۱۲۸) نقل نمودیم و حدیث مروی از امام محمد باقر علیه السلام :

كُلُّ مَا مِيزْتُمُوْهُ بِاَوْهَاكُمْ فِيْ اَدْقِ مَعَانِيْهِ مَخْلُوْقٌ مَّصْنُوْعٌ مِّثْلُكُمْ مَرْدُوْدٌ

۲۰ اِلَيْكُمْ .

و حدیث مروی از حضرت رضا علیه السلام :

مَا تَوَهَّمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَوَهَّمُوا اللَّهَ غَيْرَهُ .

وافی (از فیض) ج ۱ ، ص ۸۸ - ۸۹

احادیث مشنوی

۴۴۱ - جز که لا اخصی نگوید او زجان

کز شمار و حد برونست این بیان
(ص ۴۲۲ ، س ۲۰)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۳)

۴۴۲ - با چنین قهری که زفت و فایهست برد لطفش بین که بر وی سابقست
(ص ۴۲۴ ، س ۱۳)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۶۴) مذکور شد .

۴۴۳ - مصطفی میگفت پیش جبرئیل که چنانکه صورت تست ای جلیل
(ص ۴۲۴ ، س ۲۶)

رجوع کنید بـمآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران) ۱۰

ص ۱۵۴

۴۴۴ - لاجرم گفت آن رسول ذو فنون رمز نحن الآخرون السابقون
(ص ۲۲۵ ، س ۲)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۱۸۱) آورده ایم .

۴۴۵ - چون گذشت احمد زسدره و مرصدش ۱۵

و از مقام جبرئیل و از حدش

گفت او را هین پیراندر پیغم

گفت رو رو که حریف تو نیم

(ص ۴۲۵ ، س ۲۱)

مقتبس است از حدیث معراج : ۲۰

فَلَمَّا بَلَغَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى فَأَنْتَهَى إِلَى الْحُجُبِ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ تَقَدَّمَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ لَيْسَ لِي أَنْ أَجُوزَ هَذَا الْمَكَانَ وَلَوْ دَنَوْتُ أَنْ نَمْلَأَ لَا حَرَقْتُ .

بحار الانوار ، ج ۶ ، باب ۳۳ (فی معراج) شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۴۴

دفتر چهارم

و این حدیث بصور و تعبیرات مختلف در بحار الانوار نقل شده است (باب ۳۳ از جزو ششم)

۴۴۶- لا تخالفهم حبیبی دارهم یا غریبا نازلا فی دارهم
(ص ۴۲۵ ، ص ۲۷)

۵ اشارتست بمثلی که بعضی آنرا حدیث پنداشته اند :

دَارِهِمْ مَا دُمْتَ فِي دَارِهِمْ .

و مؤلف اللؤلؤ والمرصوع (ص ۳۵) بنقل از سخای آنرا جزو موضوعات آورده است .

۴۴۷- سجده میکردند گای رب بشر در عیان آرایش هر چه زودتر
(ص ۴۲۶ ، ص ۱۷)

رجوع کنید بآخذ قصص و تمثیلات مشوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۵۵ .



دفتر پنجم

۴۴۸ - کاین تائی پرتو رحمان بود و آن شتاب از هزّه شیطان بود
(ص ۴۳۰ ، س ۱۵)

مستفاد است از مضمون روایت : أَلْتَأْتِي مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ - که در
ذیل شماره (۲۷۱) ذکر کردیم .

۴۴۹ - لا جرم کافر خورد در هفت بطن
دین و دل باریک و لاغر زفت بطن
(ص ۴۳۰ ، س ۲۱)

اشاره است بحديث ذیل :

الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعِيٍّ وَاحِدٍ وَالْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءَ .

بخاری، ج ۳، ص ۱۸۹ مسلم، ج ۶، ص ۱۳۲ - ۱۳۳ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۰
ص ۲۱، ۴۳، ۷۴، ۱۴۵، ۳۱۸، ۴۱۵، ۴۵۲، ۴۵۵ حلیه الاولیا، ج ۶، ص ۳۴۷،
ج ۱۰، ص ۳۲۴ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۶۰ .

المؤمن يشرب في معي واحد والكافر يشرب في سبعة امعاء .

مسند احمد، ج ۲، ص ۳۷۵ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۳

۴۵۰ - کافران مهمان پیغمبر شدتد وقت شام ایشان بمسجد آمدند
(ص ۴۳۰ ، س ۲۱)

رجوع کنید بآخذ قصص وتمثيلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۶۰ .

۴۵۱ - رو یاران کرد آن سلطان راد دستگیر جمله شاهان و عباد
۲۰

دفتر پنجم

گفت ای یاران من قسمت کنید

که شما پر از من و خوی منید

(ص ۴۳۰، س ۲۳)

مبتنی است بر روایت ذیل :

۵. إِنَّ النَّبِيَّ (ﷺ) كَانَ إِذَا اجْتَمَعَ الضَّيْفَانُ قَالَ لِيَنْقَلِبَ كُلُّ رَجُلٍ بِضَيْفِهِ .

دلائل النبوه (چاپ حیدرآباد) ج ۲، ص ۱۵۳

۴۵۲- آب روح شاه اگر شیرین بود جمله جوها پر ز آب خوش شود

که رعیت دین شه دارند و بس این چنین فرمود سلطان عبس

(ص ۴۳۰، س ۲۶)

اشاره بروایتی است که در ذیل شماره (۶۹ و ۶۸) ذکر شده است.

۴۵۳- قرض ده کم کن ازین لقمه نت تا نماید وجه لایعین رأی

(ص ۴۳۲، س ۱۳)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۴۵۴- حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِجَهِّ مَحْفُوفٍ گشت بالمکاره که از او افزود کشت

(ص ۴۳۲، س ۲۱)

اقتباسی است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۵۲)

۴۵۵- سبق برده رحمتش آن غدر را داده نوری کان نباشد بدر را

(ص ۴۳۳، س ۱۸)

مستفاد است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۶۴)

۲۰- ۴۵۶- ز اختلاف خلق یابد اعتلال زان سفر جوید کارِ حنا یا بلال

ای بلال خوش نوای خوش صهیل مژدنه بر رو بزَن طبل رحیل

(ص ۴۳۴، س ۱۱)

اشاره است بحديثی که در ذیل شماره (۴۸) آورده ایم.

احادیث منثوی

۴۵۷ - حاجتش نبود بفعل و قول خوب

احذروهم هم جواسیس القلوب

(ص ۴۳۴ ، س ۲۲)

اشاره است بروایت مذکور در ذیل شماره (۱۳۹)

۴۵۸ - در نبی شار کهم گفته است حق

هم در اموال و در اولاد از سبق

گفت پیغمبر ز غیب این را جلی

در مقالات نوادر با علی

(ص ۴۳۵ ، س ۱۸)

مقصود از « مقالات نوادر » ظاهراً حدیث بسیار مفصّلی است که مجلسی در

بحار الانوار ، ج ۲۳ و ملا محسن فیض دروافی ، ج ۱۲ ، ص ۱۰۷-۱۰۸ نقل

کرده اند و در آن جمله ذیل وارد شده است :

فَقُضِيَ بَيْنَكُمْ وَلَدُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْرُبُهُ حَتَّى يَشِيبَ .

و ملا محسن فیض این روایت را ضعیف می شمارد و نیز روایات متعدد مشعر

بر شرکت شیطان در نسل و اولاد آدمیان در کتاب وافی نقل شده (ج ۱۲ ، ص ۱۵

۱۰۴-۱۰۵) که ممکن است بیت مذکور در منثوی بر آنها مبتنی باشد .

و این روایت که در مستدرک الوسائل (ج ۲ ، ص ۵۴۹) مذکور است نیز با گفته

مولانا مناسبت دارد :

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) يَا عَلِيُّ إِذَا... أَهْلَكَ فَقُلِ اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ

وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مِمَّا رَزَقْتَنِي فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمْ وَلَدُ لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ .

۴۵۹ - گر نغمستی دو جسم آنرا اکل اسلم الشیطان نفرمودی رسول

(ص ۴۳۶ ، س ۵)

اشاره است بدین خبر :

لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ أَحَدٌ إِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الشَّيَاطِينِ قَالُوا وَأَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ آعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ .

مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۷، ۳۸۵، ۳۹۷، ۴۶۰ مسلم، ج ۸، ص ۱۳۹ با اختلاف تعبیر . ۵

فضلت علی آدم بخصلتین کان شیطانی کافرا فاعانني الله عليه حتي اسلم وكن ازواجي عونالی وکان شیطان آدم کافرا وکانت زوجته عوناً علی خطيئته .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۷۵ احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۱

۱۰ - ۴۶۰ - ان فی الجوع طعاما وافرأ افتقدها و ارتج یا نافرأ (ص ۴۳۶، س ۹)

اشاره است بدین خبر :

الْجُوعُ طَعَامُ الْحَقِّ لَا يُطْعِمُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ .

شرح تعرف، ج ۱، ص ۹۴

۱۵ - ۴۶۱ - چون ملك از لوح محفوظ آن خرد

هر صباحی درس هر روزه برد

(ص ۴۳۷، س ۴)

مستفاد است ظاهراً از مضمون این روایت :

وَالْقَلَمُ يُؤَدِّي إِلَى اللَّوْحِ وَهُوَ مَلَكٌ وَاللَّوْحُ يُؤَدِّي إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَافِيلَ يُؤَدِّي إِلَى مِيكَائِيلَ وَمِيكَائِيلُ يُؤَدِّي إِلَى جِبْرِئِيلَ وَجِبْرِئِيلُ يُؤَدِّي إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ . ۲۰

فصل الخطاب، ص ۱۸۱ نیز رجوع کنید به : تفسیر امام فخر، ج ۸، ص ۵۲۸ و بیضاوی طبع ایران، ص ۴۵۹ (حاشیه) و سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۱۶ .

احادیث مشنوی

۴۶۲ - عسر بایسراست هین آیس مباحث

راه داری ز این مهمات اندر معاش

(ص ۴۳۸ ، س ۹)

مصراع دوم مستفاد است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۷۸) مذکور

گردید .

۵

۴۶۳ - گفت درویشی بدرویشی که تو

چون بدیدی حضرت حق را بگو

(ص ۴۳۹ ، س ۲۶ پیوسته)

مستفاد است از مضمون این خبر :

۱۰. إِنْ مَعَ الدَّجَالِ إِذَا خَرَجَ مَاءٌ وَ نَارًا فَأَمَّا الَّذِي يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ نَارٌ فَمَاءٌ
بَارِدٌ وَأَمَّا الَّذِي يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ مَاءٌ فَنَارٌ تُحْرِقُ فَمَنْ أَذْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَقَعْ
فِي الَّذِي يَرَى أَنَّهُ نَارٌ فَإِنَّهَا مَاءٌ عَذْبٌ بَارِدٌ .

مسند احمد، ج ۵ ، ص ۳۹۵ ، ۳۹۷ ، ۳۹۹ ، ۴۰۵ و با اختلاف مختصر ، ص ۴۳۵

و نیز مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۴۹۱ .

۴۶۴ - بس نکو گفت آن رسول خوش جواز

۱۵

ذره یی عقلت به از صوم و نماز

(ص ۴۴۰ ، س ۱۵)

تعبیر ، خوش جواز ، مقتبس است از روایت ذیل :

كُنْتُ أَبَايَعُ النَّاسَ وَ كَانَ مِنْ خُلُقِي الْجَوَازُ .

۲۰. نهایت ابن اثیر ، ج ۱ ، ص ۱۸۷

لَقَدْ أَمَرْتُ أَنْ أَتَجَوَّزَ فِي الْقَوْلِ فَإِنَّ الْجَوَازَ فِي الْقَوْلِ هُوَ خَيْرٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ کنوز الحقائق ، ص ۱۰۹

و مصراع دوم اشاره است بدین خبر :

أَتْنِي قَوْمٌ مِنَ الصَّحَابَةِ عَلَى رَجُلٍ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ بِالصَّلَاةِ وَالْعِبَادَةِ
وَيَخْصَالِ الْخَيْرِ حَتَّى بَالِغُوا فَقَالَ (وَاللَّهِ) كَيْفَ عَقَلُهُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تُخْبِرُكَ
بِاجْتِهَادِهِ فِي الْعِبَادَةِ وَضُرُوبِ الْخَيْرِ وَتَسْأَلُ عَنْ عَقْلِهِ فَقَالَ إِنَّ الْأَحْمَقَ
لَيُصِيبُ بِجُمُوحِهِ أَعْظَمَ مِمَّا يُصِيبُهُ الْفَاجِرُ بِفُجُورِهِ وَإِنَّمَا تَرْتَفِعُ الْعِبَادَةُ غَدَاً
فِي دَرَجَاتِهِمْ وَيَتَأَلَوْنَ مِنَ الزُّلْفَى عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ .

شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۴۶۴

اذا بلغكم عن رجل حسن حال فانظروا في حسن عقله فانما يجازي بعقله .
وافى ، ج ۱ ، ص ۲۵

۱۰ بحسب الناس على قدر عقولهم .

كنوز الحقائق ، ص ۱۷۲

قوام المرء عقله و لا دين لمن لا عقل له .

كنوز الحقائق ، ص ۹۲

لكل شيء دعامة و دعامة المؤمن عقله .

كنوز الحقائق ، ص ۱۰۹

۱۵

عن ابي جعفر عليه السلام قال انما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة
على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا .

وافى ، ج ۱ ، ص ۲۵

روي عن عائشة انها قالت قلت يا رسول الله بم يتفاضل الناس في
۲۰ الناس (في الدنيا - ظ) قال عليه السلام بالعقل قلت و في الآخرة قال

بالعقل قلت اليس يجوزون باعمالهم قال يا عائشة وهل عملوا الا بقدر ما اعطاهم الله من العقل .

المنهج القوى ، ج ۵ ، ص ۷۳

۴۶۵ - این تفاوت عقلهارا نيك دان در مراتب از زمین تا آسمان

۵ (ص ۴۴۰ ، س ۲۱)

مبتهنی است بر خبری که در ذیل شماره (۲۱۶) منقول افتاد .

۴۶۶ - دست اشکسته بر آور در دعا سوی اشکسته پرد فضل خدا

(ص ۴۴۱ ، س ۱۶)

مناسب با مضمون این خبر است که از موسی علیه السلام می آورند که گفت :

۱۰ إلهي أين أطلبك قال عند المنكسرة قلوبهم .

شرح تعرف ، ج ۳ ، ص ۱۲۷

۴۶۷ - یا رسول الله در آن وادی کسان

می زنند از چشم بد بر کرکسان

بر شتر چشم افکند همچون حمام

۱۵ و آن گهان بفرستد اندر پی غلام

که برو از پیه این اشتر بخر

بیند او اشتر سقط در راه در

(ص ۴۴۲ ، س ۵ بیعد)

مستفاد است از مضمون این روایت :

۲۰ إِنَّ الْعَيْنَ تَدْخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَالْجَمَلَ الْقَدْرَ .

شرح تعرف ، ج ۳ ، ص ۲۳ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۶۹ و سفينة البحار ، ج ۲ ،

ص ۳۰۲ با مختصر اختلاف .

و موافقت با گفته مفسرین :

و كانت العين في بني اسد حتي ان كانت الناقة السمينه و البقرة

السَّيْنَةُ تَمْرًا بَاحِدَهُمْ فَيَعِينُهُمْ يَقُولُ يَا جَارِيَةَ خَذِي الْمَكْتَلَ وَالدَّرْهَمَ فَاتَيْنَا
بِلَحْمٍ مِنْ لَحْمِ هَذِهِ فَمَا تَبْرَحُ حَتَّى تَقْعَ بِالْمَوْتِ فَتَنْحَرِ .

اسباب النزول (از واحدی) طبع مصر ، ص ۳۲۸

۴۶۸ - سبق رحمت راست و این از رحمتست

چشم بد محصول قهر و لعنت است

رحمتش بر تهمتیش غالب بود

چیره زان شد هر نبی بر خصم خود

(ص ۴۴۲ ، س ۹)

اشاره است بحديث : سبقت رحمتي غضبي - که در ذیل شماره (۶۴) ذکر

شده است . ۱۰

۴۶۹ - حرص بط یکتاست و آن پنجاه تاست

حرص و شهوت مار و منصب اژدهاست

(ص ۴۴۲ ، س ۱۰)

اشاره بدین خبر است :

أَلْمَالُ حَيَّةٌ وَ الْجَاهُ أَضْرُ مِنْهُ .

المنهج القوی ، ج ۵ ، ص ۸۳

۱۵

۴۷۰ - صد خورنده گنجد اندر گرد خوان

دو ریاست جو نگنجد در جهان

(ص ۴۴۲ ، س ۱۵)

۲۰ مناسب است با مضمون خبر ذیل :

مَا ضَاقَ مَجْلِسُ الْمُتَحَابِّينَ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۴۵ کنوز الحقائق ، ص ۱۱۷

۴۷۱ - هست الوهیت ردای ذوالجلال هر که در پوشد بر او گردد و بال

(ص ۴۴۲ ، س ۱۸)

احادیث مشنوی

ناظر است بحديث مذکور در ذیل شماره (۴۰۶)

۴۷۲ - هین مکن خود را خصی رهبان مشو

زانکه عفت هست شهوت را فرو
(ص ۴۴۳، س ۲۴)

مبتنی است بر خبر ذیل :

۵

رَدَّ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) عَلَى عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ التَّبَتُّلَ وَلَوْ أَذِنَ فِيهِ
لَاخْتَصَيْنَا .

حلیة الاولیا ، ج ۱ ، ص ۹۳ نہایۃ ابن اثیر ، ج ۱ ، ص ۵۹ بحذف ذیل خبر

۴۷۳ - عاشقان را شادمانی و غم اوست دستمزد و اجرت خدمت هم اوست

۱۰ (ص ۴۴۴، س ۲)

مناسبست با مضمون این روایت :

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۸۰ و با مختصر اختلاف ص ۵۰ احیاء العلوم ، ج ۱ ،

ص ۱۶۱ اتحاف السادة المتقين ، ج ۴ ، ص ۱۸۸ وافی فیض ، ج ۷ ، ص ۵

۱۵ بنا بر آنکه فعل در جمله : و انا اجزي به - مجهول خوانده شود .

۴۷۴ - غیر معشوق ار تماشایی بود عشق نبود هرزه سودایی بود

(ص ۴۴۴، س ۲)

مناسب است با مضمون روایتی که در ذیل شماره (۶) مذکور افتاد .

۴۷۵ - زان بفرموده است آن نیکو رسول

۲۰ که هر آنکو مرد و کرد از تن نزول

نیست او را حسرت نقلان و موت

لیک باشد حسرت تقصیر و فوت

(ص ۴۴۴، س ۱۹)

ظاهراً مقصود این روایت است :

مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ إِلَّا نَدِمَ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا نَدِمَ أَنْ لَا يَكُونَ أَزْدَادَ
وَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا نَدِمَ أَنْ لَا يَكُونَ نُزْعَ .

حلیة الاولیا، ج ۸، ص ۱۷۸ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۴۷

۵ و یوسف بن احمد مولوی این روایت را نقل می کند :

ما علی الارض نفس تموت و لها عند الله خیر تحب ان ترجع الیکم ولها
خیر الدنیا و ما فیها .

المنهج القوی، ج ۵، ص ۹۸

۱۰ ۴۷۶ - این سلاح عجب من شد ای فتی عجب آرد معجبان را صد بلا
(ص ۴۴۵، س ۲۶)

ناظر است بحدیث ذیل :

ثَلَاثٌ مَهْلِكَاتٌ شَحُّ مَطَاعٍ وَهَوَى مُتَّبِعٌ وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَثَلَاثٌ
مُنْجِيَاتٌ خَشْيَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى وَالْعَدْلُ
فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا .

۱۵ حلیة الاولیا، ج ۲، ص ۳۴۳ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۷ و با حذف ذیل روایت
حلیة الاولیا، ج ۳، ص ۲۱۹ خصال صدوق طبع طهران، ج ۱، ص ۷۶ - ۷۷.

۴۷۷ - من که خصم هم منم اندر گریز تا ابد کار من آمد خیز خیز
(ص ۴۴۶، س ۱۲)

مستفاد است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۱۷) و شماره (۳۷) ذکر

۲۰ کردیم .

۴۷۸ - فقر فخری را فنا پیرایه شد چون زبانه شمع او بی سایه شد
(ص ۴۴۶، س ۱۷)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۵۴)

۴۷۹ - آنچنان کاندرا صباح روشنی قطره می بارید و بالا ابر نی

(ص ۴۴۷ ، س ۴)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات منثوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۶۲ و ۲۳

۴۸۰ - فقر فخری بھر آن آمد سنی تاز طماعان گریزم در غنی

(ص ۴۴۷ ، س ۹)

اشاره است بخبری که در ذیل شماره (۵۴) مذکور شد .

۴۸۱ - کاونبی وقت خویش است ای مرید زانکه از نور نبی آمد پدید

(ص ۴۴۷ ، س ۲۶)

۱۰ مبتنی است بر حدیثی که در ذیل شماره (۲۲۴) آمده است .

۴۸۲ - تا معیت راست آید زانکه مرد

با کسی جفتست کافر را دوست کرد

این جهان و آن جهان با او بود

و این حدیث احمد خوش خو بود

۱۵ گفت المرء مع محبوبه

لا یفک المرء من مطلوبه

(ص ۴۴۷ ، س ۲۸)

مقصود این حدیث است :

المرء مع من أحب .

۲۰ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۹۹ حلیۃ الاولیا ، ج ۴ ، ص ۱۱۲ ، ج ۵ ، ص ۳۷ ،

ج ۶ ، ص ۲۸۵ ، ج ۷ ، ص ۳۰۸ احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۲۶ جامع صغیر ، ج ۲ ،

ص ۱۸۴ .

که بدین صورت نیز روایت میشود :

المرء مع من أحب وله ما اکتسب ، المرء مع من أحب و انت مع

من احببت .

كنوز الحقائق ، ص ۱۳۷ جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۱۸۴

العبد مع من احب ، العبد عند ظنه بالله و هو مع من احب .
جامع صغير ، ج ۲ ، ص ۶۷ كنوز الحقائق ، ص ۸۴

۴۸۴ - هر كه سازد زين جهان آب حیات
زوترش از ديگران آيد مهـمات
(ص ۴۴۹ ، ص ۹)

ناظر است بدین خبر :

إِيَّاكُمْ وَمُجَالَسَةَ الْمُؤْتِي قِيلَ وَمَنْ هُمْ قَالَ الْأَغْنِيَاءُ .
طبقات الشافعية ، طبع مصر ، ج ۴ ، ص ۱۵۶ بنقل از احياء العلوم و با تعبير :
لَا تُجَالِسُوا الْمُؤْتِي - شرح تعرف ، ج ۱ ، ص ۶۳

۴۸۴ - گفت پیغمبر كه رحم آريد بر
حال من كان غنيا فافتقر
(ص ۴۵۰ ، ص ۸)

مقصود روایت ذیل است :

۱۵ إِرْحَمُوا ثَلَاثَةَ غَنِيٍّ قَوْمٍ افْتَقَرُوا وَ عَزِيزٍ قَوْمٍ ذُلٍّ وَ فَقِيهًا يَتَلَاَعَبُ
بِهِ الْجُهَّالُ .

اتحاف السادة المتقين ، ج ۲ ، ص ۳۳۵ با بحث در وجوه و طرق روایت ابن
حدیث ، اللآلی المصنوعة ، ج ۱۰ ، ص ۲۱۱ و با تفاوت مختصر احياء العلوم ، ج ۴ ،
ص ۲۱ و منسوب بفضیل بن عیاض ، ج ۱ ، ص ۴۵ .

۲۰ ثلاثة يرحمون عاقل يجري عليه حكم جاهل و ضعيف في يد ظالم قوى
و كريم قوم احتاج الى لئيم . (علي عليه السلام)
شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۰

احادیث منوی

۴۸۵ - تا سلیمان گفت آن هدهد اگر

هجر را عذری نگوید معتبر

بکشمش یا خود دهم او را عذاب

يك عذاب سخت بیرون از حساب

هان کدامست آن عذاب ای معتمد

۵

در قصی بودن بغیر از جنس خود

(ص ۴۵۰ ، س ۲۳)

مبتنی است بر روایت بعضی از مفسرین در تفسیر آیه : لَا عَذَابَ لَكَ عَذَاباً

شَدِيداً أَوْ لَا ذِجْنَةً (سورة النمل، آیه ۲۱) بدینگونه : لَا لَزِمَتْهُ صُحْبَةُ الْأَضْدَادِ .

تفسیر امام فخر : ج ۶ ، ص ۵۶۰ ابوالفتح ، ج ۴ ، ص ۱۵۵ ۱۰

۴۸۶ - گفت لا ينظر الى تصويركم فابتغوا ذا القلب في تدبيركم

(ص ۴۵۱ ، س ۱۹)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۱۵۰) ذکر کردیم .

۴۸۷ - ننگرم در تو در آن دل بنگرم تحفه آن را آر ای جان در برم

(ص ۴۵۱ ، س ۲۶) ۱۵

رجوع کنید بذیل شماره (۱۵۰) .

۴۸۸ - با تو او چونست من هستم چنان زیر پای مادران باشد چنان

(ص ۴۵۱ ، س ۲۷)

مقتبس است از این حدیث :

۲۰

الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّاتِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۴ کنوزالحقائق ، ص ۵۶

۴۸۹ - بهر آن گفت آن رسول مستجیب رمز الاسلام فی الدنیا غریب

(ص ۴۵۲ ، س ۲۳)

مقصود این حدیث است :

بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ .
صحیح مسلم ، ج ۱ ، ص ۹۰ احیاء العلوم ، ج ۱ ، ص ۲۹ و با تعبیر :

انّ الاسلام بدأ - مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۳۹۸ و با تعبیر : ان الایمان : ج ۱ ،

ص ۱۸۴ و با عبارت : انّ الدّین - ج ۲ : ص ۳۸۹ حلیة الاولیاء ، ج ۲ ، ص ۱۰ و نیز
رجوع کنید به : جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۷ و کنوز الحقائق ، ص ۲۸ .

۴۹۰ - گفت ابلیس لعین دادار را دام زفتی خواهم این اشکار را
(ص ۴۵۳ ، س ۲۲)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۰ ص ۱۶۴ .

۴۹۱ - چونکه خوبی زنان با او نمود

که ز عقل و صبر مردان می فزود

پس زد انگشتك برقص اندر فتاد

که بده زوتر رسیدم در مراد

(ص ۴۵۴ ، س ۱)

۱۵

مناسب است با مضمون خبر ذیل :

إِتَّقُوا الدُّنْيَا وَ اتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ إِبْلِسَ طَّلَاعُ رَّصَادٍ وَ مَا هُوَ بِشَيْءٍ
لِفُخْوَخِهِ بِأَوْثَقَ لَصِيدِهِ فِي الْأَتْقِيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷

۲۰ ۴۹۲ - این جهان جادوست و ما آن تاجریم

که از او مهتاب پیموده خریم

(ص ۴۵۶ ، س ۳)

مقتبس است از حدیثی که در ذیل شماره (۴۱۸) ذکر شده است .

احادیث مشنوی

۴۹۳ - در زمانه سر ترا سه همراهند

ز آن یکی وافی و آن دو غدر مند

آن یکی یاران و دیگر رخت و مال

و آن سیوم وافیت و آن حسن الفعال

۵ (ص ۴۵۶، س ۶)

مستفاد است از این خبر :

يَتَّبِعُ الْمَيِّتَ ثَلَاثَةٌ فَيَرْجِعُ اِثْنَانِ وَيَبْقَى وَاحِدٌ يَتَّبِعُهُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ
وَعَمَلُهُ فَيَرْجِعُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَيَبْقَى عَمَلُهُ.

مسلم، ج ۸، ص ۲۱۱ - ۲۱۲ و با مختصر اختلاف - بخاری، ج ۴، ص ۸۵

نیز حلیة الاولیا، ج ۷، ص ۳۱۰، ج ۱۰، ص ۴ احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۴۳ - ۱۰
ربیع الابرار، باب العمل و الکد، مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۴.

۴۹۴ - مال ناید با تو بیرون از قصور

یار آید لیک تا بالین گور

چون ترا روز اجل آید پیش

۱۵ یار گوید از زبان حال خویش

تا بدینجا یش همیره نیستم

بر سر گورت زمانی بیستم

فعل تو وافی است زان کن ملتحّد

کاندر آید با تو در قهر لحد

۲۰ (ص ۴۵۶، س ۷ پیوسته)

مناسب است با مضمون حدیث ذیل :

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَمَثَلُ الْأَجَلِ مَثَلُ رَجُلٍ لَهُ ثَلَاثَةُ أَخِلَاءَ قَالَ لَهُ مَالُهُ أَنَا
مَالِكَ خُذْ مِنْي مَا شِئْتَ وَدَعْ مَا شِئْتَ وَقَالَ الْآخَرُ أَنَا مَعَكَ أَهْلُكَ وَأَضَعُكَ
قَالَ هَذَا عَشِيرَتُهُ وَقَالَ الثَّالِثُ أَنَا مَعَكَ أَدْخُلُ مَعَكَ وَأَخْرُجُ مَعَكَ مِتَّ

أَوْحَيْتَ قَالَ هَذَا عَمَلُهُ .

مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۴ - ۷۵ و نیز رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران) ص ۱۶۴ - ۱۶۵ .

۴۹۵ - هست پیدا آن پیش چشم دل جهد کن پیش دل آ جهد المقل
(ص ۴۵۷ ، ص ۲۸)

تعبیر : جهد المقل - که در مثنوی مکرر آمده مأخوذ است از این حدیث :

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَ أَوَّلُهَا بِمَنْ تَعُولُ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۹ - نهایة ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۹۰ کنوز الحقائق ص ۱۶

۴۹۶ - تو زجایی آمدی و از موطنی آمدن را هیچ دانی راه نی
(ص ۴۵۸ ، ص ۱۸)

مناسب است با مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۱۰) ذکر شد .

۴۹۷ - تا احب الله آیی در حبیب کز درخت احمدی با اوست سیب
تا که بغض الله آیی پیش حق تا نگیرد بر تو رشک عشق دق
(ص ۴۶۲ ، ص ۱-۴)

اشارتست بحدیثی که در ذیل شماره (۹۲) مذکور آمد .

۴۹۸ - جد را باید که جان بنده بود زانکه جد جوینده یا بنده بود
(ص ۴۶۶ ، ص ۲)

مقتبس است از روایتی که در ذیل شماره (۲۱۴) مذکور است .

۴۹۹ - جز مگر بنده خدا یا جذب حق با رهش آرد بگرداند ورق
(ص ۴۶۶ ، ص ۱۴)

مبتنی است بر روایتی که در ذیل شماره (۳۶۲) گذشت .

۵۰۰ - شهوت از خوردن بود کم کن ز خور

یا نکاحی کن گریز از شور و شر
(ص ۴۶۶ ، ص ۱۷)

احادیث مشنوی

مستفاد است از مضمون این حدیث :

مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ
وَمَنْ لَا فَلْيَصُمْ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ .

احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۵ و اتحاف السادة المتقين، ج ۵، ص ۴۸۶ - ۴۸۷

که اسناد این روایت را بدست میدهم. ۵

۵۰۱ - چونکه صانع خواست ایجاد بشر از برای ابتلای خیر و شر

(ص ۴۷۱، ص ۲۵)

رجوع کنید به : مأخذ قصص وتمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۵۰۲ - هم ز عزرائیل با قهر و عطب تو بهی چون سبق رحمت بر غضب ۱۰

(ص ۴۷۲، ص ۳)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۶۴) ذکر شده است .

۵۰۳ - سبق رحمت بر غضب هست ای فتی

لطف غالب بود در وصف خدا

(ص ۴۷۲، ص ۲۲) ۱۵

رجوع کنید بذیل شماره (۶۴)

۵۰۴ - بندگان دارند لابد خوی او مشکهاشان پر ز آب جوی او

(ص ۴۷۲، ص ۲۳)

مبتنی است بر روایتی که در ذیل شماره (۶۹) نقل شده است .

۵۰۵ - آن رسول حق قلاوز سلوک گفت الناس علی دین الملوک ۲۰

(ص ۴۷۲، ص ۲۳)

مقصود حدیث مذکور در ذیل شماره (۶۸) است.

۵۰۶ - آب دیده پیش تو با قدر بود من نتانستم که آرم ناشنود

(ص ۴۷۲، ص ۲۵)

ناظر است بمضمون این خبر :

مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَطْرَةٍ دَمَعٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى
أَوْ قَطْرَةٍ دَمٍ أَهْرَيْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ .

احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۱۸ جامع صغیر، ج ۲ ص ۱۳۵ با تفصیل بیشتر .

۵ - ۵۰۷ - قوم یونس را چوپیدا شد بلا ابر پر آتش جدا شد از سما
(ص ۴۷۳ ، س ۶)
رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)
ص ۱۷۱ .

۱۰ - ۵۰۸ - که برابر می نهد شاه مجید اشك را در فضل با خون شهید
(ص ۴۳۷ ، س ۱۳)
اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۵۰۶) آوردیم .

۵۰۹ - عرش معدنگاه داد و معدلت
چار جو در زیر او پر مغفرت
جوی شیر و جوی شهد جاودان
جوی خمر و دجله آب روان ۱۵
پس ز عرش اندر بهشتستان رود
در جهان هم چیز کی ظاهر شود
(ص ۴۳۷ ، س ۲۲)

مقتبس است از حدیثی که در اخبار معراج آورده اند بدینگونه :
۲۰ از زیر آن درخت (سدرۃ المنتهی) چهار چشمه بود دو ظاهر و دو پنهان
اما آن دو ظاهر نیل و فرات بود و اما آن دو جوی پنهان بیشت میرفت و از اصل
او چهار جوی بدر می آمد از آب و می و شیر و انگبین .
تفسیر ابوالفتح، ج ۳، ص ۳۱۸ و نیز بحار الانوار، ج ۶، باب اثبات المعراج .

احادیث‌مثنوی

۵۱۰ - سبق رحمت گشت غالب بر غضب

ای بدیع افعال نیکو کار ربّ

(ص ۴۷۴، س ۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۶۴)

۵۱۱ - من چو کلکم در میان اصبهین نیستم در صف طاعت بین بین ۵

(ص ۴۷۵، س ۲۰)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۱۳)

۵۱۲ - ز آنک هر يك ز این مرضها را دواست

چون دوا نپذیرد آن حکم قضاست

هر مرض دارد دوا میدان یقین ۱۰

چون دواى درد سرما پوستین

(ص ۴۷۵، س ۲۷)

مبتنی است بر خبری که در ذیل شماره (۱۲۳) مذکور گردید.

۵۱۳ - چون قضا آید طیب ابله شود و آن دوا در نفع هم گمره شود

(ص ۴۷۶، س ۱) ۱۵

اشاره است بحديث منقول در ذیل شماره (۲۹)

۵۱۴ - از طعام الله و قوت خوشگوار

در چنان دریا چو کشتی شو سوار

باش در روزه شکیبا و مصر

دم بدم قوت خدا را منتظر ۲۰

(ص ۴۷۷، س ۹)

مستفاد است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۴۶۰)

۵۱۵ - ای خدا بنمای تو هر چیز را آن چنانکه هست در خدعه سرا

(ص ۴۷۷، س ۲۲)

دفتر پنجم

رجوع کنید بذیل شماره (۱۱۶)

۵۱۶- هیچ مرده نیست پر حسرت زمرگ
حسرتش آنست کش کم بوده برگ
(ص ۴۷۷ ، س ۲۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۴۷۵)

۵۱۷ - در حدیث آمد که روز رستخیز

امر آید هر یکی تن را که خیز

(ص ۴۷۸ ، س ۶)

مستند آنرا در مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۷۲ - می توان دید .

۱۰ ۵۱۸ - باز آید جان هر يك در بدن همچو وقت صبح هوش آید بتن

(ص ۴۷۸ ، س ۷)

مبتنی است بر خبر مذکور در شماره (۱۱) و مناسب است مضمون این بیت

و ایات بعد با مفاد این روایت :

إِنَّكُمْ تَمُوتُونَ كَمَا تَنَامُونَ وَ تَبْعَثُونَ كَمَا تَسْتَيْقِظُونَ .

تلخیص البیان طبع طهران ، ص ۱۵۷

۱۵

۵۱۹ - لا اِبالی وار آزادش کنیم و آن خطاها را همه خط برزنیم

(ص ۴۷۹ ، س ۱۴)

اشاره است بحدیث نبوی در حکایت از حق تعالی :

هُوَ لَا فِي الْجَنَّةِ وَلَا اِبَالِي وَهُوَ لَا فِي النَّارِ وَلَا اِبَالِي .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۳۶ نهایه ابن اثیر ، ج ۱ ، ص ۹۵

۲۰

و ممکن است که اشاره بدین روایات باشد :

قال الله تعالى يا ابن آدم مهبا عبدتي و رجوتي و لم تشرك بي شيئا

غفرت لك على ما كان منك و ان استقبلتني بملئ السماء و الارض خطايا

و ذنوباً استقبلتك بملهّن من المغفرة و اغفر لك و لا ابالي .
قال الله تعالى من علم أنّي ذو قدرة علي مغفرة الذنوب غفرت له و لا
ابالي ما لم شرك بي شيئاً .

جامع صغير، ج ۲، ص ۸۲

۵ - ۵۴۰ - گوشت پاره آلت گویای او

پیه پاره منظر بینمای او

مسمع او از دو پاره استخوان

مدرکش دو قطره خون یعنی جنان

(ص ۴۷۹، س ۱۷)

۱۰ رجوع کنید بذیل شماره (۱۶۵)

۵۴۱ - شعله میزد آتش جان سفیه کآتش بد الولد سرّ ایه

(ص ۴۸۱، س ۲۱)

این خبر را در ذیل شماره (۴۱۳) می توان یافت .

۵۴۲ - مال چون مار است و این جاه اژدها

۱۵ سایه مردان زمرد این دو را

(ص ۴۸۲، س ۵)

مستفاد است از روایتی که در ذیل شماره (۴۶۹) نوشتیم .

۵۴۳ - هر که بنهد سنت بد ای فتی

تا در افتد بعد او خلق از عمی

۲۰ جمع گردد بر وی آن جمله بزه

کاو سری بوده است و ایشان دم غزه

(ص ۴۸۲، س ۸)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۲)

دفتر پنجم

۵۲۴ - او خروس آسمان بوده زپیش نهرهای او همه در وقت خویش
(ص ۴۸۲، س ۱۶)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه تهران)

ص ۱۷۴.

۵ ۵۲۵ - گر رسد جذبه خدا ماء معین چاه ناکنده بروید از زمین
(ص ۴۸۴، س ۲۰)

مناسب با مفاد خبریست که در ذیل شماره (۳۶۰) مذکور شد.

۵۲۶ - هر که رنجی برد گنجی شد پدید

هر که جدی کرد در جدی رسید

(ص ۴۸۲، س ۲۱)

۱۰

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۱۴)

۵۲۷ - گفت پیغمبر رکوع است و سجود

بر در حق کوفتن حلقه وجود

حلقه آن در هر آنکو می زند

بهر او دولت سری بیرون کند

۱۵

(ص ۴۸۴، س ۲۱)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۳۱۴) آورده ایم.

۵۲۸ - گرچه نفس واحدیم از روی جان

ظاهرا دوریم از این سود و زیان

(ص ۴۸۶، س ۸)

۲۰

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۰۹) ذکر نمودیم.

۵۲۹ - بهر این پیغمبر آنرا شرح ساخت

چنانکه خود بشناخت یزدان را شناخت

(ص ۴۸۶، س ۲۸)

احادیث مشنوی

مراد روایت ذیل است :

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ .

که در شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۴۷ منسوبست بامیر مؤمنان علی علیه السلام و باتعبیر: اذا عرف نفسه - جزو احادیث نبوی آمده است (کنوز الحقائق، ص ۹) و مؤلف اللؤلؤ المصروع (ص ۸۶) بنقل از ابن تیمیه آنرا از موضوعات می‌شمارد .

۵۴۰ - تا در آمد حکم و تقدیر اله عقل حارس خیره سرگشت و تباه

(ص ۴۸۸ ، س ۱۸)

مناسب است با مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۲۹) ذکر شده است .

۱۰ ۵۴۱ - هر چه کردم جمله نا کرده گرفت

طاعت نا کرده آورده گرفت

نام من در نامه پاکان نوشت

دوزخی بودم بیخشیدم بهشت

(ص ۴۹۲ ، س ۱۱ بیعد)

۱۵ ناظر است بمضمون روایات ذیل :

اَلتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۴ حلیۃ الاولیاء ، ج ۴ ، ص ۲۱۰ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۳۳ کنوز الحقائق ، ص ۵۳ .

إِذَا تَابَ الْعَبْدُ أَنْسَى اللَّهُ الْخَفْظَةَ ذُنُوبَهُ وَأَنْسَى ذَلِكَ جَوَارِحَهُ

۲۰ وَ مَعَالِمَهُ مِنَ الْأَرْضِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَاهِدٌ مِنَ اللَّهِ بِذَنْبٍ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۲۱

۵۴۲ - چون بر نجد بینوا مانند خلق کز کف عقل است چندین رزق خلق

(ص ۴۹۳ ، س ۲۳)

دفتر بنجم

ظاهراً اشاره است بجزو اخیر از حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ وَقَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ فَقَالَ
وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ شَيْئاً أَحْسَنَ إِلَيَّ مِنْكَ أَوْ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ بِكَ أَخَذُ
وَبِكَ أُعْطِي .

وافی فیض ، ج ۱ ، ص ۲۴ ، ۱۹

۵ - ۵۴۳ - گفت روبه جستن رزق حلال فرض باشد از برای امتثال
(ص ۴۹۵ ، ص ۴)

مستفاد است از روایتی که بصورت ذیل نقل شده است :

طَلَبُ الْحَلَالِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ، طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ ،
طَلَبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ ، طَلَبُ الرَّجُلِ مَعِيشَتَهُ مِنَ الْحَلَالِ صَدَقَةٌ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۵۳ کنوزالحقائق ، ص ۷۸

۱۰

۵۴۴ - گفت پیغمبر که بر رزق ای فتنی

در فرو بسته است و بر در قفلها

جنبش و آمد شد ما و اکتساب

هست مفتاحی بر این قفل و حجاب

(ص ۴۹۵ ، ص ۵)

ظاهراً مستفاد است از این خبر :

إِنَّ مَفَاتِيحَ الرِّزْقِ مُتَوَجِّهَةٌ نَحْوَ الْعَرْشِ فَيُنْزِلُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى النَّاسِ
أَرْزَاقَهُمْ عَلَى قَدْرِ نَفَقَاتِهِمْ فَمَنْ كَثَرَ كَثُرَ لَهُ وَ مَنْ قَلَلَ قَلَلَ لَهُ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۹۷

۲۰ - و یوسف بن احمد مولوی این خبر را که در جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۴۳
و کنوزالحقائق ، ص ۱۴ آمده در ذیل آیات فوق آورده است :

اُطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي خَبَايَا الْأَرْضِ .

المنهج القوى ، ج ۵ ، ص ۳۴۳

احادیث مشنوی

۵۴۵ - رزق آید پیش هر که صبر جست

رنج و کوششها ز بی صبری تست

(ص ۴۹۵ ، س ۱۳)

اشاره است بخبر ذیل :

لَوْ أَنَّكُمْ تَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ حَقَّ التَّوَكُّلِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ تَغْدُو خِفَافًا وَتَرُوحُ بِطَانًا .

حلیه الاولیاء ، ج ۱۰ ، ص ۶۹ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۲۸ با مختصر تفاوت .

۵۴۶ - چون قناعت را پیمبر گنج گفت هر کسی را کی رسد گنج نهفت

(ص ۴۹۵ ، س ۱۸)

۱۰ مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۵۳) راجع بدان سخن گفتیم .

۵۴۷ - گفت خر معکوس میگوید بدان

شور و شر از طمع آید سوی جان

(ص ۴۹۵ ، س ۲۳)

اشاره است بدین حدیث :

۱۵ إِيَّاكُمْ وَالطَّمَعُ فَإِنَّهُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ .

جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۱۶ کنوز الحقائق ، ص ۴۳

۵۴۸ - آن چنانکه عاشقی بر رزق زار

هست عاشق رزق هم بر رزق خوار

(ص ۴۹۵ ، س ۲۴)

۲۰ اشاره بحدیثی است که بصور ذیل روایت میشود :

الرِّزْقُ يُطْلَبُ الْعَبْدَ كَمَا يُطْلَبُ الْعَبْدُ الرِّزْقُ يُطْلَبُ الْعَبْدَ كَمَا يُطْلَبُ الْعَبْدُ أَشَدُّ طَلَبًا لِلْعَبْدِ مِنْ أَجَلِهِ .

نثر الدر (از ابوسعید آبی) کنوز الحقائق ، ص ۶۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۲۵

دفتر پنجم

۵۳۹ - آن یکی زاهد شنید از مصطفیٰ

که یقین آید بجان رزق خدا

گرتو خواهی ورنخواهی رزق تو

پیش تو آید دوان از عشق تو

(ص ۴۹۶ ، س ۴)

۵

مناسب است با روایت ذیل :

لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ هَرَبَ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَهْرَبُ مِنَ الْمَوْتِ لَأَذْرَكَ رِزْقُهُ
كَمَا يُذْرِكُهُ الْمَوْتُ.

حلیۃ الاولیاء، ج ۷، ص ۹۰، ج ۸، ص ۲۴۶ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۷.

۱۰ ۵۴۰ - که علامت زان دیدار نور التجافی منك عن دار الغرور

(ص ۴۹۷ ، س ۱۷)

اقتباس است از روایتی که در ذیل شماره (۴۱۲) بدان اشارت رفت .

۵۴۱ - ای خنک آنکس که عقلش نر بود

تنش زشتش ماده و مضطر بود

(ص ۴۹۷ ، س ۲۶)

۱۵

یوسف بن احمد مولوی گوید اشاره بدین روایت است :

طوبی لمن كان عقله ذكراً وَ نَفْسُهُ أُنْثَى وَ وِیلُ لِمَنِ انْعَكَسَ .

طوبی لمن كان عقله أَمِيراً وَ نَفْسُهُ أُسَيراً وَ وِیلُ لِمَنِ انْعَكَسَ .

المنهج القوی، ج ۵، ص ۳۵۵

۲۰ ۵۴۲ - مکر شیطانست تعجیل و شتاب لطف رحمانست صبر و احتساب

(ص ۵۰۱ ، س ۱۳)

دفتر پنجم

خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبًا لِلثَّوَابِ
فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَعَالَى حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ
وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ .

وافی فیض، ج ۳، ص ۷۱

۵ - ۵۴۶ - با محمد بود عشق پاک جفت بهر عشق او را خدا لولاک گفت
(ص ۵۰۵، ص ۲۴)

مقصود حدیث معروف است :

لَوْ لَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ - که در شرح تعرف، ج ۲، ص ۴۶ بدینصورت
دیده میشود :

۱۰ لَوْ لَا مُحَمَّدٌ (ﷺ) مَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَلَا السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَلَا الْعَرْشَ وَلَا الْكُرْسِيَّ وَلَا اللَّوْحَ وَلَا الْقَلَمَ وَلَا الْجَنَّةَ
وَلَا النَّارَ وَلَا لَوْ لَا مُحَمَّدٌ مَا خَلَقْتُكَ يَا آدَمُ .

و مؤلف اللؤلؤ المرصوع در باره آن چنین گفته است :

لم يرد بهذا اللفظ بل ورد : لولاك ما خلقت الجنة و لولاك ما خلقت
النار . و عند ابن عساكر : لولاك ما خلقت الدنيا .

اللؤلؤ المرصوع، ص ۶۶

۵۴۷ - صدق احمد بر جمال ماه زد بلکه بر خورشید رخشان راه زد
(ص ۵۰۶، ص ۲۵)

مصرع دوم اشاره است بحديث ردّ شمس که مشهور است و بطرق مختلف

۲۰ روایت شده و اینک یکی از آنها را در اینجا نقل میکنیم :

إِنَّ عَلِيًّا بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) فِي حَاجَةٍ فِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ وَقَدْ صَلَّى

النَّبِيُّ الْعَصْرَ وَلَمْ يُصَلِّهَا عَلَيَّ فَلَمَّا رَجَعَ وَضَعَ رَأْسَهُ فِي حِجْرِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَقَدْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ فَجَلَّلَهُ بِثَوْبِهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى كَادَتْ الشَّمْسُ تَغِيبُ
ثُمَّ إِنَّهُ سَرَى عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) فَقَالَ أَصَلَّيْتَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ لَا فَقَالَ النَّبِيُّ (ﷺ)
اللَّهُمَّ رُدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ فَرَجَعَتْ حَتَّى بَلَغَتْ نِصْفَ الْمَسْجِدِ.

بحار الانوار، ج ۶، باب ما ظهر له شاهدا علی حقیته من المعجزات السواية ۵

۵۴۸ - ز آن رسولی کش حقایق داد دست

کاد فقران یكون کفر آمده است

(ص ۵۰۸، س ۲۴)

اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۱۹) ذکر نمودیم.

۵۴۹ - جوع خود سلطان داروهاست هین

جوع بر جان نه چنین خوارش مبین

(ص ۵۰۹، س ۵)

مستفاد است از روایتی که در ذیل شماره (۷۲) مذکور گردید.

۵۵۰ - جوع رزق جان خاصان خداست

۱۵ کی زبون همچو تو گمیج گداست

(ص ۵۰۹، س ۲۰)

مأخوذ است از خبری که در ذیل شماره (۴۶۰) می توان دید.

۵۵۱ - هین توکل کن ملرزان پا و دست

رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است

۲۰ (ص ۵۰۹، س ۲۳)

مناسب است با حدیث مذکور در ذیل شماره (۵۳۸ و ۵۳۹)

دفتر پنجم

۵۵۲ - چرخ گردان را قضا گمره کند صد عطار د را قضا ابله کند
(ص ۵۱۱، س ۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۹)

۵۵۳ - آنکه کف را دید سرگویان بود و آنکه دریا دید او حیران بود
(ص ۵۱۱، س ۱۰)

اشاره است بحديث : مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كُلَّ لِسَانُهُ - که در ذیل شماره (۱۷۹) مذکور است.

۵۵۴ - چونکه خواه نفس آمد مستعان تسخر آمد ایش شاء الله کان
(ص ۵۱۱، س ۱۶)

۱۰ ظاهراً مأخوذ است از حدیث ذیل :

عَنْ زَيْدِ بْنِ يَابِتٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) عَلَّمَهُ دُعَاءً وَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَاهَدَ بِهِ أَهْلَهُ كُلَّ يَوْمٍ قَالَ قُلْ كُلَّ يَوْمٍ حِينَ تُصْبِحُ اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَمِنْكَ وَبِكَ وَ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ اَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ اَوْ حَلَفْتُ مِنْ حَلْفٍ فَمَشِيَّتِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَا شِئْتُ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ .

۱۵ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۱۶ مسند احمد، ج ۵، ص ۱۹۱

وبدينصورت : مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ - نیز در عناوین مثنوی و شرح تعرف، ج ۱، ص ۳ آمده است.

۵۵۵ - حاش لله ایش شاء الله کان حاکم آمد در مکان و لامکان
(ص ۵۱۲، س ۱)

۲۰ رجوع کنید بذیل شماره (۵۵۴)

۵۵۶ - پس فرشته و دیو گشته عرضه دار
بهر تحریک عروق اختیار

احادیث مننوی

می شود ز الهامها و وسوسه

اختیار خیر و شرّت ده کسه

(ص ۵۱۳، س ۱۹)

اشاره است بحدیثی که در ذیل شماره (۲۶۸) ذکر شد و نیز رجوع کنید به :

۵

احیاء العلوم، ج ۳، ص ۲۱.

۵۵۷ - پس تسفط آمد این دعویّ جبر

لا جرم بدتر بود زین رو زنجبر

(ص ۵۱۴، س ۵)

اشاره است بحدیث ذیل :

۱۰

الْقَدَرِيَّةُ مَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

که : القدریّة مجوس امّتی و نیز : القدریّة مجوس العرب - هم روایت

شده است .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۸۸ کنوز الحقائق، ص ۹۲

بنا بر این که مقصود از « قدریّه » مثبتین قدر باشد نه نافیان تأثیر قدر .

۵۵۸ - قول بنده ایش شاء الله کان

بهر آن نبود که منبل کن روان

چون بگویند ایش شاء الله کان

حکم حکم اوست مطلق جاودان

(ص ۵۱۷، س ۶-۸)

اشاره بخبری است که در ذیل شماره (۵۵۴) مذکور افتاد .

۵۵۹ - همچنین تاویل قد جَفَّ القلم

۲۰

بهر تجریض است است بر شغل اهمّ

کز روی جَفَّ القلم کز آیدت

راستی آری سمادت زایدت

چون بدزدی دست شد جَفَّ القلم

باده نوشی مست شد جَفَّ القلم

(ص ۵۱۷، س ۲۶ یعد) ۲۵

دفتر پنجم

مقتبس است از روایت مذکور در ذیل شماره (۹۷)

۵۶۰ - ذره‌یی گز در تو افزونی ادب

باشد از یارت بداند فضل ربّ

قدر آن ذره ترا افزون دهد

ذره چون کوهی قدم بیرون نهد

(ص ۵۱۸، س ۱)

ظاهرأ اشاره بدین خبر است :

مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الطَّيِّبَ فَإِنَّ
اللَّهَ يَتَّبِعُهَا يَمِينَهُ ثُمَّ يُرِيهَا لِصَاحِبِهِ كَمَا يُرِي أَحَدُكُمْ فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ
الْجَبَلِ .

بخاری، ج ۲، ص ۱۲۸

که برو جفّ القلم کم کن وفا

که جفا ها با وفا یکسان شود

و آن وفا را هم وفا جفّ القلم

(ص ۵۱۸، س ۶)

۵۶۱ - بد همی گویند شه را پیش ما

معنی جفّ القلم کی این بود

بل جفا را هم جفا جفّ القلم

رجوع کنید بذیل شماره (۹۷)

۵۶۲ - زانچه می بافی همه روزه بنوش

زانچه می کاری همه ساله بنوش

(ص ۵۱۹، س ۲)

موافقت با مضمون این روایات :

كَمَا تَدِينُ تُدَانُ .

كَمَا لَا يُجْتَنِي مِنَ الشَّوْكِ الْعِنَبُ كَذَلِكَ لَا يَنْزِلُ الْفُجَّارُ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ
فَاسْلُكُوا أَىَّ طَرِيقٍ شِئْتُمْ فَأَىَّ طَرِيقٍ سَلَكَتُمْ وَرَدْتُمْ عَلَى أَهْلِهِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۵ کنوزالحقائق، ص ۹۶

۵۶۳ - فعل تست این غصه های دم بدم این بود معنی قد جف القلم
(ص ۵۱۹ ، س ۲)

رجوع شود بنیل شماره (۹۷)

۵۶۴ - خویش را تعلیم کن عشق و نظر
۵ کان بود کالتقش فی جرم الحجر
(ص ۵۱۹ ، س ۹)

اشاره است بحديث معروف :

أَلْعَلِمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ .

کنوز الحقائق ، ص ۸۵

۱۰ که مضمون آن بدینصورت هم روایت شده است :

حفظ الغلام الصغير كالنقش في الحجر و حفظ الرجل بعد ما يكبر
كالكتاب علي الماء .

مثل الذي يتعلم في صغره كالنقش على الحجر و مثل الذي يتعلم
العلم في كبره كالذي يكتب علي الماء .

۱۵ جامع صغير ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ ، ج ۲ ، ص ۱۵۳

۵۶۵ - تا که این هفتاد و دو ملت مدام

در جهان ماند الى يوم القيام

تا قیامت باشد این هفتاد و دو

که نباشد مبتدع را گفتگو

۲۰ (ص ۵۱۹ ، س ۲۸ ، ص ۵۲۰ ، س ۱)

مبتنی است بر روایت مذکور در ذیل شماره (۳۱۲)

۵۶۶ - غیر این عقل تو حق را عقلهاست

که بدان تدبیر اسباب سماست

دفتر پنجم

که بدین عقل آوری ارزاق را

زان دگر مفرش کنی اطباق را

(ص ۵۲۰، س ۷)

مناسبت دارد با مضمون این خبر :

۵ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ قَالَ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ فَقَالَ تِلْكَ النُّكْرَاءُ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ .

اصول کافی، طبع ایران، ص ۶ سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۴

۱۰ ۵۶۷ - همچنانکه گفت آن یار رسول

چون نبی بر خوانندی بر ما فصول

آن رسول مجتبی وقت ثار

خواستی از ما حضور و صد وقار

آنچنانکه بر سرت مرغی بود

کز فواتش جان تو لرزان شود

(ص ۵۲۰، س ۱۲)

مستفاد است از خبر ذیل :

عَنْ أُسَامَةَ بْنِ شَرِيكَ قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ وَ إِذَا أَصْحَابُهُ كَانُوا عَلَى رُؤُسِهِمُ الطَّيْرُ .

مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۸ نه‌ایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۱

۵۶۸ - ای خنک آنرا که ذات خود شناخت

اندر امن سرمدی قصری بساخت

(ص ۵۲۲، س ۱۷)

احادیث مشنوی

اشاره بدان حدیث است که در ذیل شماره (۵۲۹) مذکور گردید .

۵۶۹ - باشد آنگه ازدواجات دگر لا سمع اذن و لا عین بصر
(س ۵۲۵ ، س ۱)

مقتبس است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۵۷۰ - لیس یألف لیس یؤلف جسمه لیس الا شح نفس قسمه^۵
(س ۵۲۵ ، س ۴)

مستفاد است از حدیثی که بصور ذیل روایت شده است :

الْمُؤْمِنُ يَأْلَفُ وَيُؤْلَفُ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ وَخَيْرُ النَّاسِ
أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ ۱۰

المؤمن يألف ولا خير فيمن لا يألف ولا يؤلف .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ کنوز الحقائق ، ص ۱۳۶ مسند احمد ، ج ۲ ،
ص ۴۰۰ با مختصر تفاوت .

ان للمنافقين علامات يعرفون بها تحببتهم لعنة و طعامهم نهبة و غنيمتهم

غلول ولا يقربون المساجد الا هجرا ولا يأتون الصلاة الا دبرا مستكبرين ۱۵

لا يألّفون ولا يؤلّفون خُشب بالليل صُخب (سُخب) بالنهار .

مسند احمد ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ - شرح نهج البلاغة ، ج ۴ ، ص ۵۶۳ تفسير ابوالفتوح ،
ج ۱ ، ص ۵۵ .

۵۷۱ - باده یی کان بر سر شاهان جهد

۲۰ تاج زر بر تارك ساقی نهد
فتنه ها و شور ها انگيخته
بندگان و خسروان آميخته

دفتر پنجم

استخوانها رفته جمله جان شده

تخت و تخته آنزمان یکسان شده

چون هر یسه لحم و گندم غرق هم

هیچ سبقی نی در ایشان فرق هم

(ص ۵۲۵ ، س ۲۸ بیعد)

۵

مناسب است با مضمون خبری که بنقل مؤلف روضات الجنّات (ج ۱ ، ص ۲۳۱ طبع ایران) در صحیفه الرضا (علیه السلام) آمده است .

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَابًا لِأَوْلِيَائِهِ إِذَا شَرِبُوا سَكِرُوا وَإِذَا سَكِرُوا طَرِبُوا وَإِذَا طَرِبُوا طَابُوا وَإِذَا طَابُوا ذَابُوا وَإِذَا ذَابُوا خَلَصُوا وَإِذَا خَلَصُوا صَلُّوا وَإِذَا صَلُّوا اتَّصَلُوا وَإِذَا اتَّصَلُوا لَافَرَقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ حَبِيبِهِمْ . ۱۰

۵۷۲ - مصطفی را هجر چون بفراختی

خویش را از کوه می انداختی

(ص ۵۲۸ ، س ۶)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۱۵ ص ۱۸۸ .

۵۷۳ - تو ز غفلت بس سبو بشکسته یی

بر امید عفو دل بر بسته یی

عفو کن تا عفو یابی در جزا

می شکافد مو قدر اندر سزا

(ص ۵۲۸ ، س ۱۴)

۲۰

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۵) ذکر شد .

۵۷۴ - پادشاهی کن بیخشش ای رحیم ای کریم ابن الکریم ابن الکریم

(ص ۵۲۹ ، س ۶)

دفتر پنجم

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۱۹۲ .

۵۸۰ - از خیال حرب نهراسید کس

لا شجاعه قبل حرب این دان و بس

(ص ۵۳۹ ، ص ۲۷)

اشاره است بروایت مذکور در ذیل شماره (۲۸۳)

۵۸۱ - ملکتی گاو می نماند جاودان

ای دلت خفته تو آنرا خواب دان

(ص ۵۴۰ ، ص ۴)

مبتنی است بر خبری که در ذیل شماره (۲۲۳) گذشت .

۵۸۲ - قصد جفت دیگران کردم بجاه بر من آمد آن و افتادم بجاه

من در خانه کس دیگر زدم او در خانه مرا زد لا جرم

هر که با اهل کسان شد فسق جو اهل خود را دان که قواد است او

(ص ۵۴۲ ، ص ۷)

مناسب است با مضمون این خبر :

مَنْ زَنِیْ زَنِیِّ بِهٖ وَلَوْ بِحِیْطَانِ دَارِهٖ .

جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۷۱ کنوزالحقائق ، ص ۱۲۸

و نظیر آن روایت ذیل است :

بَرُّوْا اَبَائَکُمْ تَبَرُّوْا اِبْنَاءَکُمْ وَ عِفَّوْا نِسَاءَکُمْ .

مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۱۵۴ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۲۴ اللالی المصنوعة ،

ج ۲ ، ص ۱۸۷ - ۱۸۸ .

۵۸۳ - حَفَّتِ الْجَنَّةُ مَکَارِهَہٗ رَا رَسِیْدَ حَفَّتِ النَّارُ اَز هَوٰی اَمَد پدِیْد

(ص ۵۴۳ ، ص ۹)

اقتباس است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۵۲) مذکور شده است .

احادیث مشنوی

۵۸۴ - عفوهای جمله عالم ذرّی
عکس عفوای ز تو هر بهره‌ی
(س ۵۴۵، س ۲۹)

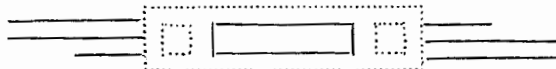
مناسب است با خبر ذیل .

إِنَّ لِلَّهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ أُنْزِلَ مِنْهَا رَحْمَةٌ وَاحِدَةٌ بَيْنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ
وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فِيهَا يَتَعَاطَفُونَ بِهَا يَتَرَاحَمُونَ وَآخَرُ تَسْعًا وَتِسْعِينَ
رَحْمَةً يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

المنهج القوى، ج ۵، ص ۵۸۶

۵۸۵ - هر کرا سوزید دوزخ در قود
من برویانم دگر بار از جسد
کار کوثر چیست که هر سوخته
گردد از وی ثابت و اندوخته
۱۰ (س ۵۴۷، س ۱۸)
مطابق مضمون خبریست که در ذیل شماره (۱۵۳) آورده ایم .

۵۸۶ - چون خلقت الخلق کی یربح علی
لطف تو فرمود ای قیوم حی
لا لأن اربح علیهم جود تست
۱۵ که شود ز او جمله ناقصها درست
(س ۵۴۷، س ۲۲)
رجوع کنید بذیل شماره (۱۴۹)



دفتر ششم

۵۸۷ - هر کسی را خدمتی داده قضا در خور آن گوهرش در ابتلا

(ص ۵۵۱ ، س ۸)

مناسب است با مضمون حدیث : اعملوا فكل ميسر لما خلق له - که در
۵ ذیل شماره (۲۱۸) مذکور گردید .

۵۸۸ - واحد کالاف که بود آن ولی بلکه صد قرنست آن عبد العلی

(ص ۵۵۱ ، س ۱۲)

ناظر است بحدیث ذیل :

لَيْسَ شَيْ خَيْرًا مِنْ أَلْفٍ مِثْلِهِ إِلَّا الْإِنْسَانُ الْمُؤْمِنُ .

۱۰ احياء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۸ و با حذف (المؤمن) جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۳۵
کنوز الحقائق ، ص ۱۱۳

و ابو عبادۀ بحتری گفته است :

و لم ار امثال الرجال تفاوتا لدي المجد حتي عد الف بواحد

و تعبیر : واحد کالاف - از مقصودۀ ابن درید مأخوذ است :

۱۵ والناس الف منهم كواحد و واحد کالاف ان امر عنی

و مصراع دوم این بیت در مکتوبات مولانا و نیز در مثنوی آمده است :

خواب دیدم خواجه معطی المُنَى واحد کالاف ان امر عنی

۵۸۹ - چون ز ذره محو شد نفس و نفس

جنگش اکنون جنگ خورشید است بس

(ص ۵۵۲ ، س ۴)

۲۰

احادیث مننوی

مناسب است با مضمون حدیث :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۰

و حدیث :

۵ مَنْ آذَانِي فِي أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ.

کنوز الحقائق، ص ۱۲۱

۵۹۰ - جنگ ما و صلح ما در نور عین

نیست از ما هست بین الاصبغین

(ص ۵۵۲، س ۶)

۱۰ اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۱۳) ذکر کردیم.

۵۹۱ - جنگها بین کان اصول صلحهاست

چون نبی که جنگ او بهر خداست

(ص ۵۵۲، س ۱۵)

مستفاد است از مضمون خبر ذیل :

۱۵ مَا أَنْتُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) لِنَفْسِهِ مِنْ شَيْءٍ أَنْتُمْ مِنْهُ إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ هِيَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَنْتَقِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا.

مسند احمد، ج ۶، ص ۱۱۴، ۱۱۶

۵۹۲ - این جهان گوید که تو رهشان نما

آن جهان گوید که تو مهشان نما

۲۰ پیشه اش اندر ظهور و در کمون

اهد قومى انهم لا يعلمون

(ص ۵۵۴، س ۱۸)

مصراع نخستین از بیت اول موافق مضمون خبری است که در مصراع اخیر

دفتر ششم

از بیت دوم نقل شده و متن و مأخذ آن را در ذیل شماره (۱۵۵) آورده ایم
و مصراع دوم از بیت نخستین مبتنی است بر حدیث رؤیت که بدینگونه آمده است :

إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ لَا تَضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۰۰ و با تفصیل بیشتر مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۵، ۲۹۳

۵ ۵۹۴ - آن خلیفه زادگان مقبلش رسته اند از عنصر آب و گلش
گرز بغداد و هری یا از ریند بی مزاج آب و گل نسل و یند
(ص ۵۵۴ ، س ۲۲)

مبتنی است بر این حدیث :

أَلْ مُحَمَّدٍ كُلُّ نَقِيٍّ .

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳ کنوز الخفایق، ص ۲

۱۰

و عن علي عليه السلام انّ اولي الناس بالانبياء اعلمهم بما جاءوا به
ثم تلا عليه السلام انّ اولي الناس بابراهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين
آمنوا (الآية) ثم قال عليه السلام ان ولي محمد من اطاع الله وان بعدت
لمتته وان عدو محمد من عصي الله وان قربت قرابته .

ربيع الابرار ، باب القرابات و الانساب ، شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۲۸۳

فتوحات مكيه ، ج ۱ ، ص ۶۸۵ ، ج ۲ ، ص ۱۶۶ ، ۱۶۸ .

۱۵

۵۹۴ - گر چه مؤمن را سقر ندهد ضرر

ليك هم بهتر بود زانجا سذر

گر چه دوزخ دور دارد ز اونكال

ليك جنت به ورا في كل حال

(ص ۵۵۶ ، س ۱۶)

۲۰

مبتنی است بر روایاتی که در تفسیر آیه : و ان منكم الا واردها -

احادیث مشنوی

(سوره مریم، آیه ۷۱) نقل کرده اند مانند :

لَا يَبْقَى بُرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا دَخَلَهَا فَتَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِ بَرْدًا وَسَلَامًا
كَمَا كَانَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ .

مستدرک حاکم ، ج ۴ ، ص ۵۸۷

۵ - ۵۹۵ - گنده پیر است او واز بس چاپلوس

خویش را جلوه دهد چون نوعروس

(ص ۵۵۸ ، س ۱۷)

مناسب مصمون این روایت است :

يُؤْتِي بِالدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى صُورَةِ عَجُوزٍ شَمَطَاءَ زُرْقَاءَ أَنْيَابُهَا بِادِيَةٌ
لَا يَرَاهَا أَحَدٌ إِلَّا كَرِهَيْهَا فَتُشْرِفُ عَلَى الْخَلَائِقِ فَيَقَالُ لَهُمْ أَتَعْرِفُونَ هَذِهِ
فَيَقُولُونَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْرِفَتِهَا فَيَقَالُ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفَاخَرْتُمْ بِهَا وَتَقَاتَلْتُمْ
عَلَيْهَا .

المنهج القوى ، ج ۶ ، ص ۵۴

۵۹۶ - گفت پیغمبر که جنت از الله

۱۵ گرهه میخواهی ز کس چیزی نخواه

چون نخواهی من کفیلم مر ترا

جَنَّةُ الْمَأْوَى و دیدار خدا

آن صحابی زین کفالت شد عیار

تا یکی روزی که گشته بد سوار

۲۰ تازیانه از کفش افتاد راست

خود فرو آمد ز کس آنرا نخواست

(ص ۵۵۸ ، س ۲۵ بیعد)

مقصود خبر ذیل است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ يَتَكَفَّلُ لِي بِوَاحِدَةٍ وَاتَّكَفَّلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ قَالَ ثَوْبَانُ
أَنَا قَالَ لَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ فَكَانَ لَا يَسْأَلُ.

مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۵، ۲۷۶

فَكَانَ ثَوْبَانُ يَقَعُ سَوْطُهُ وَهُوَ رَاكِبٌ فَلَا يَقُولُ لِأَحَدٍ نَاوِلْنِيهِ حَتَّى يَنْزِلَ
فَيَتَنَاوَلَهُ.

همان کتاب، ص ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱

نیز رجوع کنید بصحیح مسلم، ج ۳، ص ۹۷ که این خبر را بطرز دیگر

آورده است و مسند احمد، ج ۵، ص ۱۷۲، ۱۸۱ فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۱۸

۱۰ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۶۵.

۵۹۷ - پس پیمبر گفت استفتوا القلوب

گرچه مفتیان برون گوید خطوب

گفته است استفت قلبك آن رسول

گرچه مفتی برون گوید فضول

(ص ۵۶۰، ص ۵۰۱)

۱۵

مقصود خبر ذیل است :

إِسْتَفْتِ قَلْبَكَ وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ.

اللُّعْ لَابِي نَصْر السَّراج، طبع لیدن، ص ۱۶، ۴۵ و با تعبیر «استفت نفسك»

جامع صغیر، ج ۱، ص ۳۹ حلیه الاولیاء، ج ۹، ص ۴۴ کنوزالحقائق، ص ۱۲

یا وایصه استفت قلبك استفت صدرك البرّ ما اطمان اليه القلب

۲۰

واطمانت اليه النفس والا ثم ما حاك في النفس وتردد في الصدر وان

افتاك الناس وافتوك .

حلیة الاولیاء، ج ۶، ص ۲۵۵

۵۹۸ - مرغ گفتش خواجه در خلوت مایست

دین احمد را ترهب نيك نیست

از ترهب نهی فرمود آن رسول

بدعتی چون بر رفتی ای فضول

(ص ۵۶۲، س ۱۸)

مستفاد است از مضمون این خبر :

لَا رَهْبَانِيَّةَ وَلَا تَبَتُّلَ فِي الْإِسْلَامِ .

۱۰ - نهایت ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۹، ج ۲، ص ۱۱۳

عن ابي قلابة ان عثمان بن مظعون اتخذ بيتا فقمع يتعبد فيه فبلغ

ذلك النبي (ﷺ) فأتاه فاخذ بعضا دقي باب البيت الذي هو فيه فقال يا

عثمان ان الله لم يبعثني بالرهبانية (مرتين او ثلاثا) وان خير الدين عند الله

الحنيفية السمحة .

۱۵ - طبقات ابن سعد، جزو سوم (از قسم اول) طبع اروپا، ص ۲۸۷

۵۹۹ - جمعه شرطت و جماعت در نماز

امر معروف و ز منكر احتراز

رنج بد خويان كشیدن زیر صبر

منفعت دادن بخلقان همچو ابر

۲۰ (ص ۵۶۲، س ۱۹)

مناسب است با مضمون حدیث ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرِّهْبَانِيَّةَ إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي

الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

سفينة البحار، ج ۱، ص ۵۴۰

عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ فَإِنَّهُ رَهْبَانِيَّةٌ أُتِي.

نهایة ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۱۳

۵ ۶۰۰ - خیر ناس ان ینفع الناس ای پدر گرنه سنگی چه حریفی با مدر
(ص ۵۶۲، س ۲۰)

اقتباس است از حدیث :

خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.

کنوز الحقائق، ص ۶۱ جامع صغیر، ج ۲، ص ۸

۱۰ ۶۰۱ - در میان امت مـرحوم باش سنت احمد مهل محکوم باش
(ص ۵۶۲، س ۲۰)

تعبیر :- امت مرحوم - مأخوذ است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۷۹)

۶۰۲ - هست تنهایی به از یاران بد نیک چون با بد نشیند بد شود
(ص ۵۶۲، س ۲۲)

۱۵ مأخوذ است از حدیث : أَلَوْحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ - که در ذیل
شماره (۱۰۳) مذکور گردید.

۶۰۳ - حکم او هم حکم قبله او بود مرده اش خوان چونکه مرده جو بود
(ص ۵۶۲، س ۲۷)

ناظر است بمضمون خبری که در ذیل شماره (۴۸۳) ذکر شد.

۲۰ ۶۰۴ - چون نبی السیف بوده است آن رسول

امت او صفدرانند و فحول

(ص ۵۶۳، س ۱)

مبتنی است بر خبر ذیل :

بُعِثَ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ حَتَّى يُعْبَدَ اللَّهُ تَعَالَى وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَجُمِلَ رِزْقِي تَحْتَ رُمَحِي وَجُمِلَ الذُّلُّ وَالصَّغَارُ عَلَى مَنْ خَالَفَ أَمْرِي .
جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۲۵ و بها تفاوت مختصر مسند احمد، ج ۲، ص ۵۰

- و تعبیر: نبی السیف — در اکمال الدین تألیف صدوق چاپ ایران، ص ۱۱۶ ۵
موجود است.

۶۰۵ - چون نباشد قوتی پرهیز به در فرار از لایطاق آسان بجه
(ص ۵۶۳، س ۳)

اشارتست بحديث :

- ۱۰ الفِرَارُ مِمَّا لَا يُطَاقُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ .
شرح بحر العلوم، ج ۶، ص ۴۴

۶۰۶ - دیو گرگست و توهم چون یوسفی دامن یحقوق مگذار ای صفی
گرگ اغلب آن گهی گیرا بود کز ربه شیشک بخود تنها رود
(ص ۵۶۳، س ۶)

- ۱۵ مستفاد است از این حدیث :

إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ يَأْخُذُ الْقَاصِيَةَ وَالشَّاذَّةَ .

نهایة ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۶۰

ان الشیطان ذنب الانسان کذب الغنم یاخذ الشاة القاصیة والناحیة
فایاکم والشعاب وعلیکم بالجماعة والعامّة والمسجد .

مسند احمد، ج ۵، ص ۲۳۳ ۲۰

دفتر ششم

۶۰۷ - آنکه سنت با جماعت ترك كرد

در چنین مسبع زخون خویش خورد

(ص ۵۶۳، س ۷)

ناظر است بذیل روایت مذکور در شرح شماره (۶۰۶)

۶۰۸ - هر نبی اندر این راه درست

معهزه بنمود و یاران را بجست

گر نباشد یاری دیوار ها

کی بر آید خانه ها و انبارها

هر یکی دیوار اگر باشد جدا

سقف چون باشد معلق بر هوا

۱۰

(ص ۵۶۳، س ۱۹)

مستفاد است از مضمون این خبر :

أَلْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَيْتِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۳ کنوزالعقائق، ص ۱۳۶

۶۰۹ - عاقبت جوینده یا بنده بود که فرج از صبر زاینده بود

(ص ۵۶۵، س ۱۹)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۱۴)

۶۱۰ - گر دو عالم پر شود سرمست یار

جمله يك باشند و آن يك نیست خوار

(ص ۵۶۶، س ۱۰)

۲۰

مستفاد است از حدیثی که در ذیل شماره (۱۰۹) مذکور افتاد .

۶۱۱ - اندر آمد پیش پیغمبر ضریر گای نوا بخش تنور هر خمیر

(ص ۵۶۷، س ۲۴)

رجوع کنید به : مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۲۰۱ .

۲۵

احادیث‌مثنوی

۶۱۴ - زآنکه واقف بود آن خاتون پاک

از غیسوری رسول رشکناک

(ص ۵۶۷، س ۲۵)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۴۱)

۶۱۴ - در خموشی گفت ما اظهر شود که ز میل آن منع افزون تر شود

(ص ۵۶۸، س ۱۴)

مقتبس از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۲۶۰) آورده‌ایم.

۶۱۴ - چون بغرد بحر غره‌اش کف شود جوش احببت بان اعرف شود

(ص ۵۶۸، س ۱۴)

۱۰ اشاره بخبرست که در ذیل شماره (۷۰) توان دید.

۶۱۵ - جان بسی کندی و اندر پرده یی

زانکه مردن اصل بد ناورده یی

تا نمیری نیست جان کندن تمام

بی کمال نردبان نایی پیام

۱۵ (ص ۵۶۹، س ۱۹)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۳۵۲) چنانکه در عنوان هم

بدان اشاره فرموده است.

۶۱۶ - مصطفی زاین گفت گای اسرار جو

مرده را خواهی که بینی زنده تو

۲۰ هر که خواهد گاو ببیند بر زمین

مرده را گاو می‌رود ظاهر یقین

مر ابوبکر تقی را گو بین

شد ز صدیقی امیر الصادقین

(ص ۵۶۹، س ۲۸ پیوست)

مقصود روایت ذیل است :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَيِّتٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى ابْنِ أَبِي قُحَافَةَ .

تمهیدات عین القضاة چاپ شیراز ، ص ۷ المنهج القوى ، ج ۶ ، ص ۱۱۴

و نظیر آن خبر ذیل است :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى شَهِيدٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ .

سیره ابن هشام طبع مصر ، ج ۲ ، ص ۲۸ اسد الغابة طبع مصر ، ج ۳ ، ص ۶۰
باتعیر : يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْهِ .

۱۰ ۶۱۷ - زانکه پیش از مرگ او کرده است نقل

این بمردن فهم آید نی بهقل

(ص ۵۷۰ ، س ۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۵۲)

۶۱۸ - زاده ثانیست احمد در جهان صد قیامت بود او اندر عیان

(ص ۵۷۰ ، س ۴)

۱۵

تعیر : (زاده ثانی) مستفاد است از روایت :

لَنْ يَلْبِغَ مَلَكَوَتَ السَّمَوَاتِ مَنْ لَمْ يُوَلِّدْ مَرَّتَيْنِ .
که در ذیل شماره (۲۷۳) آورده ایم .

۶۱۹ - زواقیامت راهمی پرسیده اند کای قیامت تا قیامت راه چند

۲۰ با زبان حال می گفتی بسی که ز محشر حشر را پرسد کسی

(ص ۵۷۰ ، س ۴)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۳۵۶) مذکور افتاد .

احادیث منوی

۶۴۰ - بهر این گفت آن رسول خوش پیام

رمز موتوا قبل موت یا کرام

(ص ۵۷۰ ، س ۵)

مراد روایتی است که در ذیل شماره (۳۵۲) ذکر شده است .

۶۴۱ - می ستاند این یخ جسم فنا می دهد ملکی برون از وهم ما

(ص ۵۷۳ ، س ۱۰)

ناظر است بحديث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۶۴۲ - از سوی مهر اج آمد مصطفیٰ بر بلاش حبذا آن حبذا

(ص ۵۷۴ ، س ۲۳)

ظاهراً ناظر است بخبر ذیل :

۱۰

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَيْلَةَ أُسْرَى بَلَّيَ اللَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَدَخَلَ الْجَنَّةَ فَسَمِعَ مِنْ جَانِبِهَا وَجَسًا قَالَ يَا جِبْرِيلُ مَا هَذَا قَالَ هَذَا بِلَالُ الْمُؤَذِّنِ فَقَالَ نَبِيُّ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) حِينَ جَاءَ إِلَى النَّاسِ قَدْ أَفْلَحَ بِلَالٌ رَأَيْتُ لَهُ كَذَا وَكَذَا .

مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۷ و با تفاوت در تعبیر نهاییه ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۹۶

و نیز مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۳، ۴۳۹ .

۱۵

۶۴۳ - عاشقست او را قیامت آمده است

تا در توبه بر او بسته شده است

(ص ۵۷۵ ، س ۸)

مقتبس است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۳۹۰)

۲۰

۶۴۴ - آن ینابیع الحکم همچون فرات

از دهان او روان از بی جهات

(ص ۵۷۶ ، س ۱۰)

دفتر ششم

تعبیر: ینابیع الحکم - مأخوذ است از روایت ذیل که مبنای کار صوفیانست
در چله نشینی و اربعینیات.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ .
حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۱۸۹ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۶۰

۵ - ۶۴۵ - نه زبیه آن مایه دارد نه ز پوست

روی پوشی کرد در ایجاد دوست

این چه باداست اندر این خرداستخوان

که پذیرد حرف و صوت قصه خوان

(ص ۵۷۶، س ۱۲ بیعد)

۱۰ - اشاره است بروایتی که در ذیل شماره (۱۶۵) ذکر شد.

۶۴۶ - مستمع او قائل او بی احتجاب

زانکه الاذنان من راس ای مثاب

(ص ۵۷۶، س ۱۴)

مستفاد است از این حدیث :

۱۵ - الْمُضْمَضَةُ وَالْإِسْتِشْقُ سُنَّةٌ وَالْأُذُنَانِ مِنَ الرَّأْسِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۵ و بسا حذف صدر خبر - کنوز الحقائق، ص ۴۵

مسند احمد، ج ۵، ص ۲۶۴، ۲۶۸

۶۴۷ - آفتابی رفت در کازه هلال در تقاضا که ارحنا یا بلال

(ص ۵۷۸، س ۷)

۲۰ - اقتباسی است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۴۸)

۶۴۸ - زان بلاها بر عزیزان یش بود کان تجمشی یار با خوبان فزود

(ص ۵۷۸، س ۱۲)

احادیث مشنوی

مستفاد است از مضمون حدیثی که در ذیل شماره (۳۲۰) آورده ایم .

۶۲۹ - چون شنیدی بعضی از قصه بلال بشنو اکنون قصه ضف هلال
(ص ۵۷۸ ، س ۱۹)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

ص ۲۰۳-۲۰۴ .

۵

۶۳۰ - آنکه او بنظر بنور الله بود هم ز مرغ و هم زموی آگه بود
(ص ۵۷۹ ، س ۶)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۳۳) مذکور شد .

۶۳۱ - ماهمی گوید که اصحابی نجوم للبری قدوه و للطاغی رجوم
(ص ۵۷۹ ، س ۲۴) ۱۰

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۸۷) توان دید :

۶۳۲ - همچو عیسی بر سرش گیرد فرات
کایمنی از غرقه در آب حیات
گفت احمد گر یقین افزون بدی

خود هوایش مرکب و هامون شدی
(ص ۵۸۰ ، س ۱۹) ۱۵

روایت ذیل مراد است :

قِيلَ لِلَّذِي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقَالُ إِنَّهُ مَشَى عَلَى الْمَاءِ
فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَوْ اِزْدَادَ يَقِينًا لَمَشَى عَلَى الْهَوَاءِ .

احیاء العلوم ، ج ۴ ، ص ۷۱ شرح تعرف ، ج ۲ ، ص ۱۷۳ ، ج ۳ ، ص ۳۷ ۲۰

۶۳۳ - خلقت آدم چرا جل صبح بود اندر آن گل اندك اندك مينمود
(ص ۵۸۱ ، س ۴)

دفتر ششم

اشاره است بحديث :

خَمَرُ طِينَةِ آدَمَ بِيَدِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا .

عوارف المعارف ، حاشیه احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۱۶۸

خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدَيَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا .

مرصاد العباد طبع طهران ، ص ۳۸

۵

۶۴۴ - زانکه قدر مستمع آمد نیا بر قد خواجه برد درزی قبا

(ص ۵۸۱ ، س ۲۹)

اشاره است بحديث :

إِنَّ اللَّهَ يُلَقِّنُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ بِقَدْرِ هَمِّ الْمُسْتَمِعِينَ .

المنهج القوى ، ج ۶ ، ص ۱۷۹

۱۰

۶۴۵ - پس جلیس الله گشت آن نیکبخت

که بپهلوی سعیدی برد رخت

(ص ۵۸۳ ، س ۲۵)

مستفاد است از خبر :

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ .

۱۵

که سیوطی آنرا با مختصر تفاوت در الالئی المصنوعة ج ۲ ، ص ۲۶۴ نقل

کرده و از موضوعات شمرده است .

۶۴۶ - آنکه پایان دید احمد بود کاو

دید دوزخ را هم اینجا تو بتو

دید عرش و کرسی و جنات را

۲۰

بر درید او پرده غفلات را

(ص ۵۸۴ ، س ۹)

احادیث مثنوی

مبتنی است بر خبر ذیل که بوجوه مختلف روایت شده است :

مَا رَأَيْتُ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ كَالْيَوْمِ إِنَّهُ صَوَّرَتِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ حَتَّى رَأَيْتُهُمَا دُونَ الْحَايِطِ .

مسند احمد ، ج ۳ ، ص ۱۷۷ ، ۲۱۷ ، ۲۱۸ ، ۲۵۴ ، ۳۱۸ ، ۳۵۳ ، ج ۵ ، ص ۱۳۷ ، ۳۵۱ .

۵

۶۴۷ - جاهل ار با تو نماید همدلی عاقبت زخمت زند از جاهلی
(ص ۵۸۶ ، س ۸)

مناسب است با مضمون روایت مذکور در ذیل شماره (۱۵۶)

۶۴۸ = راست فرمود آن سپهدار بشر
۱۰ که هر آنکو کرد از دنیا گذر
چون برون رفت این خیالات از میان
فشت نا معقول او بر او عیان
نیستش درد و دریغ و غبن موت
بلکه هستش صد دریغ از بهر فوت

۱۵ (ص ۵۸۶ ، س ۲۶)

مقصود روایتی است که در ذیل شماره (۴۷۵) ذکر شد .

۶۴۹ - بت ستودن بهر دام عامه را همچنان دان کالغرائق العلی
(ص ۵۸۸ ، س ۲۰)

رجوع کنید به : مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی (انتشارات دانشگاه طهران)

۲۰ ص ۲۰۷ .

۶۴۰ - آنچه نپسندی بخود ای شیخ دین

چون پسندی بر برادر ای امین

(ص ۵۸۹ ، س ۲۰)

ناظر است بمضمون حدیث ذیل :

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ .

بخاری، ج ۱، ص ۶ مسلم، ج ۱، ص ۴۹ جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۰۳ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۰۶، ۲۵۱ و بوجوه دیگر مسند احمد، ج ۱، ص ۸۹، ج ۲، ص ۱۹۲، ۳۱۰، ج ۳، ص ۱۷۶ جامع صغیر، ج ۱، ص ۸۹ . ۵

أَحِبَّ لِأَخِيكَ الْمُسْلِمِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ .

مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۱۶۸

۶۴۱ - این ندانی کز پی من چه کنی

هم در آن چه عاقبت حویش افکنی

۱۰ من حفر بئرا نخواندی از خبر

آنچه خواندی کن عمل جان پدر

(ص ۵۸۹، س ۲۰)

مقصود خبریست که در ذیل شماره (۳۲) آورده ایم .

۶۴۲ - گفت پیغمبر که در بحر هموم در دلالت دان تو یاران را نجوم

(ص ۵۹۰، س ۷)

۱۵ روایت مذکور در ذیل شماره (۸۷) مراد است .

۶۴۳ - چون ز يك بطنند آن خبر وسفیه

چون یقین شد كالولد سرّ ایه

(ص ۵۹۰، س ۱۹)

۲۰ رجوع کنید بذیل شماره (۴۱۳)

۶۴۴ - این ترا باور نیاید مصطفی چون ز مسکینان همی جوید دعا

(ص ۵۹۱، س ۱)

مقصود این خبر است :

كَانَ يَسْتَفْتِحُ وَيَسْتَنْصِرُ بِصَعَالِكَ الْمُسْلِمِينَ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۱۶ کنوزالحقائق، ص ۱۰۴

۲۵

احادیث مشنوی

۶۴۵ - جمله دنیا را پر پشه بها سیلی را رشوت بی منتهی
(ص ۵۹۱، س ۶)

اشاره بحديث ذیل است :

لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا
شَرْبَةَ مَاءٍ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۳۰

و حضرت صادق سلام الله عليه در صفت مؤمنین فرموده است :

ما قدر الدنيا كلَّها تعدل عندهم جناح بعوضة .

سفينة البحار، ج ۱، ص ۴۶۶

۶۴۶ - جذب سمعستار کسی را خوش لبست

گرمی و وجد معلم از صبی است

(ص ۵۹۱، س ۲۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۶۳۴)

۶۴۷ - آن دم لولا که این باشد که کار از برای چشم تیز است و نظار

(ص ۵۹۱، س ۲۶) ۱۵

اشاره است بدانخبر که در ذیل شماره (۵۴۶) ذکر کردیم .

۶۴۸ - چون غزا ندهد زنا را هیچ دست

کی دهد آنکه جهاد اکبرست

(ص ۵۹۷، س ۱۷)

۲۰ - مستفاد از خبریست که در ذیل شماره (۳۴) یاد کردیم .

۶۴۹ - چیز بنادر در تن زن رستمی گشته باشد خفیه همچون مریمی

(ص ۵۹۷، س ۱۸)

دفتر ششم

ظاهراً از مضمون حدیث ذیل استفاده شده است :

كُلٌّ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ
وَمَرْيَمُ بِنْتُ عُثْمَانَ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۶

۵ ۶۵۰ - ورنه خدمت نخوانی يك كتيب علمهای نادره یابی ز جیب
(ص ۵۹۸، س ۲۰)

ناظر است بمضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۶۲۴)

۶۵۱ - نی که اول دست یزدان مجید از دو عالم بیشتر عقل آفرید
(ص ۵۹۸، س ۲۲)

۱۰ مبتنی است بر حدیث معروف :

إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَتَلُ .

که بوجه و صور مختلف روایت شده است .

رجوع کنید به : اللآلئ المصنوعة، ج ۱، ص ۱۲۹ - ۱۳۰ وافی فیض، ج ۱،
ص ۱۷ - ۱۹ .

۱۵ ۶۵۲ - یا ایتم عند ربی خواندی در دل دریای آتش راندی
(ص ۶۰۰، س ۱۴)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۸۹)

۶۵۳ - جيفة اللیل است وبطل النهار هر که او شد غرّه این طبل خوار
(ص ۶۰۱، س ۲۲)

۲۰ مقتبس است از حدیث ذیل :

كُنِيَ بِالْمَرْءِ نَقْصًا فِي دِينِهِ أَنْ يَكْثَرَ خَطَايَاهُ وَيَنْقُصَ حِلْمُهُ وَيَقِلَّ حَقِيقَتُهُ
جِيفَةُ اللَّيْلِ بَطَالُ النَّهَارِ كُؤُولُ هَلُوعٍ مُنَوَّعٍ رُتُوعٍ .

حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۵۸ جامع صغیر، ج ۲، ص ۹۰

وعن طاحه رضي الله تعالى عنه قال انطلق رجل ذات يوم فزرع ثيابه وتمرغ في الرمضاء فكان يقول لنفسه ذوقى ونار جهنم اشد حراً أجيفة بالليل بطالة بالنهار .

احياء العلوم ، ج ٤ ، ص ٢٩١ اتحاف السادة المتقين ، ج ٨ ، ص ١١٧ با نقل اقوال محدثين در باره اين خبر .

٥

لا أعرفن احدكم جيفة ليل قطرب نهار .

نهاية ابن اثير ، ج ١ ، ص ١٩٣

و نیز سراج السائرین تألیف شیخ احمد جام نسخه خطی متعلق بکتابخانه ملی ملک که این حدیث را در ذکر علائم منافقین آورده است .

١٠

٦٥٤ - کفر ایمان گشت و دیو اسلام یافت

آن طرف کان نور بی اندازه تافت

(ص ٦٠٢ ، س ٣)

مستفاد از حدیثی است که در ذیل شماره (٤٥٩) مذکور شد.

٦٥٥ - ز آنکه لولا کست بر توقیع او جمله در انعام و در توزیع او

(ص ٦٠٢ ، س ١٧)

اشاره است بحديث : لولاك لما خلقت الافلاك - که در ذیل شماره (٥٤٦)

مذکور است .

٦٥٦ - از ضمیر او بدانت آن خلیل هم ز نور دل بلی نعم الدلیل

(ص ٦٠٣ ، س ١٤)

مستفاد است از مضمون خبر : اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله -

٢٠

که در ذیل شماره (٣٣) نقل کردیم .

٦٥٧ - فردی ما جفتی ما نز هواست جان ما چون مهره در دست خداست

(ص ٦٠٣ ، س ١٩)

دفتر ششم

مستفاد است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۱۳)

۶۵۸ - چون مراد و حکم یزدان غفور

بود در قدمت تجلی و ظهور

(ص ۶۰۳، س ۲۷)

ناظر است بمضمون روایتی که در ذیل شماره (۷۰) ذکر کردیم.

۶۵۹ - تو دو قلّه نیستی یک قلّه یی غافل از قصه عذاب ظله یی

(ص ۶۰۴، س ۱۰)

تعبیر: دو قلّه - مأخوذ است از خبر مذکور در ذیل شماره (۱۶۴)

۶۶۰ - هر ولی را نوح و کشتی بان شناس

صحبت این خلق را طوفان شناس

(ص ۶۰۵، س ۱۳)

مبتنی است بر حدیث مذکور در ذیل شماره (۳۳۴)

۶۶۱ - بهر این گفت آن خداوند فرج حدّثوا عن بحرنا اذ لا حرج

(ص ۶۰۵، س ۲۷)

جمله: حَدِّثْ عَنِ الْبَحْرِ وَلَا حَرَجَ - مثلست و نظیر آن حدیث ذیل

است:

يَلْغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً وَحَدِّثُوا عَنِّي إِنْ شِئْتَ وَلَا حَرَجَ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۲۵ و با حذف صدر خبر ص ۱۴۶، نه‌ایه ابن اثیر، ج ۱،

ص ۲۱۳ کنوز الحقائق، ص ۵۶.

۶۶۲ - چشمه راحت برایشان شد حرام میخورند از زهر قاتل جام جام

(ص ۶۰۶، س ۱۲)

ظاهراً مستفاد است از مضمون این روایت:

الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالدُّنْيَا

وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۶

۶۶۳ - نرد بس نادر ز رحمت باخته

عین کفران را انابت ساخته

۵

هم از این بدبختی خلق آن جواد

منفجر کرده دو صد چشمه و داد

(ص ۶۰۶، ص ۱۶)

مناسبت دارد با مفاد حدیثی که در ذیل شماره (۹۵) یاد کردیم.

۶۶۴ - دیو حرص و آرزو مستعجل تکی

۱۰

بی تأمل جست و بی آهستگی

(ص ۶۰۶، ص ۲۴)

مبتنی است بر خبر مذکور در ذیل شماره (۲۷۱)

۶۶۵ - تا سحر جمله شب آن شاه علی

خود همیگوید الست و خود بلی

۱۵ (ص ۶۰۶، ص ۲۹)

ظاهراً ناظر است بخبر ذیل :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُمَهِّلُ حَتَّى إِذَا كَانَ ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ نَزَلَ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا
فَنَادَى هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ هَلْ مِنْ تَائِبٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ هَلْ مِنْ دَاعٍ حَتَّى
يَنْفَجَرَ الْفَجْرُ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۷۷ و با اختلاف در تعبیر احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۱۵ ۲۰

۶۶۶ - ور نماند آب آیم ده ز عین

همچو عینین نبی هطالتین

(ص ۶۰۷، ص ۲۰)

اشاره بحدیث ذیل است :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَيْنَيْنِ هَطَّائَتَيْنِ تَشْفِيَانِ الْقَلْبَ بِذُرُوفِ الدَّمْعِ مِنْ خَشْيَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ الدُّمُوعُ دَمًا وَالْأَضْرَاسُ جَمْرًا .

حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۹۶ احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۱۸ جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۹ نہایۃ ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۵۰ اتحاف السادة المتقین، ج ۷، ص ۲۱۴ باتحقیق درسند وطرق روایت .

۶۶۷ - بیشتر اصحاب جنت ابله‌ند تا ز شرّ فیلسوفی میرهند
(ص ۶۰۸، س ۱۱)

مستفاد است از مضمون روایت مذکور در ذیل شماره (۳۰۳).

۱۰ - ۶۶۸ - الکیاسه و الادب لاهل المدر
الضیافه و القرى لاهل الوبر
الضیافه للغریب و القرى
اودع الرحمن فی اهل القرى
(ص ۶۰۹، س ۴)

۱۵ مأخوذ است از روایت :

الضَّيَافَةُ عَلَى أَهْلِ الْوَبَرِ وَ لَيْسَتْ عَلَى أَهْلِ الْمَدَرِ .
جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۲ کنوز الحقائق، ص ۷۸
و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۴۸) گوید : لا اصل له .

۶۶۹ - آن دو گفتندش ز قسمت در گذر
گوش کن قسّام فی النار از خبر
(ص ۶۰۹، س ۱۰)

مقصود این روایت است :

الْقَسَّامُ فِي النَّارِ .
المنهج القوى، ج ۶، ص ۳۴۳ شرح بحر العلوم، ج ۶، ص ۱۵۱

احادیث مننوی

۶۷۰ - هیچ کافر را بخواری منگرید

که مسلمان مردنش باشد امید

چه خبر داری ز ختم عمر او

تا بگردانی از او یکباره رو

(ص ۶۱۰، س ۳)

۵

مبتنی است بر حدیث ذیل :

النَّاسُ أَرْبَعَةٌ أَقْسَامٍ مِنْهُمْ مَنْ يُوَلَدُ كَافِرًا وَيَمُوتُ مُؤْمِنًا وَمِنْهُمْ مَنْ
يُوَلَدُ كَافِرًا وَيَخْيِي كَافِرًا وَيَمُوتُ كَافِرًا وَمِنْهُمْ مَنْ يُوَلَدُ مُؤْمِنًا وَيَخْيِي مُؤْمِنًا
وَيَمُوتُ كَافِرًا وَمِنْهُمْ مَنْ يُوَلَدُ مُؤْمِنًا وَيَخْيِي مُؤْمِنًا وَيَمُوتُ مُؤْمِنًا.

السنهج القوی، ج ۶، ص ۳۴۷، ۱۰

و ممکن است اشاره بدین روایت باشد :

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي مَا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ
النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا أَهْلُ النَّارِ فِي مَا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ
أَهْلِ الْجَنَّةِ.

۱۵ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمَانَ الطَّوِيلَ يَعْمَلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُخْتَمُ لَهُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ
أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمَانَ الطَّوِيلَ يَعْمَلُ أَهْلُ النَّارِ ثُمَّ يُخْتَمُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۷۸

۶۷۱ - که اکابر را مقدم داشتن آمده است از مصطفی اندر سنن

(ص ۶۱۰، س ۱۱) ۲۰

مقصود خبریست که در ذیل شماره (۳۷۸) مذکور افتاد .

دفتر ششم

۶۷۲ - درگذر از فضل و از جلدی و فن

کار خدمت دارد و خلق حسن

(ص ۶۱۱ ، ص ۱۷)

مناسب است با مضمون خبر ذیل :

۵ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُدرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ النَّقَّامِ بِاللَّيْلِ الظَّامِ بِالْهَوَاجِرِ .
جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۷۹

ان الرجل لیدرک بالحلم درجة الصائم القائم .

حلیة الاولیاء ، ج ۸ ، ص ۲۸۹ کنوز الحقائق ، ص ۲۹

۶۷۳ - این معاین هست ضد آن خبر که بشر برشته آمد این بشر

(ص ۶۱۳ ، ص ۹)

۱۰ اشاره است بحديث : لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَانَةِ - که در ذیل شماره (۳۲۵) آورده ایم .

۶۷۴ - چون طمانینه است صدق با فروغ

دل نیارآمد بگفتار دروغ

(ص ۶۱۳ ، ص ۷)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۷۱)

۶۷۵ - گفت الصدقة مردّ للبلاء داو مرضاك بصدقه يافتي

(ص ۶۱۳ ، ص ۱۴)

اشاره بخبر ذیل است :

۲۰ الصَّدَقَةُ تَمْنَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ .

و نیز بخبر :

دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ .

رجوع کنید به : جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ و ج ۲ ، ص ۱۳ ، ۴۸ - ۴۹

احادیث مشنوی

وكنوز الحقائق، ص ٧٦ وافى فيض، ج ٦، ص ٥٣ - ٥٥ مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٥٢٨-٥٣٠ سفينة البحار، ج ٢، ص ٢٣ که احادیث بسیار نزدیک بدین مضمون روایت کرده اند.

۶۷۶ - نفع و ضرر هر یکی از موضع است

علم از این رو واجب است و نافع است

(ص ٦١٣، س ١٩)

اشاره است بحديث :

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.

که بوجوه مختلف روایت شده است .

جامع صغير، ج ٢، ص ٥٣ ١٠

۶۷۷ - بهر این کرده است منع آن باشکوه

از ترهّب و از شدن خلوت بکوه

(ص ٦١٤ ، س ١)

مراد حدیثی است که در ذیل شماره (۵۹۸) ذکر شده است .

۲۷۸ - رازگویان بازبان و بی زبان الجماعه رحمه را تأویل دان ۱۵

(ص ۶۱۴، س ۱۴)

رجوع کنید بنذیل شماره (۷۶)

۶۷۹ - هادی راهت یار اندر قدم

مصطفی ز این گفت اصحابی نجوم

٢٠ (ص ٦١٤، س ١٧)

مقصود آن خبر است که در ذیل شماره (۸۷) توان دید.

۶۸۰ - نیست زر غبّا طریق عاشقان

سخت مستقی است جان صادقان

نیست زر غبا طریق ماهیان

ز آنکه بی دریا ندارند انس جان ۲۵

(ص ۶۱۵، س ۹)

دفتر ششم

اشاره بدین حدیث است :

يَا أَبَا هُرَيْرَةَ زُرْ غَبًّا تَرَدُّدُ حَبًّا .

رحلیۃ الاولیاء، ج ۳، ص ۳۲۲ جامع صغیر، ج ۲، ص ۲۶ کنوز الحقائق باتعبیر:
یا اباباذر - ص ۱۶۷ نہایۃ ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۴۶ .

۶۸۱ - بر یکی اشتر بود این دو در / پس چه زر غباً بگنجد این دو را
هیچکس باخویش زر غباً نمود / هیچکس با خود بنوبت یار بود
(ص ۶۱۵، س ۱۴)

رجوع کنید بذیل شماره (۶۸۰)

۶۸۲ - بی نیازی از غم من ای امیر / ده زکاة جاه و بنگر در فقیر
(ص ۶۱۵، س ۲۴)

مبتنی است بر حدیث :

زَكَاةُ الْجَاهِ إِغَاثَةُ الْهَفَانِ .

که مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۴۰) آنرا جزو موضوعات آورده است .

۶۸۳ - آن دهد حقشان که لایعین رأت / کآن نگنجد در زبان و در لغت
(ص ۶۱۶، س ۱)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۲۶۴)

۶۸۴ - آن دلیل قاطعی بد بر فساد

و از قضا آن را نکرد او اعتداد

درگذشت از وی نشانی آن چنان

که قضا در فلسفه بود آن زمان

(ص ۶۱۷، س ۱۰)

مستفاد است از مضمون روایتی که در ذیل شماره (۲۹) ذکر نمودیم .

احادیث مشنوی

۶۸۵ - سعد دینی شکر کن و ایثار کن

نحس دیدی صدقه و استغفار کن

(ص ۶۱۷، س ۲۴)

ناظر است بحديث ذیل :

۵ إِذَا أَصْبَحْتَ فَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ يَذْهَبُ عَنْكَ نَحْسُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِذَا أَمْسَيْتَ فَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ يَذْهَبُ عَنْكَ نَحْسُ تِلْكَ اللَّيْلَةِ.

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۳۳

۶۸۶ - سرّ الناس معادن داد دست که نبی آن را پی چه گفته است

(ص ۶۱۸، س ۱۸)

۱۰ اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۱۵۹)

۶۸۷ - همجو احمد که برد بو از یمن زان نصیبی یافت این یمنی من

(ص ۶۱۸، س ۲۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۳۵)

۶۸۸ - ازالم نشرح دو چشمش سر مه یافت

۱۵ دید آنچه جبرئیلش بر نتافت

(ص ۶۱۹، س ۹)

اشاره بخبريست که در ذیل شماره (۴۴۵) نقل نمودیم.

۶۸۹ - پس نیند جمله را باطم و رم حَبَّكَ الْأَشْيَاءُ يُهْمِي وَ يُصِمِّ

(ص ۶۱۹، س ۱۵)

۲۰ این حدیث را در ذیل شماره (۶۲) بجوید.

۶۹۰ - منظر حق دل بود در دو سرا که نظر بر شاهد آید شاه را

(ص ۶۱۹، س ۱۹)

مبتنی است بر حدیثی که در ذیل شماره (۱۵۰) آورده ایم.

دفتر ششم

۶۹۱ - پس از آن لولاك گفت اندر لقا در شب معراج شاهد باز ما
(ص ۶۱۹، س ۲۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۵۴۶)

۶۹۲ - و آن گلی کز رش حق نوری نیافت

صحبت گل‌های پر در بر ننافت

(ص ۶۲۰، س ۲۴)

مقتبس است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۱۴)

۶۹۳ - چشم غره شد بخضرای دمن عقل گوید بر محك ماش زن
(ص ۶۲۱، س ۱۳)

۱۰ اشاره است بحديث: إِيَّاكُمْ وَخَضْرَاءَ الدِّمَنِ - که در ذیل شماره (۱۱۱)
مذکور است.

۶۹۴ - نی نبی فرمود جود و محمده شاخ جنت دان بدنیآ آمده
(ص ۶۲۱، س ۲۷)

مراد آن حدیث است که در ذیل شماره (۱۳۵) نقل شده است.

۱۵ ۶۹۵ - پس توهم الجار ثم الدار گو گر دلی داری برو دلدار جو
(ص ۶۲۲، س ۱۲)

اقتباسی از این حدیث است:

الْجَارُ قَبْلَ الدَّارِ وَالرَّفِيقُ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَالزَّادُ قَبْلَ الرَّحِيلِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۳ کنوز الحقائق، ص ۵۵

۲۰ که: الجار ثم الدار - هم روایت شده است.

مجمع الامثال، ص ۱۴۵

۶۹۶ - ز این حکایت کرد آن ختم رسل

از ملک لا یزال لم یزل

احادیث‌مثنوی

که نگنجیدم در افلاک و خلا

در عقول و در نفوس با هدی

در دل مؤمن بگنجیدم چو ضیف

بی ز چون و بی چگونه بی ز کیف

۵ (ص ۶۲۴، س ۱۰)

مقصود حدیثی است که در ذیل شماره (۶۳) آمده است.

۶۹۷ - آدم اصطرلاب گردون‌علوست وصف آدم مظهر آیات اوست

(ص ۶۲۵، س ۲۹)

اشاره است بحديث: ان الله خلق آدم علي صورته - که در ذیل شماره

۱۰ (۳۴۶) نقل نمودیم.

۶۹۸ - ما رمیت اذ رمیت خواجه است دیدن او دیدن خالق شده است

(ص ۶۲۷، س ۲)

مستفاد است از مضمون حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۶۳)

۶۹۹ - شکر او شکر خدا باشد یقین چون باحسان کرد توفیقش قرین

۱۵ (ص ۶۲۸، س ۱۹)

مبتنی است بر حدیث ذیل که بوجوه مختلف روایت شده است:

أَشْكُرُ النَّاسَ لِلَّهِ أَشْكُرُهُمْ لِلنَّاسِ، أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ، أَشْكُرُكُمْ

لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ.

جامع صغیر، ج ۱، ص ۴۲ کنوزالحقائق، ص ۱۳

۷۰۰ - ترک شکرش ترک شکر حق بود حق او لا شک بحق ملحق بود

(ص ۶۲۸، س ۲۰)

مستفاد است از این خبر:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۰ و با تفاوت اندک ص ۱۸۲ کنوزالحقائق، ص ۱۳۴

دفتر ششم

۷۰۱ - در قیامت بنده را گوید خدا

هین چه کردی آنچه دادم من ترا

گوید ای رب شکر تو کردم بجان

چون ز تو بود اصل آنروزی و نان

گویدش حق نه نکردی شکر من

چون نکردی شکر آن اکرام فن

بر کریمی کرده بی حیف و ستم

نی ز دست او رسید این نعمتم

(س ۶۲۸، س ۲۲ بعد)

۱۰ اشاره بخبر ذیل است :

يُؤْتِي عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَأْمُرُ بِهِ
إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ أَمَرْتُ بِإِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَيَقُولُ اللَّهُ
أَيُّ عَبْدِي إِنِّي أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ وَلَمْ تَشْكُرْ نِعْمَتِي فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ أَنْعَمْتُ عَلَيَّ
بِكَذَا فَشَكَرْتُكَ بِكَذَا وَأَنْعَمْتُ عَلَيَّ بِكَذَا فَشَكَرْتُكَ بِكَذَا فَلَا يَزَالُ يُحْصِي
النِّعَمَ وَيُعَدُّ الشُّكْرَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقْتَ عَبْدِي إِلَّا أَنَّكَ لَمْ تَشْكُرْ
مَنْ أَجَرَيْتُ لَكَ نِعْمَتِي عَلَى يَدَيْهِ وَإِنِّي قَدْ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَقْبَلَ
شُكْرَ عَبْدٍ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمْتُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَشْكُرَ مَنْ سَاقَهَا مِنْ خَلْقِي إِلَيْهِ .

سفينة البحار، ج ۱، ص ۷۱۰

شرح خواجه ایوب با تفاوتی در اسلوب

صد چو حاتم سماه ایثار نعم

۷۰۴ ۲۰ - واحد کالاف در بزم کرم

(س ۶۲۹، س ۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۵۸۸)

- ۷۰۳ - مصطفیٰ فرمود که خود هر نبی کرد چو پانیش بر نا یاصبی
بی شبانی کردن و آن امتحان حق ندادش پیشوایی جهان
تا شود پیدا وقار و صبرشان کردشان پیش از نبوت حق شبان
گفت سائل که تو هم ای بهلوان گفت من هم بوده ام دیری شبان
(ص ۶۲۹، س ۱۱ بعد)

مقصود خبر ذیل است :

- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) قَالَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعِيَ الْغَنَمَ
فَقَالَ أَصْحَابُهُ وَأَنْتَ فَقَالَ نَعَمْ كُنْتُ أُرْعَاهَا عَلَى قَرَارِيطَ لِأَهْلِ مَكَّةَ .
۱۰ بخاری، ج ۲، ص ۲۲
عن جابر بن عبد الله قال كنا مع النبي (ﷺ) بمر الظهران ونحن
نجني الكبأ فقال النبي (ﷺ) عليكم بالأسود منه قال فقلنا يا رسول الله
كأنك رعيت الغنم قال نعم وهل من نبي إلا وقد رعاها .
مسلم، ج ۶، ص ۱۲۵ بخاری، ج ۳، ص ۱۹۴ ربيع الابرار ، باب الشجر
و النبات .
۱۵

ما بعث الله نبياً إلا راعى غنم .

كنوز الحقائق، ص ۱۱۷

- ۷۰۴ - آنچنانکه یوسف از زندانی با نیازی خاضعی سعدانی
(ص ۶۳۲، س ۸)
رجوع کنید به : مآخذ قصص وتمثیلات مشنوی (انتشارات دانشگاه طهران) .
۲۰ ص ۲۱۵

۷۰۵ - چشم سید چون بآخر بود جفت

پس بدان دیده جهان را جیفه گفت

(ص ۶۳۳، س ۲۰)

دفتر ششم

مقصود این روایت است :

الدُّنْيَا جَيْفَةٌ وَطُلَّابُهَا كِلَابٌ.

شرح بحر العلوم، ج ۶، ص ۱۹۵ المنهج القوی، ج ۶، ص ۴۷۸ و با مختصر تفاوت منسوبست بعلی بن الحسین علیه السلام محاضرات راغب چاپ مصر ۱۳۲۶، ج ۱، ص ۲۱۵.

۷۰۶ - زاین سبب درخواست از حق مصطفی -

زشتها را زشت و حق را حق نما

(ص ۶۳۴، س ۱۰)

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۱۶) ذکر شد.

۷۰۷ - مکر حق سر چشمه این مکرهاست

قلب بین الاصبغین کبریاست

(ص ۶۳۴، س ۱۲)

اشاره است بحديث مذکور در ذیل شماره (۱۳)

۷۰۸ - ما چو واقف گشته ایم از چون و چند

مهر بر لبهای ما بنهاده اند

تا نگردد راز های غیب فاش

تا نگردد منهدم نظم معاش

(ص ۶۳۴، س ۲۱)

مناسبت دارد با مفاد این خبر :

لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَنْتُمْ لَأَقُونَ بَعْدَ الْمَوْتِ مَا أَكَلْتُمْ طَعَامًا عَلَى شَهْوَةٍ أَبَدًا

وَلَا شَرِبْتُمْ شَرَابًا عَلَى شَهْوَةٍ أَبَدًا وَلَا دَخَلْتُمْ بَيْتًا تَسْتَظِلُّونَ بِهِ وَلَمْ رُدُّكُمْ

إِلَى الصُّعَدَاتِ تَلْدُمُونَ صُدُورَكُمْ وَتَبْكُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۲۹

۷۰۹ - در ییوع آن کن تو ازخوف غرار

که نبی آموخت سه روز اختیار

(ص ۶۳۵، س ۱۱)

احادیث مشنوی

رجوع کنید بنذیل شماره (۲۷۰)

۷۱۰ - گشته باشد همچو سگ قی را اقول

مسترد نجلسه از قول رسول

(ص ۶۳۵، س ۱۴)

مقصود این خبر است که بوجوه متمدن نقل میشود:

أَلْعَائِدُ فِي هَبْتِهِ كَالْكَلْبِ يَقْبِي ثُمَّ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ .

بخاری، ج ۲، ص ۵۹ مسلم، ج ۵، ص ۶۵

العائد في صدقته كالعائد في قيئه .

بخاری، ج ۱، ص ۱۷۱ مسلم، ج ۵، ص ۶۴ با مختصر تفاوت جامع صغیر،

ج ۲، ص ۶۶ .

أَمَّا مِثْلُ الَّذِي يَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ يَعُودُ فِي صَدَقَتِهِ كَمِثْلِ الْكَلْبِ يَقْبِي

ثُمَّ يَأْكُلُ قَيْئَهُ .

مسلم، ج ۵، ص ۶۴ جامع صغیر، ج ۱، ص ۹۷ با اختلاف در تعبیر .

السَّاحِ يَا أُولَى النُّعْمَى رِبَاحُ

۷۱۱ - تابگفته مصطفی شاه نجاح

(ص ۶۳۵، س ۲۶) ۱۵

مراد این خبر است :

السَّاحُ رِبَاحٌ وَالْعُسْرُ شَوْمٌ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۳۷ کنوز الحقائق، ص ۷۲ نهایة ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۸۰

عَلَيْكَ بِأَوَّلِ السَّوْمِ فَإِنَّ الرِّيحَ مَعَ السَّاحِ .

جامع صغیر، ج ۲، ص ۶۱ کنوز الحقائق، ص ۸۱ ۲۰

۷۱۲ - مانقص مال من الصدقات قط أما الخيرات نعم المرتبط

(ص ۶۳۵، س ۲۷)

اشاره است بدین حدیث:

مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ.

مسند احمد، ج ۲، ص ۲۳۵؛ ۳۸۶ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۵۲ و با تفصیل
بیشتر مسند احمد، ج ۱، ص ۱۹۳ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۳۴، ۱۳۶ و با اندک
اختلاف مسند احمد، ج ۴، ص ۲۳۱ کنوز الحقائق، ص ۱۱۹ نیز احیاء العلوم،
ج ۲، ص ۱۳۶، ج ۳، ص ۱۲۵.

۷۱۴ - این زکات کیسه ات را پاسبان

آن صلات هم ز گزافات شبان

(ص ۶۳۵، س ۲۸)

۱۰. مستقاد است از خبر ذیل:

حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۰۴، ج ۴، ص ۲۳۷ جامع صغیر، ج ۱، ص ۱۴۷
کنوز الحقائق، ص ۵۷.

۷۱۴ - عاریه است این کم همی باید فشارد

کانچه بگرفتی همه باید گزارد

۱۵

(ص ۶۳۶، س ۱۹)

اشاره است بدین خبر:

الْعَارِيَةُ مُوَدَّاةٌ وَالْمِنْحَةُ مَرْدُودَةٌ.

جامع صغیر، ج ۲، ص ۶۷ کنوز الحقائق، ص ۸۴ حلیة الاولیاء، ج ۹، ص ۱۶۳
۲۰. بخذف دیل خبر.

۷۱۵ - زان لقب شد خاک را دار الغرور

که کشد پا را سپس يوم العبور

(ص ۶۳۷، س ۲۰)

تعبیر: دار الغرور - مقتبس است از خبری که در ذیل شماره (۴۱۲) ذکر
کردیم. ۲۵

احادیث‌مثنوی

- ۷۱۶ - دیو اگر عاشق شود هم گوی برد
جبرئیلی گشت و آن دیوی بمرد
اسلم الشیطان اینجا شد پدید
که یزیدی شد ز فضلش با یزید
۵ (ص ۶۳۸، س ۲۰)
- اشاره بروایتی است که در ذیل شماره (۴۵۹) ذکر شد.

- ۷۱۷ - رغبتی زان منع در دلشان برست
که بیايد سر آن را باز جست
کیست کز ممنوع گردد ممتنع
۱۰ چونکه الانسان حریص ما منع
(ص ۶۳۸، س ۲۵)

- رجوع کنید بذیل شماره (۲۶۰)
- ۷۱۸ - چاهها کنده برای دیگران
خویش را دیده فتناده اندران
(ص ۶۳۹، س ۱۰)
- ۱۵ مقتبس است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۳۲)

- ۷۱۹ - چون شدند از منع و نهیش گرم تر
سوی آن قلعه بر آوردند سر
(ص ۶۴۰، س ۲)
- مبتنی است بر مضمون حدیث مذکور در ذیل شماره (۲۶۰)

- ۷۲۰ - من صمت منکم نجا بدیاسه اش
خامشان را بود کیسه و کاسه اش
(ص ۶۴۲، س ۱۸)
- اشاره بحدیث ذیل است :

مَنْ صَمَتَ نَجَا .

مسند احمد، ج ۲، ص ۱۵۹، ۱۷۷ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۸۰ جامع صغیر،

دفتر ششم

ج ۲، ص ۱۷۴ کنوزالحقائق، ص ۱۳۰.

۷۲۱ - سرّ موتوا قبل موت این بود کز پی مردن غنیمتها رسد
(ص ۶۴۳، س ۳)

رجوع کنید بذیل شماره (۳۵۲)

۷۲۲ - يك عنايت به ز صدگون اجتهاد

جهد را خوفست از صدگون فساد

(ص ۶۴۳، س ۴)

اشاره است بروایت مذکور در ذیل شماره (۳۶۰)

۷۲۳ - ذره یی سایه عنايت بهتر است از هزاران کوشش طاعت پرست
(ص ۶۴۳، س ۲۴)

۱۰

رجوع کنید بذیل شماره (۳۶۰)

۷۲۴ - نوم عالم از عبادت به بود آنچنان عامی که مستنبه بود
(ص ۶۴۳، س ۲۹)

مستفاد است از این خبر :

۱۰ تَوَمُّ عَلَىٰ عِلْمٍ خَيْرٌ مِّنْ صَلَاةٍ عَلَىٰ جَهْلٍ .

حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۸۵ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۷ کنوز الحقائق،

ص ۱۴۰.

۷۲۵ - کان رسول حق بگفت اندر بیان

اینکه منهومان همالا یشعمان

طالب الدنیا و توفیراتها ۲۰

طالب العلم و تدبیراتها

(ص ۶۴۴، س ۷)

احادیث منثوی

روایت ذیل مراد است :

مَنْهُمَانِ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَطَالِبُ دُنْيَا .

نهایة ابن اثیر ، ج ۴ ، ص ۱۸۷ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ فتوحات مکیه ،
ج ۲ ، ص ۲۵۹ و در نهج البلاغه منسوبست بامیر مؤمنان علی علیه السلام .
شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۰۴ .

۵

منهومان لا يشبعان منهوم العلم و منهوم المال .

احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۱۸۵ شرح نهج البلاغه ، ج ۴ ، ص ۵۰۴

۷۲۶ - شرم دارم از رسول ذوفنون

البسوهم گفت مما تلبسون

۱۰

مصطفی کرد این وصیت با بنون

اطعموا الاذناب مما تأكلون

(ص ۶۴۶ ، ص ۶)

مقصود این خبر است :

أَرْقَاءُكُمْ أَرْقَاءُكُمْ أَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَالْبُسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ فَإِنْ

۱۵

جَاؤُوا بِدَنْبٍ لَا تُرِيدُونَ فَيُعُوا عِبَادَ اللَّهِ وَلَا تُعَذِّبُوهُمْ .

مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۳۶ جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۳۸ و با حذف صدر و ذیل
خبر مسلم ، ج ۸ ، ص ۲۳۲ .

هم اخوانكم جعلهم الله تحت ايديكم فاطعموهم مما تأكلون والبسوهم

مما تلبسون ولا تكلفوهم ما يغلبهم فان كلفتموهم فاعينوهم .

۲۰

مسلم ، ج ۵ ، ص ۹۳ مسند احمد ، ج ۵ ، ص ۱۶۱ با اختلاف مختصر .

نیز رجوع کنید به : احیاء العلوم ، ج ۲ ، ص ۱۴۸ جامع صغیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۶

۷۲۷ - تیغ هست از جان عاشق گرد روب

زانکه سیف افتاد محاء الذنوب

(ص ۶۴۹ ، ص ۳)

دفتر ششم

مقتبس است از حدیث ذیل :

إِنَّ السَّيْفَ مَحَاءُ الْخَطَايَا.

مسند احمد، ج ۴، ص ۱۹۵ اللؤلؤ المرصوع، ص ۶۸

لا يَمِرُّ السَّيْفُ بِذَنْبٍ إِلَّا مَحَاهُ.

کنوز الحقائق، ص ۱۶۶

۷۲۸ - نبی پیمبر گفت مؤمن مزهر است در زمان خالی ناله گر است
چون شود بر مطربش بنهد ز دست پر مشو کآسیب دست او خوش است
(ص ۶۵۲، س ۲۰)

مقصود خبر ذیل است :

۱۰ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْمِزْمَارِ لَا يَحْسُنُ صَوْتُهُ إِلَّا بِخَلَاءٍ بَطْنِهِ .

شرح خواجه ایوب، شرح بحر العلوم، ج ۶، ص ۲۲۵ المنهج القوی، ج ۶، ص ۵۷۲ .

و غزالی در احیاء العلوم، ج ۳، ص ۶۱ این جمله را بابوطالب محمد بن
علی بن عطیه مکی (متوفی ۳۸۶) نسبت میدهد بدینصورت :

۱۵ وقال ابوطالب المكي مثل البطن مثل المزهر (وهو العود المجوف
ذوالاوتار) اما حسن صوته لحفته ورقته ولانه اجوف غير ممتلي وكذلك
الاجوف اذا خلا كان اعذب للتلاوة و ادوم للقيام و اقل للنمام .

نیز رجوع کنیه به : اتعاف السادة المتقين، ج ۷، ص ۳۹۳

۷۲۹ - خالی آی و باش بین الاصبهین کز می لا این سر مستست این
(ص ۶۵۲، س ۲۱)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳)

احادیث منثوی

- ۷۳۰ - ای بسا مخلص که نالد در دعا
تا شود دود خلوصش بر سما
پس ملایک با خدا نالند زار
کای مجیب هر دعا و ای مستجار
بنده مؤمن تضرع می کند
او نمیداند بجز تو مستند
حق بفرماید که از خواری اوست
عین تاخیر عطا یاری اوست
خوش همی آید مرا آواز او
و آن خدایا گفتن و آن راز او
(ص ۶۵۲ ، س ۲۶ بید با اختصار)

مستفاد از این حدیث که بوجوه مختلف روایت شده است :

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى
لِلْمَلَائِكَةِ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَلَكِنْ احْبِسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ
لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَجِّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أُبْغِضُ صَوْتَهُ .
۱۰ وافی فیض ، ج ۵ ، ص ۲۲۹ و با اختلاف در تمیز - سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۴۴۸

- ۷۳۱ - دل ییار آمد ز گفتار صواب
آنچنانکه تشنه آرامد ز آب
(ص ۶۵۴ ، س ۱۷)

مستفاد است از مضمون خبر مذکور در ذیل شماره (۱۷۱)

- ۷۳۲ - اندر این فسخ عزایم و آن همم
در تماشا بوده بر ره هر قدم
(ص ۶۵۶ ، س ۲۵)

اقتباسی است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۱۳۳)

- ۷۳۳ - کلکم راع بدانند زان رمه
که علف خوار است و که در ملجمه
۲۰ (ص ۶۵۷ ، س ۱۱)

اشاره بحدیثی است که در ذیل شماره (۲۸۷) ذکر شد .

دفتر ششم

۷۳۴ - ز این سبب که علم ضالّه مؤمنست

عارف ضالّه خود است و موقنست

(ص ۶۵۹، س ۲۵)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۴۴)

۷۳۵ - آنچه بر تو خواه آن باشد پسند

بر دگر کس آن کن از رنج و گزند

(ص ۶۶۰، س ۱۴)

مستفاد است از حدیث مذکور در ذیل شماره (۶۴۰)

۷۳۶ - ز این سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولی نهاد

۱۰ گفت هر کس را منم مولی و دوست ابن عمّ من علی مولای اوست

(ص ۶۶۰، س ۲۶)

مراد حدیث معروفیست که از طرق متعدد روایت شده است :

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَآلَاهُ وَعَادِ مَنْ

عَادَاهُ.

۱۵ مسند احمد، ج ۴، ص ۲۸۱، ۳۷۰ جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۸۰ کنوز الحقائق، ص ۱۳۳.

۷۳۷ - دلوها وابسته چرخ بلند دلو او در اصبعین زورمند

(ص ۶۶۱، س ۲۰)

رجوع کنید بذیل شماره (۱۳)

۲۰ ۷۳۸ - ز آتش مؤمن از این رو ای صفی

می شود دوزخ ضعیف و منطقی

گویدش بگذر سبک ای محتشم

ور نه ز آتشیهای تو مرد آتشم

(ص ۶۶۲، س ۱۹)

احادیث منتهی

اشاره بحديثی است که در ذیل شماره (۱۳۴) نقل نمودیم .

۷۳۹ - شکر که مظلومی و ظالم نمی
ایمن از فرعون و هر فتنه یی
(ص ۶۶۵ ، س ۷)

مناسب است با مضمون حدیث : و من العصمة تعذر المعاصي - که در ذیل
شماره (۲۶۱) آورده ایم .

۵

۷۴۰ - گرچه باشد ریش و موی او سپید
هم در آن طفلی خوفست و امید
(ص ۶۶۵ ، س ۱۳)

ناظر است بخبر ذیل :

۱۰ - مَنْ جَاوَزَ الْأَرْبَعِينَ وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ فَلْيَتَّبِعْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ .
المنهج القوی ، ج ۶ ، ص ۶۳۱

۷۴۱ - مر بشر را خود مباحثه درست
چون رهید از صبر در حین صدر جست
مر بشر را پنجه و ناخن مباد
۱۵ - کاو نه دین اندیشد آنگه نه سداد
(ص ۶۶۶ ، س ۲۵)

رجوع کنید بذیل شماره (۲۶۱)

۷۴۲ - هم در اول عجز خود را او بدید
مرده شد دین عجائز بر گزید
۲۰ (ص ۶۶۷ ، س ۲۴)

اشاره بدین حدیث است :

عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ .
احیاء العلوم ، ج ۳ ، ص ۵۷ و مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۵۱) آنرا موضوع

شمرده است .

رجوع کنید به : اتحاف السادة المتقين، ج ۷، ص ۳۷۶ که در باره این حدیث بحثی مفید کرده و شواهدی بر صحت آن آورده است .

۷۴۳ - اگر معلم گشت این سنگ هم سنگست

باش ذلت نفسه کاو بد رگست

(ص ۶۶۸، س ۱۵)

اشاره است بحدیث مذکور در ذیل شماره (۲۷۹)

۷۴۴ - بیگمان خود هر زبان پرده دلست

چون بجنبد پرده رؤیت حاصلست

(ص ۶۶۹، س ۱۶)

مستفاد از مضمون حدیثی است که در ذیل شماره (۱۲۹) مذکور گردید .

۷۴۵ - دست بر دیک نوی چون زدفی وقت بخیریدن بدید اشکسته را

(ص ۶۶۹، س ۲۳)

مقتبس است از مفاد روایتی که در ذیل شماره (۲۰۷) نقل شده است .

بعون الله تعالی و توفیقه پایان رسید جمع و تدوین کتاب « احادیث مثنوی »

بخامه این بنده ضعیف بدیع الزمان فروزانفر اصلح الله حاله و مآله بامداد روز شنبه

شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۴ شمسی مطابق چهاردهم رمضان ۱۳۷۴ هجری قمری در خانه

شخصی واقع در خیابان بهار از محلات شمالی طهران .



فهرست آیات

ان اولی الناس بابراهيم للدين اتبعوه و هذا النبی . ص ۱۸۶

ان منكم الا واردها . ص ۱۸۶

لا عذبه عذاباً شديداً . ص ۱۵۷

لا يحيق المكر السيئ الا بأهله . ص ۱۴

والله يدعو الى دار السلام . ص ۹۱

يوم تبدل الارض غير الارض . ص ۱۳۸

فهرست احادیث

۱۸۶	آل محمد کل تقی
۵۸	ابغض الحلال الى الله الطلاق
۸۸	اييت عند ربي
۷۳	اتق شر من احسنت اليه
۱۵۸	اتقوا الدنيا
۱۳۷	اتقوا السحارة
۱۳	اتقوا الظلم
۱۴	اتقوا ظنون المؤمنين
۱۴ - ۲۰۳	اتقوا فراسة المؤمن
۴۸	اتى النبي بفرس معرورى
۱۱۲	اجد نفس ربكم من قبل اليمن
۲۰۰	احب لايخك المسلم ما تحب لنفسك
۱۳۸	احذروا الدنيا فانها اسحر
۵۵	احذروهم فانهم جواسيس
۱۲۳	الاحمق عدوى
۶۹	اخروهن
۱۳	اذا اراد الله انفاذ قضائه
۱۱	اذا اراد الله قبض
۲۱۱	اذا اصبحت فتصدق

فهرست احاديث

١٠٤	اذا بكى اليتيم اهتز العرش
١٥٠	اذا بلغكم عن رجل حسن حال
٦٨	اذا بلغ الماء قلتين
١٦٧	اذا تاب العبد انسى الله
١٠٥	اذا تقدم اليك خصمان
٤٨	اذا حضرتم موتاكم فأغضوا ...
١٣٥	اذا دخل النور القلب انشرح
١١٤	اذا ضرب احدكم فليجتنت الوجه
١١٤	اذا قاتل احدكم اخاه
٧٨	اذا قرأ بقرة و آل عمران جدينا
١٤٠	اذا قرأت آل حم
١١	اذا قضى الله لعبد
١٠٨	اذا كثرت ذنوب العبد
٤	اذا مدح الفاسق
٣٣	ارجع فصل
٧	ارحم من فى الارض
٧	ارحموا ترحموا
١٥٦	ارحموا ثلاثة
٢١	ارحنايا بلال
١٣٨	الارض من فضة و الجنة من ذهب
٢٢١	ارقاءكم ارقاءكم اطعموهم مما تأكلون
٥٢	الارواح جنود مجنده

فهرست احاديث

۱۸۸	استفت قلبك
۳	استعينوا على اموركم بالکتمان
۳	استعينوا على انتاج الحوائج
۱۳۹	استغفر الله في اليوم سبعين مرة
۹۷	اشتدى ازمة تنفر جي
۱۶	اشدكم املككم لنفسه
۱۰۷	اشد الناس بلائ الانبياء
۲۱۳	اشكر الناس لله اشكرهم للناس
۲۱۳	اشكركم لله
۲۱۳	اشكركم للناس
۱۷۸	اصحابه كاما على رؤوسهم الطير
۳۵ - ۱۹	اصحابي كالنجوم
۲۷	اضمنوا لى ستا
۱۲۴	اظت السماء و حق لها ان تثط
۲۲۱	اطعموهم مما تأكلون
۵۴ - ۵۳	اطفا نورك نارى
۲۰	اطلبوا الخير
۱۶۸	اطلبوا الرزق فى خبايا الارض
۶۳	اعجبوا لهذا الانسان ينظر بشحم
۹۳	اعدت لعبادى الصالحين ما لا عين رأت
۹	اعدى عدوك نفسك
۱۰۶ - ۲	اعرفوا الله بالله
۱۰	اعقلها و توكل

فهرست احاديث

١٨٤ - ٧٩	اعملوا فكل ميسر لما خلق له
١٠٥	افتقرت اليهود على احدى وسبعين فرقه
١٥	افضل الجهاد من جاهد نفسه
١٦٠	افضل الصدقه جهد المقل
١٠٣	اكثر اهل الجنة البله
٩٤	اكثروا من غراس الجنة
١٠٣	الا اخبركم باهل الجنة
١٦	الا ادلكم على اشدكم
١٠٤	الا ان اولياء الله لا يموتون
٧٣	الا ان الايمان يمان
٩٠	الا كللكم راع
١٣٠	الحفنى بالرفيق الاعلى
٤٨	الم تروا الانسان اذا مات شخص بصره
١٨	الله اغير
٩	الله الله فى الجهاد للانفس
١٣٢	اللهم اجرنى من النار
١٢٧	اللهم ارحنى رائحة الجنة
٢٠٦	اللهم ارزقنى عينين هطالتين
١١٦	اللهم ارنا الحق
٤٥	اللهم ارنا الاشياء كما هى
٤٥	اللهم ارنى الدنيا كما تربها
١٣٠	اللهم اغفرلى وارحمنى
٣٣	اللهم انك عفو تحب العفو

فهرست احاديث

٢	اللهم انى اعوذ برضاك من سخطك
٦٠	اللهم اهد قومي
١٤٧	اللهم جنبني الشيطان
١٧٣	اللهم ردّ علىّ علىّ الشمس
١٥١	الهي اين اطلبك قال عند المنكسرة قلوبهم
١١٥	اما ان ربك يحب الحمد
١٦	اما النار فلا تمتلىء
١٤٩	امرت ان اتجاوز فى القول
٦٦	انا اولى بكل مؤمن من نفسه
٣٢	انا اولى الناس بعيسى
٩٥	الاناة من الله والعجلة من الشيطان
١١٠	انا سيد ولد آدم
٣٧	انا مدينة العلم
٩١	انا مع عبدى حين يذكرنى
٨٤	انزل القرآن على سبعة احرف
٦٢	الانسان سرى و انا سره
١٥	انصرفت من الجهاد الاصغر الى الجهاد الاكبر
١٢٠ - ٣٨	انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم
٧٠	انا معاشر الانبياء تنام اعيننا
١٠٢	ان آدم لمنجدل فى طينة
٩٢	ان ابن آدم لحريص على ما منع
٤١	ان احدكم مرآة اخيه
١٥٠	ان الاحمق ليصيب بحمقه

فهرست احاديث

١٥٨	ان الاسلام بدأ
١٣ - ٧٤	ان الله اذا اراد انفاذ امر
١٨٩	ان الله تبارك و تعالى لم يكتب علينا الرهبانية
١١٣	ان الله تعالى اصطفى من ولد ابراهيم
٤٧	ان الله انزل الداء و الدواء
٦	ان الله تعالى خلق خلقه في ظلمة
١٨	ان الله تعالى غيور
٢٦	ان الله تعالى لما خلق الخلق كتب بيده على نفسه
١٢٨	ان الله تعالى ليملي للظالم
٥٤	ان الله تعالى يجرب عبده بالبلاء
٢٠٥	ان الله تعالى يسهل حتى اذا كان ثلث الليل
١٠٨	ان الله تعالى يحمي عبده المؤمن
٤٢	ان الله جميل يحب الجمال
٧٢	ان الله حرم من المسلم
٤٧	ان الله حيث خلق الداء
١١٤ - ٢١٣	ان الله خلق آدم على صورته
١٦٨	ان الله خلق العقل فقال له اقبل
١١٤	ان الله خلق للجنة اهلا
١١٨	ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة
٥٩	ان الله لا ينظر الى صوركم
١٨٦	ان الله لم يبعثنى بالرهبانية
٤	ان الله ليغضب اذا مدح القاسق
٩١	ان الله يحب الابرار

فهرست احاديث

١٩٨	ان الله يلقي الحكمة
٤٢	ان امتي امة مرحومة
١٨٦	ان اولي الناس بالانبياء اعلمهم
٢٠٢	ان اول ما خلق الله العقل
١٢٨	ان بالمغرب باباً مفتوحاً للتوبة
٥٠	ان بين الله و بين خلقه سبعين الف حجاب
١٢١	ان الدنيا و الآخرة عدوان متفاوتان
٢٠٨	ان الرجل ليدرك بحسن خلقه درجة القائم بالليل
٣٨	ان الرجل ليزن ذنباً يدخل به الجنة
٢٠٧	ان الرجل ليعمل الزمن الطويل بعمل اهل النار
٢٠٧	ان الرجل ليعمل عمل اهل الجنة
٢٦	ان رحمتي تغلب غضبي
٤٨	ان الروح اذا عرج به يشخص البصر
٤٨	ان الروح اذا قبض تبعه البصر
٢٢٢	ان السيف مجاء الخطايا
١٩١	ان الشيطان ذئب الانسان
٢٢٣	ان العبد ليدعو و يقول الله
١٥١	ان العين لتدخل الرجل القبر
١٧	ان الغالب لهواه اشد من النوى يفتح المدينة
٨٨	ان الغضب من الشيطان
٩٤	ان في الجنة ما لا عين رأت
٨٣	ان للقرآن ظهراً و بطناً
٦	ان قلوب بني آدم كلها بين اصبعين

فهرست احاديث

٦	ان قلوب بنى آدم كلها بين اصبعين
٦٦	انكم تنهافتون على النار
١٦٤	انكم تموتون كما تنامون
١٨٦	انكم سترون ربكم
٢٠	ان لربكم فى ايام دهر كم نفعات
٩٥	ان للشيطان لمة بابن آدم
١٢٩	ان لكم ان تحيوا فلا تموتوا
١٧٦	ان للمنافقين علامات
١٨٠	ان لله تبارك و تعالى شراياً
٢٤	ان لله خلقاً يعرفون الناس بالتوسم
٥١	ان لله سبعاً و سبعين حجاباً
١٤٢ - ٥٠	ان لله سبعين الف حجاب
١٠٥	ان لله عبداً ليسوا بأنبياء لكن يغبطهم النبيون
١٨٣	ان لله مائة رحمة
٧٧	ان لم تعلم من اين جئت
٨٤	انما انا لكم مثل الوالد
٥٨	انما خلقت الخلق ليربحوا
٨٠	انما سمى القلب من تقلبه
١٦	انما الصرعة الذى يملك نفسه
١٤٠	انما القبر روضة
٢١٧	انما مثل الذى يتصدق بصدقة ثم يعود
٧٠	انما يبعث الناس على نياتهم
١٥٠	انما يداق الله العباد على قدر ما آتاهم من العقول

فهرست احاديث

- ٧ انما يدخل الجنة من يرجوها
- ٧ انما يرحم الله من عباده الرحماء
- ١٦٨ ان مفاتيح الرزق متوجهة نحو العرش
- ١٤٩ ان مع الدجال اذا خرج ماء و ناراً
- ٩٩ ان من البيان لسحراً
- ٩٩ ان من الشعر لحكمة
- ٥٣ ان المؤمن اذا وضع قدمه على الصراط تقول النار جزيامؤمن
- ٥٠ ان الناس لم يعطوا شيئاً خيراً من خلق حسن
- ٧٢ انه (اي عثمان بن عفان) دعا بانياً فافرغ على كفيه ثلاث مرات
- ٨٤ ان هذا القرآن مأدبة الله
- ٨٠ ان هذا القلب كريشة بفلاة
- ١١٤ ان هذا المال خضر حلو
- ٣٣ ان هذه الامة مرحومة
- ١٣٩ انه ليغان على قلبي حتى استغفر الله
- ٧ انه من لا يرحم لا يرحم
- ٣٦ اني ايت يطعنني ربي
- ٧٣ اني لاجد نفس الرحمن من جانب اليمن
- ١٣٨ اني لاستغفر الله واتوب اليه في اليوم سبعين مرة
- ١٢٦ اني لم اوامر ان انقب على قلوب الناس
- ٨٦ اول رأى العاقل آخر رأى الجاهل
- ٢٠٢ اول ما خلق الله العقل
- ١١٣ اول ما خلق الله نوري
- ١٠٤ اولياء الله لا يموتون

فهرست احاديث

٨٥ - ٥٢	اوليائي تحت قبابي
٧٥	اهل الكفور هم اهل القبور
٧٣	الايمان يمان
٨	اين انت من صلاة الملائكة
٢١٢ - ٦٥ - ٤٣	اياكم وخضراء الدمن
١٦٩	اياكم و الطمع
٤٩	اياكم و اللو
١٥٦	اياكم و مجالسة الموتى
١٢٠	ايها الدام للدنيا
١٥٨	بدأ الاسلام غريباً
١٨٢	برو آباءكم تبركم ابناؤكم
١١٨	بعثت انا و الساعة كهاتين
١٩١	بعثت بين يدي الساعة بالسيف
٦٤	بعثت داعياً و معلماً
١١٨	بعثت في نسم الساعة
٥٤	البلاء للولاء
٢٠٤	بلغوا عني و لو آية
٢	بم عرفت ربك
١١٠	بينهما (اى بين السماء والارض) مسيرة خمسمائة سنة
٩٠	التاجر الجبان محروم
١٦٧	التائب من الذنب كمن لا ذنب له
١٤٥ - ٩٥	التأني من الله
٦٣	تبارك من خلقك فجعلك تنظر بشحم
١٣٥	التجا في عن دار الغرور

فهرست احاديث

٨٥	التحيات لله
٤٧	تداووا عباد الله
١٠	تذكر قبل الورد الصدر
١٢١	تحفة المؤمن الموت
١٤٢	تفكروا في خلق الله
٧٣	تفوح روائح الجنة من قبل قرن
٥٢	تقول النار للمؤمن جزيا مؤمن
٥١	تكلموا تعرفوا
٧٠ - ١٠٢	تنام عيناي و لا ينام قلبي
٩٧	التنفس في الرئة
٢١	توقوا البرد في اوله
٧٥	توكلوا على و اطلبوا الرزق مني
١٥٦	ثلاثة يرحمون
١٥٤	ثلاث مهلكات
١٣٣	ثم يقوم نبيكم رابعا فلا يشفع احد
٢١٢	الجار ثم الدار
٧٨	جد فينا
١١٩	جذبة من جذبات الحق توازي عمل الثقلين
٥٣	جز يا مؤمن
٦٩	جعلت لي الارض مسجداً و طهوراً
١١٣	جعلت معصية ابن آدم سبباً لعمارة
٣٨	جف القلم بما انت لاق (بما هو كائن)
٤	الجلس الصالح خير من الوحدة
٣١	الجماعة رحمة

فهرست احاديث

١٥٧	الجنة تحت اقدام الامهات
١١٨	جواب الاحمق سكوت
١٤٨	الجوع طعام الحق
١١٦	حاسبوا اعمالكم قبل ان تحاسبوا
٦٨	حب الى من دنياكم ثلاث
٦٨	حب الى النساء و الطيب
٢٥	حبك الشئى، يعنى ويصم
١٢٦ - ٩٧	حب الوطن من الايمان
٥١	حقف الرجل مغبوء تحت لسانه
٢٠٤	حد نواعن بنى اسرائيل و لا حرج
١٠	الحذر لا يغنى من القدر
٨٧	الحرب خدعة
٧٢	حرمة مال المسلم كحرمة دمه
١٠٣ - ٧٥	الحزم سوء الظن
٦٥	حسنات الابرار سيئات المقربين
٣١٨	حصنوا اموالكم بالزكاة
١٧٧	حفظ الغلام الصغير كالنقش فى الحجر
٥٩	حفت الجنة بالمكاره
٥٧	الحكمة ضالة المؤمن
٣٠	الحمية رأس الدواء
٥٤	الحياء من الايمان
٥٤	الحياء يمنع من الايمان
٤٣	خذ الحكمة انى كانت
١١٥	خلق الله آدم على صورته

فهرست احاديث

۱۱۴ - ۱۱۳	خلقت من نور الله
۷۲ - ۲۲ - ۱۰	الخلق كلهم عيال الله
۱۹۸	خمر طينة آدم
۱	خمس بخمس
۶۹	خير الامور اوساطها
۲۴	خيركم خيركم لاهله
۵۰	خير ما اعطى الرجل المؤمن خلق حسن
۴۹	خير ما اعطى الناس خلق حسن
۴۹	خير الناس احسنهم خلقاً
۱۹۰	خير الناس انفعهم
۱۴۴	دارهم ما دمت في دارهم
۲۱۸	داووا مرضاكم بالصدقه
۱۵۰	دعامة المؤمن عقله
۶۵	دع ما يريبك الى ما لا يريبك
۳۵	دعوة في السر تعدل سبعين دعوة
۲۱۶	الدنيا جيفة
۲۰۴	الدنيا حرام على اهل الاخره
۸۱	الدنيا حلم
۱۳	الدنيا ساعة
۱۱	الدنيا سجن المؤمن
۱۴۱	الدنيا كحلم النائم
۱۱	الدنيا لا تصفول مؤمن
۱۱۲	الدنيا مزرعة الاخرة
۴۷	دواء الذنوب الاستغفار

فهرست احاديث

٩٨	الدين النصيحة
٢٠٣	ذوقى ونار جهنم اشد حرا
٥٥	ذهاب البصر مغفرة للذنوب
٦٠	رب اغفر لقومى
٣	رب ساعٍ فى ما يضره
٩٦ - ١٠٦	رب سلم
٤٣	ربما اخرت عنك الاجابة
١١	رب مرتاح الى بلد
٩٧	الرحمة فى الكبد
٢٦	رحمتى سبقت غضبى
١٥٣	رد رسول الله على عثمان بن مظعون التبتل
١٦٩	الرزق يطلب العبد
٢١٠	زر غباً
٢١٠	زكاة الجاه اغانة للهفان
٥٩	زملوهم بدمائهم
٧٦	سافروا تصحوا و تغنموا
١٩	سألت ربي فيما تختلف فيه اصحابى
١٧٧	سألوه عن الساعه متى الساعة
٨	سبحان الله و بحمده
٢٦ - ١٥٢	سبقت رحمتى غضبى
٥٣	السخاء شجرة من اشجار الجنة
٣٥	السعيد من سعد فى بطن امه
٦٧	السعيد من وعظ بغيره
١٧	السلام قبل الكلام

فهرست احاديث

٢١٧	السماح رباح
٨٩	سوء القضا
٦٠	سيخرج ناس من النار قد احترقوا
٣٠	شاوروهـن وخالفوهـن
٩٨	الشجاع يعرف عند الحرب
٩٦	شعار المسلمين اللهم سلم سلم
٨٢	شفاعتى لاهل الكبائر من امتى
٣٥	الشقى من شقى فى بطن امه
٥٦	الشمس و القمر نوران
٨٢	الشيخ فى بيته كالنبي فى قومه
١٠	الصبر من اسباب الظفر
٢٠٨	الصدقة تمنع سبعين نوعاً من البلاء
١٢٣	صديق كل امرئ عقله
٩٤	الصوم يدق المصير
٢٠٦	الضيافة على اهل الوبر
١٦٨	طلب الحلال واجب
٢٠٩	طلب العلم فريضة
١٣٢ - ٩٧	طوبى لمن ذل نفسه
٢٠ - ١٩	طوبى لمن رآنى
١٠٩	طوبى لمن شغله عيبه
١٧٠	طوبى لمن كان عقله ذكراً
٢١٨	العارية مؤداة

فهرست احاديث

٢١٧	العائد في صدقته كالعائد في قيئه
٢١٧	العائد في هبته كالكلب يقيء
١٧١	العباد ثلاثة
١٥٦	العبد مع من احب
٥١	عبر رسول الله حتى انتهى الى الحجب
٣٩	عجبا لسعد و ابن عمر يزعمان اني احارب على الدنيا
٧٧	عجبت لمن انكر النشأة الآخرة
١٠٣	عجب ربنا من قوم يقادون الى الجنة
٦٤	عجلوا الصلاة
١٤٥ - ٩٥	العجلة من الشيطان
٦١	العدو العاقل و لا الصديق الجاهل
٦١	عداوة العاقل و لا صحبة المجنون
٥٢	عرفت الله بفسخ العزائم
١١٣	العز ازاره
٩٣	العصمة ان لا تجد
٩٧	العقل في القلب
١٧٨	العقل ما عبد به الرحمن
١٧٧	العلم في الصغر
٢١٧	عليك باول السوم
١٩٠	عليكم بالجهاد فانه رهبانية امتي
٢٢٥	عليكم بدين العجائز
٧٥	عليكم بالمدن و لوجارت
٤٦	على اليد ما اخذت حتى تؤديه
٢٧	غضوا ابصاركم

فهرست احاديث

١٩١	الفرار مما لا يطاق من سنن المرسلين
١٤٨	فضلت على آدم بخصلتين
٦٩	فضلت على الانبياء بست
٢٣	الفقر فخري
٩٣	الفقر قيد المجرمين
٦٥	القاضي جاهل بين عالين
٧٩	قالت الملائكة يوماً ربنا هل خلقت خلقاً اعظم من العرش
٧٣	قتال المؤمن كفر
١٩٥	قد افلح بلال
١٧٥	القدرية مجوس هذه الامة
١٤٧	قضى بينكما ولد
١٤	قد متم من الجهاد الاصغر
٦٨	قرة عيني في الصلاة
٥٤	قرنت الهيبة بالخيبة
٢٠٦	القسام في النار
٦٢	القلب بيت الرب
٦	قل كل يوم حين تصبح اللهم لبيك و سعديك
٢٢	القناعة كنز لا يفنى
١٥٠	قوام المرء عقله
٤٥	كاد الحسد ان يغلب القدر
٤٥	كاد الفقر ان يكون كفراً
١٤٥	الكافر يأكل في سبعة امعاء
٧١	كان اذا تكلم بكلمه اعادها ثلاثاً

فهرست احادیث

۷۱	كان اذا دعا دعا ثلاثا
۵	كان اصحاب النبي ﷺ يسألونه
۱۵۱	كانت العين في بني اسد
۱۸۸	كان ثوبان يقع سوطه
۷۱	كان رسول الله ﷺ اذا خوطب في شيء ثلاثا لم يراجع بعد ثلاث
۱۴۸	كان شيطان آدم كافرا
۱۴۸	كان شيطاني كافرا فاعانني الله عليه
۸۹	كان رسول الله ﷺ يستعيز من هؤلاء الثلاث
۱۴۹	كان من خلق الجواز
۷۱	كان النبي ﷺ يعجبه ان يدعو ثلاثا
۴۹	كان يركب الحمار عربيا
۲۰۰	كان يستفتح ويستنصر بصعاليك المسلمين
۷۱	كان يعيد الكلمة ثلاثا
۷۱	كان يوتر بثلاث
۲۱	كان يوسف حسنا ولكنني املح
۱۷۸	كانما على رؤوسهم
۱۲۵	الكبر الكبر
۱۲۵	كبروا الكبر
۱۳۳	الكبرياء ردائي
۲۶	كتب ربكم على نفسه بيده
۶۵	الكذب ريبة
۱۸۱	الكریم ابن الکریم
۸۸	كل امتي معافي الا المجاهر
۸۴	كل شيء قطع من الحي فهو ميت

فهرست احاديث

٧٩	كل عاملٍ ميسرٍ لعمله
١٥٣	كل عمل ابن آدم له الا الصيام
٨٧	كل الكذب يكتب على ابن آدم الا ثلاث
٩٩	كلكم داعٍ
١٤٢	كل ما ميزتموه باوهامكم
١٨٤ - ٧٩	كل ميسر لما خلق له
٢٣ - ٢٠	كلميني يا حميرا
٧٦	كما ان الآتية تمتحن باطنانها
١٧٦	كما تدين تدان
٧٦	كما تعرف اوابى الفخار بامتحانها باصواتها
١٨	كما تعيشون تموتون
١٧٦	كما لا يجتنى من الشوك العنب
١٤٩	كنت ابائع الناس
١١١	كنت اول النبيين فى الخلق
٢٩	كنت كنزاً محفياً
١٠٢	كنت نبياً و آدم بين الروح و الجسد
٨٦	الكيس من دان نفسه
١١٥ - ١٨	لا احد اغير من الله
٢٠٣	لا اعرفن احدكم جيفة ليلٍ
١٥٦	لا تجالسوا الموتى
١٠	لا تدع طلب الرزق من حله
١٢٩	لا تزال التوبة مقبولة
١٦	لا تزال جهنم تقول هل من مزيد

فهرست احاديث

٩٣	لا تسبوا الديك فانه يوقظ
١٠٨	لا تسبها (الحمى) فانه تنقى الذنوب
٧٥	لا تسكن الكفور
٩٢	لا تسمه عزيزاً
٩٨	لا تعرف ثلاثة الا عند ثلاثة
١١٥	لا تقبحوا الوجه
١٢	لا تمارضوا فتمرضوا
٧٥	لا تنزلوا الكفور فانها بمنزلة القبور
١٨٩	لا رهبانية ولا تبتل في الاسلام
٥	لا صلاة الا بحضور القلب
٩٠	لا صلاة لمن لا وضوء له
٩	لا عدو اعدى على المرء من نفسه
٩٣ - ٩٤	لا عين رات
١٥٧	لا لزمه صحبة الاضداد
١٨٧	لا يبقى بر ولا فاجر الا دخلها
٧	لا يرحم الله من لا يرحم الناس
٨٥	لا يزول قدم ابن آدم حتى يسأل عن عمره
٢٦	لا يسعني ارضي ولا سمائي
١٠	لا يغني حذر من قدر
٩	لا يلدغ المؤمن
٢٢٢	لا يمر السيف بذنوب الامحاء
١٠٣	لا ينبغي لاحد ان يقول انا خير من يونس
٥	لا ينظر الله الى صلاة
٢٠٠	لا يؤمن احدكم حتى يحب لاخيه ما يحب لنفسه

فهرست احاديث

١٢٨	للتوبة باب بالمغرب
١٢٩	للجنة ثمانية ابواب
٨٠	لقلب ابن آدم اشد انقلاباً من القدر
٤٧	لكل داء دواء
١٥٠	لكل شيء دعامة
٣٢	لله تعالى كل لحظة ثلاثة عساكر
٥٠	لله دون العرش سبعون حجاباً
١٤٣	لما بلغ سدره المنتهى فاتته الى الحجب
٣٦	لما خلق الله الارض جعلت تميد
٢٦	لم يسعني ارضي ولا سمائي
٤٦	لم يكن مؤمن ولا يكون الى يوم القيامة الا وله جار يؤذيه
١٩٤ - ٩٦	لن يلج ملكوت السموات من لم يولد مرتين
٩	لن ينفع حذر من قدر
١٥٣	لو اذن فيه لاختصينا
١٩٧	لوازداد يقيناً لمشي على الهواء
١٧٠	لو ان ابن آدم هرب من رزقه
١٦٩	لو انكم توكلتم على الله حق التوكل لرزقكم
٦١	لو تعلمون ما اعلم لبكيتم
٢١٦	لو تعلمون ما اتمم لاقون بعد الموت
٤٠	لو تمنوه يوم قال لهم ذلك
٢٠١	لو كانت الدنيا تعدل عند الله جناح بعوضة
٦٩	لو كانت الدنيا دماً عيطاً
٤٦	لو كان المؤمن على قصبة في البحر
٤٦	لو كان المؤمن في جحر ضب

فهرست احاديث

١١٣	لولا الحمقى لخربت الدنيا
٢٠٣ - ١٧٢	لولاك لما خلقت الافلاك
١٧٢	لولا محمد ما خلقت الدنيا
٨٣	ليدخلن الجنة بشفاعه رجل
١١٥	ليس احد احب اليه المدح من الله
٢٠٨ - ١٠٩	ليس الخبر كالمعينة
١٥	ليس الشديد بالصرعة
١٨٤	ليس شيء خير من الف مثله الا الانسان المؤمن
١٣٦ - ١٠٠	ليس الغنى عن كثرة العرض
١٤٨	ليس منكم من احد الا وقد وكل به قرينه من الشيطان
٣٩	لى مع الله وقت
١٤٦	لينقلب كل رجل بضيغه
٨٤	ما ابين من الحي فهو ميت
٥٨	ما احل الله شيئاً ابغض اليه من الطلاق
٩٣	ما اخاف عليكم الفقر
١١٨	ما ارضى المؤمن ربه بمثل الحلم
٢٥	ما افقر من ادم بيت فيه خل
١٨٥	ما انتقم رسول الله لنفسه من شيء
٤٧	ما انزل الله داء الا انزل له شفاء
٢١٥	ما بعث الله نبياً الا رعى الغنم
١٤٢	ما توهتم من شيء فتوهموا الله غيره
١	ما حبس قوم الزكاة
١٠٥	ما دمت في صلاة فانت تفرع باب الملك

فهرست احاديث

- ١٩٩ ما رأيت في الخير والشر كالיום
 ١٢٧ ما رأيت مثل النار نام هاربها
 ١٧٤ ماشاء الله كان
 ٩٦ ما شبهت خروج المؤمن من الدنيا الا مثل خروج الصبي
 ١٥٢ ما ضاق مجلس بمتحابين
 ١٧١ ما عبدتك خوفاً من نارك
 ١٥٤ ما على الارض نفس تموت و لها عند الله خير
 ٢٠١ ما قدر الدنيا كلها تعدل عندهم جناح بعوضة
 ٨٤ ما قطع من البهيمة و هى حية فهى ميتة
 ٢٥٢ المال حية
 ١٥٤ ما من احد يموت الا ندم
 ٨٣ ما من اهل بيت يدخل واحد منهم الجنة الا
 ٤٧ ما من داء الا و له دواء
 ١٦٢ ما من قطرة احب الى الله من قطرة دمع
 ١ ما منع قوم الزكاة الا ابتلاهم بالسنين
 ١٠٨ ما من مصيبة تصيب المسلم الا كفر الله بها عنه
 ١١٠ ما من نبي من ولد آدم الى محمد الا وهم تحت لواء محمد
 ٢٢ ما من يوم يصبح العباد فيه الا ملكان
 ٢١٨ ما نقصت صدقة من مال
 ١٠٨ ما يصيب المسلم من نصب
 ١١٧ متى الساعة
 ٢٨ مثل الامام كمثل عين عظيمة
 ١١١ مثل اهل بيتي كمثل سفينة نوح

فهرست احاديث

٢٢٢	مثل البطن مثل المزهر
١٢٠	مثل الدنيا والآخرة كمثلي ضربتين
٨٠	مثل القلب كمثلي ريشة
٣١٧	مثل الذي يتصدق بصدقة ثم يعود
١٧٧	مثل الذي يتعلم في صغره كالنقش في الحجر
١٣٧	مثل المؤمنين في توادهم
٢٢٢	مثل المؤمن كمثلي المزمار
١٥٩	مثل المؤمن و مثل الاجل مثل رجل له ثلاثة اخلاء
٦٦	مثلي و مثلكم كمثلي رجل اوقد ناراً
١٥	مرحبا بقوم قضيوا الجهاد الاصغر
٥٧	مرضت فلم تعدني
١٦	المجاهد من جاهد نفسه في الله
١٦	المجاهد من جاهد هواه
٥٣	المخلصون على خطر عظيم
١٥٥	المرء مع من احب
١٢	المستشار مؤتمن
١٩٦	المضمة والاستنشق سنة
٢٢	ملك انزلان
٢٨	الملك كالنهر العظيم
١٨٥	من آذاني في اهل بيتي فقد آذني الله
٦٧	من اتقى الله كل لسانه
٤	من احبك لشيء ملك عند انقضائه
١٣٤	من احبني قتلته

فهرست احاديث

٦	من احيا سنة من سنتي
١٩٦	من اخلص لله اربعين يوماً ظهرت ينابيع الحكمة
١٩٨	من اراد ان يجلس مع الله
١٩٤	من اراد ان ينظر الى شهيد
١٦١	من استطاع منكم الباءة فليتزوج
٣٤	من اشد امتي حياء
٣٧	من اعطى الله و منع الله و احب الله
٥١	من ايقن بالتخلف جاد بالعطية
٩٥	من بايعت ققل لا خلافة
١٧	من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه
١٣٠ - ١٣١	من بشرني بخروج صقر
١٧٦	من تصدق ببعل تمر
٢٢٥	من جاوز الاربعين ولم يغلب خيره شره
١٣٦	من جعل الهموم همماً واحداً كفاه الله
١٤	من حفر لاخيه حفرة
١٢٠	من ذا ينمها
٦٣	من رآني فقد رأى الحق
١٨٢	من زنى زنى يه
٥	من سن في الاسلام سنة حسنة
٨	من صلى على صلاة
٢١٩	من صمت نجا
٢٨	من طلب شيئاً وجد
١٨٥ - ١٨	من عادى ولياً فقد آذنته

فهرست احاديث

١٧٤ - ٦٧	من عرف الله كل لسانه
١٦٧	من عرف نفسه فقد عرف ربه
٢٢٥ - ٩١	من العصمة تعذر المعاصي
١٦٥	من علم أنى ذوقدرة على مغفرة الذنوب غفرت له
١١٧	من قاد اعمى اربعين خطوة وجبت له الجنة
٨	من قال لا اله الا الله
١٧	من قرأ القرآن فكأنما شافهني و شافهته
٢٩	من قرع باباً و لج و لج
١٩	من كان لله كان الله له
٣	من كتم سره حصل امره
٢٢٤	من كنت مولاه فعلىّ مولاه
٤٦	من لا صبر له لا ايمان له
٧٨ - ٧٧	من لم يرض بقضائي
٢١٣	من لم يشكر الناس لم يشكر الله
٣٠	من لم يكن له شيخ فشيخه الشيطان
١٣٦	من نكح المرأة لما لها وجمالها
٤٠	من هدم بنيان الله فهو ملعون
١٢٥	منهم سجد لا يركعون ...
١٢١	منهم ومان لا يشبعان
١٨٨	من يتكفل لى بواحدة و اتكفل له بالجنة
١٠٥	من يقرع باب الملك يفتح له
١٢١	الموت ریحانة المؤمن
١١٦	موتوا قبل ان تموتوا

فهرست احاديث

٤٩	المؤمن القوى خير
٦٧	المؤمن كيس فطن حذر
٢٩٢	المؤمن للمؤمن كالبنیان
٤١	المؤمن مرآة اخيه
٤١	المؤمن مرآة المؤمن
١٤	المؤمن من ينظر بنور الله
٤٣	المؤمنون كرجل واحد
٤٣	المؤمنون كنفس واحدة
١٤٥	المؤمن يأكل فی معی واحد
١٧٩	المؤمن يالف ويؤلف
١٠١	المؤمن يهرب من الدالخصام
٢٠٧	الناس اربعة اقسام منهم من يولد كافراً ويموت مؤمناً
٢٨	الناس على دين ملوكهم
٦٢ - ٦١	الناس معادن
١٤١ - ٨١	الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا
٥٥	الناقص ملعون
٦٧	نحن الاخرون السابقون
١٢٦	نحن نحكم بالظاهر
٨٣	نزل القرآن من سبعة ابواب
١١٢	النظرة سهم مسموم
٢٥	نعم الادام الخل
٤٤	نعمة الجاهل كروضة في مزبلة
١١	نعم العون على تقوى الله الغنى
١١	نعم المال الصالح للرجل الصالح

فهرست احاديث

٥٤	نعم النساء نساء الانصار
٥	النوم اخوالموت
٢٢٠ - ٤٢	نوم على علم خير من صلاة
٤٢	نومالعالم عبادة
٨٦	نهانى عن نقرة القراب
١٣٨	والله انى لاستغفرالله واتوب اليه فى اليوم سبعين مرة
٤١	الوحدة خير من جليس السوء
٣٤	وددت انا رأينا اخواننا
١٠١	وعزتى وجلالى لا اجمع لعبدى امنين ولا خوفين
٤٦	وعليكم بالصبر
١٤٨	والقلم يؤدى الى اللوح
١١١	ولد آدم كلمهم تحت لوائى
١٣٥	الولد سر ابيه
١٦ و ١٥	هل من مزيد
٢٢١	هم اخوانكم جعلهم الله تحت ايديكم
١٢١	هما (اى الدنيا والاخرة) ككفتى الميزان
٢٤	هن يغلبن الكرام ويغلبهن اللثام
١٦٤	هؤلاء فى الجنة ولاأبالى
٢١٠	يا ابا هريرة زرغباً
١٨١	يا ابن آدم خلقتك لاجلى
٥٨	يا ابن آدم لم اخلقك لا ربح عليك
١١٨	يا ابن آدم مرضت فلم تعدنى
١٦٤	يا ابن آدم مهما عبدتنى ورجوتنى
١٠٤	يا اهل الخلود ويا اهل البقاء انكم لم تخلقوا للقاء

فهرست احاديث

٢١	يا بلال ارحنا بالصلاة
٦٠	يا بنى اياك ومصادقة الاحمق
٦٤	يأتى اقوام ابواب الجنة
٧٠	يا عائشة ان عينى تنامان ولا ينام قلبى
٣١	يا على اذا تقرب الناس الى خالقهم
٥٨	يا معاذ ما خلق الله شيئاً على وجه الارض
٣٧	يبعث زيد بن عمرو بن نفيل امةً وحده
١٧	يبعث كل عبد على مامات
١٥٩	يتبع الميت ثلاثة
١٥٠	يتفاضل الناس فى الدنيا بالعقل
١٣٣	يجمع الله الناس فيقوم المؤمنون حين تزلف الجنة
١٥٠	يحاسب الناس على قدر عقولهم
١٣٠	يدخل الجنة من امتى سبعون الفا
١٥	يقال لجهنم هل امتلات ؟
٣	يقدر المقدرون والقضاء يضحك
٥٨	يقول الله تعالى يا ابن آدم لم اخلقك لاربح
٩١	يقول الله عز و جل انا مع عبدى حين يذكرنى
٥٨	يقول الله عز و جل انما خلقت الخلق ليربحوا
٢١٤	يؤتى بالدينيا يوم القيامة فيوقف بين يدى الله
٤	يوشك ان يظهر فيكم شياطين

فهرست اشعار عربی

ولم ار امثال الرجال تفاوتا لدى المجد حتى عد الف بواحد

ص ۱۸۴

و کم من اكلة منعت اخاها بلدة ساعة اكلات دهر

ص ۳

رايت العقل عقليين فمطبوع و مسموع

و لا ينفع مسموع اذا لم يك مطبوع

كما لا ينفع الشمس وضوء العين ممنوع

ص ۱۲۴

و کم من طالب يسعى لشيء وفيه هلاكه لو كان يدري

ص ۳

والناس الف منهم كواحد و واحد كالالف ان امرغنى

ص ۱۸۴

اسماء رجال ونساء

«الف»

١٦٩	آبى (ابوسعبد)
٢١٣-١٩٨-١٩٨-١٤٨-١٣٣-١٠٢-٤	آدم (ابوالبشر)
٢٠٢	آسيه
٢١٠-٤١	اباذر
٢١٩	ابا يزيد
٢٠٣-١٨٧-١٨٦-١٣٨-١٣٤-١٢٣-١١٣	ابراهيم ، النبى
١٥٨-١١٢-٦٤-٤	ابليس
٩٢	ابن ابي الحديد
١٩٤	ابن ابي قحافه
١٦٧-٢٩	ابن تيميه
١١٦	ابن حجر
٣٩ ٤٨	ابن الدحداح
١٢	ابن الريمع
٦٣	ابن سمالك
١٩٥	ابن عباس
١٧٢	ابن عساكر
٩٩-٣٩-٨	ابن عمر
١٩٣-٢٧-٢٦	ابوبكر صديق
٢	ابوالحسن نورى

اسماء رجال ونساء

۱۴	ابو الدرداء
	ابو جعفر، رك امام محمد باقر (ع)
۲۷	ابو جهل
	ابو سعد آبی، رك آبی
۶۵	ابو سعید خراز
۴۸	ابو سلمه
۲۲۲	ابو طالب محمد بن علی بن عطیة مکی
۱۸۴	ابو عبادة بختری
۵۵	ابو عبدالله انطاکی
	ابو (ابی) عبدالله، رك جعفر بن محمد الصادق (ع)
۱۱۹	ابو القاسم ابراهیم بن محمد نصر آبادی
	ابو القاسم جنید بغدادی، رك جنید بغدادی
۱۸۹	ابو قلابه
۲۸	ابو مسلم خولانی
۸۸-۳۵	ابو نصر سراج
۲۱۵-۲۱۰-۸۷-۶۹-۳۸-۳۳-۷	ابو هریره
-۱۲۲-۱۱۹-۱۱۵-۷۸-۶۸-۲۶-۱۲	احمد (رحمته الله)
-۱۹۴-۱۹۰-۱۸۹-۱۷۲-۱۶۰-۱۴۳	
۲۱۱-۱۹۸-۱۹۷	
۱۷۸	احمد بن ادريس
۵-۲	احمد بن حنبل
۲۰۳	احمد جام (شیخ)
۵۱	احنف
۱۷۸	اسامة بن شریک

اسماء رجال ونساء

۱۴۸	اسرافیل
۱۱۳	اسماعیل
۱۱۵	اسود بن سریع
۷	اقرع بن حابس
۴۷	اکثم بن صیفی
۴۸	ام سلمه
۷۸-۱۶	انس
۱۱۲	اویس قرنی
	بایزید، رڪ ابایزید
۲۲۶	بدیع الزمان فروزانفر
۱۹۷-۱۹۶-۱۹۵-۱۴۶-۷۳-۲۸-۶	بلال
۱۱۳	بلقیس
۲۴	بهائی (شیخ)
۱۳۸	بیضاوی
۹-۱۰-۱۲-۱۷-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-	پیغامبر ﷺ (پیغمبر ﷺ)
۶۴-۴۷-۴۶-۴۴-۳۸-۳۵-۳۴-۳۳-۳۱-۲۷-۲۵	
۹۱-۸۴-۸۲-۸۱-۷۹-۷۷-۷۶-۷۵-۶۹-۶۷-۶۵	
۱۳۳-۱۲۳-۱۱۵-۱۰۵-۱۰۳-۹۹-۹۸-۹۵	
۱۶۹-۱۶۸-۱۶۶-۱۴۷-۱۴۵-۱۳۸-۱۳۵	
۲۲۴-۲۲۲-۲۰۰-۱۹۲-۱۸۸-۱۸۷	
۳۲	نعلبی
۴۸	جابر بن سمره
۲۱۵-۱۴۱	جابر بن عبدالله
۱۱۹	جامی

اسماء رجال و نساء

جبرئیل	۱۹۵-۱۴۸-۱۴۳-۱۳۴-۱۲۲-۸۱-۲۷-۱۲
	۲۱۹-۲۱۱
جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام)	۱۰-۱۱۰-۱۱۲-۱۱۸-۱۵۰-۱۷۱-۱۷۸ -
	۲۲۳-۲۰۱
جنید بغدادی	۷۸
حاتم	۲۱۴
حافظ ابونعیم اصفهانی	۱۱۱
حذیفه	۵
حسام الدین	۷۱
حسن بن علی بن ایطالب (ع)	۱۱۳
حمیرا	۲۳-۲۰
حوا	۱۰۲
حیدر	۱۸۱
خلیل الله (ع) رك ابراهيم النبی	
خواجه ایوب	۱۱۹-۴۵-۴۰-۳۸-۲۴
خیثمه بن عبدالرحمن بن سبره	۹۲
داود النبی	۲۹
دجال	۱۴۹
زرکشی	۱۳۵-۹۸-۳۰-۲۹
زبد بن ثابت	۱۷۴
زید (بن حارثه)	۳۴
زید بن عمرو بن نفیل	۳۷
رابعه عدویه	۱۷۱

اسماء رجال ونساء

۲۰۱-۱۸۱

رستم

رسول الله (ﷺ)

۳۹-۳۷-۳۶-۳۴-۳۳-۲۱-۱۶-۱۵-۸-۷-۴

۸۷-۸۱-۷۴-۷۲-۷۱-۶۹-۵۵-۵۱-۴۹-۴۸-۴۱

۱۴۷-۱۴۳-۱۲۴-۱۱۷-۱۱۵-۱۱۳-۹۸-۹۳-۹۲

۱۷۴-۱۷۲-۱۶۱-۱۵۷-۱۵۳-۱۵۰-۱۴۹-۱۴۸

۲۲۰-۲۱۷-۱۹۵-۱۹۳-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۵-۱۷۸

۲۲۱

۱۴۲-۱۲۳

رضا (علی بن موسی بن جعفر ع)

۱۱۲

سبکی

۱۴۴-۱۳۵-۱۱۲-۹۸

سغاوی

۳۹

سعد (بن ابی وقاص)

۱۸

سعد (بن عباده)

۶۱

سفیان

۱۵۷-۱۲۳-۱۱۵-۱۶

سليمان النبي

۸۱-۶۹-۵۳

سهل بن عبدالله تستري

۷۳

سيبويه

۱۹۸-۱۱۷-۸۲-۳۰-۲۳-۸-۳

سيوطي

۷۲

شبلې

۲۱۹-۱۷۰-۱۴۷-۱۴۵-۱۱۸-۹۵-۸۸

شیطان

۱۹۱

صدوق

ضياء الحق ، رك حسام الدين

۲۰۳-۱۹۴

طلحة بن عبيد الله

۷۲

عثمان بن عفان

۱۸۹-۱۵۳

عثمان بن مظعون

۲۶۲

اسماء رجال ونساء

٧٨	عامر بن الظرب
١٥١-١٥٠-١١٧-١١٤-٧٠-٥٤-٢٠	عائشه
١١٠	عباس بن عبدالمطلب
١١٨	عبدالله بن سنان
٩٢	عبدالرحمن سبره
١٠٤-٧٢-٥٥-٥٣-٣٠-٣	عبد اللطيف عباسي
١٦١	عزرائيل
٢	عطار (شيخ فريد الدين محمد)
١٣١-١٣٠	عكاشة بن محصن
٣٢-٣١-٢٨-٢٣-٢١-١٥-١٤-١١-٩-٣-٢	علي بن ابيطالب (ع)
٥٨-٥٧-٥٤-٥٢-٥١-٤٦-٤٤-٤٣-٣٩-٣٧	
٨٩-٨٦-٨٥-٨١-٧٧-٧٦-٧٥-٧٣-٦٣-٦٠	
١٢٤-١٢١-١٢٠-١١٨-١٠٥-١٠١-٩٧-٩٢	
١٧٢-١٧١-١٦٧-١٥٦-١٤٧-١٣٨-١٢٥	
٢٢٤-٢٢١-١٧٣-١٨٦	
٢١٦	علي بن الحسين (ع)
١٣٣	عماد الملك
٢٠٢	عمران
٦١-١٨-١٧	عمر (بن خطاب)
١٩٧-١٣٤-١٠٨-٩٦	عيسى النبي
٢٢٢-١١٩-١١٢-٧٧-٣٠-١٥	غزالي
٢٢٥	فرعون
١٥٦	فضيل بن عياض
١٤٧-١٤٢	فيض (ملا محسن)

اسماء رجال ونساء	
۹۸	لقمان
۳۷	مالك بن دينار
۱۲۴	ماوردي
۱۴۷	مجلسي
۱۳۲	مرتضى (عليه السلام)
۲۰۲-۲۰۱-۱۸۷	مريم
۱۹-۲۱-۲۷-۳۵-۱۰۲-۱۱۰-۱۱۱-۱۲۲-	محمد (حضرت رسول اکرم ﷺ)
۱۸۶-۱۷۲-۱۳۴	
۱۵۰-۱۴۲	محمد باقر (ع)
۱۷۸	محمد بن عبد الجبار
۴۴	محمد بن محمود
۳	محمد خان کرمانی (حاج)
۱۲-۱۹-۲۰-۲۱-۲۷-۵۲-۶۱-۶۴-۷۳-	مصطفى (عليه السلام)
۸۶-۱۱۰-۱۲۸-۱۳۳-۱۳۵-۱۴۰-۱۴۲-	
۱۴۳-۱۷۰-۱۸۰-۱۸۱-۱۹۵-۱۹۳-۲۰۰-	
۲۰۷-۲۰۹-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۲۱-	
۱۰۷	مصعب بن سعد
۵۸	معاذ
۱۷۸-۲۴	معاويه
	ملا محسن فيض ، رك فيض
۴۴-۶۲-۷۳-۹۰-۱۲۹-۱۳۳-۱۵۱-	موسى النبى
۱۵۱	موسى الكاظم (ع)
۱۴۷-۲۹-۲۴-۸	مولانا (جلال الدين محمد مولوى)
۱۳۱	ميرداماد

اسماء رجال ونساء

۱۴۸

۵-۹-۱۵-۲۹-۳۰-۳۳-۳۴-۳۹-۴۸-۷۱-

۸۵-۱۰۷-۱۱۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۴۶-۱۴۷

۱۵۵-۱۷۳-۱۷۸-۱۸۵-۱۹۲-۱۹۵-۱۹۷

۲۱۱-۲۱۲-۲۱۵-۲۱۶

۲۹

۸۹-۱۱۱-۱۷۱-۲۰۴

۱۸۸

۱۵۲

۶۱

۹۷

۱۳۷

۴۴

۲۱۹

۱۹۱

۵۵-۶۱-۷۲-۸۶-۸۸-۹۳-۹۴-۱۱۳-۱۱۶

۱۲۳-۱۴۱-۱۵۴-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۱

۲۱-۱۸۱-۱۹۱-۲۱۵

۹۱-۱۰۱-۱۰۲-۱۶۲

میکائیل

نبی (ﷺ)

نجم الدین رازی (دایه)

نوح النبی

وابصه

واحدی

وکیع

وهب

هاروت

همای (جلال الدین)

یزید

یعقوب

یوسف بن احمد مولوی

یوسف (مصری)

یونس بن متی



فهرست اماکن

۱۷۲	حنین
۱۲۲	قرن
۶۲	کعبه
۲۱۵	مکه
۲۱۵	مرالظهران
۱۲۲-۱۲۱-۱۱۲-۷۳	یمن

فهرست اسامی کتب

۲۰-۲۶-۳۰-۳۱-۴۱-۴۵-۵۳-۵۴-۶۵-	اتحاف السادة المتقين
۹۱-۱۱۲-۱۳۵-۱۵۳-۱۵۶-۱۶۱-۲۰۳	
۲۰۶-۲۲۲-۲۲۶	
۲۲۶	احاديث مشنوی
۲-۳-۴-۶-۸-۱۰-۱۱-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶	احياء علوم الدين
۱۸-۲۰-۲۲-۲۵-۲۶-۳۰-۳۱-۳۷-۳۸	
۴۱-۴۲-۴۵-۴۷-۵۲-۵۳-۵۴-۵۹-۶۰-	
۶۶-۶۸-۶۹-۷۱-۷۲-۷۳-۸۰-۸۱-۸۸	
۹۱-۹۳-۹۵-۹۸-۱۰۳-۱۱۲-۱۱۹-۱۲۱	
۱۲۴-۱۲۶-۱۲۷-۱۳۳-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷	
۱۴۵-۱۴۸-۱۵۳-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸	
۱۵۹-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۴-۱۶۷-۱۷۵-۱۸۴	
۱۸۸-۱۹۷-۲۰۳-۲۰۵-۲۰۶-۲۱۸-۲۱۹	
۲۲۱-۲۲۲-۲۲۵	
۱۲۴	ادب الدنيا والدين
۱۵۲	اسباب النزول
۱۳۰	الاستيعاب في معرفة الاصحاب
۱۹۴	اسد الغابة
۱۱۹	اسرار التوحيد
۵۰	اشعة اللمعات
۲-۱۲۳-۱۷۸	اصول کافی

فهرست اسامی کتب

۱۹۱	اکمال الدین
۱۱۸-۳۴	امالی مفید
۱۷۳-۱۶۲-۱۴۷-۱۴۴-۱۴۳-۱۱۴-۲۲	بحار الانوار
۳	البيان والتبيين
۲	تذكرة الاولياء
۱۷۹-۱۶۲-۱۵۷-۱۰۴-۹۶-۵۶-۳۴	تفسير ابو الفتح رازی
۱۵۷-۱۴۸	تفسير امام فخر رازی
۱۴۸-۱۳۸	تفسير بیضاوی
۸۳	تفسير صافی
۱۳۸-۱۳۳-۸۳-۴۰	تفسير طبری
۴۰	تفسير نیشابوری
۴۲-۱۱-۱۰	تلیس ابلیس
۱۶۴	تلخیص البیان
۱۹۴	تمهیدات عین القضاة
- ۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	جامع صغیر
- ۲۴-۲۳-۲۲-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۴	
۳۷-۳۶-۳۵-۳۳-۳۲-۳۱-۲۷-۲۶-۲۵	
۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۳-۴۲-۴۱-۳۸	
۶۱-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۳-۵۲-۵۰	
۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۳-۶۲	
۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۲	
۹۵-۹۴-۹۳-۹۲-۹۰-۸۸-۸۷-۸۴-۸۲	
۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷-۹۶	
۱۱۱-۱۱۰-۱۰۹-۱۰۸-۱۰۷-۱۰۵-۱۰۴	
۱۲۷-۱۲۶-۱۲۱-۱۱۸-۱۱۷-۱۱۵-۱۱۳	

فهرست اسامی کتب

۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۳-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹
 ۱۴۰-۱۴۲-۱۴۵-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۱-۱۵۲
 ۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۶۰
 ۱۶۲-۱۶۵-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۵
 ۱۷۶-۱۷۷-۱۷۹-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۴-۱۸۵
 ۱۸۶-۱۸۸-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۶
 ۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷
 ۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۶-۲۱۷
 ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۴
 ۵۳-۵۴-۵۸-۶۲-۷۵-۱۱۱

۵۴-۵۸-۶۲

۱۷۰-۱۷۱

۱۱-۱۸-۲۰-۲۲-۲۸-۳۱-۷۱-۷۲-۸۰

۱۰۲-۱۰۵-۱۰۷-۱۱۱-۱۱۷-۱۱۸-۱۲۵

۱۲۸-۱۴۵-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۸-۱۵۹

۱۶۷-۱۶۹-۱۷۰-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۶-۲۰۲

۲۰۶-۲۰۸-۲۱۰-۲۱۸-۲۲۰

۱۵۴

۱۴۰

۱۱۱-۱۴۶

۱-۲-۱۷-۱۸-۲۲-۴۰-۴۳-۴۴-۶۳-۶۶-

۷۶-۷۷-۹۸-۱۱۷-۱۵۹-۱۸۶-۲۱۵

۱۶

۱۰-۱۸-۴۶-۷۲-۹۸-۱۳۰

۱۳۱

۱۸۰

حاشیه عبداللطیف عباسی

حاشیه مثنوی چاپ علاءالدوله

حقایق فیض

حلیۃ الاولیاء

خصال صدوق

درة الغواص حریری

دلائل النبوة

ربیع الابرار

رد الدارمی علی بشرالمربسی

رسالة قشیریه

رواشح سماویہ

روضات الجنات

فهرست اسامی کتب

۸۱	زهر الاداب
۲۰۳	سراج السائرین
۱۱۲-۱۱۰-۹۷-۸۳-۷۵-۷۳-۳۰-۲۳	سفینه البحار
۲۰۹-۲۰۱-۱۹۰-۱۷۸-۱۵۱-۱۴۸	
۲۲۳-۲۱۴	
۱۹۴	سیره ابن هشام
۲۰۶-۱۹۱-۱۱۷-۱۱۴-۱۰۸-۱۰۵-۹۶	شرح بحر العلوم
۲۲۲-۲۱۶	
۸۰-۷۷-۶۴-۶۰-۵۵-۵۳-۳۶-۳۵-۲۷	شرح تعرف
۱۷۲-۱۵۱-۱۴۸-۱۴۳-۱۳۵-۱۲۰-۸۱	
۱۹۷-۱۷۴	
۶۷-۶۵-۵۸-۵۵-۵۳-۴۵-۴۰-۳۸-۲۴	شرح خواجه ایوب بر مثنوی
۲۲۲-۲۱۴-۱۰۱-۶۹	
۳۹-۳۸-۳۲-۳۰-۲۸-۲۳-۲۲-۱۴-۱۰	شرح نهج البلاغه
۶۰-۵۸-۵۷-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۴۷-۴۴	
۱۲۰-۹۷-۹۲-۸۶-۸۵-۸۱-۷۷-۷۶-۶۳	
۱۷۹-۱۶۷-۱۵۶-۱۵۰-۱۳۷-۱۲۵-۱۲۱	
۲۲۱-۱۸۶	
رك : المنهج القوى	شرح يوسف بن احمد مولوی بر مثنوی
۱۵-۷-۳۸-۳۶-۳۳-۳۲-۲۲-۱۸-۱۶-۱۵-۷	صحیح بخاری
۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۶-۶۳-۵۴-۵۲-۴۷	
۱۱۸-۱۱۵-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۴-۸۵-۷۹	
۲۰۰-۱۷۶-۱۵۹-۱۴۵-۱۳۸-۱۳۷-۱۲۵	
۲۱۷-۲۱۵	
۲۵-۲۲-۱۸-۱۷-۱۶-۱۳-۹-۷-۶-۲	صحیح مسلم
۴۹-۴۸-۴۷-۴۲-۳۶-۳۴-۳۳-۳۳-۲۶	

فهرست اسامی کتب

۶۹-۶۸-۶۶-۶۳-۶۰-۵۹-۵۷-۵۴-۵۲	
۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۵-۹۴-۸۷-۷۹-۷۱-۷۰	
۱۳۷-۱۳۳-۱۲۵-۱۱۸-۱۱۷-۱۱۵-۱۱۴	
۲۰۰-۱۸۸-۱۵۹-۱۵۸-۱۴۸-۱۴۵-۱۳۹	
۲۲۱-۲۱۷-۲۱۵	
۱۸۰	صحیفة الرضا
۱۸۹	طبقات ابن سعد
۱۵۶-۱۱۲-۲۱-۲۰	طبقات الشافعية
۱۹۸-۲۶	عوارف المعارف سهروردی
۹۷-۶۱-۵۱	عیون الاخبار
۷۵-۵۰	فائق زمخشری
-۱۸۶-۱۸۱-۳۶-۲۰-۱۸-۱۶-۱۱-۷-۶	فتوحات مکیه
۲۲۱-۱۸۸	
۱۴۸-۱۱	فصل الخطاب
۱۲۶-۷۸-۴۳-۳۸	فيه ما فيه
۲۱۴-۱۰۰-۸۴-۸۳-۷۸-۶۶-۱۷-۳	قرآن
۱۴۲-۳۲	قصص الانبياء، ثعلبی
۱۹	کشف الاسرار
۷۸-۵۲	کشف المحجوب هجویری
۱۶-۱۴-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۷-۶-۵-۴-۳-۱	کنوز الحقائق
-۳۳-۳۱-۲۶-۲۵-۲۴-۲۲-۲۱-۱۹-۱۷	
-۴۶-۴۵-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۸-۳۷-۳۵	
-۶۲-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۴۹-۴۸-۴۷	
-۷۵-۷۴-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۷-۶۶-۶۳	
-۹۷-۹۵-۹۳-۹۲-۹۰-۸۴-۸۲-۷۸-۷۶	

فهرست اسامی کتب

۱۱۷-۱۱۵-۱۱۱-۱۰۹-۱۰۷-۱۰۳-۱۰۲

۱۵۲-۱۵۰-۱۴۹-۱۴۲-۱۲۸-۱۲۱-۱۱۸

۱۶۹-۱۶۸-۱۶۷-۱۶۰-۱۵۸-۱۵۷-۱۵۶

۱۸۵-۱۸۴-۱۸۲-۱۷۹-۱۷۷-۱۷۶-۱۷۵

۲۰۴-۲۰۰-۱۹۶-۱۹۲-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۶

۲۱۵-۲۱۳-۲۱۲-۲۱۰-۲۰۹-۲۰۸-۲۰۶

۴۲۴-۲۲۲-۲۲۰-۲۱۸-۲۱۷

۷۷

۹۷-۸۶-۸۲-۶۴-۵۶-۳۷-۲۱-۱۸-۸-۴-۳

۱۸۲-۱۵۶-۱۳۹-۱۳۱-۱۲۹-۱۱۷-۱۰۴

۲۰۲-۱۹۸

۱۱۷-۱۰۴-۹۶-۸۲-۷۵-۷۲-۴۰-۳۸-۳۰

۱۸۸-۳۵

۳۰-۲۹-۲۸-۲۳-۲۱-۱۴-۱۳-۱۲-۹-۸-۴

۱۱۲-۹۸-۹۳-۸۲-۶۵-۶۳-۶۱-۳۹-۳۱

۲۰۶-۱۷۲-۱۶۷-۱۴۴-۱۳۵-۱۳۱-۱۱۶

۲۲۵-۲۲۲-۲۱۰

۹۱-۹۰-۸۹-۷۳-۷۰-۶۲-۵۷-۴۴-۳۸-۳۴

۱۳۲-۱۲۴-۱۲۳-۱۱۶-۱۱۵-۱۰۸-۹۵-۹۲

۱۵۸-۱۵۵-۱۴۵-۱۴۴-۱۴۳-۱۴۰-۱۳۴

۱۸۲-۱۸۰-۱۶۶-۱۶۴-۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰

۲۱۵-۱۹۹-۱۹۷-۱۹۲

۳

۱۸۴-۱۷۴-۱۶۰-۱۴۷-۳-۱

۲۱۲-۱۰۹-۷۸-۷۴

۷۴-۶۷-۵۱-۴۴

کیمیای سعادت

اللالی المصنوعة

لطائف معنوی

اللمع

اللؤلؤ المرصوع

ماخذ قصص وتمثيلات مشنوی

المبین

مشنوی

مجمع الامثال للمیدانی

مجموعة امثال

فهرست اسامی کتب

۲۱۶	محاضرات راغب
۲۴	مخلاة.
۱۹۸-۵۰	مرصادالعباد
-۹۱-۸۶-۸۴-۸۳-۸۲-۷۱-۵۸-۴۲-۳۷	مستدرک حاکم
۱۳۶-۱۳۴-۱۲۹-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۷-۹۶	
۲۰۰-۱۸۷-۱۸۲-۱۷۴-۱۶۰-۱۵۹-۱۴۹	
۲۱۱-۲۰۹-۱۴۷-۱۵-۱۱-۹	مستدرک الوسائل
-۳۲-۲۷-۲۶-۲۵-۲۲-۲۱-۱۸-۶-۵-۲	مسند احمد بن حنبل
۵۷-۵۲-۴۹-۴۸-۴۷-۳۸-۳۶-۳۴-۳۳	
۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۶-۶۵-۶۱-۶۰-۵۹	
۹۱-۸۹-۸۶-۸۵-۸۴-۸۰-۷۹-۷۸-۷۳	
-۱۰۷-۱۰۵-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۰-۹۹-۹۲	
۱۳۰-۱۲۹-۱۲۸-۱۱۸-۱۱۵-۱۱۴-۱۱۳	
۱۵۵-۱۴۹-۱۴۸-۱۴۵-۱۳۸-۱۳۷-۱۳۳	
۱۸۸-۱۸۶-۱۸۵-۱۷۹-۱۷۸-۱۷۴-۱۵۸	
۲۱۹-۲۱۸-۲۰۰-۱۹۹-۱۹۶-۱۹۵-۱۹۱	
۲۲۴-۲۲۲-۲۲۱	
۱۸	معارف بهاء ولد
۱۸۴	مقصورة ابن دريد
۱۸۴	مکتوبات مولانا
۲۹	منارات السائرين
۱۲۴	منهاج اليقين في شرح ادب الدنيا والدين
۸۲-۷۹-۷۳-۷۲-۶۷-۶۴-۶۱-۵۵-۵۰	المنهج القوى
-۱۲۳-۱۲۱-۱۱۶-۱۱۳-۹۴-۹۳-۸۸	
۱۵۴-۱۵۲-۱۵۱-۱۴۱-۱۳۴-۱۳۲-۱۲۷	

فهرست اسامی کتب

۱۶۸-۱۷۰-۱۸۱-۱۸۳-۱۸۷-۱۹۴-۱۹۸

۲۰۶-۲۰۷-۲۱۶-۲۲۲-۲۲۵

۱۶۹

۱۱۹

۵۰-۶۸-۷۵-۷۸-۹۵-۹۷-۱۰۳-۱۱۸

۱۲۵-۱۲۶-۱۳۰-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۹-۱۵۳

۱۶۰-۱۶۴-۱۷۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۵

۲۰۳-۲۰۴-۲۰۶-۲۱۰-۲۱۷-۲۲۱

۳-۵۱-۵۷-۲۲۱

۵۱-۱۲۴-۱۴۲-۱۴۷-۱۵۰-۱۵۳-۱۶۸

۱۷۱-۱۷۲-۲۰۲-۲۰۹-۲۲۳

۱۱۹

نثر الدر

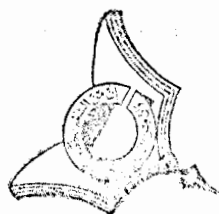
نقحات الاس

نهایة ابن الاثير

نهج البلاغه

وافی فیض

وسائل الشیعه



تاسیس شده
۱۳۷۶
دفتر تخصصی اسناد

